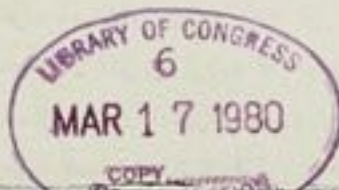


شنبه ۲۰ دلو ۱۳۵۸
۹ فروری ۱۹۸۰

A-P
77-938031

ون



کتابتوز
15521/027lyco

پہلچرخہ یادداشتنا کترین شکندہ گاہ قرن

(صفحہ ۶)



Ketabton.com

جمناسٹیک مدرن و با آنچ
را کہ المپیک فاقد آنست
(صفحہ ۴)

رمز سخنگوی حیوانات
(صفحہ ۶)



مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر-
میدهد بیابای از جانب ببرک کارمل منشی عمومی
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری
دموکراتیک افغانستان عنوانی رهبر جلیل الذکر
ملت برادرمان ایران حضرت آیت الله امام
خمینی به تمنای اعاده صحت جناب شان به
تهران مخابره گردیده است .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر-
میدهد ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای
انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغا-
نستان ساعت ۱۰ قبل از ظهر ۱۴ دلو جلالتماپ
جسکاران سنگه تيجا سفیر کبیر جمهوری هند
راجت ملاقات تعارفی در مقر شورای انقلابی
پذیرفتند .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر-
میدهد اسد الله سروری معاون شورای انقلابی
و معاون صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان
ساعت یازده و پنجاه و پنج دقیقه قبل از ظهر
۱۷ دلو باجلالتماپ جسکاران سنگه تيجا سفیر-
کبیر جمهوری هند در کابل درمقر صدارت
ملاقات تعارفی نمود .

طی این ملاقات روی موضوعات مورد علاقه
بحث و مذاکره صورت گرفت .
انجنیر نظر محمد وزیر فواید عامه ظهر ۱۳
دلو بایک تعداد از آهرین پروژه هاودوایسر
مرکزی ریاست آبرسانی و کانالیزاسیون و ریاست
کوپراتیف تهیه مسکن وزارت فواید عامه
در دفتر تاراش ملاقات و در اطراف پروگرام های
آنوزارت در سکتور آبرسانی و تهیه مسکن
مذاکره کرد .

قرار داد پنجاه و سه پایه ماشین آلات طباعتی
کهک بلاعوض اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
به جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از ظهر
۱۶ دلو در وزارت اطلاعات و کلتور امضا گردید .
قرار داد راز طرف جمهوری دموکراتیک

افغانستان در حالیکه عبداله مجید سر بلند وزیر
اطلاعات و کلتور نیز حاضر بود محمد عوض نبی-
زاده کارگر رئیس عمومی مطابع دولتی و از جانب
اتحاد شوروی یوری سر کیویچ سلویا نوف
نماینده اتحادیه نظامش اکیسپورت آن کشور در
کابل امضاء نموده و اسناد مربوطه را تبادل
کردند .

جمهوریت مردم هنگری چارده پایه ماشین
اکسپرز به صورت بلاعوض به افغانستان کهک
نموده است .
استاد مربوط باین مساعدت را جلالتماپ
دیزوکیش سفیر کبیر جمهوری مردم هنگری
در کابل بعد از ظهر ۱۷ دلو به پوهاند دکتور
محمد ابراهیم عظیم وزیر صحت عامه در دفتر
کارش تفویض نمود که با ابراز تشکر قبول
شد .

محمد خان جلالت وزیر تجارت که در راس
هیاتی برای انجام مذاکرات تجارتی به تاریخ
ده دلو به اتحاد شوروی رفته بود بعد از ظهر
۱۷ دلو به کابل باز گشت .

یورد عالی اصلاحات ارضی بتاسی از بیانیه
مورخ ده دلو ۱۳۵۸ ببرک کارمل منشی عمومی کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس
شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
افغانستان ساعت ده قبل از ظهر ۱۷ دلو تحت
ریاست رئیس توزیع واسکان و معین سرپرست
اداره اصلاحات ارضی تشکیل جلسه داد .

اقتصاد و قایم عهد ملتته

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر
میدهد شاه محمد دوست وزیر امور خارجه
جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت سه بعد
از ظهر ۱۷ دلو جلالتماپ سلندرا کمار سنگه
نماینده خاص حکومت جمهوری هند وادیشنل
سکرتری دروزارت امور خارجه جمهوری هندرا
در حالیکه جلالتماپ جسکاران سنگه تيجا سفیر
کبیر جمهوری هند در کابل نیز حاضر بود
دروزارت امور خارجه ملاقات تعارفی نمود، طی
این ملاقات پیرامون موضوعات مورد علاقه دو
جانب و اوضاع منطقه تبادل افکار بعمل آمد .

دگرمن محمد رفیع وزیر دفاع ملی ساعت
ده قبل از ظهر ۱۷ دلو در دفتر کارش باجلالتماپ
ادوارد راجی سفیر کبیر جمهوری مردم بولند
در کابل ملاقات نمود .
طی این ملاقات پیرامون موضوعات مورد علاقه
بحث و مذاکره بعمل آمد .

پوهنمل گلداد وزیر تحصیلات عالی و مسلکی
ساعت ده قبل از ظهر ۱۷ دلو در دفتر کارش
باجلالتماپ راول گارسیه پلاز سفیر کبیر
جمهوریت کیوبا در کابل ملاقات تعارفی نمود .

انجنیر محمد اسماعیل دانش وزیر معادن
و صنایع بعد از اشتراک در جلسه عمومی انکشاف
صنایع که از طرف ملل متحد در دهلی جدید
دایر شده بود قبل از ظهر ۱۶ دلو به کابل
باز گشت .

در میدان هوایی بین المللی کابل معینان
وزارت معادن و صنایع و نماینده ریاست تشریفات
وزارت امور خارجه از وی استقبال کردند .

سید محمد گلاب زوی وزیر امور داخله بعد از
ظهر ۱۷ دلو در ریاست طرح و ساختمان بناوالی
کابل از ماستر پلان ۲۵ ساله شیر کابسل
دیدن نمود .

یک هیات جمهوری دموکراتیک آلمان بر ریاست
هاینس زکسی معین وزارت تجارت خارجی آن
کشور قبل از ظهر ۱۷ دلو وارد کابل
گردید .

قرار است هیات در مدت اقامتش در افغا-
نستان با مقامات افغانی پیرامون همکاری های
اقتصادی بین جمهوری دموکراتیک افغانستان
و جمهوری دموکراتیک آلمان مذاکراتی انجام
داده و در زمینه موافقتنامه با امضا برساند .

نماینده اتحاد شوروی روز ۱۶ دلو در جلسه
کمیته خلق سلاح در زنیو گنت اتحاد شوروی
جلوگیری از مسابقات تسلیحاتی را عامل عمده
رسیدن به خلق سلاح و مشکلاتی که بشریت
به آن مواجه است تلقی می نماید او گفت هیچ
چیز اتحاد شوروی راز موقوف آتایت اودر مقابل
دیتانت مانع شده نمی تواند .

شورای صلح جهانی سازمان های ملی
بیش از یکصدوسی کشور وابسته به آن تکرانی
عمیق شانرا نسبت به وخامت اوضاع بین المللی
ایراز داشته اند .
این مطلب را، رامش چندرا رئیس شورای
صلح جهانی روز ۱۶ دلو طی کنفرانس مطبوعاتی
در دهلی جدید اظهار کرد .

حکومت امریکا به تیره ساختن اوضاع و از دیاد
موجودیت نظامی خود در حوزه خلیج ادامه میدهد .
هارولد براون وزیر دفاع امریکا در مصاحبه
بامجله یورنیس نیوز اندورلد ریپورت گفته است
آن کشور یونت های نظامی را بوجود آورده
است که به زود ترین فرصت آماده خدمت
شده و در هر منطقه مطلوب از طریق هوا با تمام
وسایل و تجهیزات انتقال داده شده می توانند .

کمیسیون اجرایی اتحادیه یک صد و چهل و یک
کمیته ملی المپیک متفقا علیه تقاضای جیمی
کارتز رئیس جمهور امریکامبنی بر تحریم بازیهای
المپیک در مسکو رای داده است .
اتحادیه از کمیته بین المللی المپیک خواسته
تا از هر گونه اعمال نفوذ خارجی در نهفت
المپیک جلوگیری نماید .

یوریس پانا ماریوف منشی کمیته مرکزی
حزب کمونسنت اتحاد شوروی اظهار داشت که آن
کشور در افغانستان هیچ نوع تمایل غرض
آلود ندارد پاکستان و ایران را تهدید نمی کند
نمی خواهد طوریکه امپریالیست ها ادعای کنند
بر خلیج فارس دست یابد .

رشید الدین خان عضو پارلمان هند و پروفیسر
پوهنتون جواهر لال نهرو در دهلی جدید گفته
است .

دخالت ایالات متحده امریکا در امور
افغانستان جز ستراتیژی امریکا برای تسلط
بر جهان می باشد .
وی طی مصاحبه بی بامجله پانوراما تایید کرد
که مداخله امریکا در افغانستان به اشتراک چین
و پاکستان علت اصلی افزایش تشنج در بحیره
عرب می باشد .

لیونید بریزنوف منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب کمونسنت و صدر هیات رئیسه شوروی عالی
اتحاد شوروی ۱۵ دلو در مسکو گفت در حال
حاضر مردم جهان یک داعیه مشترک دارند و آن
غلبه بر تشنجاتی است که یکبار دیگر روابط
بین المللی را تحت الشعاع قرار داده است .

رئیس حزب پیشرو دنمارک هیا هوپی راکه
به بهانه تحولات افغانستان براه افتاده است
حیله بی برای تخریب دست آورد های تشنج
زدایی بمقصد احیای قضای جنگ سرد دانسته
است .
وی ضمن مصاحبه بانماینده تلویزیون شوروی
یاد آور شد که تحریکاتی قبل از این حوادث گناره
گیری خود را از سیاست دیتانت آغاز نموده و این
همه ثابت می سازد که هدف از جنجال کنونی
تسها پرده انداختن بر منشی تجاوز کارانه
امپریالیزم می باشد .

وی این ادعا عارا که تحولات افغانستان محویا
صلح را تهدید می نماید مستخرم خواند .

سفر بریزنسکی مشاور امنیت ملی کارتر
به پاکستان و گفتگو های او با مقامات اسلام
آباد یکبار دیگر به اثبات رسانید که ایالات
متحده امریکا می خواهد پاکستان را به عامل
اجرای نقشه های تجاوز گرانه خود در منطقه
تبدیل کند .



«اکنون عمده ترین مطلب که در برابر خلق کشور قرار گرفته دفاع از انقلاب در برابر ضدانقلاب داخلی و مداخله گران امپریالیستی است و حزب دموکراتیک خلق افغانستان در پیشاپیش این مبارزه قهرمانانه و شجاع و دلیر قرار دارد.»

«بیرک کارمل»

شنبه ۲۰ دلو ۱۳۵۸ . ۹ فبروری ۱۹۸۰

امپریالیزم امریکانه شمشادها را در پرده انسان دوستی می پوشاند

سیاست همزیستی مسالمت آمیز

• • •

دوباره سودمندی هنر.

• • •

خواهر ناسی جو روی اوتاسی نری.

• • •

پرورش گاه مار.

• • •

رهنمایی برای کسانی که میخواهند

شوهر بگیرند.

• • •

خاطراتی از لندن بلجرجی.

• • •

اسرار جیبیل طلایی.

• • •

به پرمختیایی هیوادو نوکی دفعطسی سره

مبارزه.

• • •

اوبدنیا آمد تا هنر رقص رابه اوج آن رساند.

• • •

تأثیرات نوعیت بازیچه ها بالای انکشاف

روحی اطفال.

• • •

شرح روی جلد:

اثر یقایی وطنپرست «بچرم»

سیاهی رنگ پو ستش دریکی

از زندانهای مرگبار زنژاد پر-

ستان افریقای جنوبی.

• • •

عکس پشتی اخیر:

آهوی زیبای مارکو پولو رابا

میرگنان در پامیر نشان میدهد

که توسط محترم خرمی از ریاست

مگر زندگی تهیه گردیده است

شرح تابلوی متن:

یکی از زنان قهرمان افغانستان را نشان میدهد.

چرا انتقام کشتارها و قتل عامهای

وینامی های بیگناه را از خود امپریالیزم

امریکا نمی جویند؟

و چرا از جنایات امین فاشیست و دارو دسته

جنایتکار آن حتی نامی نمی برند؟

پس واضح است که نزد امپریالیزم امریکا

که خود در راس همه جنایات قرار دارد و

مسئول عام و تام آنست موضوع دفاع از حق و عدالت

مطرح نیست و تنها مطلب «دفاع کردن تنور

است تا نان شاترا در آن بپزد» مهم نیست

که بجای هیزم در آن انسان بسوزد یا هست

و بود منطقه!

ما چنانکه بارها اعلام نموده ایم که خواهان

هماینگی نیک و صلح و ثبات منطقه هستیم

و همانگونه که عدم مداخله رادر امور دیگران

محترم می شماریم به هیچ کس اجازه نخواهیم

داد نادر امور داخلی مداخله نماید.

خلق افغانستان امپریالیزم انگلیس را بعین

دشمن دیرین خویش می شناسد و از زفوتند

های امپریالیزم امریکا با امین خوئریز و بانده

فاسد وی بخوبی آگاه شده اند و حاضر نیستند

تا آزموده بیازمایند.

پس برخلفهای منطقه خصوصا بر خلق

پاکستان است که «پلنگان رادر لباس ملنگان»

با خصلت درنده خویشی آنها بخوبی

شناسند و اجازه ندهند تا اجرا کنندگان

نقشه های شوم امپریالیزم، خاکشان را به

پایگاه نظامی جنایتکاران و محل تلاقی

جنگ طلبان مبدل سازند زیرا عواقب آن

آتش خواهد بود و مصیبت بار!

کرده و میدانند که پشت این دانه ها چه

دامهای وحشتناکی گسترده اند و از خلقهای

منطقه بخصوص خلقهای پاکستان و افغانستان

چه میخواهند؟

آیا بازدیدهای مفرضانه معاون وزیر

دفاع امریکا، مشاور امنیت ملی آقای کارتر،

وزیر خارجه انگلستان و وزیر خارجه چین

از پاکستان و کمک چهار صد میلیون دلاری

امریکا جهت مسلح ساختن پاکستان برای چه

منظوری صورت گرفته است بجز از تهیه و

تدارک نقشه های جنگی، تجاوز بر خاک

افغانستان و به آتش کشیدن منطقه و آیا

آنها بیکه از کمپ های تخریب کساران و

زوریستان دیدن می نمایند و به ملیونهادار

در تجهیز و تریه آنها به مصرف میرسانند

حائم طایبی های عصر خویش اند و یا اغراضی

شوم و مرگباری هم در قبال دارند؟

اگر این عالیجنابان داد از انسان دوستی

میزند پس چرا امپریالیزم امریکا و

صهیونستان اسرائیل را که سرزمین چارملیون

فلسطینی را غصب نموده اند و به کشتارهای

دسته جمعی آنها مبادرت ورزیدند و ادار به

تخلیه نمی سازند و به داد حقوق حقه مردم

فلسطین گوش نمیدهند؟

چرا پنججالبهای جنایتکاران و نژاد پرستان

افریقای جنوبی را از گلولی و ظنبرستان

افریقای دور نمی سازند؟

چرا خونبهای آلیتده و هزاران انسان

بیگناه چیلی را از رژیم جنایتبار بنوچت

نمی خواهند؟

یک دیدسطحی و گذرابر ماهیت امپریالیزم

این واقعیت را باثبات میرساند که امپریالیزم

درنهایت بجز از چپاول و تاراج هستی خلقهای

سراسر جهان به هیچ چیزی دیگری نماندشیده

و نه تنها خود درصدد آن بوده است، که

ثروت های مادی و معنوی مستضعفین جهان را

غارت نماید بلکه با تلافیهای مذبحوحانه

و سرسام آور دربی آست تا از غاصبان،

چپاولگران و همه دشمنان بشریت مفرح جاکه

باشند پشتیبانی نموده و ثبقت های مترقی را

خفه نماید، زیرا این سیستم جهانخور را

اساس بر آست تاهستی خود را درنستی

دیگران بجوید و برای برآورده شدن این

منظور غیر انسانی و ضد بشری اش از هیچ

وسيله ممکن دریغ نوزد و لوبریختن خون

هزاران انسان بی دفاع و بیگناه هم تمام شود.

اما نقطه قابل توجه در اینجاست که

امپریالیزم جنایتکار امریکا که در جهان

کنونی سردمدار این سیستم نارنگر است

و به ماهیت سیستم چپاولگرش موگند خورده

تا از دشمنان انسانیت حمایه و پشتیبانی نماید،

اکنون بشر دوست و نوع پرور شده است

و در غصه باصطلاح «مهاجرین افغانی» خویش

نمی برد! و روی همین منظور در دست گذاری

محافل ارتجاعی پاکستان و نظامیان ملیتاریستی

آن، که بطرف همه مرتجعین و امپریالیستان

بین المللی فراز گردیده تحت نام باصطلاح

کمک به «پناه گزینان افغانی» به صد ها

ملیون دالر میگذارد.

باید اظهار داشت که همه خلقهای جهان

جهان را بنگریم. با دیده بی ژرف
 و او بز کتیف رو یدد های آنرا
 در طول تاریخ و رسی کنیم.
 خاطرات مردم را در طول تاریخ
 ارزیابی نمائیم. بسیار دور نمی
 رویم این نگرش خود را به
 بر رسی واقعات جنگ جهانی دوم
 بعد از آن محدود می سازیم.
 علت انشائی همه جنگ ها و از
 جمله جنگ بین المللی دوم همان
 تضاد منافع مردم و دشمنان مردم
 و تصادم این منافع می باشد که
 بحکم تاریخ نتیجه ای از این تصادم
 بنفع مردم و بضرر دشمنان مردم می
 انجامد.

پس از آنکه امپریالیزم فرزندنا
 خلف و خود سری (فاشیسم) رابه
 جهان نیان تحویل داد و به آن مامور

تا ریخ شناهداست که :

این جنگ تجا و ز کارا نه ای امپری-
 یالیستی تمام شد سیستم یکشوری
 مما لك صلح جوو مترقی به سیستم
 جها نی تبدیل شد. نهضت های
 آزاد ببخش ملی اوج گرفت، طو-
 ماراستعمار کهنه ای امپریالیستی
 واستعماری در م پیچیدوندای
 آزادی خواهانها نه از کرون تا به کرون
 گیتی اوج گرفت و بیچید.
 چون درین جنگ و در اثر نتایج
 آن ضرر به گیچکننده ای به امپری-
 یالیزم وارد آمده بود. برای اینکه
 خود را از تلاشی کلی و نا بسودی
 نجات دهد به تکاپو افتاد و این تکاپو
 جز بکار بردن حیلها و نیرنگ
 هاوچا لبای ها چیز دیگری نبود.
 درین نیرنگ امپریالیزم امریکا
 مامور فعالیت در اروپا و افریقا گردید
 و امپریالیزم کهنه کار انگلیس

نقشه ای این بلای انسانی همین
 طور است.
 امپریالیزم انگلیسی برای پیاده
 کردن نقشه های استعماری خود از
 احساسات پاک دینی مردم نیم
 قاره سو استفاده کرد و این
 سرزمین واحد را بنام هندو
 و مسلمان دو پارچه نمود و آنهم
 طوری که زمینهای بهم اندازیها و
 ایجاد نفاق سهل و آسان باشد. آیا
 ملت های هندو پاکستان فراموش
 خواهند کرد که امپریالیزم به
 مثابه عمده ترین دشمن بشر است
 تخم نفاق و جنگ را بین شان کشت
 نمود و در اثر همین عوامل وطنی
 چندین جنگ خانمانسوز صدها
 انسان بیگناه از د و طرف کشته
 شدند و ملیونها دالری پول به سر
 دو طرف خساره وارد شد. همچنان
 استعمار انگلیس در طی یکتیم
 صد سال حکمروایی جا برانه و
 استعمارگرانه ای خود چون زانو
 خون خلیق های هندو، مسلمان و
 دیگر ملیت ها و اقوام نیم قاره را میکند
 و صنایع محلی و روستایی آنها را
 در هم شکست.

در شرق میانه نیز این امر پریا-
 لیزم بود که اولاً کشور های ایسن
 منطقه را تحت سطره ای استعماری
 خویش در آورد و طی چندین دهه
 مما لك عربی مانند مصر، عراق،
 اردن و غیره را در اشغال استعمار-
 گرانه خود داشت و بعد از آنکه این
 خلقها بر ضد استعمار شوریدند
 و زنجیر اسارت مستقیم آنها را
 گسستند و بدور انداختند، امپری-
 یالیزم محیل و بو قلمون از راه
 دیگری در آمد و بزرگترین دشمنی
 تا ریخ را بر حق عرب و بخصوص
 خلق عرب فلسطین روا داشت و آن
 آواره نمودن این خلق و از کاشانه
 را ندن آن بود.

امپریالیزم جهانی به اینهم
 بسنده نشد و آوارگیه خلق مصر
 آزادی کالن سو یز ویا آپراه
 ملکیت خود را ملی اعلام داشت
 حمله ای مثلثی بر مصر نمودند
 طی این حمله از بمباردمان و ویران نمودن
 دن شفاخانه ها، مکاتب، کود-
 کستانها، مساجد و شهرهای پر-
 نفوس در یخ نورزیدند. درین
 حمله صهیونیزم (که قبلا از طرف
 امپریالیزم بمثابه سنگ زنجیری و
 زاندا رم تا دندان مسلح در سر
 زمین عرب فلسطین جا یگزین
 شده بود) نخستین نمک حلالی!!

امپریالیزم با تائید، تا گیرد،
 تحریر و تسلیح صهیونیسم جنگ
 تجا و زکارا نه ای دیگری را نیز در
 سال ۱۹۷۳ بر خلق عرب تحمیل نمود که
 خسارات و تلفات بیشماری را ببار آورد.
 باز هم امپریالیزم به این بسنده
 نشد و دست به یکسلسله اعمال تجا-
 و زگرانه و اها نت آمیز دیگر نیز زد
 آن به آتش کشیدن مسجد اقصی
 یا اولین کعبه مسلمانان
 جهان میباشد و همین حالا نیز علاوه
 بر اشغال سرزمین های عرب و
 ایجاد وحشت و آوارگی ملت
 بیچاره و صلح خواه لبنان نیز هر
 روز بخاک و خون کشانیده میشود و زرا-
 دخانه های امپریالیزم و در قسم اول
 امپریالیزم امریکا مقادیر بسی
 پایان اسلحه تحویل این انسانان-
 کشان صهیونیست می نماید تا هر
 چه بیشتر منطقه شرق میانه
 رابه کانون جنگ و زدو خورد مبدل
 سازد.

اعمال و تجاوزگریهای امپریالی-
 لیزم حقوق بشر شنا س! امریکا
 در سرزمین ویتنام از هیچکسی
 بقیه در صفحه ۵۵

امپریالیزم عمده ترین و مغرض ترین دشمن بشریت و از جمله اسلام است

مامور فعالیت های استعماری در
 آسیا و افریقا گردیدند.
 امپریالیزم انگلیس یعنی ایسن
 گرگ انسان در لباس چوپان
 شتافت و او لین تخم نفاق و استعمار
 را در متصرفات خود و در قدم اول
 در بین خلق کبیر نیم قاره (هندو-
 ستان با بهارت) پاشید. امپریالی-
 لیزم محیل انگلیس بعد از آنکه در
 زیر فشار مبارزات خلق کبیر نیم
 قاره بزانو در آمده و او دار به
 شکست شده بود نخواست که
 بدون زهر پاشی بگذارد که مردم
 آن سرزمین مصروف حیات و تعمیر
 کشور بلا کشیده ای خود شووند
 ولی این عمل امپریالیزم دور از
 انتظار نبود زیرا خاصیت طینت و

ریت قلع و قمع و آوا لین کشور
 صلح خواه و پشتیبان نهضت های
 رهایی بخش و آزادی خواه جهانی
 را داد. زمامداران آن وقت ممالک
 امپریالیستی از یک واقعیست
 دیگر نا آگاه بودند و آن اینکه رهایی
 لجام این وحشی هیچکسی حتی هم
 مسلمانان را نیز آرام نخواهد گذا-
 شت و درین موضوع خود تضاد میان
 ممالک امپریالیستی محرك واقعی
 می باشد.

نتیجه ای وحشت و جنگ افروزی
 فاشیسم و نازیسم بر خلاف پیش
 بینی چرچل ها و روزولت ها چیزی
 دیگری از آب بدر آمده، بعد از آنکه



ار
گر
به
ك
ای
ند
ش
ه
ست
ه
سر
ه
ك
ه
ن
سن
بود
نی
سی
انه
س
و
وزم
س
سده
ك
در
دكه
رد.
سده
جل
زدو
سی
ان
لوه
و
ست
هر
را-
اول
سی
ان-
ماهر
ه
بدال
یا-
یک
سی
ه
ون

رسانیده و بیدار عدم سپرده بود.

درین میان خبرنگاران ، عکاسان ، فلمبرداران و راپورت‌های داخلی و خارجی آزادانه گشت و گذار میکردند و منتظر باز شدن دروازه زندان بودند.

در میان موجی از خوشی و شادمانی هزاران نفر، دروازه زندان بر وی زندانیان گشوده شد و زندانیانیکه از زیر ساطور امین سفاک جان به سلامت برده بودند، هاشدند و از آغاز بر آمدن به ائشاء کردن امین جنایتکار و باند ترور ریست او پرداختند که شنیدن هر کدام از داستان‌های آنها تنها غصه آور بلکه تعجب آور بود زیرا انسان بپر اندازه سفاک و نوعکش هم باشد آخر که انسان است و تا وقتی که انسانی بسوی آسیبی نرساند و یاد رقید او گیر آید دیگر شکنجه و آزار بایان می یابد ولی بنا بگفته چند تن از زندانیان آزاد شده جور ، ظلم و ستم و هتک حرمت از طرف باند فاشیستی امین سفاک آنقدر زیاد بوده که هزاران نفر تحت شکنجه جان سپرده



هزاران نفر از مردم ماکه به پیشواز زندانیان از بند رسته شتافته اند

یکی از زندانیان بلجری هنگام بر آمدن ازین باستیل جنمی به خیر نگار زوندون گفت:

دژ خیمان امین سفاک و باند جنایتکار او آنقدر زندانیان بیگناه را شکنجه میکردند که گویی بمرض سادیسم مبتلا بودند و از رنج و آزار دیگران لذت می بردند

و تعداد کثیری در زیر ساطور جام شهادت را در حالی نوشیده اند که آن صحنه هائنگ بشریت است و برای ابد باعث نفرین خلق کشور بوده و میباشد .
در نزدیک دروازه درونی محبس زن سالخورده ای بزمین افتاده بود دستش را گرفت و لسی نتوانست بیا بایستد توام با فغان و ناله چنین سر داده بود که پسرش را از خانه اش برده اند و دیگر اثری از آن ندیده است . دختر جوان این زن داغ دیده که رویش را با اشک و خون شسته بود پیش حرفش دویده گفت که او ای از غنی خیل ننگر هار است و برادرش صاحب منصب عسکری بود شب هنگام او را از پیش چشمه ان از حدقه برآمده زن و فرزندانش بآلت و کوب توام بموت انداخته و بردند که از آن وقت تا امروز اثری از آن دیده نشده است .

روز ۱۶ جدی که روز رهایی زندانیان، از زندان امین جنایتکار بود، دهها هزار از مردم کشور از مرکز شهر و اطراف رهسپار زندان بلجری بودند و به امید اینکه مگر گمشده‌های خود را باز یابند، توسط موتر ها و حتی از چند کیلومتری این باستیل جنمی بایای پیاده خود را بدهن در آهنی بیرونی زندان رسانیده بودند . در جلو محبس مذکور تا نظر کار میکرد آدم بود که معلوم میشد هر کدام، هر خانواده و هر فردی از حاضران که شاید صد ها و هزاران آن رسیده نتوانسته بودند، گمشده‌ای داشتند که برای دیدار حاضر گردیده بودند، ولی این تلاش های نزدیک شدن بدروازه محبس و تحمل رنج مسافرت برای این منظور از نقساط دور کشور برای هزاران نفر مایوس کننده معلوم میشد زیرا واضح بود که هزاران نفر را امین سفاک زیر ساطور آدمکشی خود به شهادت

بزدان کشید و دسته دسته آنها را بگلوله بست و هزاران خانواده را برای همیشه در ماتم نشانید . آخرین قربانیان عمال جنایتکارانه این بدنام تاریخ که خشم خلق او و باندش را مجال نداد تا آنها را نیز عقب شهدای دیگر بفرستند با پیروزی مرحله نوین انقلاب شکوهمند تر و عفو عام و تمام بیک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم طی مراسم خاصی دروازه های زندان بروی شان گشوده شد، با هر کسی هر چه که میگفتند ، از بیدار گریهای امین سفاک و باند جنایتکار او بود و هر قصه‌ای از آنها قصه ها و غصه هایی از شکنجه ها و آزارهای درمناشه زندان بانان بود که با شنیدن آنها مویرتن انسان راست میشود و هیچ انسانی نمیتواند راه گریه اش را بگیرد و آبدیده اش را نگاه دارد .

زندان بلجری این دژ جنمی که داود جلال برای دربند کشیدن و نظیرستان و تار و مدار کردن آزادی خواهان آنرا اعمار و مملو از هموطنان بیگناه ما، گردانید، با پیروزی انقلاب شکوهمند نور برای اولین بار دروازه های مستحکم آن باز گردید، ولی این میراث شوم آن به امین جنایتکار و باند ترور ریست و آدمکش آن که با انجام یک جنایت بزرگ و گرفتار شدن قدرت راهش را بسوی انجام دادن جنایات بی حساب و گشتار دسته جمعی هموطنان بیگناه ما باز کرده این اعمال جنایت کارانه او و باند آدمکشش در اذهان فرد فرد کشور عزیز ما برای همیشه بجا مانده و تا که جهان است نسل های امروز و فردا به آن نفرین می فرستند .
امین سفاک و باند جنایتکارش، اطفال، زنان مردان و حتی با اصطلاح در جن بست خانواده ها را در باستیل بلجری و دیگر مخفیگاه ها



زندانیان آزاد شده توسط سرویس های ملی بس زندان بلجرجی واترک گفتند



کتاب آنها فقط این بوده که از جنایات امین سفاک حمایت نمیکردند



زندانیان بلجرجی حیات دشواری راسبری می نمودند

امین سفاک و باند جنایتکار او راهی موتری شد شاهد خوشی و سرور آنها و خانواده های شان که تازه میخواست طرف شمر حرکت کند. بودند و همه در هر لحظ ای بر پیروزی های مرحله نوین انقلاب تور دعای کردند و بر باند آری، آنروز زندانیان سیاسی آزاد میشدند و قدم بدنیای آزاد می گذاشتند که هزاران نفر جنایتکار امین نفرین می فرستادند.

زن جوان در حالیکه پیشروی هر زندانی آزاد شده را میگرفت، فریاد میزد که برادرش چه شد او را چه کردید، در کجا شپید شد و ازین قبیل پرسش ها اولی هیچ کدام جوابش را نمیگفت بجز آنکه باوی میگریستند و اظهار تسلیم بوی می نمودند که این منظره دلخراش هرسنگ دلی راسر گریه می آورد و اشکها جاری میشدند.

مرزا محمد حسین خیل با شنیده بغلان هنگام خارج شدن از دروازه درونی محبس در حالیکه بکس نسبتا سنگینی رادردست داشت در برابر سوالی چنین اظهار کرد: من در سر مزروع خود مصروف کار بودم که چند نفر آمدند و بمن گفتند که بیاید یکبار بولایت مربوط بروید، من جزء قبول این پیشنهاد دیگر چاره ای نداشتم ناچار با ایشان رفتم آن زمان سراسر در اطاقی حبس کردند و بعد شب هنگام آمدند بوی شکنجه گاه انتقال کم دادند از عمل اب شکنجه چه عرض کنم، شکنجه چه که هنگام حرمت رواداستند و فحش هایی نثارم کردند من بالحاح وزاری گفتم: آخر چه کرده ام! می لت و کوبم می کردند و می گفتند که: دیگر با فلان و بجمان صحبت می کنی! و دیگر بعد ازین هم از پیشروی ما بر اعتنای گذری و ازین قبیل سخنان که انسان را بحیرت می انداخت.

شکنجه و آزار در بغلان با تمام نرسیده بود، مراجعیم بسته به کابل آوردند و هر شب زیر شکنجه با اصطلاح نیم جانم می کردند و شب دیگر این کارنا جوان مردانه را از سر می گرفتند، وی افزود: چندین جوان در زیر چشمانم در شکنجه گاه جان دادند و عده ای را هر شب از زندان بیرون می کردند و بعد معلوم میشد که آنها را به گشتار گاه امین می برند و زنده بگور میکنند. وی در حالیکه میخواست خود را بزودی از زیر سوال و جواب بر هاند، دستم را گرفت و گفت: خدا حافظ، دیگر قصه هارا نمیگم که بیش ازین غرق ابهت میشوی.

یک زندانی آرزومند دیگر که با عجله راه بیوستن به خانواده چشم بر اهش رادر پیش گرفته بود، با من روبرو شد وقتی خود را باوی معرفی نمودم و از حال گذشته اش در باستیل جو بانشدم گفت: این همه را که می بینی از لب گور برخاسته اند هر چند روز دیگر اعمال جنایتکارانه امین و امینیان خاتمه نمی یافت، شاید ازین میان یکی که پدر برادرش را از دست داده بود گفت: طی مدتی که عزیزان شانرا از نزدشان ربوه بودند، همیشه کلیم نم وانسوده برخانه های شان هموار بود ولی حالا یکبار عزا داری میکنند و همیشه بر امین خونخوار نفرین می فرستند، وی در حالیکه می گفت: نفرین باد بر

قتل عده زیادی از خلق مبارز کمپوچیا بشمول روشنفکران از کار های عادی و معمولی این رژیم خون آشام بود کم از کم سه میلیون نفر از جمله هفت ملیون نفوس کمپوچیا طی این مدت بقتل رسیدند . رژیم پول پوت که با کمک توسعه طلبان منطقه در پنوم پن مستقر شد طی دو ره تاریک زما مداری چهار ساله خویش از هیچ نوع ظلم و بیعدالتی در مورد خلق کمپوچیا دریغ نکرد .

کمپوچیا قبل از آزادی از سلطه پول پوت حیثیت یک کشور در حال مرگ راداشت که خلق آن با انواع مختلف مصایب و آلام مواجه بودند .

هنگام آزاد شدن ، کمپوچیا چهره یک کشور در حال مرگ را بخود گرفته بود که صنعت و زراعت شدیداً از بین رفته و سایر فعالیت های اجتماعی در حال نابودی کامل قرار داشت .

طبق احصائیه های منتشره چهار میلیون نفوس باقیمانده از جمله هفت ملیون قبلی که سه ملیون در کشتار ظالمانه پول پوت جان سپردند در فقر ، جهل و مریضی بسر میبردند و عده زیادی از آن ها بیکار بودند .

در سپتمبر ۱۹۷۹ تعداد معلمان ، نویسندگان آرتیستان ، زورنالیستان و روشنفکران که زنده مانده بودند محض ده فیصد احصایه سال ۱۹۷۰ بود . طور مثال در سال ۱۹۷۰ (۴۰۰۰) داکتر در کمپوچیا موجود بود که اکنون فقط از آن جمله (۵۰) نفر باقی مانده است .

پول پوت و حامیانش قبل از گریز از کمپوچیا همه فابریکه ها و تشبثات را ویران کردند و کارگران از موسسات صنعتی اخراج نمودند و آنها را طور آواره پراکنده ساختند . تحمیل کارهای



آب چاه نسبت دفن اجساد در نزدیکی آن غیر قابل نوشیدن گردیده است . این کشتار هائی دوره تاریک پول پوت صورت گرفته است .

د . یوسفی

ترجمه و نگارش

شمه یی از جنایات ضد بشری رژیم پول پوت در کمپوچیا

خلق دایر این کشور بعد از آزادی کمپوچیا کار عمر ان مجد در ا به شدت آغاز کرده اند .



عساکر رژیم پول پوت حتی تکلیف دفن نمودن مقتولین و قربانیان را قبول نمی کردند

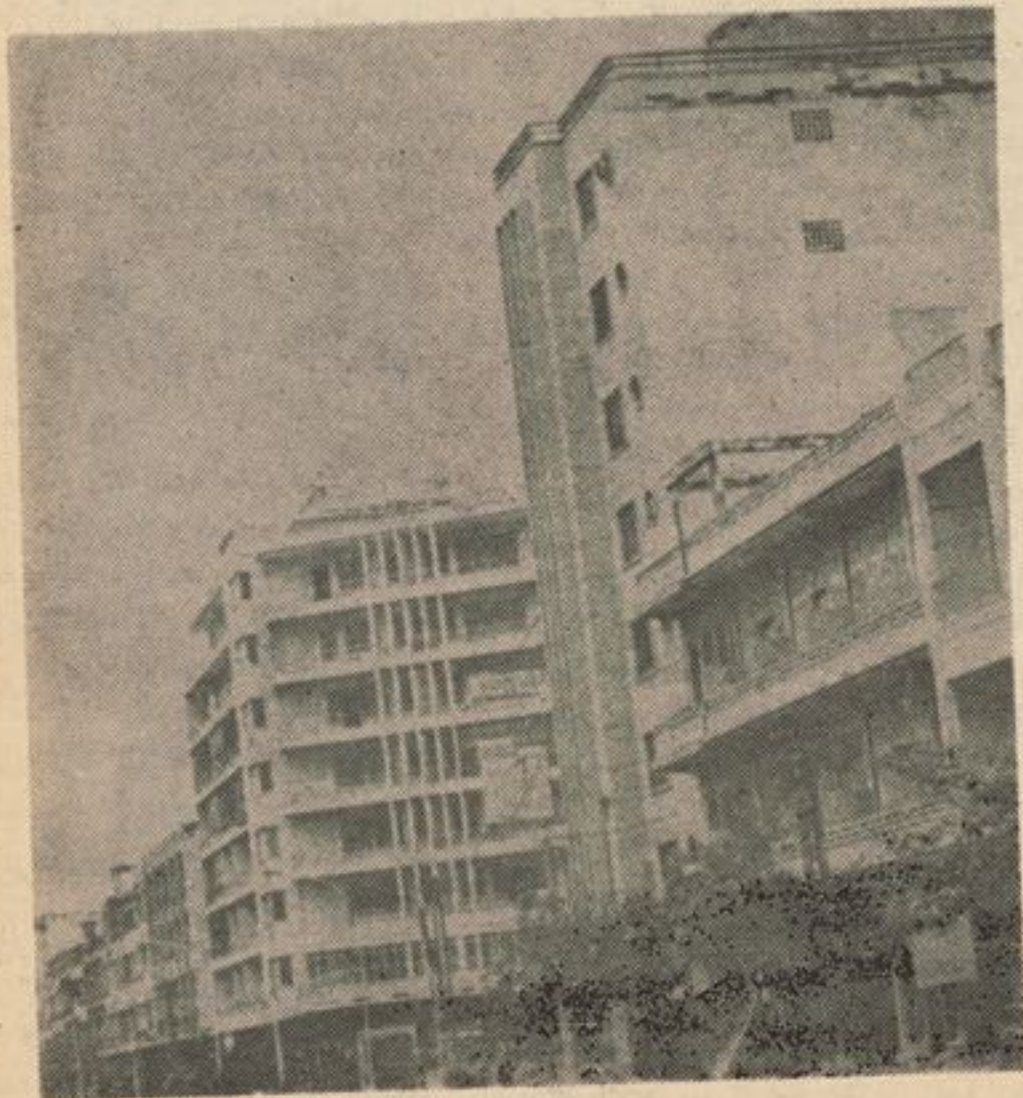
یکی از پهلوهای ناگوار سلطه نظام های استعماری و استبدادی ، میراث های سوم و ویرانی های اقتصادی و کلتوری است که بعد از شکست استعمار و استبداد نصیب خلقهای مختلف جهان می گردد . این امر بخوبی در مورد خلق کمپوچیا که تازه بنیاد یک رژیم و ا قعا دموکراتیک توفیق یافته اند ، صدق میکند . برای اینکه یک تصویر روشنی از کمپوچیا تحت تسلط رژیم فاشیستی پول پوت داشته باشیم مختصراً بتذکر بعضی از جنبه های این دوره تاریک چهار ساله می پردازیم . باید گفت که طی استبداد چهار ساله دار و دسته پول پوت ینگ ساری همه شهر ها تقریباً بویرانه ها تبدیل شده بود . قریه ها خالی از سکنه بود خانواده ها از هم بگلی متلاشی بوده ، صرف غذای همه اعضای یک خانواده در یک جای اکیدا منع بود و هر کس جداگانه جیره ناچیز خود را که اکثراً برنج می بود می گرفت و با شکم نیم سیر و روح اسرده زندگی بر رنج خود را بسوی آینده مجهول و متحلامرگ قبل از هنگام ادامه میداد .



يك مکتب حریق شده در انگیانگ



در اندیشه و غصه خا نواده از دست رفته اش



بنوم پن شهری که هنگام سلطه پول پوت به شیخ میماند

تفیل - ۱۲) ساعت در روز و موجودیت کمپ های شکنجه دهنده اکثریت خلق کمپوچیا را از زندگی بیزار ساخته بود در چنین شرایط دشوار و ناخوشایند اقتصادی و سیاسی بود که خلق مبارز کمپوچیا به حکومت پول پوت خاتمه دادند .

تولد دو باره کمپوچیا :

به تعقیب يك سلسله قیام های خونین سر انجام اردوی انقلابی خلق کمپوچیا در هفتم جنوری ۱۹۷۹ بنوم پن را آزاد ساخت و بتاريخ هشتم جنوری همین سال شورای انقلابی خلق تحت ریاست هنگ سامرین تاسیس شد . باینوسیله جمهوری خلق کمپوچیا عرض اندام کرد .

یکی از وظایف اولی شورای انقلابی ، عادی گردانیدن حیات در کمپوچیا و تهیه کمک های غذایی و طبی برای خلق آنکشور در مناطق قحطی زده بود . دهها هزار تن شالی و سایر کمک های طبی و غذایی که توسط جمهوری

قریب سه میلیون نفر طی دوره تاریک چهار ساله

پول پوت در کمپوچیا بقتل رسیدند .

سوسیالیستی ویتنام و سایر کشور های برادر سوسیا لیستی در کمپوچیا سر ایزر شد بسرعت به خلق آنکشور توزیع شد و سلسله این کمک ها در سطح ملی و بین المللی همچنان جریان دارد .

کارگران کمپوچیا بعد از تارو مار شدن رژیم پول پوت با علاقه فراوان به کار های شان باز گشتند . فابریکه ها مجدداً به تولید آغاز کرد ولی فابریکه ها تقریباً همه متلاشی و پارچه شده بود و برای حکومت انقلابی کمپوچیا مشکل بود تا طور لازم فابریکه ها را فعال گردانند . از یکطرف کمبودی های زیادی از لحاظ پرزه و ماشین آلات برای فابریکه ها موجود است و از سوی دیگر قلت مواد سوخت محسوس بوده و هم تعداد زیادی از کارگران ماهر طی دوره اختناق آور پول پوت کشته شده اند .

توجه به تعلیم و تربیه مجدد :

شورای انقلابی خلق کمپوچیا گرچه مساعی انظمی خود را در مورد غلبه بر قحطی و احیای مجدد فعالیت های اقتصادی آنکشور متمرکز گردانیده است معیناً حکومت جدید انقلابی توجه زیادی را به تعلیم و تربیه صحیح انقلابی معطوف داشته است . سال های ۱۹۸۰ - ۱۹۷۹ بعیت اولین نمایندگان



منظره‌یی از کاخ موزیم پاولو فسک

از سیو تنیک

ترجمه : احمد

کاخ موزیم پاولو فسک در اتحاد شوروی

میکرد تا در وقت بازگشت آرا بسه
آسانی در یافت کنند. با این نقشه ویلان
یسارک زینووه بتا ریخ (۱۶) سپتمبر
(۱۹۴۱) از موزیم پاولو فسک خارج شد
زیرا درین روز جرمنی‌ها به پاریس رسیدند
شب را به بسیار نا آرامی سپری کرد زیرا

همه جا را آتش فرا گرفته بود و از موزیم
به کلیسای ایسا کوف آمد و در آنجا (۹۰۰)
روزهای محاصره را سپری کرد.
درینجا باز بینووه سه زن دیگر نیز
زندگی میکردند اینها سیر و فیو بالایووه
محافظ کاخ، ایرینا یا نچکو همکار فنی

تاریخ شوروی - در پاولو فسک در نزدیکی شهر
لنینگراد اتحاد شوروی واقع می‌باشد. نواحی
کاخ را طبق اظهار متخصصین یکی از بهترین
پارک‌های جهان احاطه نموده است. در
سالهای جنگ دوم جهانی فاشیست‌های
آلمان کاخ را آتش زدند و اشجار پارک را
قطع کردند. در تاریخ احیای مجدد پاولو-
فسک اناز یلیتووه که فعلا رئیس موزیم
می‌باشد رول مهمی را بازی نمود. ایسن
زن در سال (۱۹۴۱) مسئول انتقال عجایب
و مناظر موزیم پاولو فسک مقرر گردید.
چینی‌های ظریف، تصاویر و گلسدان
های مقبول را که از مرمر سبز ساخته
شده بود در قطعی‌های مخصوص جا
میدادند و بسته بندی میکردند. در حال
حاضر لغت بسته بندی بسیار ساده و آسان
به نظر می‌خورد اما در آنوقت ضرور بود تا
از هر جلجراغ صورت حساب دقیق آماده می‌شد
به عین ترتیب آویزه‌های کریستالی
با بد با ز می‌شد و به اطراف آن کدما چیز
بسیار نرم گذاشته می‌شد تا از شکست آن
در وقت انتقال جلوگیری می‌شد. اما تعداد
آویزه‌ها هزاران نیز زیاد بود. همینکه صدوق
ها کفایت نمیکرد از سابل مختلف‌کار
میگرفتند و در اطراف آن علف می‌گذاشتند
در پهلوی این همه مشکلات تعداد کارگران
به چند نفر محدود می‌سید و آن هم‌زمان
بودند زیرا مردان همه به جیبه رفته بودند
چند گروه کارگری را که شو را می‌سپری
غرض انجام کارهای مذکور تخصیص داد
نیز زنان بودند. خط جیبه جنگ در چند کیلو

متری آنها واقع بود.
بعد از اینکه قطار آخری با گنجینه‌های
موزیم پاولو فسک عازم مناطق شرقی
اتحاد شوروی گردید هنوز آثار هنری
قیمت بسیار کاخ باقی مانده بود. اینها باید به
زیرزمینی‌های کلیسای ایسا کوف انتقال
داده می‌شدند اما باز هم مرمر ظریف ممکن
بود در اثر انتقال بشکند. در مقابل گذاشتن
آنها به حال سابق نیز خطرناک بود زیرا
فاشیست‌ها ممکن بود همه را به باد فنا
می‌سپاریدند. زنها مجسمه‌ها را از جاهای
آنها به بسیار احتیاط از طریق زمینه‌ها که
بالای آنها تخته‌های چوب گذاشته شده
بود کتان کتان به زیرزمینی‌های موزیم
می‌کشاندند و به یکی از نقاط خلوت آنها
را قرار میدادند. بعد همه را با خنثی‌ها
مسدود میکردند و برای اینکه کسی به
آنها برنبرد همه را با رنگ می‌پوشانیدند.
چون در پارک کاخ موزیم یک تعداد زیاد
مجسمه‌های نادر و قیمتی وجود داشت
برای اینکه از تخریبات اشغالگران
فاشیست‌های آلمانی در آلمان باقی
می‌ماندند خندق‌های عمیق حفر میکردند
و آنها را در آنجا دفن میکردند. قبل از
غصب نشینی عساکر شوروی یکی از سربازان
در یکی از مجسمه‌ها که بتا «صلح» یاد
میگردد چنین نوشته بود: «ما دو باره
باز میگردیم و تو را پیدا میکنیم». در
خندق‌ها علف، برگ‌ها و غیره اشیای نرم
میگذاشتند.



قسمتی از عجایب پارک موزیم

های سنگین وارد میشود و آنها را از پوست جدا میکرد.

درین وقت حساس انازیئووه بسهمه

مقامات مسئول اکتاب میکرد که بدون توقف و تاخیر حفاظت کاخ صورت بگیرد والا از بین می رود. اما خود نمیدانست که این همه کارها را برای چه به هنگام اکتاب میکنند. هنوز جنگ دوام داشت نیروی کار کفایت نمیکرد و سایر نیز موجود نبود، زینووه نزدیکی از امرین ساختمانی

مراجعه کرد تا برایش ضرورت اعمار مجدد کاخ موزیم را تشریح نماید اما در مقابل امرینمی خواست به حرفهای او گوش دهد و چنین ادامه داد: «موزیم شما آخر س را غلط کرده اید. ما افراد نظامی هستیم و مسایل کاخ مربوط ما نیست. آمر هیچ این را تصور هم نمیکرد که چند روز بعد همین زن خواهد آمد و زودش مکتوب را با محتویات ذیل خواهد گذاشت:» به صورت استثنایی به ترمیم کاخ پاولوفسک آغاز کنید.

در کاخ که از ما این تصفیه شد کارهای ساختمانی آغاز شد. همه قسمت های را که تخریب شده بودند توسط محلول های مخصوص استحکام کاری میشودند. اشیای که قابل استحکام کاری نبودند به نحو پلخانه انتقال داده میشدند و از خانه های خود همه چیزها را که در ترمیم کاخ بکار میرفت می آوردند تا ترمیم کاخ هر چه خوب تر صورت بگیرد.

برای اینکه هیچ یک از عناصر به جای دیگر نصب نمیکردند از سیستم مخصوص رمز نویسی استفاده نمودند. هر یک از سالون ها دارای رمز مخصوصی و هر دیوار نمبر مخصوصی داشت.

کارکنان «لنوو یکت» در کاخ اندازه گیری ها را آغاز کرد چندی بعد فیو دور-الینیک از جنگ بازگشت. این هنوز قبل از جنگ محصل بود و دیپلوم خود را در موضوع «ساختمان کاخ پاولوفسک و نقش و نگار دیواری نما پشگاه گوزاگوز» دفاع نمود.

بقیه در صفحه ۴۳



گوشه ای از موزیم پاولوفسک



آثار قیمتی موزیم که در وقت جنگ تخریب گردیده بود.

هنوز نمیدانست که بعد از اعمار مجدد چه شکل را بخواد خواهد گرفت.

شماره معروف آنوقت لنینگراد و پسرا اینیر در کتابچه یادداشت خود هر دو در ۱۹۴۴ (۱۹۴۴) چنین نوشته بود: «دیروز با نقاشان و کارکنان موزیم به دو درگوف پاولوفسک و پوشکین رفتیم. به کاخ پاولوفسک رسیده توانستیم زیرا که بل تو وسط جرمنی های فاشیستی

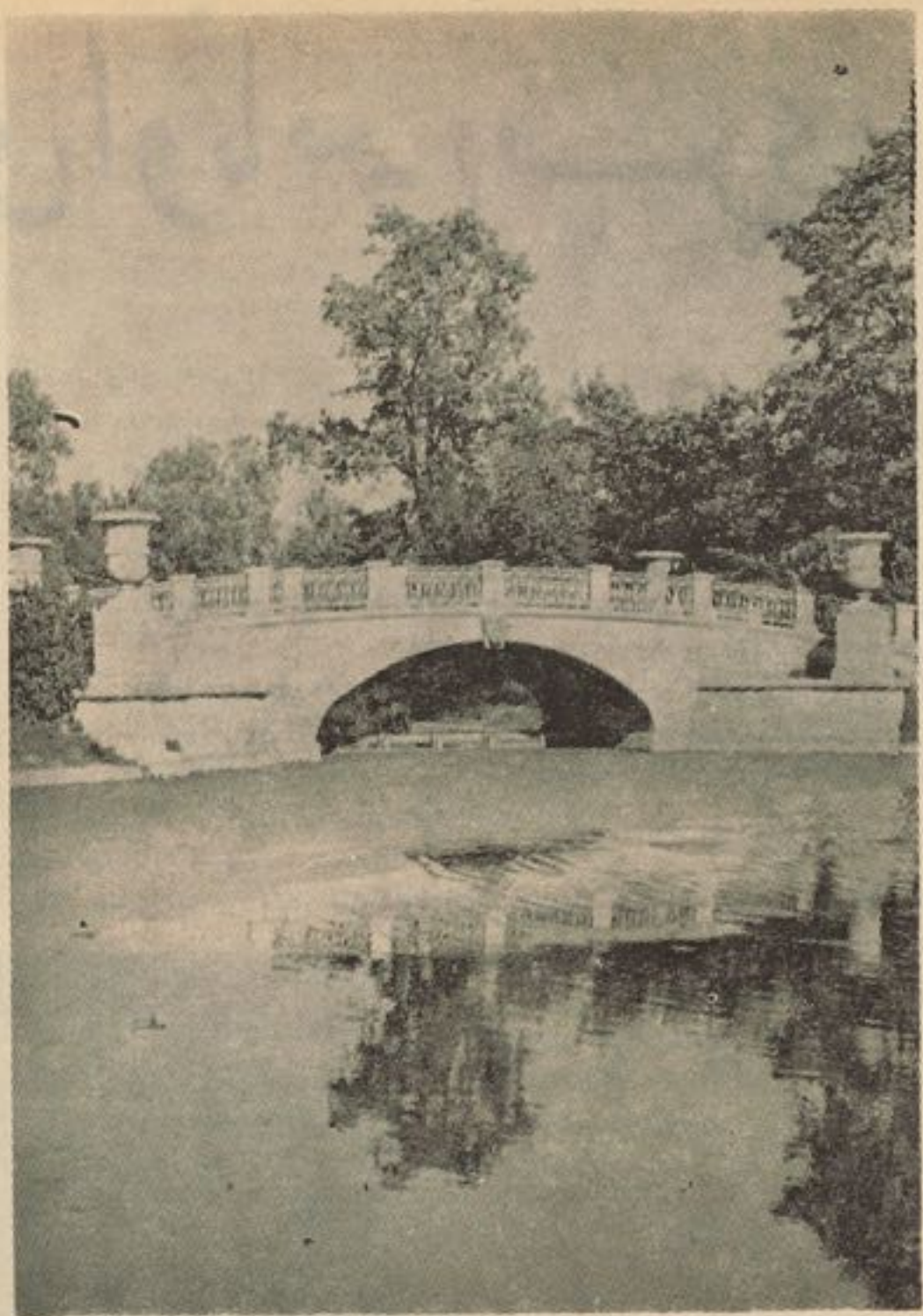
منفجر شده بود ما زینووه بسهمه چنان سرعت از راه های دور و دراز و پر مشقت به اطراف ساحل خود را رسانید که مرد ها نمی توانستند بی او برسند و از موزیم به سوی شهر دو باره به بسیار آرا می گام می برداشت قسمیکه معلوم شد تنها شکل خارجی آن به حالت بسیار وخیم خود باقی مانده بود، در داخل کاخ

همه از بین رفته بود. چندی بعد زینووه به بسیار مشقت پیاده خود را به اطراف واکناف شهر لنینگراد رسانید تا اشیای را که توسط اشغالگران آلمانی به غارت برده شده بود دریافت نماید. در نتیجه تفحصات خود قسمتی از اشیای را دریافت کرد و قسمتی آنرا بعد ها در شهر ریگا و در جرمنی بدست آورد اما غایبغات بسیار زیاد بود.

در کنگرس بین المللی مهندسانین لندن که رایج به تعیین خسارات ناشی از جنگ جهانی دوم ترتیب داده شده بود الفنا ذیل چنین انداز بود: «بشریت از مجسمه های قیمتی و آثار پویشکین و پاولوفسک بسیار غمگین میا شد.»

چطور ضایعات جبران می شد! در دیوارهای داخلی کاخ که ده روز پیشوخت هنوز قسمت اعظم دیکور گچ کاری و بقایای نوشته ها باقی مانده بود. در پهلوی این رسامی های حقیقی بعضی از عکاسی ها نیز بحالت خود دست نخورده نیز بحال اولی شان باقی مانده بودند. اعمار مجدد امکان پذیر بود اما رئیس بدون کارگران چه کاری را انجام داده میتواند!

از اینکه گچ از آتش صدمه فراوان دیده بود در مقابل بر ف با ری تحمل ندانست و پارچه پارچه نقش های برجسته بر زمین میریختند. نوشته های که برنگ روغنی صورت گرفته بود از اثر سرمای شدید رنگ خود را می باختند. در پارک باد های شدید می وزید. این بادها مخصوصا برای نقش های دیواری ضرر



قسمتی از منظره پارک موزیم که در اوایل قرن ۱۹ ساخته شده

کدام جا غلام میبودند امکان رسیدن سالم را به اینجا نداشتند زیرا هر لحظه ممکن بود بمباری شهر آغاز شود. سردی هوا روز بروز شدت می یافت و قسمت خور

مانند سابق قیودات وضع نه بود همه با لایوش ها داخل میشدند و به اندازه ضعیف دیده میشدند که قدرت آنها نداشتند تا بر ف را از بالای پاولوفسک دور کنند بعضی ها با اطفال خود بکجا به سوی محل کار روانه میشدند. خواندن کتاب مشکل شده بود زیرا از یک سو شیشه های

بندرها یا پنجره ها یخ بسته می شدند و از سوی دیگر چشمها از اثر گرمسنگی بساز نمیشد.

زینووه در جواب سوالی که در این مدت مصروف چه چیزها بود چنین گفت:

«من درین وقت اکتشافی افکار اجتماعی اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزدهم مطالعه میکردم میخواستم را جمع به اطراف لنینگراد و موزیم پاولوفسک چیزی بنویسم در همه مکاتیب خود که زینووه با دوستان خود در جاهای دیگر مکاتبه میکرد لغت «پاولوفسک» بسیار دیده می شد میخواستم از آنها رایج به اعمار مجدد کاخ مشوره های لازم دریافت کند اما

کاخ و ینگینیا تو روه محافظ کاخ های شهر پوشکین بودند. انازیئووه به بسیار نرمی و علاقت از روه حبه قوی آنها چنین حکایت میکند:

«درین وقت هوا بسیار سرد بود. چندی بعد هوا به اندازه سرد شد و قتی میخواستم کمی احساس گر می کنیم از کاخ بسهمه جاده خارج میشدیم. وقتیکه بهار فرار رسید یخبندی های دیوارها را روه آب شدن شد و از آنجا ما نند جو بچه ها جاری شد. درین ضمن تنها کمی تخریب شد و آب زیر زمینی ها را فرا گرفت و صدوق ها را به بسیار زحمت از زیر زمین بیرون می آوردیم و آب را دور میکردیم.»

بعد از اینکه صندوق را بیرون می آوردند همه اشیای را خشک میکردند. به این ترتیب از جمله آنها (۱۳۰۰۰) عدد خشک کاری شدند.

در ساعاتی که بمباری فاشیست ها متوقف میشد همه کارکنان بین دو یا پهریسمان را بسته می کردند و پارچه های گلدوزی ابریشمی و دیگر اشیای قیمتی را خشک میکردند ممکن است اینطور فکر شود که مردم می ایستادند و از آنها دیدن میکردند اما نه. مرد لنینگراد در آنوقت اگر به

خواړه ناسي چوروى اوناسي سپرى

دده وکو په جوړې نېست کې يوه کاني ما ده چې دکلسيم پنا مه يادېږي يو مهم او اسان عنصر شميرل کېږي ، اما دکلسيم تمپه د هېو کو دجوړې نېست له پاره هغه وخت صورت مو مي چې په وجود کې دويتا مين ډي کافي مقدار موجود وي . ځکه دويتا مين ډي مو جوړ ديت ددې سبب کېږي چې لازمه اندازې دکلسيم دکلمو څخه جذب او وروسته دده وکو په جوړې نېست کې تری کار اخيستل کېږي .

۳- خواړه دتوا لد او تنا سل له پاره :
دبي انډو لي او نامنا سبي غذا خوړل جسمي خستگي ، سترې يا ، کسان لت ستو ما نتيا ضعيفت او بي کفا يتي منځته را وړي . جنسي خوا هشات او تما يلات کموي او حتی دشنډ يډو سبب کېږي .
۴- خواړه د بدن دمقاومت له پاره :

دغه وکو په جوړې نېست کې يوه کاني ما ده چې دکلسيم پنا مه يادېږي يو مهم او اسان عنصر شميرل کېږي ، اما دکلسيم تمپه د هېو کو دجوړې نېست له پاره هغه وخت صورت مو مي چې په وجود کې دويتا مين ډي کافي مقدار موجود وي . ځکه دويتا مين ډي مو جوړ ديت ددې سبب کېږي چې لازمه اندازې دکلسيم دکلمو څخه جذب او وروسته دده وکو په جوړې نېست کې تری کار اخيستل کېږي .

نن دنړۍ په پر مخ تللو هيوادو

دده وکو په جوړې نېست کې يوه کاني ما ده چې دکلسيم پنا مه يادېږي يو مهم او اسان عنصر شميرل کېږي ، اما دکلسيم تمپه د هېو کو دجوړې نېست له پاره هغه وخت صورت مو مي چې په وجود کې دويتا مين ډي کافي مقدار موجود وي . ځکه دويتا مين ډي مو جوړ ديت ددې سبب کېږي چې لازمه اندازې دکلسيم دکلمو څخه جذب او وروسته دده وکو په جوړې نېست کې تری کار اخيستل کېږي .

دده وکو په جوړې نېست کې يوه کاني ما ده چې دکلسيم پنا مه يادېږي يو مهم او اسان عنصر شميرل کېږي ، اما دکلسيم تمپه د هېو کو دجوړې نېست له پاره هغه وخت صورت مو مي چې په وجود کې دويتا مين ډي کافي مقدار موجود وي . ځکه دويتا مين ډي مو جوړ ديت ددې سبب کېږي چې لازمه اندازې دکلسيم دکلمو څخه جذب او وروسته دده وکو په جوړې نېست کې تری کار اخيستل کېږي .

بشر ددې دپاره چه ژوندى پاتى شى زياتى اړتياوى لرى چه ډيره مهمه اړتيا يسي خواړه او بيا پوښاک او کوروى .
بڼه تغذيه ته يواځى دانسان د جسمي او رواني سلامتې تنظيموى بلکه د ژوند نښه اعظمې گټه اخستلو سره د بشر دکار محصول بور ته بيا يى او پدى ډول د هيواد په اجتماعي او اقتصادي پرمختگ کسى موثر نقش لوبوى .
دانسان روغتيا ، سلامتيا او کفايت دهغه لازمو اوسرووى غذايي مواد و پورې اړه لرى کو م چه د ژوندانه په بيلو بيلو مرحلو

دټولنى دهغو غړو دوجود مقاومت چې داقتصا دى کمزور تيا له کبله کافى اومنا سب خواړه نشى اخيستلاى ډير ټيټ وي لدې کبله دا ډله خلک په مکرو بي ناروغيو زيات اخسته کېږي .
دنارو غيو سیر په هغو کسانو کې چې دغذا يى موادو په کمښت اخته وي ډير خطر ناک وي اواکثرا وجود نشى کو لای دهغوى په مقابل کې مقاومت وکړي دزخمو نو جوړېدل پداسې خلکو کې ډير وخت نيسي او دمکرو بو دمدا خلى په اثر دهغو دښوالى او يارو غنيدلو احتمال ډير لږ وي . برعکس هغه کسان چې بڼه او مناسبت خواړه اخلى دنا روغيو په مقابل کسى زيات مقاومت لري ، او ډير لږ ناروغيه کېږي .



۵- خواړه دحرارت او انرژي د توليد له پاره :
زموږ دبدن په شپه اور ورځ کې د خوب او يافعا لیت ولاړى اویا ناستى په حالت کې دخپل رغوړو دفعا لیت له پاره حرارت او انرژي ته اړتيا لري او پدى ټولو حالاتو کې دبدن د اړتيا وړ حرارت او انرژي دغذايي موادو پوا سطره تا مينپېږي .
څرنگه چې وويل شو سر بيره په حرارت او انرژي چې دوجود اسانسي اړتيا ده وجود ټول غړي دخپلې ودې ، جوړې نېست ، ترميم ، تقويه ، اود خپلو فعاليتونو دتنظيم له پاره يو شمير مهم او حياتي موادو ته ضرورت لري چى دا

کې دتغذی دسمون په اثر دکتنى وړجسمي بد لون په خون نسل کې منځته را غلى دى . پدى معنى چې د نوزو ځى هلکان او نجونى دخپلو بلرو نو او ميندو په نسبت دقد او قامت له نظره جگ او جسمان غښتلى او پيا وړى دى او هم دخپلو ميندو په پرتله ژر بلوغ ته رسپېږي .
ترهغه ځايه چې ثابت شوى هيڅ بل کوم محيطى عامل بى له خواړو نه پدى برخه کې رول نري .
۲- خواړه دترميم يا جوړولو له پاره :
ديوى ښى او متوا زنى غذا په رانيو لوسره پر هارو نه اود بدن ته نور وارده زيا نو ته په ډير لږ

تنا سل دانرژي او حرارت يا تودوخى توليد جسمي او روحى ښوالى ډيرى نږدى او نه بيليدو .
۱- خواړه دوجود دغړو دطبيعى ودې له پاره :
پرو تينو نه ، مالگى ، کاني مواد دوجود دجوړې نېست اسانسي مواد تشکيلوى ، ځينى نور مغذى مواد لکه وينا مينو نه دجوړې نېست دعمليو په چټکوالى ، تنظيم او ترتيب کې مهم رول لري ددې دپاره چې مطلب مو ښه اووا ضح تشریح کړي وي .
ترڅو پوه يى آسانه شى تا سو ته يومثال وړا ندى کوم .

کې د هغه بدن ته رسپېږي .
هغه څوک چه په سمه تغذيه لوى شووى د روحى او جسمي پلوه روغ وي او د اجتماعي له نظره بر يالى او په خپل ژوند مين وي . او له بلې خوا څرنگه چه کافي مقاومت د ناروغيو په مقابل کې لري . په عمومى توگه د يوې کسانلى روغتيا او خوشحالى ته پر خور دپاره وي .
نا مکمله او ناسانه تغذيه دهر جا او هرې اړونې لپاره گراهه تما مينپېږي اکثره دتنفسى ، هضمى اوعصبى سيستمو ناروغي په غير مستقيم ډول د نا درستي تغذيه نتيجه ده دا ناروغي د يو لړ د غړو د نا توانو کولو له کبله دنه جبران کېدونکو اقتصادي او اجتماعي زيانو لامل وي چې بيا يى او دا ادعا چه مخنيوى يا وفاق په موثره او ارزانه لهدرمل څخه ده ، د پيره په ځاى او معقوله اودمئلووړڅېره

رول لری اوددی ویتا مین دغا صیت پوا سطره ستر گی کو لای شسی چی دزیا تی رها خخه په کمه رها کی خپل تعا دل بر قرار کری . او خپل لید نه وسا تی ددی ویتا مین په کمبنت سره دستر گو داخاصیت او دید لږ کپیری او بالاخره لمنخه شی . او دیوه نارو غی چی شبکو ری پنا مه یاد پیری منخته را شی . چی په هغه کی ستر گی په لږه رها او نیمه تیا ره کی ښه لید لی نشی . د شبکو ری دوام په کو چنی ماشومانو کی ناوړه عواقب له خانه سره لری خکه چی کو چنی ما شومان خپل ستونزه ویلی نشی شبکو ری هم په هغوی کی پت سیر کوی . چی متا سفا نه په پای کی په ږند یدو

تما میزی . ددی ویتا مین یو مهم خا صیت دبدن دطبعی مقا و مت زیا توالی او تا مین دی دمکرو بو په مقابل کی . هغه خلک چی دویتا مین په کمبنت اخته دی دبو لی اوتنفسی لارو په نارو غیو زیات اخته کپیری . داویتا مین دوجود یو سترکی روغ ساتی دهو وکو غا ښو نو او په اور ید لو کی ښه تا ثیر لری .

ویتا مین آ دتودو خی په مقا بل کی مقاوم دلمر دوړا نکو پوا سطره تخریبی پیری دامید وا ری اودشیدو ور کولو په وخت کی دوجود اړتیا دی ویتا مین ته زیا ت پیری .

دویتا مین آ مهمی منا بسع خکر ، دشیدی کوچ دچر گی دهکی ژیر ، تر کا ری ، با لخصوص کازری کدو خوازه آلو گان ، پالک ، گشنیز میوی لکه زردا لو ، شفتا لو ن و آلو - بخارا دی . دحیوا نا تو پښتور گی هم لږ شا نته ویتا مین آ لری .

ویتا مین پی:

ویتا مین دی چی دلمر دویتا مین په نامه مشهور دی دبدن په وده او پا تی په ۵۴مخکی

کپیری ددی له پاره با یدپه ورخ کی په منظمه اندا زه وا خیستل شی . مگر په غوړو کی منحل ویتا مینونه په بدن کی ښه ذخیره کپیری . په کلی توگه په نظر کی باید ولرو چی په غوړو کی منحل ویتا مینو نه په عا دی حرا رت چی په پخلیو کی تری کار اخیستل کپیری له منخنه شی او په هغه او بو کی چی دپخو لو له پاره پکار اچول کپیری نشی حلپیری . پدا سی حال کی چی په او بو کی منحل ویتا مینو نه په آسا نی سره په او بو کی حل کپیری . اوخه مقدار یی دپخلی دحرا رت په وا سطره له منخنه شی . لدی کبله دهغو خوړو په پخلیو کی چی دا غذا یی مواد پکښی مو جود دی دهغولارو چا رو خخه چی ورو سته تری یادو نه شوی ده تری کار وا خیستل او سمه ور ته پا ملر نه وشی .

درو لو ستو نکو ستاسو دمعلو - مات له پاره هر ویتا مین جلا جلا تر مطا لعی لاندی نیسو اود هغو دښیکو اود کمبنت دناوړه نتانجو



هضمی او تنفسی دستگاو با ندی ناوړه اغیزی کوی . او ددی په څنگ کی دانسان په روانی حالت بانندی هم نامطلوبه اغیزه کوی .

ویتامینونه په دوه برخو ویشل شویدی :
لمری برخه هغه ویتامینونه چه په غوړو کی منحل دی او دوه برخه یی هغه ډله ویتا مینو نه دی چه په اوبو کی منحل دی .

په غوړو کی منحل ویتامینونه عبارت دی له ویتا مین آ . دی ای اوک په اوبو کی منحل ویتامینونه دبی گروپ ویتا مینونه او ویتا مین سی او نور دی .
په او بو کی منحل ویتا مینو نه په ډیره لږ اندا زه په وجود کی ذخیره



تول مواد په خواړو کی چی باید دسمی تغذی دلپاری په صحی تو گه بدن ته ورسول شی . که نه نو بیل بیل غری او په مجموعی تو گه تول بدن کمزوری کپیری او په نارو غی با ندی اخته کیدو ته چمتو کپیری .

دغذا یی موادو ډو لو نه:

په عموی توگه غذا یی مواد په دری برخو ویشلای شو .

لمری برخه : هغه خواړه چی سو زی او تودو خی او انر ژی تو - لیدوی دا ډله عبا رت دی له قندونه نشا یسته او وازدی یاغوړو خخه

دوهه برخه - هغه خواړه چی د بدن دانسا جو جوړ ښت او ترمیم له پاره پکار وړل کپیری او هغه پرو تینو نه دی .

دریمه برخه : هغه خواړه چی دوجود دغوړو ددندو په سا تنه تقو په جوړښت ، تنظیم او تعا دل کی اسا سی نقش لری . هغه عبا رت دی . ویتا مینو نه ، کا نی ما لکی او اوبه دی . دلته موږ یوا خی په یسو شمیر مهم او حیاتی موادو په هکله چی ویتا مینونه دی خبری کو . سربیره پردی دخاوړو سمی او صحی پخولو په هکله هم څه مطا لب تاسو در نو لوستونکو ته وړاندی کوم .

ویتامینونه :

ویتا مینو نه هغه حیا تی اوبارښته غذایی مواد دی چی دوجود دبیلو غړودندو په سلامتیا مقا و مت ساتنی او تنظیم کی ستر نقش لوبوی زیات



دهمین قرن تولد

دانشمند بزرگ ابن سینا در سال

۱۹۸۰ بر گذار میگرد



دانشمند بزرگ ابن سینا

خاص امیر حاضر نمایند. اما کارش ها و تحقیقاتی که صورت گرفته هیچ یک ازین تصاویر بدست نیامده بنابراین سوال که طرح میگردد اینست است که ابن سینا چه تصویر و شکل داشته است .

بوعلی سینا در سال ۱۰۳۷ در شهر همدان ایران از جهان رحلت نمود در همانجا به خاک سپرده شد بعد ها جسد او را به محل سعید نفیسی انتقال دادند .

سعید نفیسی دانشمند و نقاش چیره دست شرق دو تصویر از ابن سینا ترسیم نمود و نتوانست زیاد تر این تصاویر را ترسیم کند زیرا در آن زمان ترسیم تصاویر توهین به مقدسات و عنعنات آن زمان شمرده میشد و از طرف علما و مشایخ مذهبی به باد تکفیر متهم میگرددند . این تصویر حصه از مجسمه ابن سینا را نشان میدهد که این تصاویر بعد ها در اتحاد شوروی در دانشگاه تحقیقاتی انتقال یافت .

ترنوفسکی عضو انجمن تحقیقاتی علمی آکادمی اتحاد شوروی از نقطه نظر اناتومی تصویر مذکور را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده که این تصویر بیش تر و مسن تر از سال حقیقی خود ۵۷ به نظر میرسد . از ظواهر آن چنین به نظر میرسد که دانشمند مذکور از حیات خویش راضی نبوده است اما در آخر دوران حیات او به زندگی علاقمندی و دلچسپی خاص داشته است . اراده و عقیده او به پیروزی غلبه به مشکلات الهام بخش دیگران خصوصا در آینده هادور و جهان امروزی گردیده است .

نظرات و تیوری های طبی او از طرف دانشمندان طب در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در موسسه اندیزهان مورد تحقیق قرار داشته و از نظرات و اندیشه های ابر مرد بزرگ تاریخ هنوز هم استفاده مزید در ساحه طب بعمل میاید . تحقیقات دانشمندان در مورد تصاویر و مجسمه های این مرد بزرگ نتایج زیرین بدست داده است :

ساختن چینه او که توسط بشر شناس میخایل گراسیموف و ترنوفسکی مورد ارزیابی قرار گرفته نشان میدهد که چشم ها این تراز سطح بل سوراخ بینی در حدود چند میلی متر

پروفیسور یوسف اتابیکوف رئیس دانشگاه دوزی روی میزش تصاویر پوست کارت و عکس های جالب از ابن سینا عالم شمشیر افغانستان را که از گذشته ها تا نشان و رسامان چیره دست کشیده بودند گذاشت که بخوبی و صراحت نمایانگر چهره فیلسوف ما باعالم شمشیر ابوعلی - سینای بلخی است در بعضی جا ها او لنکی بزرگ به سر داشته و در بعضی تصاویر و نقاشی های دیگر او کاملا چهره یک دانشمند را داشته است .

مجسمه ابوعلی سینا که در ایران موجود است این مجسمه از سنگ مرمر سفید ساخته شده چنانچه ابوعلی سینا را نشان داده که گویا تاجری از قسمت های بخارا در حال گشت و گذار در نقاط مختلف جهان است در حالیکه رسام چیره دست فرانسوی به بوعلی شکل پادشاه فرانسه لویز را داده است که در حال عروج و شکوه و دبدبه خاص است .

پروفیسور یوسف میگوید که راویان چنین روایت میکنند که سلطان محمود غزنوی چهل تصویر ابوعلی سینا را کشیده و دستور داده بود که آن ها را به ولایات مختلف ارسال دارند و هم دستور داد که دانشمند برجسته را به دربار

قرار دارد که نمیتواند تمثال حقیقی وی را نشان دهد .

کار تحقیقاتی در موسسه تحقیقاتی هنوز هم جریان داشته و به اساس گفته سوکولوو دانشمند زیبایی شناس در هریک از علایم که در تصاویر و مجسمه های این مرد از طرف نقاشان و میناتوران ترسیم گردیده خصوصیات زندگی و آثار فلسفی را در چهره این مرد بزرگ تاریخ نشان میدهد . مجسمه ابوعلی سینای بلخی در وسط دانشگاه های علمی در اتحاد شوروی قرار داشته این مرد بزرگ که برای بهداشت و صحت بشریت مبارزه نموده الهام بخش دگران قرار دارد . به اثر تحقیقات دانشمندان آکادمی طبی اتحاد

شوروی که به مجسمه ابن سینا که از طرف اندیزهان تکمیل گردیده صورت گرفته نشان میدهد که این یکی از عمده ترین و بهترین مجسمه های است که به صورت علمی و دقیق چهره مرد بزرگ تاریخ را به آن شکل علمی که باید استوار باشد ترسیم نموده است . نقاشان ، هنرمندان ، و رسامان از گوشه و کنار مختلف جهان رسم ها ، تمثال ها و مجسمه های این مرد بزرگ را بوجود میاورند که در تجلیل دهمین قرن که به یاد بود بزرگداشت ازین مرد بزرگ در سال ۱۹۸۰ برگزار میگردد . بفرستند تا بتوان شمه ای از خدمات فرهنگی ، علمی دانشمندان ، فیلسوف و پزشک آسیای مرکزی را ادا نموده باشند .

داحسان زبانه

دخمکی د آب او هواد خرنگوالی

در اتلونکی به هکله نوی خیرنی

به یخوایی و ختنو کی خینی پوهانو دا نظر در لود چی دنری آب او هوا په تدریجی سرپری او دغه سرو خه به داز مینه برابره کړی چی بیا دخمکی دکری پر مخ دکنگل دوره پیل شی . خو او س پو ها نو په دی هکله زیاتی خیرنی کړی دی او په دی هکله بیلی بیلی نظر یی یی وړا ندی کړی دی . د سلمی پیری تر نیما بی وختو نو پوری دخمکی اقلیمی حالت په عمومی تو که د بشر د یو لنیز و او اقتصادی فعالیتو نو غځه جلا شمیر ل کیده . خو وروسته دغه جلاوالی تغییر و موند ، دخمکی پر مخ د سون د موادو د سوزید لو او راز راز لو گیسو د پور ته کیدو په نتیجه کی دخمکی په اتمو سفیر کی د کار بن دای ا کسا پداندازه زیاتی تیری او همدا راز دخمکی دانوسفیر طبیعی حالت له تو پیر سره مخامخ کوی او دخمکی دحرارت په اندازه کی هم زیاتی توالی مینځ ته راخی . دنری په ډیرو هیوادو نوکی پوهانو په یو لړ خیرنو او تحقیقاتو بوخت دی خو داسی حقا یق پیدا کړی چی دکار بن دای ا کسا پد دکتلی توالی اندازه و پآ کی او همدا راز د کار بن دای ا کسا پد زیاتی تیریدو اغیزی دخمکی اتموسفیر دتو دوخی د درجی په لوړ واک کی خرنگوالی کړی ، نوموړو پوهانو دا نظر په خرنگوالی کړی ده چی دکار بن دای ا کسا پد دکتلی اندازه دوه چنده شی دخمکی دگری د اتموسفیر د لاندنی طبقی د تو دوخی درجه به د ساتنی گراد درجو در جو په اندازه لوړه شی .

کی دساتنی گراد پوری لویه شی د لویو عرض البلد و نوسیمو ددو بی تو دوخی به د ساتنی گراد له ۷ نه تر لسو درجو پوری زیاته شی ، اود دتوسیمو د زمی دتودوخ ا اندازه به دساتنی گراد له منفی پنځو نه تر لسو درجو پوری یتیمه نشی . د هوا د تو دوخی دغه در اما تیک تغییرات به په عمومی تو که دنری په اقلیمی حالا تو کی بد لو نو نه را مینځ ته کړی او دغه بدله لویه به له لویو او آیتو عرض البلد و نوسیمو کی ښکاره شی . ددی عقیدی لپاره هم پوره د لیلی نه پاتی په ۵۸ مخ کی

دپوهانو داخر گندونی په را تلونکی کی د هوا دتو دوخی داندازی او خرنگوالی په باب زیاتی اسانتیا وی برابروی . دعلمی احصائی په اساس د ا رکتیک د سمندر کنگلونه د منځنی ا رکتیک هو ا په دوی

کی دساتنی گراد پوری لویه شی د لویو عرض البلد و نوسیمو ددو بی تو دوخی به د ساتنی گراد له ۷ نه تر لسو درجو پوری زیاته شی ، اود دتوسیمو د زمی دتودوخ ا اندازه به دساتنی گراد له منفی پنځو نه تر لسو درجو پوری یتیمه نشی . د هوا د تو دوخی دغه در اما تیک تغییرات به په عمومی تو که دنری په اقلیمی حالا تو کی بد لو نو نه را مینځ ته کړی او دغه بدله لویه به له لویو او آیتو عرض البلد و نوسیمو کی ښکاره شی . ددی عقیدی لپاره هم پوره د لیلی نه پاتی په ۵۸ مخ کی

نو بسند ه : وادیوم نیکرا سوب

متر جم : سید حسام عل

تضاد های درونی جهان سرمایه داری

تعمیق و تشدید بحرانها در سیستم جهان سرمایه داری و بروز اختلافات در بین جوامع یکی از پدیده های مشخص عصر ما است. ادامه مشکلات و برهم خوردن زندگی اقتصادی به تعقیب بحرانها در دوره نسی سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ انعکاس سیاست نا استوار داخلی جهان سرمایه داری بوده که باعث ایجاد و ظهور تضاد در سیاست و روش طبقات حاکم و در مناسبات بین الدول جوامع سرمایه داری گردیده است. جریان حوادث موجوده بصورت فشرده توسط رهبر پروتاریا چنین توضیح گردیده است که :

« ترا کم سرمایه ما لی محرك اصلی انكشاف نا هموار دول سرمایه داری بوده ، که این خود موجب ظهور اختلافات شدیدی بین دول جهان سرمایه داری میگردد. در عین وقت با لیس هر نیروی امپریالیستی امروزی نسبت به گذشته در آن نرفته تا با در نظر داشت عینیت طبقاتی مبارزه شان را به مقابل جهان سوسیالیسم، جنبش های رهایی بخش انقلابی و جنبش طبقه کارگر شدت بخشند .

دول سرمایه داری برای بایبادی و تقویت وضع خویش در صدد آن میباشند تا اختلافات درونی خود را بنام نظم مصالحه و انمود سازند .

این دول به نمر رساندن نظم مصالحه را بیشتر در عرصه اقتصادی مرقوا هندی هم در جستجوی آن اند تا نیرو های مولده خویش را در سطح پیشرفت و انكشاف گسیل ، پرو سه انقلاب علمی تکنولوژی را انكشاف ، و بین المللی ساختن اقتصاد سرمایه داری را سرو صورت داده برای تحقق این ممول مبارزه و تلاش بخرج میدهند . ولی پرو سه مناسبات بهم مربوط اقتصاد بین الدول سرمایه داری تا نبرات روشن و مشخص را در سیاست داخلی و خارجی این کشور ها گذاشته که بموجب آن روش های کاهلا تازه و جدیدی را بغرض اعمار انحصارات بین المللی روی دست گرفته و برای تحقق آن سعی فراوان بخرج میدهند . بر علاوه اروپای غربی بصورت مشخص در جدو جبد است تا یک سیستم پولی بین المللی را برای دول سرمایه داری و کشور های دیگر بسو جود آورد تا امر بتواند که وضع نا بسامان موجود را بپسود بخشند و از بحرانها در حال انكشاف جلو گیری بعمل آورند .

بهر حال این پروسه ها و جریانها را ایدئولوگ ها و پالیسی میکسران جهان سرمایه داری یا نمی خوا هند و یسا نمیتوانند بخوا هند ، تا صنحات جدیدی همگون و متحدالشکل را جهت انكشاف سیستم سرمایه داری بوجود آورند .

با تصحیح و اکمال این تو قعات و بسا مخالفتی که به مقابل جهان سوسیالیستی از خود نشان میدهند ، با وجود آن هم نمیتوانند اختلافات درونی خود را بر طرف و مضمحل سازند . در عین وقت امپریالیسم بموجب بروز مبارزه شدید بین سیستم سوسیالیستی و سرمایه

داری مجبور گردیده تا این واقعیت را درک نماید، که همه این تغییرات حاصله و اختلافات موجوده جهان سرمایه داری ناشی از پرو سه پالیسی بین المللی خود این دول میباشد .

اختلافات درونی مشخص موجوده جهان سرمایه داری در سه مرکز کاهلا بهم مربوط در دهه اول بعد از جنگ جهانی یعنی در ایالات متحده امریکا ، اروپای غربی «بشمول دول شمال بازار مشترک» و جاپان ظهور کرد. که هر کدام از این مراکز تلاش بخرج میدادند تا سیستم مناسبات موجوده را به نفع خود تغییر دهند و سود بیشتر بدست آورند . ولی در نتیجه اندازة اختلافات در مراکز فوق تا امروز به نحو بالنده و رشد یافته خود در حال افزایش و پیشرفت است .

پا نین آمدن سطح تولید ایالات متحده امریکا به مقایسه سطح تولید جهان سرمایه داری و انكشافی تنا سب تولیدات دول اروپای غربی (خصوصا در جمهوری فدرالی آلمان) و جاپان که همزمان به وقوع پیوست اختلافات موجوده جهان سرمایه داری را مبدل به تضاد های کاهلا اقتصادی بین دو مرکز امپریالیستی ایالات متحده امریکا که مرکز سوم امپریالیستی است

گردید . با یاد بخاطر داشت که این تضاد ها در مراکز اروپای غربی و جاپان نسبت روابط نزدیک و با همی بودن نشان چندانی بصورت تگرفت ولی بهر صورت رقابت بین هم با یک نوع تحرك در حال پیشرفت روز افزون بود . که در نتیجه مناسبات اقتصادی نیز در عرصه سیاسی جامعه عمل بوشید و شامل پالیسی روز گردید. اختلافات در کمپ جهان سرمایه داری بعد از بحرانها سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵

بهر حله حاد و شدید خود قدم گذاشت ، پا نین آمدن ظرفیت صنایع ، از دیاد گروه بیکاران ، و انقلاب سیون روز افزون همه و همه باعث ایجاد رقابت شدیدی بین نیرو های امپریالیستی گردید مبارزه بپیر حمله بغرض احراز بازارها بخاطر فروش کاهلا بین شان آغاز گردید . کشور های سرمایه داری و گروهی از دول انحصاری شان مانند کشور های شمال بازار مشترک اروپا ، سعی بخرج میدادند تا در اطراف ما رکیت های داخلی خود حصاری بوجود آورند و مانع دخول

امته خارجی گردند تا اگر بتوانند اشتغال خویش را تامین و بازار های خود را بدست خود رونق دهند و سود هنگفتی را بدست آورند. بصرین خاری معتقد اند که بین مراکز رهبری کننده سرمایه داری بخاطر تجارت بازاریابی جنگ اقتصادی به شکل روز افزون و شدت خود ادامه دارد .

نتایج حاصله از بحرانها در ساحت اجتماعی و سیاسی چارم حصه از حکمروایان سرمایه داران انحصاری را واداشته که اعتماد به روز مستقبل خود نداشته را همی را سراغ ندارند تا ازین مشکلات و رقابت های خصمانه رهایی یابند . اختلافات موجوده در حال انكشافی طوریکه

گفته آمدیم به توده های وسیع زحمتکشان این فهم و درک را داد، که حکمروایان بورژوازی قادر نیستند ، تا از بحرانها اقتصادی جلو گیری بعمل آورند ، بناء کلیه زحمتکشان معتقد اند که ایدئولوگ های بورژوازی در واقعیت امر ایمان و عقیده به نظریات و سیستم سرمایه داری که بصورت کور کورانه آنرا تبلیغ و بالای مردم می قوی لاند نداشته و ندارند ، صرف بسرای اقتناع سرمایه داران و منافع آنها غلام حلقه بگوش اندوس. درین او اخر ایالات متحده امریکا در یکی از نشریه های خود موسوم به «اخبار و راه پور جهان» یاد آور میشود که تمام دول بزرگ شامل ایمان « نا توه دارایی و وضع نا استوار سیاسی بوده یعنی دارایی و وضع سیاسی پایدار و مستحکم نیستند ، این همان واقعیت تلخی است که خود نمایندگان امپریالیسم آنرا برده اظهار میدارند .

در تحت شرایط موجوده مصلاح کشتی سرمایه داری آن چیزی را که خوبتر می بیند و مشاهده میکند « جنگ اقتصادی هرکس علیه همه کس است .

که میراث مهم و خطیر سیستم سرمایه داری بصورت کل محسوب میگردد. پس به همین منظور است که جهان سرمایه داری بغرض حل تمام اینها بله های اقتصادی جهان خود به سیاست محرك ، پیشرفت و آشتی طبقات نزدیک میگردد و مبارزه خود را بمقابل تمام نیرو های صلح ، دموکراسی و پیشرفت های اجتماعی معطوف ساخته و می رزمند، ولی بهر حال اوضاع موجوده جهان آنرا که «کارتر» رئیس جمهور امریکا ارزیابی کرده چنین توضیح میدهد .

«نظم اقتصاد جهانی در شرایط فعلیه نسبت به هر چیزی دیگر خواهان آن است ، تا تمام دول بصورت متقابل و با همی برای حل اینها بله های موجوده مشترکا مساعدت نمایند .»

چهره مشخص و نفع جاری در دنیای سرمایه داری مشتمل است بر مناسبات بین الدولی که خود آنرا ترتیب و تنظیم نموده اند ، و آن عبارت از وجود آوردن بلاک های نظامی و سیاسی بوده که بصورت همیشگی در بسط و استحکام آن دول ذینفع تلاش دوامداری بخرج میدهند. تکنیک و میخانیکیت را که امپریالیست ها بغرض نیل به هدف بکار میبرند، آن امکاناتی را بوجود می آورند که علاوه و دلچسپی نامه را در مقابل این یا آن عضو گروه مستور و پوشیده نگاه دارند . و بر بعضی از اختلافاتی که بین ایشان و آنها نیکه عمل جدا گانه و علیحده نشان میدهند بفره افکنند . و به نحو غیر قابل تصور و عدم درک صحیح فقط و فقط در پی آن میباشند تا یکطرفی منافع هنگفتی از طرف دیگر کسب نمایند، بدون آنکه دارای تسلط و نفوذ مستحکم در اتخاذ عمل خود باشند .

امپریالیسم ایالات متحده امریکاهمیش بدر هر جا چنان نقشی را میخواهد بقیه در صفحه ۴۳

سگریت پلورونکی

د آسمان شینی مخ خر وو ریغو پوښلی
و او دبا وان څاڅکی په ډیر شدت دځمکی
پر مخ را تو نیدل .

غمچه ځمکه یی لاهو بو له او د اوپوښی
لښتی یی هری خوا ته بهول . سر و غو نه
ښار په غیر کی نیولی و او ټول ځانونه یی
رپریدل او ایستل . بر پښتا وخت ناوخته
په خپلی زړینی لښتی د آسمان په توپمخ
گلاو و نه کول او د تالندی هیبتا کی غرا
د یغنی د لاشدت او زور خبرو نه خبرول
سری سبلی دوی لویه به شان کوکی وهلی .
ځمکی ، کورو نه ، سسی ، غروته او دښار
په مخ هر هری شی ته یی خپلی د ظلم څپیری
ور جواله کولی . دبا وان شدت وار په
وار ډیر ید ه هوا سره وه ، ښار او ښا ریان
یی ټول له ډیر شدت نه کر ختول .

شپی خپله توره لمن ورو ورو هر یی خواهه
غو ږو له او دور څی خر مخ یی لاله نور او
رنا څخه یی بر څی کاوه ، کو څی او وایونه
له خلکو څخه تش وه ، ښار ریا ن په ډیره
بیره په وایو نو او کوڅو کی دی خوا هسی
خوا کیدل ، په منډه منډه یی خپل کارونه
سر ته رسول او اصلا ډیر لږ خلک له خپله
کوره دبا ندی تر ستر گو لیدل ، خو ډوډوکی
سگریت پلورونکی لاهمغسی دپغو ایسه
شان ، هلته په بازار کی دیوه تر لسی
دگان مخی ته تر منا لاندی ولاړو ، غونډ تر
خپل یوازینی اغوستی نازکه سوری سوری زاړه
کمیسی لاندی رپین دینه او په رپریدل کی
نری آواز یی همدغه ناری وهلی .

سگریت ...! سگریت ...
هغه سهار لمانځه مهال له خپلی زړی
چو نگرې څخه راوتلی و ، لو څی پښی او
لو څ سر په ښار کی دی خوا څوگرځینه
د سگریتو درې بلیه یی دخر څلاو په هبله
هری خواهه ترخول . هرڅوک چی یی لیده
په منډه یی خان ورساوه او په ډیره امیدواری
به یی ورته وویل .

سگریت ... سگریت ... دغه دی سگریت
او گله چی به یو نیم خر یدار کو مه دانه
سگریت تری وپیرودنوغم خپلی لو یسد لسی
سترگی به یی په مینه و ځلیدلی ، په
ډیر شوق به یی روپی له خر یداره ترلاسه
کړه او دخپل زاړه شوو یدلی کمیسی خیر ن
واړه جیب ته به یی ور اچو له له خو څی
ډکه نری څندا به یی په شو نه و وغوړیده ،
په منډه به یی له مغی د بل خر یدار د
مینه لو په امید نری شو او بیر ته به یی
خپلی ناری شروع کړی .

سگریت ... سگریت ... دغه دی تا زه
سگریت ... ما شوم سگریت پلورونکی
غو نه ورځ په همدی ترکیب مندو او گرځیدلو
دژ می سری هوا او دغه زغملو یغنی ته

از آنوقت تا این عصر بنام جهیل
طلایی یاد میشود .
دز ینکه جهیل تیلستک را دریاها
وابشار های خرو شان ، تنگنا های
عمیق احاطه کرده است در طول
سالهای متمادی از نظر دور مانده
بود . به این لحاظ طبیعت دست
نخورده آن تا حال شکل او لیه خود
را حفظ کرده است .

جهیل مر نضع تیلستک در دنیای
تحقیقات علمی تا چندی قبل چون
(صفحه سفید) دست نخورده باقی
بود و گروه های تحقیقاتی ندرتاً
غرض پیشبرد تجارب تحقیقاتی
سفر میکردند اما ضرور بود تا
تحقیقات دقیق درین قسمت صورت
بگیرد . به این لحاظ در سال ۱۹۶۵
در نزد یکی جهیل تیلستک استیشن
تحقیقاتی علمی تشکیل و به فعالیت
آغاز کرد . کار کتان استیشن
تحقیقاتی علمی باید به سوالات متعدد
جواب میدادند بطور مثال چرا فقط
در اواسط زمستان یعنی در ماه
جنوری یخبندی در ین جهیل
صورت مینبرد و آنهم برای مدت

جهیل تیلستک را که در مناطق
کوهستانی التای اتحاد شوروی
موقعیت دارد اغلباً از لحاظ زیبایی
باجهیل بایکال مقایسه می کنند .
شفا فیت نقره فام آب ، زیبایی سواحل
ارتفاع زیاد آن نظر به سطح بحر
(چهارصد و سی و شش متر) همه این
صفات دست بهم داده و این جهیل را
از لحاظ زیبایی طبیعی آن در ردیف
جهیل معروف بایکال و امثال آن در
دنیا قرار میدهد .

در جهیل تیلستک مانند جهیل
بایکال یکتعداد زیاد دریا ها که شمار
آنها به هفتاد و یک میرسد سراسر
زیر میشوند اما فقط یک دریا بنام
دریای بیبا از آن سر چشمه میگيرد
عمق و سطحی جهیل به (سی و
بیست پنج) متر میرسد . گر چه
از لحاظ عمق به جهیل بایکال نمیرسد
زیرا عمیق و سطحی جهیل بایکال
به (یکهزار ششصد و بیست) متر
میرسد اما نظر به جهیل های
معروف جهان مانند جهیل های
مشیگان ، انتاریو و تیتیکاک عمیق
تر است .
عربکن مشکرفز تپسته و شرریده

ترجمه احمدشاه

اسرار جهیل طلائی

بسیار کم ؟ سا ختمان کف جهیل
چطور است ؟ علمت تغیر شدید
دقلیم درین منطقه چیست که دریک
قسمت نزدیکی سوا حل یخبندی ،
شدید حکمفر ما ست ودر قسمت
دیگر آن که از قسمت اولی چند
کیلو متر فاصله بیش ندارد هوا ،
مانند منطقه کر یمیا ملا یم ونسرم
ناچیز جهیل را در یافت کردند زیرا
جهیل تیلستک عمیق است ودرمقابل
سرما و یخبندی ډیر تر مقاومت ،
میکند . در ما های تا بستان فقط
اقشار فوقانی آب تا اعماق بیست
الی چهل متر حررت خود را بلند
می برند و اقشار دیگر آن در طول
سال حرارت مثبت چهار درجه
سانتی گرید را دارا میباشند .
آب درین جهیل تا حد اعظمی
توسط اکسیجن مشبوع است اما در

از زمان های قدیم در سواحل
جهیل تیلستک مردم التای از قبیله
تیلست زندگی داشتند به این لحاظ
در حال حاضر آنرا بنام قبیله مذکور
مسمی کرده اند .
مردم قبیله تیلست این جهیل را
بنام التین کول که جهیل طلایی معنی
مورد افسانه ذیل را حکا یست
میدهد مسمی کرده بودند ودر ین
میکردند . در زمان قدیم خشکسالی
شدید بوقوع پیوست . شخصی بود
که سکه طلا داشت که در آن تصویر
کله ای اسب نقش شده بود اما در
مقابل حتی یک لقمه نان نداشت که
از آن رفع گرسنگی میکرد . مرد
مذکور نزد همسایگان مراجعه میکرد
واز آنها میخواست تا سکه را با
قرص نانی تبادل کنند اما هیچ کس
به این معامله حاضر نه شد . مرد با
مایوسی زیاد سکه بی بهای خود را
به جهیل پر تاب کرد . به این ترتیب



ارکادی رایکین در حین نمایش

ار کادی را یکین در بنو ق ت بسیار شگین شد زیرا به او اجازه نما یش بعضی از صحنه های میر هوجیا تی را اجا زه دادند اما چند ی بعد به این نکته اعتراف کرد که هم مسلکان انگلیسی او در چو کات منطقی که برای خود انتخاب کرده بودند کاملاً منطقی و معقول بودند . زیرا اگر کسی سعی میوزد تا از بیرو گراسی بیرو کرات هاور شوت خوری دفاع میکند طبعی است که اجرای نما یشنا مه های را که در آن ها بیرو کراسی ، بیرو کرات ها و رشوت خوری به یاد انتقاد گرفته شوند مجاز نسی شما رد . ار کادی را یکین بعد چنین اظهار داشت : « چندر خوب است که در مملکت ما از رشوت خوری به شکل «تجارت بکلی مجاز» دفاع نمیشود و هیچ کس اینطور فکر نمیکند که بیرو کراسی از عنعنات ملی ما بشمار میرود . »

ار کادی رایکین چون صحنه های انتقادی را اجرا مینماید بنا ء چنین شخصی با ید به زندگی و مسایل میر م حیا تی به چشم عقل و منطق بنگرد و اعمالی مانند بیرو کراسی ، رشوت خوری را بدون عاطفه بیاد انتقاد بگیرد . ار کادی رایکین میگوید : اینکه کدام اعمال غیر مجاز را بیاد انتقاد میگیر م حتمی نیست که از جوانب منفی بطور همیشه سخن گفته شود و به شاخه های دیگر توجه نگردد . بر عکس طنز و انتقاد آنو ق ت مفید و قابل قبول واقع میشود که در خود نکات مثبت را نیز بگنجانند .

ار کادی را یکین میگوید : اغلباً ازمن سوال میشود : شما به کدام حق درینو یازان موضوع مزاح و از بعضی مسایل انتقاد میکنید ؟ معمولاً جواب میدهم من منحیت یک انسان ، یک هنرمند و یک تبعه مملکت به خود این حق را میدهم نخست از همه خودم اینرا به خود اجازه داده ام زیرا اینها مسایلی اند که مرا به این نوع نما یشنا مه ها میکشاند و با ید حل شوند . خنده و مسخره در مقابل چنین اعمالی مانند بزلی ، بی علاقه گسی به امور محوله ، بی احترامی و پستی منحیت سلاح عمده بشمار میرود و در مقابل باقانون جنایی در یک مقام و مرتبه قرار میگیرد و حتی بیشتر تر از آن تا غیر مثبت وارد مینماید .

البته اگر اینطور فکر شود که موفقترین صحنه های طنز در جهان و مردم تغییر کیفی وارد می کند ساده لوحی شخص را نشان میدهد در مقابل این نیز بی منو م خوا هد بود اگر شخصی شغل طنز را در پیش گیرد و به امکانات آن عقیده نداشته باشد .

ار کادی را یکین تمام زندگی و فعالیت های حیاتی خود را در زمان دو کت شورا ها پیش برد و می برد . او میگوید : من به این افتخار دارم که وظایف محوله و کار های دشواری را مردم ما به بسیار خوبی انجام میدهند و داده اند اما سنگین ترین بقیه دو صفحه ۵۱



ارکادی رایکین در اجرای نمایشنامه مقابل سربازان دیده میشود



ارکادی رایکین در چهره های مختلف، نمایشگران را می خندانند

ارکادی رایکین بدون شک بشیان گداو استاد بزرگ مینا تور طنز در اتحاد شوروی عیبها شد قبا تر مینا تور یعنی چه ؟ این قبا تر از هنر مندا تی متشکل عیبها شد که نما یشنا مه های کوتاه را اجرا میکنند . در قبا تر طنز لیننگراد این نما یشنا مه ها بسیار شد ید ، میر م و انتقاد میباشند . درین قبا تر نه تنها نما یشنا مه ها اجرا میشود بلکه هنر مندان بعضی از صحنه ها را تمثیل می نما یند که با خود صحبت میکنند و مسایل میر م حیا تی را به شکل انتقادی و خنده آور آن تمثیل مینمایند . ار کادی را یکین در اتحاد شوروی و در خارج از آن از شهرت زیادی برخوردار است . او میگوید : « در یکی از سفر هاییم به لندن مقامات مربوط به من اجا زه دادند تا در تلو یزیون انگلستان بعضی از نما یشنا مه ها را اجرا نما یم این پنج دور نما یش از نما یشنا مه های



هنگامیکه ارکادی رایکین را بر سرش و یکتن از ممتلین در باز گشت سفر همراهی میکنند

ترجمه: عبدالله

از سبوتنیک

کمیدین معروف تیا تر طنز ار کادی رایکین

متشکل بود که در مسایلی مختلف در اتحاد شوروی آنها را اجرا کرده بودم . درین وقت بطور غیر مترقبه هم مسلکان انگلیسی- ۱۱ اظهار داشتند که بعضی از صحنه های کمیدی را از پرو گرام خارج سازم . با خود فکر کردم چه حادثه رخ خواهد داد؟ سخن از چه قرار است ؟

یکی از آنها برایم توضیح داد : آقای رایکین ما به نیر نگهای شما پی برده ایم حال شما میخواهید کردار یک شخص بیرو- کرات را تمثیل کنید اما اسمیکه معلوم است بیرو کرات حقیقی برای او لین مرتبه در انگلستان ظاهر شد . یا بطور مثال شما میخواهید رشوت خوری را مسخره نمائید ما بعضی هارا در انگلستان عقیده دارند

که رشوت خوری یک تجارت بکلی مجاز شمرده میشود . پس به این ترتیب چرا بر نسیب های موازین اخلاقی خود را بر هم زنیم ؟ و این نیر نگ شما را که میخواهید به اشخاص مخاطب تان نام های روسی بگذارید و ما را گول بز نید درک کرده ایم .



ارکادی رایکین در حال ممارست و تمرین

سیاست همزیستی مسالمت آمیز

در جهان امروز روابط بین المللی و سیاست خارجی در حیات ملت ها ، در فعالیت های احزاب ، حکومتها و دولتها نقش مهمی بازی می کند ، این همه به شرایطی مربوط است که جبر خصوصیات عصر و عمل کرد عوامل مختلفه آنرا بوجود آورده . - در آغاز ، باید گفته شود که سر نوشت ملیون ها مردم و حتی تمام مدنیت با اندازه ای که امروز به شرایط بین المللی ، حل مسائل کلیه ی بین المللی و بویژه مساله صلح و جنگ وابسته است در هیچیک عصر گذشته نبود - انقلاب علمی و فنیکی سبب ایجاد سلاح های مخرب کتلوی بی سابقه گردیده .

در جنگی که توسط امپریالیست ها شروع شود اگر از جنبین سلاح ها استفاده بعمل آید جهان را با امحای ملیون ها مردم و نا بودی شرایط موجودیت نوع بشر تهدید می کند ، در عین زمان انقلاب علمی و فنیکی باعث رشد سریع نیرو های مولده گردیده نوع بشر را با پرابلم های جهانی ، مانند استفاده معقول از منابع طبیعی ، تهیه کار و معیشت برای همه مردم ، فایق آمدن بر پسمانی امور اقتصادی کشور های روبانکشاف و غیره مواجه ساخته ، بر علاوه ، انقلاب علمی و فنیکی باعث وسعت تقسیم کار بین المللی و همکاری اقتصادی بین المللی در تمام ساحات بشمول استفاده از فضا و ابحار و حمایت محیط زیست گردیده .

در عصر حاضر که خود یک عصر عمیق انقلابی است ، تأثیر بوده ها بر سیاست تزیاد کسب نموده ، سیاست های داخلی و خارجی باهم ارتباط نزدیک یافته اند ، جریان و نتایج مبارزات طبقاتی در این یا آن کشور به تناسب قوا در کادر جهانی ، بحالت روابط بین المللی بر اندازه وابسته شده بالاخره یک خصوصیت ویژه عصر حاضر عبارت از موجودیت موازی دولت های است با دو سیستم گاهلا مخالف یعنی سیستم سرمایه داری و سیستم سوسیالیستی که دارای دو سیستم اقتصادی اجتماعی بوده و هر کدام آن با قوانین ذاتی خود تکامل می کنند .. طبیعی است که این حادثه در روابط بین المللی محسوس شده و به شکل تصادم و عمل متقابل تمایلات عمومی و تکامل قوانین تجسم می کند ..

اساس همزیستی مسالمت آمیز ، که توسط سرزمین جوان شوروی به پیش کشیده شد و تهداد روابط با کشورهای سرمایه داری را می سازد چنانچه بعضی از سیاست دانان بورژوازی ادعا دارند ، هیچگاه یک مانسور و حیلۀ تاکتیکی نبوده ، فرغیۀ همزیستی مسالمت آمیز جزء لاینفک تیوری انقلاب سوسیالیستی است .

تیوری علمی و انقلابی طبقه کارگر بیان می دارد که از اثر رشد نا متوازن اقتصادی و سیاسی کشور ها و امکان پیروزی سوسیالیزم ، اول دریک یا چند کشور بحالت مخصوص بوجود خواهد آمد که در آن سوسیالیزم و کشورهای سوسیالیستی و کشورهای سرمایه داری موازی وجود خواهند داشت از جریان وقایع جهانی چنین نتیجه گیری به عمل آمد که اعمار سوسیالیزم نا گسبان صورت نمی گیرد بلکه یک جریان طولانی تاریخ را احتوا می کند . ازین حقیقت چنین نتیجه گیری می شود که ناگزیر برای مدت مدیدی دو سیستم مخالف موازی پهلوی هم دیگر وجود داشته می باشند .

شک نیست که یک مبارزه حاد و شدید بین سیستم اجتماعی کهنه و از نظر تاریخی محکوم بقنا و سیستم جدیدی که با به عرصه وجود نهاده قهرا درمی گیرد و تضاد بین دو سیستم متضاد تعیین کننده توره انتقالی بوده و امپریالیزم با استفاده از تمام امکانات دست داشته ، حتی مداخله نظامی ، برای سرکوب کردن انقلاب سوسیالیستی قیام می کند و از طرف دیگر انقلاب سوسیالیستی پیروزمندانه اکتوبر ، سرمشق و اتکالی بین المللی مبارزات کارگران جهان ، بالخاصه کارگرانی که در مراکز اساسی سرمایه داری متمرکز گردیده اند ، می باشد .. با وجود این تضاد عمده در روابط بین المللی یک نیروی بسیار بزرگتر از خواست ، اراده و تضامین حکومت ها و یا طبقات متخاصم و مخالف با سوسیالیزم وجود دارد که آنها را مجبور می سازد ، با کشورهای سوسیالیستی تماس داشته باشند ، این نیرو ، نیروی روابط عمومی اقتصادی جهانی بشمار میرود ...

تیوری علمی طبقه کارگر عمیقاً معتقد است که منافع علمی کشورهای سوسیالیستی و کشورهای سرمایه داری و منافع جهانی تمام جامعه بشری حکم می نماید که مبارزه بین کشورهای دارای نظام های اقتصادی و اجتماعی متضاد باید به شیوه مسالمت آمیز صورت گیرد نه باستعمال سلاح و اختلافات حاد بین کشورهای باید با متقابل سیاسی ، اید یولوژیکی و رقابت اقتصادی در تکمیل نمودن شیوه زندگی و حل مسائل جهانی از میان برود ، نه در میدان جنگ ... این است معنسی همزیستی مسالمت آمیز ..

در ختم سال های ۱۹۶۰ و آغاز سال های ۱۹۷۰ ع قضای بین المللی ، تمام جریان تکامل در عرصه بین المللی و سیاست جهانی بصورت عموم به تغییرات بزرگی معروض گردید یعنی تغییرات در سنت آراءش فشار بین المللی و کمی خطر جنگ جدید جهانی ،

حالا باید فهمید که چه عواملی سبب این تغییرات گردید ؟

نخست : تحکیم بیشتر مواضع کشورهای سوسیالیستی و رشد نیروی اقتصاد و تأثیر سیاسی آنها ، همین عامل است که تأثیر قاطع دارد ، زیرا این عامل تلاش مذبوحانه محافل حاکمه امپریالیستی را برای حصول تسووق نظامی بر کشورهای سوسیالیستی بر مسلا ساخت و پیروزی های ممالک صلح دوست ، خلاهایی را در محاسبات غرب بوجود آورد و انحصار آنها را بر مطلق العنانی پایان داد ، حصول تساوی خصوصاً در قسمت سلاح های شتراتی یک موقف قدرت و سیاست جنگ سرد را به نقطه صفر یعنی منفی رسانیده و برای خود غرب نیز خطرناک ساخت .

دوم : تغییر دو پاره نقشه سیاسی جهان در نتیجه پیروزی های مبارزات رهایی بخش ملی و بروز و تکامل چندین هوجبین (نوازه) کشورهای جوان در صحنه جهانی بسیاری ازین مملکت ها در مبارزه ضد اعمال تهاجمی ، بدور انداخته در مبارزه صلح و مصونیت بین المللی در کنار کشورهای سوسیالیستی قرار گرفتند . تغییرات بزرگی در مسیر قوا در بین خود ممالک امپریالیستی نیز بوقوع پیوسته یعنی بسیاری از کشورهای سرمایه داری که در سال های ۱۹۵۰ با اطاعت کامل از کشورهای بزرگ امپریالیستی جهان پیروی می نمودند و مسیر دیگری را در پیش گرفتند .

سوم : رشد نیروی ضد امپریالیستی در جهان : طغیان جنبش طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری و تحکیم نیرو های دست چپی در بسیاری ازین ممالک مخصوصاً احزاب طراز نوین کارگری ، یک خصوصیت و وضع سیاسی در دهه اخیر عبارات است از رشد وسیع جنبش های دموکراتیک در اکثر کشورهای سرمایه داری از همه اولتر چپین ضد جنگ .

چهارم : تغییرات در حلقه های حاکم ممالک بزرگ امپریالیستی ، و رشد تمایلات ریالیستیک در این طبقات و در سیاست اکثر کشورهای غربی ، این یک جریان خیلی مغلط و اغلباً متضاد است . تظاهر عمده آن درک تالیج و خطرات ذخیره نامحدود سلاح ها است توسط زمام داران غرب و نیز فهم روز افزون این مطلب که سیاست خارجی باید از دیدگاه جدیدی مورد ارزیابی قرار گیرد ، این باید علاوه شود که شخصیت های بورژوازی ای که بیشتر ریالیستیک فکر می کنند از پشتیبانی بیشتر مردم در حوزۀ های انتخاباتی برخوردار اند ، حقیقتی است که از آن انکار شده نمیتواند . تمام این عوامل در مجموع وانعکاس آن در شعور طبقات ، گروه ها و عده از شخصیت های مؤثر سیاسی و دولتی سبب شده که در اواخر سال های ۱۹۶۰ ع احساسات مردم بخاطر تغییر عقیده جنگ سرد در کشورهای بزرگ سرمایه داری اوج گرفت . این بود که شرایط عینی و ذهنی تکامل نمود و امکان آن رامیسر ساخت تا از جنگ سرد به آرامی فشار بین المللی ، تکامل روابط عادی بین دو سیستم مخالف چرخشی بوقوع به یبوند و همزیستی مسالمت آمیز در عمل و قانون توسط غرب بر رسمیت شناخته شود . عبور از جنگ سرد ، از تقابل انفجار دو جهان مخالف ، به دینات ...

جهانی مرتبط بود اما به تلاش و حرکت زیاد نخست از همه به تغییر تناسب قوا در کادر خلق ها ضرورت احساس می گردید .

مخصوصاً خلق هاییکه مسئول سیاست دولت ها بودند تا تقسیم شود که مسائل مورد نزاع را نه از طریق غرور بلکه از راه همکاری مسالمت آمیز ، بدون تقابل مسلحانه میتوان طور طبیعی حل نمود ..

انتقال از جنگ سرد به دینتانت : درک وسیع اساسات همزیستی مسالمت آمیز در آن واحد صورت نپذیرفت ، مقایستایک جریا ن طولانی بود و در جهان به شیوه های مختلف متظاهر گردید و در روابط کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری اشکال مختلفی را اتخاذ نمود .

این جریان بصورت بسیار قاطع در اروپا به پیش رفت ، در برانظمی که در آنجا دو نظام اقتصادی ، اجتماعی مقابل با سازمان های نظامی و اساسی شان (ناتو) و وارسا مستقیماً در برابر هم قرار داشتند . اولین کشور بزرگ سرمایه داری ای که با اتحاد شوروی مناسبات خود را بهتر ساخت فرانسه بود ، این حادثه هم از لحاظ اینکه فرانسه یک پیش قراول برای تسهیل عادی شدن روابط کشورهای دیگر سرمایه داری با جهان صلح گردید و نیز از لحاظ نقش فرانسه در تاریخ جهان ، سیاست جهان ، اقتصاد و کلتور اهمیت بسزایی داشت ، اولین قدم جدید مناسبات میان فرانسه و اتحاد شوروی در ۱۹۶۶ ع بعد از مسافرت بریزدنت دوگول گذاشته شد .

این یک نقطه چرخشی بود در روابط هر کشور و برای هر دو کشور و جریان دینتانت در مجموع اهمیت بسزایی داشت ، روابط هر دو کشور در دهه اخیر نمونه عالی است برای تجسم اساسات همزیستی مسالمت آمیز و تعاون بین کشورهای نظام های مخالف و یک عامل مهمی است در عادی ساختن تمام امور مغلط روابط بین المللی و اروپایی

یک واقعه عمده و نقطه عطف در تاریخ بعد از جنگ اروپا عبارت از قرار داد ۱۹۷۰ مسکو بود که سنگ تهداد دینتانت را در برانظم اروپا گذاشت و هم این قرار داد بمعنی عادی شدن روابط کشورهای سوسیالیستی با جمهوری فدرالی آلمان بود ، اهمیت این واقعه از موقف خصوصی جمهوری فسدالی آلمان در مجموع روابط بین المللی بعد از جنگ ، از نقشی که او در جنگ سرد داشت و هم از امکانات زیاد که آلمان غرب در دست دارد کم نیست ... چنانچه در مدت ۲۵ سال پس از جنگ ، مسائل مغلطی که با جمهوری فدرالی آلمان و برلین غربی مرتبط بود ، به نحوی از انحاء بیحیث محراق تقابل دو سیستم باقی مانده بود و جهان را بروی کار آمدن یک جنگ عمومی تهدید می نمود ، این است دلیلی که عادی شدن روابط جمهوری فدرالی آلمان با کشورهای سوسیالیستی برای روابط همزیستی مسالمت آمیز اهمیت بسزایی داشت ...

کشور های صلح دوست همیشه علاقه مند بپیود و تکامل مثبت روابط با بریطانیای کبیر و ایتالیا بوده اند ... زیرا این کشور ها نیز موقف مهمی در اروپا و سیاست جهان اشغال نموده اند ... مناسبات با این کشور ها از نظر تعاون اقتصادی : تماس های سیاسی و غالباً مناسبات حسنه بوده است . با بهتر نمودن بقیه در صفحه ۳۷

رهنما برای کسانی که میخواهند

شوهر بگیرند

مساعدتر آید. اگر شوهر با قد کوتاه داشته باشید هیچ ضرورت نیست که لباس های کهنه تان را بطور اندازید زیرا از یک پیراهن تان يك جوره درشتی بسزای به بسیار آسانی ساخته میتوانید .
 مردها با قد متوسط خاصیت اطفال را دارند اما این اندازه تان میخورند و از مردان قد بلند عقب نمیمانند .
 چشم های مرد ها آبی، سبز، خاکستری و سیاه میباشد ، بدون در نظر داشت رنگ چشم های مرد ها چندان با حیا نمیباشند .
 مرد های که دارای چشم های محجب (برآمده) باشند همیشه در جستجو میباشد تا در هر قسمت معلومات کافی داشته باشند و از شعار



عروس به عقد رفته، هنوز هم دو تعجب است که شوهرم چگونه است؟

بهر است تا اولتر بدانیم که مرد یعنی چه: علم درین قسمت تعریف مکتب آنرا داده است .

مرد زنده جان تو پاست که به بسیار زودی تسخیر میشود و به جلی میرسد که ظروف را میشوید ، کف اطاق را پاک میکند و پول معاش را مکتب به خانم تقدیم میکند . حال به اصل مطلب بر میگرددیم . هر يك از قبیل مقبول ، نامقبول سیاه چهره، سفید چهره و بالاخره همه شوهر میگیرند .

از همه زودتر جاق ها و لاغر ها و کمی نادان ها زودتر شوهر میگیرند . از همه مشکل تر داناها شوهر میگیرند زیرا کدام مرد میخواهد که زن عاقل تر از خودش داشته باشد ؟
 قبل از اینکه شوهر انتخاب کنید به قد و قامت مرد ها متوجه شوید . قد مردها مانند در نمازه های درجه اول ، درجه دوم درجه سوم میباشد . مردها باقد بلند در کار های منزل چندان وارد نمیباشند . مرد های قد کوتاه برعکس غرض استثمار بهتر و



نمایی از شوهران دلخواه

ذیل پیروی میکنند «میخواهم همه چیز را بدانم» .
 حال راجع به رنگ موها صحبت می کنیم .
 مردها دارای مو های روشن ، خرمایی و سیاه میباشند .

مرد های ، با موهای روشن بسیار متواضع خوش باور و ساده میباشند معاش را بدون کم و کاست به خانم تقدیم میکند .

مرد های مو سیاه بسیار حسود و خشن میباشند . همینکه بالای زن خود بد گمان شد به بسیار هیجان وعده میکند او را از بین می برد و خود نیز خودکشی میکند . اما نمی داند که اولتر خود و یا خانم خود را از بین ببرد بدین ترتیب ساله را نازل گداشته و برای همیشه تا شام از خانه خارج میشود .
 مردهای مو خرمایی بسیار مهربان و خوش خلق میباشند . همه موخرمایی ها میخواهند خود را در جمله مرد ها با موهای روشن قرار دهند . اگر شوهر موخرمایی انتخاب میکنید

پس اگر میخواهید شوهر بگیرد بدون وقفه مرد تاس سر را انتخاب کنید این نوع شوهر قیمتی است ! با او در خانه همیشه خوش و مستریج میباشد .

بقیه صفحه ۱۶

اسرار جهیل طلائی

مهم میباید شد و در حل بعضی مسائل کمک شایانی مینماید .

از جمله عجایب متعدد جهیل

تیلسک از عجیبه میتوان نام برد که توسط دست . های طلائی انسان ایجاد شده است . این عجیبه باغ با درخت

های میوه دار است که در شرایط

ناگوار و در صخره آباد شده است .

شخصی که در قسمت مشاهدات

جهیل معروف است نیکلای سمیر -

نوف بود ، این شخص در آنوقت

اندازه گیری سطح آب را به عهده

داشت . نیکلای در مسکو تحصیل

میکرد اما مریض شد . داکتران به او

مشوره دادند تا در يك قسمت کناره

و خاموش زندگی کند . به این ترتیب

نیکلای به جهیل تیلسک آمد و

ایجاد باغ را کرد . در سواحل صخره

یی میخ های چوبی نصب کرد و خاک

مورد نیاز را از ساحل مقابل در ،

قایق نقل می داد . آب در اثر طغیان

سه مرتبه باغ او را ویران کرد اما

نیکلای باز هم به کار خود ادامه داد .

در حال حاضر باغ نیکلای سمیر -

نوف در ین نواحی یگانه نیست . در

قسمت های زیاد ساحل جهیل طلائی

درخت های میوه دار دیده میشود

مردم از آنها استفاده مینمایند .

مقابل ماهی ها نسبتا کمتر اند . علت این حا دئه چیست ؟ قسمتی که معلوم

شده است این جهیل برای ماهی ها

غذای کافی را دارا نمیباشد زیرا در

جهیل مذکور قسمت های وجود ندارد

که دارای عمق نا چیز باشند تا گیاه

های مورد نیاز ماهی ها در آنجا ،

بروید و منحصیث (چرا گاه) ماهی ها

از آن استفاده نمایند و از سوی دیگر

سواحل جهیل صخره یی بوده و دارای

نسبب زیاد میباشد . به این لحاظ

در جهیل تیلسک فقط سیزده نوع

ماهی موجود میباشد . در ین جهیل

نیز مانند جهیل بایکال ماهی های

موجود اند که در هیچ نقطه دنیا

یافت نمیشود . بطور مثال در سال

۱۹۴۹ در ین جهیل يك نوع ماهی

دیده شده است که طول آن به دهالی

دوازده سانتی متر میرسد .

کار کنان استیشن تحقیقاتی

مشاهدات دقیق را در ین قسمت

انجام میدهند و نظر به نتایج تحقیقات

آنها (گز ارش های سالانه هایندرو -

لو جیکی) ترتیب میگردد . این گز

ارش ها اقلیم و رژیم آب را در ین

جهیل بطور واضح تشریح مینمایند .

این معلومات برای بپو لو جست ها ،

هایندرو لو جست ها ، کار کنان

زراعت و مالدارانی بسیار ارزنده و

ارتقای علمی و فنی ادوا و درمان

افق جدید در تکنالوژی طبی امروز

در حدود نیم قرن قبل اوسط عمر ۴۵ سال در نظر گرفته شده بود، اما امروز بواسطه انکشافات علوم طبی و وسایل ضروری مبارزه علیه امراض این تخمین را تا حدودی بالا برده است چنانچه در جاپان امروز دوام عمر به ۷۶ سال برای زنان و ۷۱ سال برای مردان تخمین میگردد که این رقم در سوئد و ناروی زیاد تر از سایر کشور های جهان شمرده میشود .

گرچه دلایل و علل مختلف در مورد ادا مه حیات موجود است اما عمده ترین این دلایل همان انکشاف وسایل طبی و علم طب است که بعد از جنگ جهانی دوم به پیمانہ وسیعی انکشاف و تحولات عمیق نموده است که این وسایل را عمدتاً میتوان عدسیه های برقی ، فزیک هستوی و غیره دانست که در طبابت به پیمانہ وسیعی قابل استفاده بوده که نه تنها در تشخیص امراض بلکه در راه علاج و درمان آن نیز قدمی مهم به پیش برداشته شده است .

پروفسر ارتقا در سیستم های اداری شفاخانه و معاینه نموده و حتی بتوانند ذرات وسلول های کوچک مغز آدمیزاد را نیز تحت مطالعه و معاینه قرار دهند .

طب (هستوی) یکی از جدید ترین انکشافات طبی است که بشر درباره آن تلاش و مجاهدات نموده اند و استفاده از وسایل مواد رادیولوژی در تشخیص امراض افق جدیدی را در ساحه طب امروزی گشوده که میتواند امراض ارگانیک بدن را تدای نماید . استفاده از رادیو آرتروپ هادر وجود امروزیکی از پیشرفته ترین وسیله تدای امراض ارگانیک شمرده میشود که دکتوران موظف میتوانند موقعیت بخصوص امراض سرطان ، تومور ، لخته شدن خون و غیره را در بدن به صورت واضح دریابند .

گرچه وسایل طبی امروزی تا حدودی ناراحتی های در وجود حین عملیات بوجود میآورد اما تلاش بعمل میآید تا چنین مشکلی را در آینده بتوان مرفوع سازند استفاده از اسعه رادیو لوزی در تدای امراض سرطانی نتایج درخشانی را تاکنون در جهان امروز نشان داده است در جاپان امروز دانشمندان در صدد پیدا نمودن و کشف وسایل مهمتر و موثر تر جهت مبارزه با امراض سرطانی دیده میشوند چندی پیش با تزریق اشعه اکس و گاما با امراض سرطانی مجادله صورت می گرفت اما امروز بواسطه ذرات هستوی که بواسطه لین های سیکلو ترون ها تولید میگردد علیه ریشه های امراض سرطانی مبارزه و مجادله صورت میگیرد .

ذرات هستوی دارای انرژی فوق العاده زیاد بوده زمانیکه مستقیماً به امراض سرطانی متوجه



عملیه فایروسکوپیک (مشاهده ارگان های داخلی وجود) ناراحتی مریض را تخفیف می بخشد .

مردد قادر است تا ریشه های مذکور را از اساس نابود و تخریب نماید .

بنابراین تدای ذرات هستوی نسبت به امواج پراکنده تدای شعاعی نهایت موثر ثابت گردیده است این طریق جدید تدای در موسسه ملی مرکز رادیو لوزی در شهر شیبیا به فعالیت آغاز نموده است .

بعد از چاره فته تدای از جمله ۲۴ نفر ۱۲ نفر آن کاملاً صحت و سلامت بوده که بعد از تزریق اشعه هیچ آثار و علائم سرطانی در وجود شان دیده نمیشد آنهایکه هنوز علائم سرطانی در وجود شان دیده می شد اما نسبت به گذشته احساس آرامی و رضایت می نمودند .

حین که نتایج درخشان این امتحان موفقانه اعلام گردید موسسات و سازمان های طبی در تلاش آن برآیند تا بگویند راه های علاج موثرتری را جستجو و این سیستم تدای را هر چه بیشتر در خدمت مردم قرار دهند اما عمده تر از همه تشخیص مریض بوده که بعداً بتوان در جای معین اشعه مذکور را تزریق و مجادله را علیه امراض خانمان سوز سرطانی آغاز نمود .

انکشافات پیشرفت های علوم و دانش بشر را قادر خواهد ساخت تا بتوانند نوآوری ها و انکشافات جدید نموده و همه انکشافات و دست آوردهای مثبت شان را در راه خلق و خدمت به عالم بشریت انجام دهند هر قدر دامنه انکشافات علمی و راه علاج و درمان بیماری های مزمن و مغفی کشف میگردد به همان اندازه بسان خرافات و اندیشه های ایدئالیستی برجیده خواهد شد .

پرورشگاه مار

شش ماه قبل يك پرورشگاه مار بطرفیت در حدود هزار مار دریکی از شهرهای نژد یکی هانوی (مرکز ویتنام) تاسیس گردید . زهر مار به پیمانہ وسیع در فارمکولوژی مورد استفاده قرار گرفته و در مارکیت بین المللی يك گرام آن ۴۰ الی ۵۰ دالر ارزش دارد . پرورشگاه مذکور میتواند بیشتر از ششصد گرام زهر را جمع و تهیه نماید .

زهر مایع مار در طبابت فولکوریك ویتنامی ها به پیمانہ وسیع مورد استفاده قرار میگیرد و در نقاط کوهستانی و زمین های پایین شپاهای آن مملکت زهر مار را بجهت بهترین دوا جهت معالجه روماتیسم و بولی آرتریزیت بکار میبرند .

در سال ۱۹۸۰ تعداد ماران پرورشگاه مذکور طبق پلان مرتبه به پنج الی شش هزار ازدیاد خواهد یافت .

چگونه موسیقی جاز در جهان

معرفی گردید



بمناسبت فستیوال موسیقی جاز نمونه‌ی موسیقی جاز را از درخت ساخته و به نمایش گذاشته اند

بعدها گیتار و چنگ را نیز با آن توأم نمود . اتحاد شوروی خوب درک نموده اکنون این اعضا کارگران هنری او علاوه بر موسیقی نوازان شامل درامه نویسان شاعران - هنر مندان دیگر نیز بود موسیقی جاز اتحاد شوروی حتی در فلم هانیز راه پیدا کرد چنانچه در فلم میری فیلو (رفیق خوش طیب) چارلی چاپلین امریکایی می‌نویسد که امریکایی هانیز را در آرمیزاد در آن نقطه جهان به ودیعه سپرده است .

انسان‌های قدیم در مورد کائنات

چه نظر داشتند؟

مصریان قدیم سه هزار سال قبل در مورد فضا چنین نظر داشتند که آسمان بشلیسک گنبد بر روی زمین قرار دارد و هر شام آفتاب را به قلب خود فرو می‌برد و تمام شب در داخل وجودش سفر کرده و فردا جدیداً متولد میگردد .

یونانی‌های قدیم عقیده داشتند که یک سپر آسمانی الی زمین را از آتش‌های که بفاصله دور وجود دارد محافظت می‌کند، و قتیکه ستاره‌ها می‌درخشیدند آنها تصور می‌نمود که شعله‌های آتش آنطرف سپراز سوراخهای سپردیده‌میشود همچنان عقیده داشتند که سیارات بوسیله فرشته‌ها از یک جای دیگر منتقل می‌شوند درینوقت زمین مرکز تمام اجرام سماوی تصور می‌شد . حتی در قرن سوم قبل از میلاد مسیح یکی از علمای یونانی بنام (ارستار جیس) سیستمی را ارائه کرد که از آن فهمیده می‌شد زمین بدور آفتاب گردش میکند ولی نظریه اول نسبت بعضی عوامل به اثبات نرسید تا اینکه در قرن ۱۶ میلادی یک انقلاب علمی بوجود آورد و ذهن انسانرا از توهم و غلط فہمی و ارعاید .

روی همین ملحوظ محیطی که سوتوف در آنجا تولد شده در رشد شخصیت هنری او نقش بس مهم داشته زیرا مقوله معروف است که محیط اجتماعی سازنده افکار اجتماعی است . ولی سوف در عتقوان جوانی یعنی زمانی که پابه بهار بیست و پنجمین خود گذاشته بود روبرو موسیقی آورد و اولین نمایش خود را در سندیوم بزرگ آنجا به نمایش گذاشت .

اوتی سوف که ستاره درخشان موسیقی اتحاد شوروی سوسیالیستی است او بیش از یک هزار پارچه شعر سروده که از جمله ۷۶۰ آن ثبت و بخش گردیده است او شاعر و کمپوزر خوبی است که همه آهنگ و نغمه هارا خودش کمپوز میکند .

اوتی سوف علاوه بر همه شهرت ها و فعالیت‌های هنری اش موسس و بان موسیقی جاز در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دانسته میشود . در مراحل نخستین سنجش های کافیه برای نمایش هنر موصوف وجود نداشت در آخر قرن بیستم بود که یک تعداد سنجش های محقر ظاهر شد در آن زمان شعربه جمعیت زیاد از مردم سروده نمی‌شد بعدها به اثر تلاش و مبارزه خستگی ناپذیر او بود که اشعار کلاسیک و نو نیز در تالارهای بزرگ به مردم سروده می‌شد و در آخر علاقمندان زیاد از هر سن و سال به شنیدن آن به محافل مختلف رومی آوردند و این امر سبب می‌شد که روز به روز به شهرت هنر و موسیقی جاز افزوده گردد .

درین زمان بود که مبارزه جدی بین هنرهای نو و کهنه جریان داشته هنر مندان هم در جهت طرد اشکال کهن هنری که فاقد محتوی نوین بوده تلاش و مبارزه می نمودند تا اینکه توانستند با تلاش و فعالیت مبارزوی شان هنرا در خدمت خلق قرار دهند .

بروسه رشد و تکامل موسیقی جاز طراز نوین بود زیرا باشکل مروجه موسیقی جاز ایالات متحده امریکا که سر چشمه اصلی آن پنداشته می‌شد کاملاً متفاوت بود اما موسیقی جاز در اتحاد شوروی تنها آن اشکال را از موسیقی جاز ایالات متحده الگوسازی نموده بود که هنوز هم می‌توانست با خصوصیات ویژه موسیقی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی توافقی و همگونی داشته باشد .

اوتی سوف بالاخره با خلاقیت هنری که داشت توانست اشعار دسته جمعی و عامیانه اتحاد شوروی را بانواختن موسیقی جاز توأم سازد . یک گروه موسیقی جاز او متشکل برده نفر بود که درین جاز پیانو - بنجو - ترومپت و سایر انواع آلات موسیقی نواخته می‌شد . اما

برای نخستین بار موسیقی جاز در سال ۱۹۱۲ در ماسکو بر گذار شد که برای بار اول موسیقی جاز سیا هیوستان از ایالات متحده امریکا به مردم اتحاد شوروی معرفی گردید این نمایش در سندیوم بزرگ خلق در ماسکو به نمایش گذاشته شد چنین به نظر می‌رسید که درپ های سندیوم بروی علاقمندان باز بوده هیچ گونه ممانعت در مورد دخول وجود نداشت . این نخستین باری بود که درین زمان موسیقی کشور های اروپای غربی و همچنان ایالات متحده امریکا به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی معرفی گردید موسیقی جاز در پروسه رشد و مراحل تکاملی خود راه‌های پر پیچ و خم و طولانی و تکامل رایکی بعد دیگری عقب گذاشته و در ابتدا بارقص های هیجان آمیز نیز همراه بوده است که در هتل ها و رستورانها برگزار میگردد ماکسیم گورگی نویسنده ریالیست اتحاد جماهیر شوروی این گونه رقص و نمایش را فقط و فقط هنر ویا موسیقی که برای اندوختن پول بود نام گذاشت .

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ابتدای قرن بیستم موسیقی جاز مورد بحث و گفتگو های زیاد قرار گرفته بود عده زیاد بر آن بودند که نواختن جاز را مانع نموده وعده دیگر در نقطه خلاف آن قرار داشته و اصرار می نمودند . که جاز هر چه بیشتر به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی معرفی گردد یکی از روز نامه‌ها در مورد چنین نگاهت بود :

جاز موسیقی خوب است که میتواند در تسکین آلام روحی مددگار باشد . این تا سال های ۱۹۲۹ بود که موسیقی جاز تا حدودی به شهرت افزوده و به حیث آرگستری عمده در اتحاد شوروی سوسیالیستی تلقی گردید .

لیونید اوتوی سوف میگوید که وی در یکی وازنواچی بحیره سیاه چشم به دنیا گشوده این شهر (اودیسه) خیلی عادلجسب و موسیقی آن خیلی گرا بود وی میگوید : این امر با لا خیره موجب گردید که عشق و علاقمندی تام که به موسیقی درمن پیدا شده بود جزیی از اجزای بدلم گردد بنا بر همین عشق و علاقمندی بود که توانسم هر ای گروهی آواز خوانان یکجا سرود بغوانم این گروه در ابتدا یک گروه کومیسک بود بعدها توانست محبوبیت بین مردم پیدا نموده تعداد زیادی را بدور خود بکشاند .

او میگوید که شهر اودیسه مرکز علوم و فنون مختلف بوده نویسندهگان شاعران موسیقی نواز آن مختلف در آن جاشم به جهان گشوده اند

در باره سودمندی هنر

زمان های باز پسین که بیشترجا نبدار
عمل بود ند در یا فتند که هنر با ابراز زیبایی
تأثیر تربیتی و پرورش بر روان و احساس
آدمی دارد .

ارستو فان در شعر (بقه ها) مطالب
جالب زیادی در باره شعر بیان میکنند
به عقیده او شعر برای بزرگسالان چنان
است که تعلیم برای خورد سالان وظیفه هنر
است «که مردم روی زمین را خوشیاد و تر
بپتر میسازد» سترا بون شعر را «نخستین
فلسفه» ویکی از وسایسل عاقل ساختن
مردم می داند .

پلو تا رخ در اثر خویش به نام «در
باره پرورش جوانان» تقریباً هشتاد
نکته را باز می گوید . به نظر او فلسفه
ناب چیزی است که بدشواری فهمیده می
شود ، گو یا «شرابی است بدون نوشا به
دیگر» و از آنرو لازم است که شعر را در
آن بریزیم ، «طوری که باریختن
نوشا به دیگر در شراب ما چیزی بدست
می آوریم که هم سودمند ی اش را نباخته
است و هم زیان آور نیست البته ما
نمیخواهیم که شاخه شعر را بشکنیم و بنا
بر آن بنا ید به فکر پا سدا روی آن شمس
اما با ید در این زمینه اندکی اندیشیدن
فلسفی را با ید آموخت و با ید به یافتن
ودوست داشتن سود مند در مطبوع
عادت کرد .»

همچنان نظر هو را س کا ملا معروف است
که می گفت : لذت بختی یا آموزش ، هدفی
است که شعر ا به سویس میروند میام
این و هم آن !
عقید با مطبوع و پلو تاریخ نیز این
نکته را با ز گفته بود : «آنچه مطبوع است
عقید است .»

در سده های میانه و در دور ذرنسانس
«شعر و دانش نشاط بخش» می نامیدند
اما در دوره جدید هیگل و شیلر دو شاگرد
بر ازنده کانت هر چند از راه های
مختلف مگر به یک عقیده متوسل شدند
که هنر ابزار تربیت است . هیگل هنر را
یکی از سه مرز معنوی (مذهب ، هنر
و فلسفه) دانست که در آن ایده در شکل
احساسی آن شناخته می شود .
شیلر بر آن عقیده بود که هنر دارا ی
همان هدفی است که در طبیعت سراغ می
شود .

هنر با ید خوشی را عام سازد و خوشی
شبختی با د آورد و علاوه میکند که «بدین
صورت هنر برای ما را زندگی اخلاقی
را با ز میکند» . سخن شیلر را ستاست
مگر این یگانگی را می نیست که هنر در
برای انسان می کشاید !



آیا سودی از هنر متصور است ؟ اگر است
کدام ؟ در این نمیتوان شك داشت که هنر
عقید است . هر گاه عقید نمیبود به وجود
نمی آمد .

مگر گاهی که هنر مضر است هم وجود
دارد . به سوا لیکه چه وقت هنر مفید
است و چه وقت مضر و سود و زیان هنر
در چیست زیلا یا سخ میدیم :

هنر جوامع نخستین تحت عوامل زیادی
به وجود آمد که در عین زمان آن عوامل
اهداف آن هنر بود . هنر ابتدا یی با
مذهب ، اقتصاد ، جنگ و غرایز جنسی
پیدا شد و در خدمت همه این ابعاد زندگی
قرار گرفت .

در زمانهای باستان در میان یونانیان
و رومیان قدیم گاهی که هنر به ارزشهای
گوناگون تقسیم شده بود بعضی اندیشمندان
آنرا ابراز پرورش اخلاق و بعضی و سلبه
معرضت (سفرها - افلاطون) میسروردند .
به سخن دیگر هنر را خدمت گزار نیکو
کاری و حقیقت میدانستند . مفاد عملی
انواع «نازل» یا (صنعتی) سطح سودمندی
تربیتی انواع «عالی» هنرها (سر، های،
پیگر تراشی و غیره) را با لا برد . هنر
حقیقت و نیکو کاری را به نحو احسن می
آموزد ، این تئوری تربیتی اثر «عالی» در
قدیم ، در سده های میانه و در عصر
انسانسرواج داشت .

بدینصورت هنر با ابزار دلپذیر خویش
چیزی را می آموزد که بیرون مرز خود
است .

آیا این کار از هنر ساخته است ؟ بلی،
مشا به دیگر ارزش های همانند آن از هنر
هر چه ساخته است . ارزش های مذکور
که خود هدف به نظر می آیند در عین
حال و سایل تحقق اهداف دیگری بیرون
مرز خود اند . استقلال آنها نسبی است زیرا
یک ارزش دارای چندین هدف می باشد .
ارزش ها نه تنها از هم جدا می شوند
بلکه تما یل به یک پا رچی نیز دارند
هر یک به نحوی بر دیگری تأثیر مینماید
و یک هدف دیگری را رد نمی کند . این
ناهمگونی اهداف بدان معنی است که
هر یک ارزش نسبت بدانچه می با ید

نتایج بیشتری بارمی آورد و نیاز
مندی های و افری را با سخ میگوید
و تنها تعدد اهداف و تعدد معانی
ارزش ها استقلال آنها را نفی نمیکند .

میرویم بر سر نظر قدما در باره
عقید بودن هنر . در با لا گفتیم که عقیده
سراف در باره عقید بودن هنر به چه
(خیر) و عقیده افلاطون به چه چیزی
(حقیقت) و نظر پلوتین به چه (پیوستن
به وحدت) می انجامد . اندیشمندان

عمرشاعر برازنده که در تمام قرون و اعصار از محبوبیت خاصی برخوردار بوده است .

هنر در جایی آغاز می یابد که سودمندی پایان میپذیرد، و هر چیز مفید همینکه مفید نیست به زیبایی تبدیل می شود. چون قفل ها، قصر های قرون وسطی، مسوول کهنه، ظروف، اسلحه و غیره .

روح انسانی زمانی میتواند به تماشای زیبایی پردازد که تمام تصورات غیر زیبایی شناختی را در باره سودمندی آن به دور بیندازد .

در فرجام فیختر مولف باجرات «زیبایی شناسی تجربی» باری ریزی تیوری زیبایی شناختی خود بر بنای احساسات ساده (که در عین حال هنر هم نهاد «سنتیز» شناخته میشود) دانی در باره زیبایی را چون بخشی از دانش عمومی درباره دلپذیری شناخت . نظردیکتر به این که توصیف تازه یی از هنر است (هر چند آلتدر تازه نیست!) عبارت است از شناختن هنر چون «بازی»، «تجمل» و «ضرورت به چیز های زاید» .

به وجد می آید از نظر فکری با آن متحد می شود «اتحاد سمبلیک شخص با اثری که ایجاد وجد کرده است» از لیبس . در اعماق هر وجدی نوعی علاقمندی روانی می آید . درست است که تاثیر مستقیم زیبایی هنری عبارت از تابع ساختن غرایز است . مگر برای کسیکه هنوز آماده نشده است شاید تولید اضطراب کند . چنانکه لوکیان (به صورت غیر جدی) درباره عشق دانی با مجسمه افروخت حکایت میکند .

برمی گردیم به نظریات سبنسر . مثلیکه خوب ساخته شده است در روند تکامل جامعه بیکاره می شود بنابر آن بیکارگی یعنی بی فایده گی خود به زیبایی تبدیل نمیشود . شی مذکور از آغاز زیا بود و برای آن ساخته شده بود که زیبا (و به همان اندازه مفید) باشد . و برعکس شی که بد ساخته شده

است با گذشت قرن ها نمیتواند زیبا شود . در موزیمها در کنار اشیاییکه تنها دارای ارزش هنری است (مجسمه ها و تابلو های نقاشی) اشیاییکه هم دارای ارزش هنری و هم دارای ارزش عملی است (اسلحه ، ظروف و غیره) و بالاخره اشیاییکه تنها از نگاه باستانشناسی و تاریخی مهم است مسانند «پنجه دست» انسان ابتدایی، جمدسربازانیکه در جنگ مارافون شرکت داشتند ، جراب بند ناپلیون و غیره نیز گذاشته میشود .

نوادشناسان تاکید میکنند که نیازمندی به آرایش تن در انسانها، بیشتر از تقاضای پوشیدن لباس ظهور یافته است . به پندار آنها انسان از روی ضرورت پیشه ور و از روی غریزه هنرمند می شود . (این عقیده درست نیست زیرا فعالیت زیبایی شناسی انسان پدید اجتماعی است نه بیولوژیک) به سخن دیگر دانشمندان نژاد شناس در مورد تابع

تاریخی سودمندی و زیبایی عکس آنچه را می گویند که سبنسر گفته است . نژاد شناسان تاکید میکنندکه زیبا بیشتر از سودمند به وجود آمد اما این نظر اشتباه آمیز است . زیبایی و سودمندی در جامعه یا استفاده از نخستین ابزار کار توأم به وجود می آید . بحث بر مساله سودمندی هنر از آن رو دشوار است که این اصطلاحات هم به معنای وسیع آن وهم به معنای محدود آن به کار برده می شود . مثلاً گاهی که از سودمندی چیزی سخن میرانند سود عملی یا آموزشی آنرا در نظر میدارند . میگویند «هنر» گاه «شعر» و گاهی حتی از آن زیبایی طبیعت منظور شده است . بیشتر طرفداران بی فایده گی هنر در میان نقاشان شعرا یافته می شو اند . تا نظر به پردازان منتقدین دوگم «هنر برای هنر» فقر تقریباً تمام قرن نوزده بوده است . طرفداران این دوگم تمام عناصر عقلی و اخلاقی را از قلمرو هنر طرد میکنند . هنر ناب میخواهند! عاری از هر آمیزشی! این هنر دست و پا بسته سالونی ، هنر معیای، هنر اشرافی، هنر ذوق های ممتاز و هنر ضد اجتماع است . این قباح در زمان مانه تنها از واقعیت فرامی کند بلکه از عقل نیز می گریزد . هنر فرار، هنر آفتناک، بی مسوولیت و بی هدف است و آن نه تنها «بیسوده بلکه زیانمند است» و آخرین حد تنزیل فورمالیزم (شکل گرایی) محسوب میشود .

هنر آلتدر هدف زیاد دارد و آلتدر با تمام جهات زندگی اجتماعی مربوط است که نمیتوان به مثابه صرف یبوده نیرو بدان نگریست . بر عکس هنر سودمند تر یسن پدیده یی است که تمامیت اجتماعی را ضایع میکند و آنرا انکشاف می بخشد . اما برای آنکه هنر به مقاصد غیر زیبایی شناختی نایل گردد تنها حسن نیت بسنده نیست . هنریش از همه باید به اهداف زیبایی شناختی خود برسد یعنی لذت هنری بار آورد و برای این منظور لازم است تا تمام عناصر آن با هم پیامیزد و به اثر هنری تبدیل گردد . اگر هنر نمیتواند به اهداف خویش نایل آید هرگز نخواهد توانست به کدام هدف دیگری نیز دست یابد .

لذت یابی از هنر خود نیازمندی بسزرگ اجتماعیست . جامعه هر گاه تنها مصروف کار های بسیار «عملی» و «مهم» عاری از لطیف، تنها برای تسکین غرایز، بقای نفس و ادامه زندگی است نمیتواند تا دیری یابد . جامعه محتاج نشاط و نیازمند آید یالهاست . واضح است که رفع شدن نیازمندی های واقعی لذتی همراه دارد اما این لذت حسی است ولذتی که هنر می بخشد روانی و هیجالی است . با سروکار داشتن بالخیالان، عقل و دل هر شکل نوعی «بازی» را دارد که تابع نظم و ترتیب معینی است .

هنر زاده هوس ایجاد کاری فردی نیست . هنر ثمر فعالیت اجتماعی است و طوری که گفتیم دارای قاعده های مافوق فردی میباشد . وقتیکه از تبعیت هنراز «نظم و ترتیب» سخن میرود همین قاعده های مافوق فردی در نظر میباشد . نظریه عقیده ک . بوسله هنرمند اختراع نمی نماید بلکه کشف میکند .

ناتام



عریلیس واتنی

هنر درست است که «از احتیاج برخاسته است» . اما نه احتیاج به چیز های زاید بلکه «احتیاج به آنچه ضرور است» . هنرنیز چون حقیقت، حقوق و اخلاق نمیتواند وجود نداشته باشد . درست است که هنر «بازی» است . زیرا حین آفرینش اثر هنری تخیل و شخصیت خود هنرمند سبب می شود منتسب هنرمند و پذیرندگان اثر هنری تخیل و شخصیت خود هنرمند هیچکدام آنرا بازی تلقی نمیکنند در هنر به قول شیلر که طرفدار تیوری «بازی زیبایی شناختی» است : «ما بازی زندگی خویش را اجرا میکنیم» .

(که وی بیشتر هنر دراماتیک را در نظر دارد) . هنر همچنان تجمل است، زیرا لذتی که از هنر دست میدهد خصلت مادی ندارد . این چیز لذت بخش اما از نوع دیگری است . اما چنان نوع دیگری که در واقع وجود دارد و آنرا بنابر «ارزش های ایدئال» تا حد قربانی های مافوق فردی میرساند .

پس هنر از مفید بودن دور است و اصلاً آنجا که سودمندی تمام میشود آغاز نمی یابد هیچیک از پدیده های روانی ما ساده و مستقل نیست . تمام عکس العمل های بیولوژیک و روانی انسان تا مرحله خاص کلیه در هم پیچیده یی میباشد .

شخصیت انسان به بخش های مجزا و خاص مانند : حسی، منطقی، اخلاقی، مذهبی و عملی و غیره تقسیم نشده است . شعور انسان واحد و تقسیم ناپذیر است . ناممکن است که علت (خارجی یا داخلی) که انگیزه کدام پدیده روانی شده است پنهان یا آشکارا عناصری از دیگر زمینه های روانی در خود نداشته باشد .

تأثر خالص روانی از روی ناخود آگاه مالکیت آنرا نیز در بردارد . و این آرزو آغازی برای عمل میباشد . آرزوی مذکور با کوشش توأم با درک نمیتواند تحقق یابد زیرا در آن صورت فوری تصور تحقق نیافتن آن به میان می آید . کسی که از هکتور هومر به وجد می آید میخواهد مانند آن باشد . گوته در الگنی خویش می نویسد : «بگذار هر کسی قبر مان خویش را بر گزیند و در حساب اولمب گردد» . آنکه از منظره کلود لورن»



مرجینا (در نقش وی-وی-وای ستانیسین)

نوشته : جغوف
ترجمه : صدیق رهپو

سال روز کمیدی در یک پرده

با زیگران :

ادری شیپو چین : رئیس بانك فر ضهـن... آد میست نه چندان پیر و همیشه عینك يك چشم میپوشد .
تا تیا نا : زن رئیس بانك كه ۲۵ سال دارد .
گرین : ما مور سابقه دار بانك .
خانم مرچو تکینا : زن مسن گـه با لپوش مد قدیمی به تن دارد .
سهمداران بانك .
كارمندان بانك .
حادثه در خود بانك قرصه ن... رخ میدهد

لغت خدا به ای کار و با و . (با تقوتوق،
چون را به صدا میاورد) شیطان بیرش
! (مینو یسد .)
يك ... دو ... سه ... هفت... دو
... يك ... صفر . او وعده کرده كه برایم
بخششی بته . اگر وضع همیتو پیش بره
و او بتواند همه ره فریب بته ، میخایه
كه به مه يك ساعت قاب طلا و سه صد
رو بل بخششی بده . خات دیدیم !
(مینو یسد .) ولی اگه كارها نادرست بود
با زانو و خت نه توره گرفت ونه مره داد
ده او صورت عصبی خات شدم وده او وخت
كسی از مه گله نمی نكنه ...
صدای فریاد و چك چكها از پشت صحنه
میشود . صدای شیپو چین شنیده میشود كه
میگوید ، «تشكر اشكر! بسیار ممنون
هستم !» شیپو چین وا ردمیشود . او لباس
فراك به تن دارد و نيكتا می سپید به گردن
بسته است والپوشی را زیر بغل دارد كه به
وی همین چند لحظه پیش هدیه کرده اند.

كرین : بلی فقط پنج صنفه ديكه .
شیپو چین عالی . خیر تا ساعت سه
تیار خواهد شد ؟
كرین اگه کسی مزا حم نشود . فقط چند
لحظه باد تمام میشود .

شیپو چین : بسیار عالی ! كاملا عالی
همینطور یقین دارم مثلیكه تا م شیپوچین
است . جلسه عمومی ساعت ۴ شروع میشود
برای اینکه كار و زودتر انجام شود . بهتر
است كه نصف آنرا بدی كه بخوانم
تا خوب به محتوی آن وارد شوم . بیا بده
(نصف گزارش را میگیرد .) من تمام امیدم
دابه این گزارش بسته ام .

این گزارش برایم به منزله معجزه اهمیت
دارد . با آن میتوانم نمایش آتش بازی
تر تیب کرده و چشم همه را خیره بسازم
آتش بازی ! همینطور باور دارم مثلیكه نام
شیپو چین است . (میشیند وزیر لب گزارش
را میخوانند .) چقدر خسته شده ام ادیشب
باز مرض تقرص به بندتتم همچوم آورد
و تمام روز را هم ایسو و آنسو دو یدم تا

كارها رویه راه شود و حالا هم فضایی
پر از هیجان ، چك چكها ... من بسیار
خسته هستم !
كرین : (مینو یسد .) دو ... صفر...
صفر ... سه ... نه ... دو ... صفر

شیپو چین (در دهن دوازده ایستاده است
و برای همكارانش نطق مینماید .)
همكاران عزیز ، من این تحفه شما را به
حیث یادگار شادترین روزهای زندگی
ام ، تا آخر عمر نگه خواهم داشت ! بلی ،
راستی اقایان !

يك بار دیگر از شما تشكر میكنم !
با سر انگشتانم به سوی آن بان بوسه
می میراستند و به طرف میز كرین .
میرود (دوست عزیز ، نزد یكتر یسن
كسانم !

تمام مدتی كه او روی صحنه است
كاتبی میاید و كاغذها را برای امضا
كردن میاورد .

كرین : (از جایش برمیخیزد .) صایب
اجازه بتین كه پانزده امین سالروز بانك
به شما تبریک عرض کرده و امید نمایم
كه ...
شیپو چین : (با حرارت دستهایش را

بدون يك پلك خوا پنجه ده دفتر هم و ده
خانه هم پشت هم كار میكنم . (سرفه
كلماتش را قطع میكند .) ای مصیبت ديكه
ره بیی كه تب هم ده جانم افتاده و كاره
بتر می سازه تمام تنم میلرزه . جانم
كوره آهنگری واره داغ اس ، سرفه
دان ده دانم نمینماید ، زانوا یم میلرزه و
ده برابر چشمایم علامه تعجبیه با لا وپایین
میشه ! (میشیند .) ای رئیس مسخره ام
میخایه تا به جلسه شركار واپور بته
با دی به گلو می اندازد و میگوید كه ،
«آینده و هستی بانك . چه مسخره آدمی!
(شروع به نوشتن میكند) ... يك ... يك
... شش ... صفر ... هفت ... میشود شش
... صفر ... يك ... شش ... او میخایه
ده چشم همه خاك بزنه . به همی خاطر مه
با ید تمام عمره مثل پرده كارگرم . اوهر
تان بگویم ! (به طرف میزش میرود .) از
ای كار زده شدیم ! چار روز همیشه كه بشینم و شب و روز آنرا در دست كنم

پرده كه با لا میرود ، اتا ق رئیس بانك
پد یدار میشود . درواز طرف چپ ، سه
دفتر عمومی بانك باز میشود .
در اتا ق دو میز تحریر گذاشته شده
است . دفتر كار رئیس طوری با كوچ و
چو کی مغملی آتشی ، گلدان ، عا ،
پیکره ها ، قالین ها و تلفون تزئین یافته
است كه از آن شكوه میبارد . چاشت
است .

كرین به دفتر كارش تنها نشسته است
و كفشهای گشاد به پا دارد .

كرین : (در حالیکه كله اشرا از كلكینچه
پهلوییش خا رج مینماید ، فریاد میزند)
كسی ره به دوا خانه روان كنین كه يك
پانزده كوپكه دواى اعصاب آورده وكتی
خود يك پیاله آب هم به اتا ق رئیس
صاحب بیاره ! نمیخایم كه چند دقه برای
تان بگویم ! (به طرف میزش میرود .) از
ای كار زده شدیم ! چار روز همیشه كه بشینم و شب و روز آنرا در دست كنم



از راست به چپ : شیپوچین (در نقش وی-وی-وای ستانیسین) ، مرجینا (در نقش وی-وی-وای)

زویوا)



صحنه پایان فلم «سالروز»

تن و بکسی دستی سفری به شاه دارد،
وارد میشود .
شیبو چین : ها! خرس را یاد کن !
تا تیانا: عزیزم! (به سوی شوهرش
میدود و یک بوسه دراز از وی میگیرد .)
شیبو چین : همین حالا در باره تو گپ
میز دیم . فقط همین دقیقه ! (به ساعتش
نگاه میکند .)
تا تیانا : (در حالیکه نفس نفس میزند .)
پشتم دق شده بودی ؟ خوب هستی ؟ از
ایستگاه بدون توقف به اینجا آمدی . حتی
به خانه نرفتم . بسیار گفتنیها برایت دارم
اینقدر زیاد که طاقتم نیامد زیاد تر صبر
کنم . بالا پوش را بکش . من فقط یک
دقیقه اینجا هستم و پس . (رویش را به
سوی گرین مینماید .) چاشت تان بخیر
(به طرف شوهرش .) خانه از هر طرف
خیریت است ؟
شیبو چین بلی عزیزم . دویک هفته گوستی
ترو زیبا تر شدی ... از سفر لذت بردی ؟
تا تیانا

شیبو چین : گمشو بس است . بیاسمی
کنیم سا لروز مابه خوشی تیر شود . تصادفا
تو بیا دم دادی . (به ساعتش نگاه میکند.)
با بد زخم به همین زود یها برسد . اگر
را ست بگو یم من باید با او در ایستگاه
ملاقات کنم ، ولی السوس که وقت کم است...
واز طرف دیگر ، من به شدت خسته هستم
اگر راست برایت بگو یم از آمدنش چندان
خوش نمیشوم . خوب تا اندازه یی خوش
هستم و لی اگر یک دو روز دیگر هم به
خانه مادر خود میماند ، خوب میشد . او
اصرار دارد که من تمام شب را با او باشم
و ما تصمیم داریم یک شب زنده دار ی
خوش ، پس از نان شب ، داشته باشیم...
(میلرزد) این از تاثیر اعصاب است . نزدیک
است غش کنم . چنان تا رهای اعصابم
کش شده است ، که با کوچک ترین تماس
به گریه خواهم آمده! نی. ولی باید خود در
قوی نگه دارم - همینطور قوی مثلیکه تا هم
شیبو چین است .
تا تیانا در حالیکه بالا پوش با رانی به



گرین (دیتس وی-وی-او-توبورگوف)

خود را شیرین بسازد . تو عجب آدمسی
هستی ! من در خانه ادم معمولی هستم و
تسلیم هوی و هوس خشن . ولی در اینجا
همه چیز باید با نزاکت و ادب اجرا شود. اینجا
با نک است ، بانک ! از همه چیز اینجا باید
شان وشکوه بیارد . (توتو کاغذی را بر سر
میدارد و آن را در بغاری دیواری می اندازد.)
بزرگتر ین خدمت من این است که شهرت
با نک را بالا برده ام ! اوه . نا مش از همه
چیز مهم هست ! نشنیدی که نام بکش و به
غندی بنشین ! شهرت . همینطور یقین دارم
مثلیکه نام شیبو چین است . (گرین
با لای با بین میگرد .)

پیر مرد ، چند ین بار برایت گفتم که
ممکن همین حالا سر و کله سبهداران پیدا
شودو تو هنوز همان کفشهای کشاد به
یا داری و این دستمال کهنه و فرسوده او
به دور گردنت ! ببین ، رنگ جاکتت به
کلی از بین رفته است . با ید یک
دست لباس فراک یا کم از کم یکدور بشی
سیاه به تن مینمودی .

گرین : جانچوری برای من مهمتر از تمام
سبهداران است . می بینی که تب تمام
جانم بیلواری می لوزانه ...

شیبو چین : ولی اینرا قبول کن گمشو
سرا با یت از دیدن نیست . تو خوشتمای
بانک را که برای آن اینقدر کار شده است
از بین میبری .

گرین : وقتیکه ای سبهداران آمدند ،
من خنده پت میکنم . ای کار جنجال نمسی
خاید ... هفت ... یک ... یک ... هفت

... دو ... یک ... پنج ... صفر ... خوش
ندارم دیگر ای کلمه بد نماره به زبان بیاری
هفت ... دو ... نه ... (باز تروق دانه
های جوت را بلند میکند .) بهتر میبود که ده
میپاشی شو ز تپاره نمیشدستی .
شیبو چین : جیات نکو .

گرین: همه فام که امشو تو بر سر ای
نشان دادنت حال ره از آنان بر خات
کدی . بهتر بود که ده ای باره فکر میکردی
اوناتمام چیزه خراب خات گدن . ز نپا
کاری دیگه نمیکش جزای که مشکلات خلق
نمایند .

شیبو چین: بس کن دیگر . زنان جز حتمسی
محلل اند .

گرین : راست میگین ؟ ممکن زن شما
از کدام جنس خوب است ، ولی دو شنبه
گذشته کاری کرده که برای دو روز هوی
بر تنم را س استاد شده بود . یک دلفه
و بدون مقدمه از من و او هم پیش همه
میرسه که راستی اس که شوهرم برای
با نک اسپام جتی و پتی ره که نرخ آنها
در بازار اسپام لحظه به لحظه پایین میاید .
خریده اس ؟ او بسیار پریشان به نظر
میاید . پیش اد مهای بیگانه ای گپ
از زدن اسس ! من نمیفام که شما چرا
اینا باور میکنین . میخایسن که شماره به
زندان بیندازن؟

... ازای ار فام چنان به نظر میاید که
همه چیز گل و گلزار است . سه ... یک
... شش ... چار ... یک ... پنج ... (با
تروق تروق روی جوت کار میکند .)

شیبو چین : خبر بدبرایت دادم امروز صبح
بازنت آمده بود واز توشکایت میکرد . گفت
که تودیشبوی وخیاشنه اتر میخواستی باکارد
نان بری بزنی . گرین ، این چه قسم
رفتار است که تو میکنی ؟ راستی شرم
نیست !

گرین : سایب اجازه میتن که به خاطر
همی سا لروز از شما خواهی بکنم .
مهر با نی کرده به امور خانوادگی ما
داخلت نکنین . به لحاظ همین کار طاقت فرسای
که برای شما میکنم شیبو چین (آه) میکشد
هستی ولی بازنان چنان رفتار میکنی گرین تو آدم
خوبی هستی مثل اینک
... سواد و کهنه فکریاشی . نمی
فهم تو چرا از آنان اینقدر نفرت داری ؟
گرین : و من نمیفام که چرا شما ایفده
از او تا پشتیبانی کرده و دوست شان
دارین ؟

شیبو چین : کار مندان دیگر به من به
تا زگی یک البوم یاد کاری هدیه کرده
اند و میدانم که سبهداران میخواهند
برایم خطابه یی ایراد نموده و یک صراحی
نقره یی بخشش بدهند . (در حالیکه با عینک
یک چشمش با زی میکند .) این کار بسیار
عالی است . همینطور یقین دارم مثلیکه نام
شیبو چین است . به یقین کار بدی نخواهد
شد . راستی اگر با نک میخواست شهرت
پیدا نماید باید کسی خرج بربچ کند
خوب به هر ترتیب ، آنقدر مهم نیست . او
آدمی هستی که میتوان به آن اعتماد کرد و
تو خودت همه چیز را میفهمی .

من این سخنانی را خودم نوشته ام و
صراحی نقره یی را هم بنده خریدم ام و
همچنان پوش چرمی را برای نطق یا دنده
خریده ام . با آنکه اگر پوش چرمی را
برای من سخنرانی نمیکردم ، ۴۵ رو بس
فایده میکردم ، ولی بلا به پیش . خود شان
در اینمورد هیچ فکر نمیکند ، که اینقدر پول
از کجا میشود . (به اطرافش نظر مسی
اندازد .) چه جای خوبی است اینجا ! اوه ؟
آنان عقیده دارند که من به همه چیز تو چه
و دقت کافی میکنم . در حالیکه تمام تلاش
من اینست که در و دروازه ها خوب جل
وبل بزند . کار مندان نکتایی های باریک
به گردن بزنند ، و نگهبان شیک پوش به
دهان دروازه ایستاده شود . ولی ، کسی
آقا ، دروازه های جل و بلی و نگهبان شیک
پوش چیز های پیش پا افتاده و بی اهمیت
نیست . من سعی میکنم اینجا مثل خانه ام
رفتار کنم . مانند یک خوک بخورم . و تا بینی
نان بخورم و تا لحظه یکم سراز پا نشناسم
شراب بنوشم ...
گرین : لطفا خوده به اصطلاح ده دل ما
شیرین نکو .
شیبو چین : کی بیکار است که در دل تو

رهنر سخنگویی حیوانات و پرنده ها



صحنه از زندگی حیوانات و پرنده ها در جنگل

قسمتیکه دیده میشود در اوقات زمستان در جنگلات سکوت حکم فرما میباشد همینکه برف روبه اتمام میرود در جنگل سکوت برهم زده میشود، صدای قیل و قال پرنده ها بلند شده و تقسیم مناطق بین آنها صورت میگیرد. همینکه کدام پرنده قسمتی را تصاحب کرد به دیگر هم قطار آن خود توسط نغمه ها خبرداری میدهد تا از ورود در ملکیت او بپرهیزند.

باینکه پرنده های نر و ماده دارای اعضای صوتیه مطلق مشابه میباشد طوریکه دیده شده بطور عموم پرنده های نر نغمه سرایی میکنند اگر چه صداهای آن به عین ترتیب یکی پی دیگر طنین انداز میشوند هدف از (تصنیف عسای عاشقانه) او این است: (من مجردم و در اوج نیروی خود میباشم دارای آشیانه هستم) این صداهای را بعضی پرنده ها (۲۳۴۰) مرتبه و بعضی ها تا (۳۳۷۷) مرتبه در یکروز تکرار مینمایند.

باینکه پرنده های نر و ماده دارای اعضای صوتیه مطلق مشابه میباشد طوریکه دیده شده بطور عموم پرنده های نر نغمه سرایی میکنند اگر چه صداهای آن به عین ترتیب یکی پی دیگر طنین انداز میشوند هدف از (تصنیف عسای عاشقانه) او این است: (من مجردم و در اوج نیروی خود میباشم دارای آشیانه هستم) این صداهای را بعضی پرنده ها (۲۳۴۰) مرتبه و بعضی ها تا (۳۳۷۷) مرتبه در یکروز تکرار مینمایند.

باینکه پرنده های نر و ماده دارای اعضای صوتیه مطلق مشابه میباشد طوریکه دیده شده بطور عموم پرنده های نر نغمه سرایی میکنند اگر چه صداهای آن به عین ترتیب یکی پی دیگر طنین انداز میشوند هدف از (تصنیف عسای عاشقانه) او این است: (من مجردم و در اوج نیروی خود میباشم دارای آشیانه هستم) این صداهای را بعضی پرنده ها (۲۳۴۰) مرتبه و بعضی ها تا (۳۳۷۷) مرتبه در یکروز تکرار مینمایند.

باینکه پرنده های نر و ماده دارای اعضای صوتیه مطلق مشابه میباشد طوریکه دیده شده بطور عموم پرنده های نر نغمه سرایی میکنند اگر چه صداهای آن به عین ترتیب یکی پی دیگر طنین انداز میشوند هدف از (تصنیف عسای عاشقانه) او این است: (من مجردم و در اوج نیروی خود میباشم دارای آشیانه هستم) این صداهای را بعضی پرنده ها (۲۳۴۰) مرتبه و بعضی ها تا (۳۳۷۷) مرتبه در یکروز تکرار مینمایند.



پرنده های که باهمدیگر عقد (نکاح) بستند دیگر نغمه سرایی نمیکنند

صدای شدید اللحن ظاهر میشود بدون اینکه تصادمات خواه در آب، درخشد بوقوع بپیوندد با اجرای مراسم خاصی محدود میشود. جانوران درین قسمت از تسلسل آواز و صداهای معین کار گرفته و در هر یک از مراحل صداهای عجیب که حالت معین را منعکس مینمایند از خود بیرون می آورند. اول صداهای اخطاریه رامیکشند بعد به حمله آمادگی میگیرند. حتی وقتیکه حمله حتمی باشد به جانب مقابل موقع داده میشود تا در همین لحظه تصمیم خود را عوض نماید و حالات را متشنج ننماید.

اگر گذشته از اقدامات و تصامیم جنگ و جدال بازهم آغاز گردد طبق معمول بسیار کوتاه میباشد و دیر دوام نمیکند. جانوران چه بزرگ و چه کوچک باشند بعد از حمله اولی از فرار پرهیز میکنند و بعد از اینکه فرار حتمی میشود تعقیب آن از طرف حریف شکل نمایی را بخود میگیرد. در اثر تحقیقات متورود قانون مندی جالب کشف گردیده است. به هر اندازه که دعوا و جنگال بین جانوران صورت بگیرد بدون نیروی جسمانی همیشه مالک منطقه بیروز میگردد زیرا حق اولیت تصاحب ساحه به مالک آنجا بر تریب روانی می بخشد.

به این ترتیب یکی از پرنده شناسان معروف



صحنه‌های از زندگی در جنگل

که صدای يك پرنده و یا جانور نو سفا جا نوران و پرنده های مجاور به عین معنی تلقی میشود . به این ترتیب بطور مثال اگر حیوانات سم دار افریقایی که در قافله های مختلف باهم جمع میباشند اگر یکی از حیوانات خود صدای خطر کشند همه الا وانه از خطر فرار میکنند میمون ها نیز به عین ترتیب عمل میکنند و از نزدیک شدن دشمن مطلع میشوند .

زاع ها همیشه در چند متری خود انسان را دید صدا های «قافا» میکشند . همیشه زاع های دیگر صدا را شنیدند همه پرواز میکنند .

پرنده ها به تنها هم نوغان خود را از نزدیک شدن خطر مطلع میسازند بلکه از شنیدن صدا های آنها جا نوران دیگر نیز احساس خطر میکنند . همیشه صیاد به جنگل داخل شود زاعچه ها صدا میکشند و با شنیدن این صدا ها آهو وغیره جانوران از ورود صیاد به جنگل مطلع میشوند .

پرنده ها دارای يك نوع صدای مخصوص دیگر میباشند که در موقع بسیار حساس از آن استفاده میکنند این صدا های کوتاه و مسلسل به همه پرنده گان از احتیاط خطر بسیار جدی اطلاع میدهد . یکی از پرندگان فیسوران علوم یو لوزی بنام ایلچوف صدا های خطر بازنده نسوع پرنده ها را تحلیل نمود و در نتیجه به اثبات رسانید که «شیمای تلفظ» آنها با هم شباهت تقریباً تا حدی دارد به این ترتیب جا نوران از خود در مقابل خطرات احتمالی دفاع مینمایند .

پشک ، گنجشک های زنبور خور نیز صدا میکشند . در کشیدن این نوع صدا غرض ترسناک شدن دشمنان دارا کوب نیز ماهر میباشد . تلاش های راکه جانوران غرض محافظه تخم ، نوزادان خود به خرج میدهند توجه همه را به خود جلب میکنند بطور مثال زاعچه ها با صدا های بلند در مقابل دشمن از خود دفاع میکنند . اگر نوزاد کوچک دشمن را ببیند به هیا هو می پر دازد و والدین آن به بسیار سرعت خود را به محل حادثه می رسانند درنده را مورد حمله قرار میدهند و صداهای بلند جنگل را فرامی گیرند .

خرگوش ها که بسزدل و ترسو بشمار میروند در حقیقت چندان ترسو نیستند همیشه صدای جوجه خود را شنیدند به کمک آن همیشه بند . وقتی که مردم جو خرگوش را اذیت کنند خرگوش از آنها دور تر فرار را اذیت کنند خرگوش از آنها دور تر فرار نمی کند حتی بعضی اوقات تلاش میورزد تا توجه مردم را به خود جلب کند و آنها را هر چه دور تر از جوجه های خود ببرد . خرگوش با لای پرنده های لاشخور بسیار شجاعانه به حمله می پردازد .

روپاه ها نیز از جوجه های خود بسیار دلیرانه دفاع میکنند مثلاً اگر در نزدیک غار روپاه سگ بخواهد جوجه های او را اذیت کند روپاه دورتر فرار نمی کند و اگر سگ او را دنبال نماید بعد از چند لحظه دوباره خود را در حوالی غار خود می رساند . مشاهدات در قسمت کردار جا نوران مخصوصاً در حالات بحران نشان میدهد



تلاش های راکه جانوران غرض محافظه تخم و جوجه خود به خرج میدهند توجه همه را به خود جلب می کنند

در سنگ ها ، موش های صحرائی سیستم اطلاع و با خبری از نزدیک شدن دشمن نیز انکشاف یافته است و توسط صداهای غوغا خود همه ساکنین منطقه را با خبر میسازند . با این اطلاعات جانور های دیگر از شکل خطر و رفتار و کردار دشمن بخوبی باخبر میشوند .

وقتی که در ساحه دید پرنده های دم دراز گریک و باروباه واقع شود چندین صدای پی در پی میکشند و اگر درنده هوایی را ببینند صداهای علیحده میکشند . و اگر درنده هوایی به سوی زمین خود را فرو آرد این پرنده صداهای بعد از هشت ثانیه یکی بپدیگر میکشد به این ترتیب بین پرنده در حالات مختلف از خود صداهای مختلف میکشد .

سار نیز توسط صداهای مخصوص همه را از نزدیک شدن دشمن اطلاع میدهد . اگر پشک نزدیک آید یکنوع صدا و اگر انسان بخواهد نزدیک شود صدای دیگر را میکشد .

وقتی که مار صدا میدهد همه میدانند که مساله از چه قرار است . گرچه صداهای مار بی ضرراند اما همه رابه این نکته متوجه میسازند (من دارای سلاح خطرناک یعنی دارای غد وات زهری میباشم و اگر ضرورت بیافتد بسد و ن تاخیر آنها را بکار می اندازم)

مارهای آبی طبیعتاً دارای چنین سلاح نیستند اما همیشه صدا کشیده همه رابه ترس می اندازد و به عقب میروند . این نوع صدا ناحدی مروج است که از آن حشرات ، پرنده ها و جانوران نیز استفاده میکنند .

کدام پرنده همچان ناخوانده نفوذ کرده است هر نوبت دشمن رابه شکل مشترک دور می رانند . پرنده ها همیشه به عین ترتیب در مقابل نزدیکان خود متجاوز نمیباشند . همیشه زندگی فامیلی رویه اختتام میشود پرنده نسبتاً مهربان تر را و در مقابل دیگران نسبتاً پرحوصله میشود در اثر تحقیقاتی که بالای پرنده های که بنام کله سر خک یاد میشود اجرا گردیده به اثبات رسیده است که چهل و دو فیصد وقت خود را برای محافظه ملکیت خود به صرف میرسانند تا اینکه آشیانه بسازند بعد از عملیات متجاوز گرانه آنها بمرا ت کاسته میشود . در مناسبات بین پرنده های دیگر نیز از عین قانونمندی پیروی میشود و مناقشات منطقی اغلباً وقتی اتفاق می افتد که هنوز آشیانه ها ساخته نیباشند .

کسب اطلاع از وقوع خطر ات :

اغلباً دیده شده است که مناقشات فامیلی در جانوران بطور غیر مترقبه وقتی قطع میشود که دشمن مشترک در ملکیت آنها رخنه کند . آنها نیکه چند دقیقه قبل باهم جنگ وجدال میکردند مناقشات را یکسو گناشته و دشمن مشترک را عقب می رانند .

قبل از وقوع احتمالی خطر صداهای مخصوص خطرا میکشند . اغلباً این صداها توسط جانوران متعدد کشیده میشود هر کدام طوری آنرا اجرا میکنند که برایش آسانتر باشند این صداها مخصوصاً در حالاتی شدید میباشد که دشمن عزم تخریب آشیانه را داشته باشد .



صحنه از زندگی پرنده های جنگل



خاطراتی از زندان پلچرخی

کردند که چطور مردم هستند بانام قوا از سرف و ناموس سازمان و رفقا دفاع کردم که این خود مایه خشم آنها و شکنجه دادن ما می شد. چه خوش است که دشمن از شکنجه دادن خسته شود و نتواند چیزی بدست آورد و با چهره عبوس و غمناک عرق های خود را پاک کند.

بالاخره نوبت برق دادن رسید. برق رادر یاها و دستهایم بسته کردند. از شدت درد فریادم برآمد بایک روحایی جریک و خون آلود دهانم را بسته کردند و بعد از دو سبب شکنجه روانه زندان پلچرخی کردند.

ناگفته نماند که آنها مرا به بهانه بغض نسبت نامه دستگیر نموده بودند و البته مادر بغض نسبتانه دست داشتیم مگر بکلی از آن منکر شدیم بغضاتریکه بغض آن از راه حزب و سازمان بود و ما باید انکار میکردیم.

سالحه روستا در مورد خاطرات پلچرخی چنین اظهار عقیده میکند:

خاطرات در داخل زندان نزد اشخاص فرق میکند، خاطره یک زندانی که به ناحق زندانی شده، خاطره یک زندانی متعبد، خاطره خورد سالن که بی موجب در سلولهای زندان میولیدند. اما اندیشه من همیشه به حزیم رفقایم، فامیلم و مخصوصاً فرزند دنییم ساله ام که در همان روزهای که هنوز بزندان نرفته بودم

خیلی با من انس گرفته بود موجود بود فراق هم یک خاطره بود و همچنان این خاطره که با وجود امکانات محدود می توانستیم به رفقاییکه پایواز نداشتند و یا قوماندان قهار زندان مانع از کمک فامیل هایشان می شد ند مدرسانیم و یا بعضی اطلاعات را که حاصل می کردیم به سمع رفقا می رساندیم و خاطره های را بیاد می آوردیم و از اطفال خود سخن می گفتیم و در چهار دیواری پلچرخی باهم صحبت میکردیم و بالاخره خاطره ای را بیاد می آورم که چگونه دانش های انقلابی خویش را در خدمت یکدیگر می گذاشتیم و همچنان خاطره ایمان و شجاعت و انطباق پذیری دوستان هم اتاق خویش را همیشه بیاد می آورم. س- از آنجائیکه در وطن محبوب ما سابقه نداشت که زنان را تاکنون به این قسم بهانه ها بزندان بیندازند. ممکنست بگوئید که عکس العمل فامیل شما هنگام بازگشت چطور بود؟

در جواب گفتم: فامیل خودم و فامیل شوهرم از راه عقیده و اندیشه من و شوهرم اطلاع کافی داشتند و می فهمیدند که راهی را که مادر پیش گرفته ایم انجامش پیروزی است و یا هرگز مادرم چون یک پیروی و دختر و داماد هایش زندانی شده بودند بعد کافی رنجیده و خسته که در همان روزهای که هنوز بزندان نرفته بودم



فامیل خودم و شوهرم از راه عقیده من و شوهرم اطلاع داشتند و قبول کرده بودند راهی را که مادر پیش گرفته ایم انجامش پیروزیست و یا هرگز

دار و دسته و باندا مین در پهلوی سایر جنایات و خیانت های بیشمار حتی حقوق و احترام بزمن را نیز لگدمال کردند اعمال ضد انسانی آنها نه تنها خلاف کلتورو عنعنات ملی خلق افغانستان بود بلکه این دوره در جهان در شما دوریاست دوره ظلم تاریخ بحساب می رود.

باند امین به نصف های شب بخانه حاحله می بردند و بهانه های گوناگون دختران و زنان مردم را راهی شکنجه گاه ها و زندان ها می ساختند.

جهت معلومات و آگاهی بیشتر خوانندگان عزیز مجله زوندون مصاحبه ای بایک زن جوان و یک دختر جوان که مدت چندماه در دژخوناک باندامین زندانی بوده اند داریم که اینک از نظر شما میگذرد:

این دو جوان با وجود اینکه سر حال و شاد صحبت می کردند اما آثار خستگی و کسالت از چهره هایشان عویدا بود وقتی از آنها خواستم تادر مورد خاطرات خویش از زندان پلچرخی برای ما حکایت کنند. ابتدا سالحه روستا شروع به صحبت نموده و در جواب این سوال که روی کدام جرم شما را بزندان انداختند گفت:

علت واضح بود به جرم عشق بوطن، آتش در جان دشمنان ما زبانه می کشید و در صدد بهانه بودند که ما را توقیف کنند و در شرایط بسیار بد مخصوصاً بعد از کودتای فرزند و ما دار (سیا) در داخل حزب تلاش تمام رفقا در این بود که سازمان و به صورت کل حزب را زنده

دو شب مرا به صدارت بردند تا فردا ساعت ۹ شب انتظار کشیدم و ساعت ۹ بود که هیات تحقیق آمد و گفت شما انسان های بسیار خوب معلوم میشود هر چیزیکه میدانید بگوئید. در جوابش گفتم که چه چیز را بگویم؟ گفت هر چه را که میدانید بگوو من گفتم که هیچ چیز نمی دانم بالگدی که بمن زدن سرم گمچ شد و بیادوار خوردم گفتند که باز هم نمی گوئید؟ زود بگو باکی ارتباط دادی، عضو ارتباط تو کیست؟ ظاهراً می گفتم که با کسی ارتباط ندارم اما در دل می گفتم که اگر مرا که هم کنی این جواب را نخواهی گرفت و وقتی که در باره سازمان و رفقای رهبری پرسیان

شده بود از همین سبب زندانی شدن مرا از وی پنهان کرده بودند و برایش گفته بودند که صالحه مخفی شده است و عکس العمل فامیل شوهرم درست بمثابة يك برخورد با يك عضو فامیلی که متعهد است با حزب و وطنش پیمان بسته است که تا آخرین لحظه حیات درستگر حزب است برخورد میشد با تمام قدرت بغاظر آسایش و آرامی من در داخل زندان میکوشیدند و بخصوص که از ناحیه کودک خود به تشویش بودم، آنها در حالت های گوناگون از وی عکس می گرفتند در بین قطی ها برایم می فرستادند.

خوب صالحه جان هنگامیکه خبر آزادیتان را شنیدند چه احساسی برایتان دست داد؟ من در لحظه ای که خوشی سراپایم را فرا گرفته بود یکبار ب فکر زندگی حزبی قبل از زندانی شدنم، بعد زندگی داخل زندان و تمام خاطره ها از پیش چشمم مانند پرده سینما می گذشت و اگر شما آقای خبرنگار از کام امین نجات پیدا نمی کردید و مانند هزاران هموطن دیگر زندانی می شدید و در همان وقت احساس یک زندانی را خوبتر درک می کردید و احساس مراد همان لحظه رهایی میدانیستید.

فعلا چه پیامی برای زنان و دختران کشور دارید؟ پیام من این است که دوشادوش دیگر خواهران و برادران خود مانند يك موجود فعال در تحت رهبری حزب با تمام قوا در آبادی و سر بلندی این کشور بیچاره که سالها رنج زحمت بخوردیده بگویند.

بعد از شنیدن سخنان صالحه روستا که خالی از دلچسپی نبود دختر جوان که سیمین نام دارد و محصل آکادمی تربیت معلم میباشد بنام تخریب کار از آکادمی منگک گور دیده بود و بزندان افتیده بود رشته سخن را بدست می گیرد.

هر روز در زندان با خاطره سپری میشد مگر متاسفانه که قلم و کاغذ بدسترس نداشتیم تا همه را یادداشت می گرفتیم خاطر آنیکه شکنجه های روحی آن خواب را از چشمان ما دور کرده بود مثلا یکی از آن خاطره ها در شب وقتیکه تاریکی و سکوت مرگبار فضای زندان را فرا میگرفت ساعت يك یاد و شب صدای دریش نگهبان زندان سکوت را درهم میشکست و موتر داخل زندان می شد بعد چندین جوان و پیر بیگانه در حالیکه دست هایشان به پشت سرشان بسته میبود آنها را به موتر بالای کردند و موتر دوباره از زندان خارج میشد و فراموش نشود که باید بگویم اتاق مادر بلاک اول یعنی بلاکی که قوماندان زندان در آن بود موقعیت داشت و ما از داخل اتاق با استفاده از يك چوکی آهنی که در اتاق داشتیم حادثات بیرون را تا آنیکه امکان داشت می دیدیم چوکی را زیر پنجره قرار می دادیم و بالای آن ایستادمی شدیم، بلی شبهای بشمار موتر ها را که مردم بیگانه ما را از زندان بیرون می برد تعقیب می کردیم و وقتیکه موتر به سرک کابل میرسید سمت حرکت آن

مخالف به سرک کابل تغییر می کرد و مقابل قوای چهار زره دار که گشتار گاه ساخته بودند بنام پلیگون ایستاده می شد. بارسیدن موتر چراغ یلنگون روشن میشد و بعد از چند دقیقه صدای گلوله شنیده می شد و شعله های سرخ آن به هوای تاریک نمایان می شد. دوباره از چوکی پائین آمده و به بستر خواب به فکر می رفتیم. به فکر کودکانیکه پدران خود را از دست میدادند و مادر اینیکه دلیندهای خود را از دست میدادند. مجردیکه صدای پای سه دهلیز می شنیدیم از فکر خود دوباره به بستر می نشستیم که حالا دروازه زده می شود و ما را هم به گشتن

نهایی سمستر دوم ما مانده بود. بعد هر چه به جستجوی کار شدم موفق نشدم و کسی برایم کار نداد تا اینکه در یکی از شب های ماه جوزا در خانه که جرمن و خواهرم کسی دیگر نبوده همه مهمان بودند، و ساعت دوی شب بود که دروازه با بسیار شدت کوبیده شد. وقتیکه دروازه حویلی را باز نمودیم اشخاصی موقوف مانند گرگ های گرسنه و مجرب با ما شنیدار بدون اجازه به حویلی داخل شدند و چهار طرف حویلی را محاصره نمودند و چند تن از آنها داخل خانه شدند بعد از تلاشی نمودن تمام خانه ها و حویلی



سیمین

متاسفانه قلم و کاغذ نداشتیم تا تمام جریانات را یادداشت می کردم.

می برند، روز ها و شب ها به همین ترتیب در انتظار سپری میشد انتظار مرگ و یا موفقیت تا ماه جدی این صدای نجات دهنده یعنی موفقیت را بگوش خود شنیدیم.

سیمین جان اینیکه ترا چطور و در کجا دستگیر کردند برای ما صحبت کن. باید بگویم که در مرحله اول در سال ۱۳۵۷ محصل صنف ۱۳ آکادمی تربیه معلم بودم که بنام تخریبکار از آکادمی بطور قطع منگک شدم در حالیکه صرف چند روزه شروع امتحانات

از من خواستند تا خانه را ترک گفته با ایشان یکجا بروم چون از همان اول الی وقت دستگیری برای خدمت بوطن از هیچ چیز نمی ترسیدم در بیوقت نیز عراسی بخود راه ندادم، با خواهرم خدا حافظی نمودم مگر او از آنها با گریه می خواست که بگذارند مادرم را ببینم و بعد بروی اتاق افتاد او را بهمان حال و تنها رها کرده همراهی آنها، به طرف موتر رفتم. دیدم سه موتر برای بردن من آمده دست در موتر وسط نشستیم، مو تر حرکت کرد، چون شب تاریک بود نفهمیدم کجا

می رویم بعد از موتر پیاده شدم و بیک اتاق رفتم که در آنجا شخصی پشت میز به چوکی خوابیده بود بمن گفت تو همین هستی؟ گفتم بلی. گفت ما برای خودت کار میدهیم (معلمی) من خنده تمسخر آمیز زدم و گفتم شما بسیار لطف دارید و من از شما تشکر میکنم که درین وقت شب ب فکر بی کاری من شده اید، از آنجا مرا به اتاق دیگر که اتاق شکنجه بود بردند چهار طرف اتاق مردمانسته بودند. مرا گفتند بنشین چشم من بیک جای خالی افتاد و براه افتادم که بنشینم مگر فریادی مرا متوقف کرد که به زمین بنشین بعد شکنجه با تهدید، توهین، مشت و لگدمرایی برق شروع شد وقتیکه شکنجه بی پایان رسید، روشنی صبح تازه همه جا دمیده بود مرا به اتاق دیگر فرستادند و در آنجا با یک تعداد دیگر دختران و نظیرست رو برو شدم که همه خسته و مانده از اتاق شکنجه آمده بودند آنها گفتند که اینجا اسما ست بعد از آن در فکر خانه و خواهر تشنه ایم افتادم چهار شب به همین ترتیب سپری شد بعد به بلخ رخصی فرستاده شدیم البته يك کاروان بسته بودیم که از پنج الی شش موتر تشکیل میشد موتر ها پراز مردان مبارز و وطنپرست بود و تشنه ما را اسما (نواب) با موتر خود ما را همراهی تا تقریبا یکماه فاملیم از من هیچ اطلاعی در دست نداشتند هر چند ایشان روزها تا شام همه روزه به دفاتر دولتی جهت مطلع شدن از چگونگی مجرم بودن و محکومیت ام مراجعه نموده بودند اما تا این مدت هیچ اطلاعی برایشان داده نشده بود.

راستی آنها می خواستند که ما باکی ارتباط داریم و به کجا ارتباط می گیریم و وطنپرستان را به آنها معرفی بداریم مگر ما با داشتن اندیشه مردمی و آزادی به این شکنجه ها و رنج های آنها اعتنای نکردیم و امیدواری به آینده مستقل و پیروزماند به مقاومت خود علیه هر نوع استبداد آنها ادامه میدادیم.

باشنیدن بیگام آزادی زندانیان سیاسی مسرت زیادی برایم دست داد فکر میکنم در همان لحظه چنان هیجانی بمن دست داده بود که هیچ چنین لحظه را در زندگی ام بیاد آورده نمی توانم و یکبار دیگر حس مسولیت و خدمت به خلق در روحم که به جرم آن زندانی شده بودم و از فعالیت باز نگه داشته شده بودم دیدم. برای يك دختر وطنپرست ازین بیشتر جای خوشی و مسرت نخواهد بود که موقع بیاید تادوش بدوش مردان و وطنپرست در راه اعمار جامعه نوین حصه بگیرد از وی خواستم تا در مورد صفات يك زن مبارز چیزی بگوید.

بنظر من يك زن یا دختر مبارز همیشه حقیقت بین بوده و در تاریکی مبارزه را پیش نبرد، يك زن مبارز همیشه همراهی اجتماع هم صحبت بوده و از چگونگی زندگی مردم خود با خبر باشد و در راه مبارزه خود علیه يك جامعه ای که از هر حیث عقب مانده از هیچگونه شکنجه و

سرود خشم

آهنگر آن پیر، همه پتک ها بدست
 با چهره های سوخته، در نور آفتاب
 چون اختران سرخ، بتاریکی غروب
 چشمان پراز نوید فرح بخش انقلاب
 پتک گران بدست و دهانها پراز خروش
 فریاد شان گسته در آفاق شامگاه
 روئیده در دیار اشق، خوشه های خشم
 اسفرده بر لبان شفق، بوسه های ماه
 بنداشتی غریب خدا یان آسمان
 بیچیده در کرانه ی خاموش زندگی
 بگرفته از فروغ شفق، رنگ انتقام
 آن گونه های که سوخته از سرم بند می
 بنداشتی که خشم فرو خورده ی قرون
 جوشیده از خرابی فر توت روزها
 بنداشتی که شیون قربانیان جنگ
 آتش فکنده در دل آتش فروز ها

از سینه ها رسیده بلبها سرود خشم
 افکنده در حریم دل آسودگان هراس
 گفتی بر آستانه ی این شامگاه تلخ
 دردم خزیده سایه ی مردان ناشناس
 در چشمان طلیعه ی توفانی شفق
 آرد خبر زخنده ی خونین صبحگاه
 فریاد شان گسیخته در آسمان سپهر
 خشم سیا هشان همه جوشیده در نگاه
 دردم شکسته است تو گویی سکوت مرگ
 در دستخیز این شب تاریک و افسین
 برقی دمیده از دل آفاق دور دست
 تاسایه ی گیود شب افتاده بر زمین
 خوانده بیاس روز نظر، باد شامگاه
 سکرانه ی گسستن زنجیر بندگی
 آهنگران پیر، همه پتک ها بدست
 در چشمان، طلیعه ی خورشید زندگی
 (نادر نادریپور)



گامها

ومن در شام آن هستی سامان سوز
 همی غارتگران باغ را دیدم
 که هر صبحی گلی از شاخه میچیدند
 و بر پر مینمودند، میدیدند
 خنده میکردند و میرفتند
 چه گلپایی
 گل سوسن، گل سرخ و گل نسرین
 گلی زیباتری از زهره و پروین
 و کی غافل از آن بودند که روزی
 بجای يك گلی
 صدها گلی در باغ میروید
 هارون یوسفی



سلیان لایق

بهار دروغینه

بیار ساقی گلچهره باده د و منی
 که نقش تازه بریزیم و طرح انجمنی
 ازین بهار دروغینه بوی خون آید
 مرا رسیده ز حافظ اشارت سختی
 ز تند باد حوادث نمیتوان دیدن
 درین چمن که گلی بوده است یاسمنی
 چنان زجرخ فلک سنگریزه می بارد
 که نی بسزه چمن ماندونی به گل وطنی
 زهر که مرشوم حرف «سوخته» بالاست
 به هر چه مینگرم تیغ و آتش ورمی
 هنوز قطره خون تازه کار خوشتن است
 بدامنیکه نکنجد در آن دگر لجنی
 بپوش باش که این رهزنان بازی زور
 خدای تازه تراشد و هیکل وقتی
 مناع باغ کهن پرورند و سینه زند
 بنام خار بیابان و سبزه ای خشتی
 تو آسمانی و اندیشه ای تو ابر بهار
 تو نوربخش زمینی، تو مغز و جان وقتی
 تو نقشند جهانی، تو خلق کارگری
 تو بسته بند حوادث، تو قدرت شکنی
 بنوش بساده مردی و راه چاره بجوی
 که چاره جوی لجبود فراغت چمنی
 به خار های بیابان اگر نمی نرسد
 بهار چیست که لاله ز باغ نترنی

۱۳۵۷/۶/۱۷

کابل



د بند خونند

خلوبینت کاله آزاد ژوند عسی بوخ نکرم
 لکه بوخ چی گرم یوکال عقر د بند
 و آزاد ژوند به ارزینت بانندی خه بوهوم
 چی بندی شوم مئی بوه یی شوم به خونند
 دوکتور زیار، خر خی زندان ۱۳۵۸/۸/۲۳

روزنه‌آ امید

باغزم و امتان
 با شور شعف و شوق
 با قلب پر امید
 در کار زندگی
 هر دم روان گرد .

• • •

خیر است گر ترا
 آن نیروی شب
 در بازو ها و پنجه
 دیگر نمائده است .

• • •

تو خصه راه مده
 گر چرخ روزگار
 هم مال و مکننت
 ز دستت رپوده است .

• • •

هرگز پریش مباش
 گر نخلهای ممتی
 وان گلبنان عشق و صفای شباب
 در بوستان قلبت
 پژمرده گشته است .

• • •

افسردگی مکن
 از گردش ایام
 گر نارو بود هستی ات
 از کین و انتقام
 فسرده است .

ایه های زمینی

خورشید مرده بود
 خورشید مرده بود و فردا
 در ذهن کودکان
 مفهوم گنگ گمشده بی داشت
 آنها غرابت این لفظ کجانه را
 در مشق های خود
 بالکلی درشت سیاهی
 تصویر می نمودند
 مردم
 گروه ساقط مردم
 دلبرده و تکیده و مبهوت
 در زیر بار شوم جسد هاشان
 از غربتی به غربت دیگر میرفتند
 و میل دردناک جنایت
 در دستپايشان متورم می شد

آنگاه خورشید سرد شد
 و برکت از زمین ها رفت
 و سبزه ها به صحرا ها خشکیدند
 و ماهیان به دریا ها خشکیدند
 و خاک مردگان را
 زان پس به خود نپذیرفت

شب در تمام پنجره های پریده رنگ
 مانند يك تصور مشکوک
 پیوسته در تراکم و طغیان بود
 و راه ها ادامه ی خود را
 در تیرگی رها کردند

دیگر کسی به عشق نیندیشید
 دیگر کسی به فتح نیندیشید
 و هیچکس
 دیگر به هیچ چیز نیندیشید

در غار های تنهایی
 بسپودگی به دنیا آمد
 خون بوی بنگ وافیون می داد
 زلفهای باردار
 نوزاد های بی سر زایدند
 و گاهواره ها از شرم
 به گور ها پناه آوردند

چه روزگار تلخ و سیاهی
 نان ، نیروی شگفت رسالت را
 مغلوب کرده بود

• • •

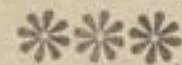
در دیدگان آینه ها گویی
 حرکات و رنگها و تصاویر
 وارونه منعکس می گشت
 و بر فراز سر دلتگان بست
 و چهره ی وقیح فواحش
 يك هاله ی مقدس نورانی
 مانند چتر مشتعلی می سوخت
 مرداب های الکلی
 با آن بخار های گس مسموم
 آنچه بی تحرك روشنکران را
 به زرقنای خویش کشیدند
 و موش های موزی
 اوراق زرتکار کتب را
 در گنج های کهنه جویدند

شاید هنوز هم
 در پشت چشم های له شده، در عمق انجمناد
 يك چیز نیم زنده ی مغشوش
 بر جای مانده بود
 که در تلاش بی رمزش می خواست
 ایمان بیاورد به پاکی آواز آب ها .
 شاید ، ولی چه خالی بی پایانی
 خورشید مرده بود
 و هیچکس نمی دانست
 که نام آن کیوتر غمگین
 کز قلبها گریخته ، ایمانست .

آه ، ای صدای زندانی
 آیا شکوه یاس تو هرگز
 از هیچ سوی این شب منفور
 تقی به سوی نور نخواهد زد ؟
 آه، ای صدای زندانی
 ای آخرین صدای صدا ها
 فروغ فرخزاد

در غم مباش
 از نور چشم خویش
 کز درد انتظار
 گری کشیده است
 امید ز دست مده
 گر چند پیر گشته یی و
 بسان گشته نیستی
 اما -
 آنچه دست داده ای
 با جامه دیگر
 همراه رزم تست
 اکنون تو شاد باش و
 بسا غرور تام
 در کار زار هستی
 چایی به پیش گیر
 امروز -
 امروز تو میوایی
 با نیروی اراده
 با حب و عشق مردم
 با لذت ایثار
 در نور حق و راستی
 باراد مردی تام
 هر آنچه خواسته باشی
 اتمام آن کنی

شمس الحق - یاسا



ویل کول

ویل کول ساویدن دی انقلاب ته
 بویی بله انقلاب نشی واور لای
 له ویل سره کول ملگری بو به
 تش ویل هستی نشی لرلای
 دوکتور زیار ، امینی شکجه خای .

۱۳۵۷/۱۱/۱۷

میتوان در پهلوی بازیچه اشیای خورد دیگررا
او یزان کرد همینکه طفل آنها را بدست
گرفت چند ی بعد می آموزد که اشیای به
حالت سخت ، ملایم ، سرد و داغ موجود
میباشند . به هر اندازه که اشیای اضافی
تر باشند به همان اندازه تجربه طفل
درین قسمت مکمل تر میشود .

طبق عقیده روان شناسان طفل در اثر
فعالیت نموی بیشتر میکند . برای این
مقصد استیوت مذکور با بازیچه دیگررا
پیشنهاد کرده که همچنین صدا دارمیشد
در تار پارچه های مدور ، استوانه مساند
و حلقه ها او یزان هستند اما هر کدام
اینها دارای اندازه های مختلفی میباشد
اندازه های پارچه های استوانه ای
و مدور نظر به اندازه حلقه خورد تر
هستند به این ترتیب میتوان از حلقه
بگذراند . هر بار که طفل با این بازیچه
بازی کند معلومات جدیدی را می آموزد
زیرا این بازیچه امکان میدهد تا طفل
راجع به اندازه اشیای و مقیاس آنها
معلومات پیدا کند . به این ترتیب سعی
شود تا طرق جدید درین قسمت برای اطفال
پیشنهاد شود تا معرفت اطفال را جمع به
محیط پیرامون هر چه زود تر برسد کند
اختراع و طفل این کدام مفهومی را

ارائه میکند ؟

قسمیکه معلوم است اطفال به محیط پیرامون
عنوان به بسیار هیجان و علاقه نگاه
میکند و هر چیزی که رنگ شاد داشته
باشد توجه آنها را به خود جلب میکند .
همینکه والدین به این نکته متوجه شدند
دفعتا تعداد زیاد بازیچه ها را میخرند و
همه را خود به ترتیب در پهلوی طفل
میگذارند و طفل درین صورت منجبت
ناظر به همه نگاه میکند . و این درین
قسمت اشتباه را مرتکب میشوند زیرا
آنها خود در طفل روحیه بی علاقهگی
را پرورش میدهند . زیرا طفل وقتی که
در حدود ۳ الی ۵ سال داشته میباشد
نه تنها شکل ، تناسب و موقعیت اشیای
می داند بلکه نکته مهم اینست که طفل خود
میتواند که جهان بازیچه های خود را خود
قشنگ سازد .



از سیوتنیک

ترجمه س.س

تاثیرات نوعیت بازیچه ها بر بالای انکشاف روحی و فکری اطفال

طرف مقابل بحرکت می آید . این حالت
به طفل مشغولیت بهتر را ایجاد میکند به
این ترتیب طفل می آموزد تا به چه ترتیب
اشیای را در دست بگیرد و آفراینگه دارد
در نتیجه ما هیچ های انگشتان دستهای
طفل خود بر نموی میکند .
همینکه طفل گرفتن اشیای را آموخت

درین وقت رول معین خود را پیش برده
میتوانند ؟ قسمیکه تجارب متعدد نشان
داده است که در بین سن اشیای
ساخته که توجه طفل را جلب کرده نمی
توانند اما به مجرد اینکه با بازیچه در مقابل
طفل حرکت داده شود چشم های طفل از
حرکت او دنبال میکنند اگر با بازیچه صدا
دار باشد توجه طفل را اضافه تر جلب
میکند .

چطور میتوان در طفل از او ایل روزهای
زندگی اش روحیه اجرای کارها را
به تنهایی پرورش داد ؟ در حال حاضر
بالای حل این برابرم تعداد زیادی ادب
روان شناسان داکتر ها و مختصر عین
کار میکنند . چندی قبلی در مسکو به
این مقصد کارگر س. لیم شورای بین-
المللی اختراع صنعتی « دایر گردید » بود
و برای اولین بار در آن ممکن اختراع

برای اطفال « جا داده شده بود .
قسمیکه اشکارا است اطفال در حال
حاضر زود تر رشد و نمو میکنند . درینجا
اغلبا این سوال مطرح میشود که غرض
نموی هر چه بیشتر اطفال از کدام نوع
بازیچه ها با یاد استفاده شود .
با در نظر داشت تفاضلی عصر
لا بر اطفال استیوت با بازیچه ها در
اتحاد شوروی سیستم معین با بازیچه ها را
برای اطفال پیشنهاد نموده است . با لای
هریک از این انواع با بازیچه ها که زیلا
از آنها تا م برده خواهد شد سه متخصص
یعنی ادیب ، روان شناس و طراح کار
های زیاد را انجام دادند .

هنوز از عمر طفل یکماه گذشته نمیشد
که مادر مهربان در جیب طفل انواع
مختلف بازیچه ها را با رنگ های شاد
میگذارد اما طفل تنها درین وقت به طرف
سقف طاق می بیند . آیا با بازیچه ها



دشخصیت ودهدمعلو مانو دتسلاسه کولو
خغه بیل او د معلو ما تو لاس ته راوړل
اورده موده غواړی نو پدی توگه یو اورده
به کار دی تر خو دمعلو ما تو په ټولو
سره د شخصیت ودي ته پراختیا ورکړ
شی.

دایوه تصا دلی مسئله نده چی د شوروی
اتحاد دوړ کتو نونو په ورختی مهال ویش
کی نیو ونه ، حساب ، لو ستل خبری کواړ
او طبیعت بیژندی ته ځای ورکړ شو پدی
بلکی دیو لړ تجربو په نتیجه کی ناسته شوی
چی دا ټول دما شو مانو د معلو ما تو په
زیا توالی او پدی تو گه د هغوی دشخصیت
په وده کی خو را اغیز من دی .

په همدی تو گه په هغه مهال ویش کی
چی دشوروی اتحاد دنیو و نی او روزنی
نوزارت له غواتصویب شوی دهرڅه نه
ریات تا سر مانو لوبو ته زیاته پاملرنه
شوی او ورسره چوخت ماشو مانوته دنغا
شی، مجسمه جوړولو، ټول ټول صنایعو،
نغا دشعر اوسندری ویلو زده کړی ته په
لمکه اشنا ره شوی . همدا رنگه په دغه
مهال ویش گر داسی شیا نو ته ځای ورکړ
شوی چی دما شو مانو نو دکفکری ودي سره
چوخت د هغوی احساسا تونه هم و ده
ور کوی . دمثال په تو گه که کوم ماشوم
داسی مشخصات ونلری چی دنورو ماشومانو
پام ځان ته واوړی اونورو ته داحترام په
سترگو و گوری نیو ونکی نی مجبور دی چی
دغه صفتونه د نیو ونی او روزنی په مرسته
په هغه کی و زیږوی . نو پدی تو گه باید
هر کم چراغه او آرام ما شوم باید دا احساس
پیدا کړی چی نور ورته احترام لری اود
احترام وړدی . او که نه امکان لری دژوند
تر پایه پوری ځان بیو زلی اومعویب احساس
کړی .

هر نیو ونکی باید خپل شا گر دان په
مختلفو لارو داسی تشویق کړی تر څوهر
یویی وگولای شی خپل حال او پېڅو
صیتو نه په خورا جرات سره خبر گندکړی
دمثال په توگه د یو ماشوم زیات شمیر
کیسی زده دی ، بل ماشوم گولای شی چی
خواږه په ښه توگه پر میز باندي تنظیم
کړی او ځینی نور ما شو مان دمویر ونسو
مخلف ټولونه ښه بیژنی نیو ونکی ددی
دپاره چی دماشومانو پام یسی دهغو دغو
خصوصیتو نو ته په ښه توگه اړولی وی باید
په وار سره هر ماشوم ته په لوبوکی غوره
برخه ور کړی چی پدی تو گه هرما شوم
ځان پر دی نه بولی اوپر ځان بی اعتقاده
نه وی له دی ټولو سره سره بسپاهم وړکتون د
ماشوم په روزنه کی دکور ځای نشی نیولای .
مگر بیا هم دمیمنو او پلرونه سره دهغه
ستر او د روند دندی په ترسره کولو کی
چی دخپل ما شوم دسالمی روزنی له امله
په غاږه لری دلیدو او په زړه پوری مرستی
کوی .



په وړکتون کی ماشومان خپل نیوونکی ته په څیر سره متوجه دی

د خبرونو خغه
دبر یا لی علی زاد زبانه

د ماشوم دشخصیت پر وده باندي دور کتون اغیزه

چی په شوروی اتحاد کی مورا و بلارد واره له
کور خغه دباندي کار کوی او په کور
کی هیڅوک نلری چی د هغو د ماشومانو
ساته وکړی نو مجبور دی چی خپل ماشومان
وړکتونو ته وسپاری .
مگر دوی نیرو تلی دی ځکه چی په سلوکی
یواځی اته څلوېښت کورنیو له همدی کبله
خپل کوچنیان وړکتونو ته سپاری
پداسی حال کی چی زیاتره
کو دنی دټو لیزی روزنی په مقصد دغه
کار کوی او دوی عقیده لری چی ټو لیزی
روزنه تر کورنی روزنی غوره ده نو پدی
توگه په زغرده ویلای شو چی دما شومانو
په روزنه کی وړکتو نونه ښه دکور نیو باوری
مرستند وی دی او په حقیقت کی
(در و زنی په برخه کی) او س د
نیوونځیو په شان عامه ښه غوره کړی ده
او هم دیو لړ څیړنوپه نتیجه کی دا حقیقت
تر لاسه شوی چی دیو نسل رو حی اوجسمی
روغتیا او اخلاق په وړکتو نو کی دکور
چنیانو دروزنی سره نه شلیدو نکلی اړیکه
لری .
دشوروی سو سیالستی جمهوریتو نو
داتحاد په اساسی قانون کی دا هم ذکر
شوی چی (دشوروی اتحاد دولت خپله دنده
گنی چی دانسانی شخصیت دسالمی ودي
دپاره هر اړخیز یراځ امکانا ت تا مین
کړی) .
اوس وینو چی آیا د فردی شخصیت وده
کله بیل کیری .
دایو انکارته منو نکلی حقیقت ده چی

خغه دنیو ونځی نللو تر عمره پوری هغو
وړکتونو نو ته چی دهغوی دکارځای
او یا کورته نږدی واقع دی سپاری او په
عادی تو گه ما شوم دسپار له اتو بجو
خغه دماز دیگر تر پنځو بجو پوری په وړکتونو
نو کی وی .
دلته شاید سوال پیدا شی چی و لسی
مینی او پلرونه د خپلو ما شو مانو دروزنی
دپاره دټو لیزی موسسو خغه گته اخنی ؟
دکوتر ومانښار (چی دواکلی دسیپند
په غاږه پروت او دوه سوه پنځو س زده تنه
او سید و نکلی لری) ټو لیزی ها نو د هغو
تحقیقاتو د تحلیل او تجزی خغه چی ددغه
ښار په شپږویلا بیلو صنعتی واحدونو کی
سر ته رسولی دغه نتیجه تر لاسه کړی
چی وړکتو نونو ته دکوچنیانو دسپار لوبه
برخه کی ما دی گتی په نظر کی نیو لورو
سپنی ځای لری . ځکه چی په سلوکی
پنځه تنو میندواو پلرونو دهمد ن مقصد
دپاره خپل کوچنیان وړکتونو نو ته
سپاری .
کو رنیو دغه موضوع چی دما شو مانو
ساته په وړکتون کی دکور په پرتله
ارزانه تیا میری یو عادی کار بولی .
په شوروی اتحاد کی په عادی توگه دما
شو مانو د ساتنی څلور پر پنځه برخه
خرڅ په وړکتو نو کی ددولت له خوا وړکول
کیری او هم دهغو کو رنیو دما شو مانو ټول
خرڅ چی زیات کو چنیانو و لری ددولت
له خوا وړکول کیری .
دځینو ټولنیوها نو په عقیده څرنگه

کله چی ما شوم لو بیری پخپلو پښو دږیری
او پر لاره روا نیږی او هم خپله خوله په
څیرو برانیزی مور او بلار بی پدی فکر کیری
چی څنگه باید هغه وروزی ترڅو دهغوی
خغه د ټو لیزی یو فعال غړی جوړ شی .
دهمد غی مسئلی په ارتباط له شوروی
مقا ما تو خغه دهغو کو چنیانو د روزنی
په هکله چی لانیو ونځی ته دتک ټا کلی
عمر ته ندی رسیدلی زیاتنی بو ښتنسی
شوی . ددغه شان سوالو نو په ځواب کی
با ید وویل شی چی وړکتو نو نه ددغه
شان مسئلو په بشپړ او صحیح حل کی
دکو رنیو سره په زړه پوری مرستی
کوی .
دشوروی اتحاد په اساسی قانون کی
پدغه هکله داسی څر گند ونه شوی (دشوروی
اتحاد دولت دهغو کو چنیانو دروزنی په
برخه کی چی دنیوونځی ټاکلی عمر تهنه
وی رسیدلی دځان تگر و موسسو پرا خو
شیکو په ایجاد کورنیو سره نه ستړی
کیدونکی مرستی کوی) .
دشوروی سو سیالستی جمهوریتو نو
داتحاد حکومت داستقرار د لو رنیو کلو نو
را هیسی د هغه هیواد په عره برخه کی
دوړ کتو نونو جوړول بیل شوی او ورڅ په
ورڅ مخ په پراختیا ده ا وهمد او سرید نه
هیواد کی ددولسو ملیونو تنو خغه زیات ما
شو مان شپږ خواړ گا ووته سپارل کیری او
وړکتو نونو ته ځی .
په لویو صنعتی ښارو نو کی زیاتره
کور نیو خپل ما شومان له ددی کلنی

سپهری در جهان هنر

هنر و نقش آن در انعکاس واقعیت‌های عینی زندگی



این تابلو نمایانگر ازدواج‌های غیر اصولی است که بی‌عدالتی و قلدری طبقات ستمگر جوامع را نشان میدهد

زندگی اجتماعی بر از فراز و نشیب‌های است که فراز و نشیب‌هایی نهایت دشواری چنانکه است و مقابله با آن شرط لازم و ضروری زیست و ادامه پراتیک اجتماعی، دانشمندان و هنرمندان جامعه که اندیشه‌های والای مردمی داشته در بدترین شرایط اختناق ترور، وحشت و استبداد همیشه جناح مردم را گرفته واقعیت‌های تلخ زندگی را به اشکال مختلف و ضریق مختلف بیان نموده اند.

زمانیکه هنرمند تحت شرایط ویژه استبداد مطلق‌العدالتی درباریان قرار داشته باشد پوسته

زندگی مقابله نموده و در نبرد رویاروی قرار داشته بوجود آورده و نقاشان جیره دست

حقیقت آفریننده آن بوده‌اند به خود و درباریان خویش نسبت داده اند و کمتر نامی از شاعران هنر مندان و نویسندگان مردمی را تذکر داده اند. اکثر چنین نویسندگان، هنرمندان در عالم گمنامی بدینا آمده در عالم گمنامی جهان را بدرود حیات گفته‌اند.

امروز که روند تاریخ در دایره مخالف آن یعنی به نفع توده‌ها و مستمکنان جامعه دور می‌زند و پشاهان جنبش‌های مترقی و پیشرو که از آینده‌لویز طبقه پیشرو انقلابی الهام می‌گیرند درین تلاشند تا آثارشان را مطابق به خواست زمان و ایجابات وقت

مطابق به قانونمندی علمی پدیده‌های اجتماعی که تخطی از آن منجر به نابودی شخص میگردد به جامعه عرضه نمایند هم چنان کلوئس‌ها و تحقیقات در مورد فرهنگ و کلتور پارسی بعمل آورده آثار هنری که هنر مندان گمنام

جهت کلی و نا برابری‌های اجتماعی وقت را ترمیم نموده بودند در پیشگاه هنرمندان علاقمندان و محققین قرار دهد تا با استفاده از آن دانش پژوهان جوان عصر، بتوانند گذشته را دقیقاً مطالعه نموده و با مطالعه

گذشته و حال آینده جامعه آدمیزاد را بصورت دقیق‌تر، عمیق‌تر و زوفا تر پژوهش و بی ریزی نمایند همه این هنر‌های که در گذشته‌های دور مابله و مبارزه انسانها و طبقات را وانمود

می‌نموده است الهام بخش آن اندیشه‌های در دماغ و مغز انسانها و هنر مندان، شاعران و نویسندگان مردمی گردید که همیشه در جهت منافع و مصالح توده‌ها اندیشیده و توده‌ها را آفریننده تاریخ قبول نموده‌اند.

مردمی همیشه نابرابری‌ها، فشار و بی‌عدالتی اجتماعی را در تصاویر گویای شان که چهره منحوس استبداد و وقت را بازگو نموده‌اند چنانکه همه و همه در خدمت خلق و مردم خویش بوده اند و نام شان در اوراق تاریخ با خسا زدن درج گردیده و مردم و توده‌های ملیونسی ستمکش همیشه به نیکویی از ایشان یاد نموده و سپاس گذار آنها اند.

اما برعکس بودند هنرمند دلقک‌پیشه و شاعر درباری که افسار دربار را به گردن گذاشته چکنده‌های ادبی، هنری و غیره را به مدح و توصیف اقلیت منت خوار ستمگر جامعه وقف نموده اند.

اما از آنجائیکه زندگی اجتماعی در جوامع طبقاتی، مهر طبقاتی داشته و طبقات ستمگر جامعه در هرم جامعه قرار داشته بسا کمک هنرمندان، نویسندگان و مورخین گمناخته‌ها خویش همه دست آورد‌های فرهنگی، مدنی و اجتماعی را که خلق و توده‌های مردم به



مستضعفین که دست تکی بسوی رهروان سنگدل دراز کرده‌اند این تابلو صیغه مردم‌داری هنرمند را وانمود می‌سازد.

با گروه هنر پیشگان تیاتر بزرگ عازم امریکا شدند. این پروگرام را کارگردان معروف سول یورگ ترتیب کرده بود. قسمتی را که نادیا و گردیف در آنجا اجرا کردند توسط مطبوعات امریکا بنام (قسمت پرعیجان نمایشات) یاد کردند.

در سال ۱۹۷۴ نادیا مکتب مسلکی بالت شپربرم رابه پایان رسانید و به حیث رهبر گروه در تیاتر او پروبالت شپربرم شناخته شد. چندی بعد به مسکو به تیاتر بزرگ دعوت شد. این دعوت بسیار مهم وارنده و در ضمن بسیار مشکل بود. زیرا اگر چه نادیا درین وقت از باریکی های هنر رقص بالت آگاه بود اما ضرور بود تا بسیار کار نماید تا رول های جدید رابه طور موفقانه آن انجام دهد.

بتاریخ ۶ نوامبر سال ۱۹۷۵ نادیا و گردیف مردود منحیت قهرمان های رول عمده رادر بالت (ژیزل) در ستیز تیاتر بزرگ اجرا کردند و در همین روز عروسی خود را نیز جشن گرفتند.

در حال حاضر یکی از شخصیت های برجسته هنر رقص بالت ولادیمیر واسیلیف با این جوهر ممتاز نمایشات خود را اجرا میکند. اول کار دسته جمعی اینها تحت عنوان (ایکان) اجرا

گردید که در آن گردیف رول انسانی را که میخواهد به آسمان پرواز نماید و پاولووه بعیث دوست صدیق او درین قسمت کار میگردند.

این نما یشر از طرف تماشاچیان به بسیار گرمی استقبال شد. درین اواخر این جوهر ممتاز در چنین نمایشنامه های معروف مانند قهرمانان (قشنگ خوابیده)، (دون کیشوت)

(سپارتاک) رول های مهم و ارزنده را و در ضمن به بسیار خوبی اجرا میگردند. نکته مهمی در ضمن مخصوص که این جوهر را از دیگران متفاوت میسازد اجرای رول هابه شکل عجیب و صداقت در کار آنها میباشد. در یکی از روزها

از هنر پیشه عمده تیاتر بزرگ یوری گریگورویج پرسیدند که این جوهر را با که مقایسه میکند؟ او جواب داد: (باهیج و تکالیف بودا مانادیا

راهی را که این جوهر در قسمت هنر بیوموده فکر میشود بدون رنج و تکالیف بودا مانادیا پاولووه و گردیف این را بخوبی درک کرده اند که با شخصیت های برجسته هنر تیاتر بزرگ

رقابت آنها کار ساده نیست. درین ضمن متخصصین بر جسته هنر هوشدار میدهند که فقط تسخیر تماشاچیان توسط حرکات الاستیکی و سپورتی کفایت نمیکند. چیزی که برای دختر

پانزده ساله، بالرین معروف عصر حاضر (عجیب) است مراحل سپری شده او در هنرش میباشد. این که تا کدام اندازه این جوهر به حال فعلی خود باقی میماند پراکتیک آینده نشان خواهد داد. زیرا قسمی که گفته شد پیشگویی

در قسمت هنر شکل اتفاقی و ناگهانی را دارا میباشد. بعد از اجرای نمایشات در مسکو نادیا و گردیف

جوان ویچسلاو گردیف که چندی قبل در گروه هنر پیشگان تیاتر بزرگ مسکو شامل شده بود انتخاب شد. در نتیجه قرعه معلوم گردید که یکی از آنها نمبر (۹۹) و دومی نمبر (۱۰۰) را انتخاب کرده بودند. در مقابل این دو هنر

پیشه جوان ستاره های درخشان جهان هنر بالت نمایش های متعدد اجرا کردند. اما وقتی یکی از روز نامه نگاران از نادیا پرسید که قبل از اجرای نمایش چه احساس میکند. نادیا جواب داد احساس (سرت) بلی احساس سرت نه پراگندگی این نکته خود پسندی هنر پیشه جوان نبود بلکه از احساس پاک درونی او حکایت میکرد که همیشه هنر پیروز میگردد و نه خود پسندی.

بعد از قسمت اول مسابقات نادیا ۱۱۶۵ (۱۲) نمره ممکنه بدست آورد. سپس دو- قسمت دیگر مسابقات نیز پایان یافت و معلوم شد که گردیف مدال طلایی و نادیا پاولووه

همچنین مدال طلا را صاحب شدند. نکته جالب این است که همه اعضای عیانت ممیز به اتفاق اراء به این عمل موافق رای دادند. در ترکیب هیات اشخاص ورزیده جهان بالت مانند

هنر پیشه درجه اول تیاتر بزرگ یوری گریگورویج، بالرین معروف کیوبا الیسیا الونوس بالرین فرانسوی کلود بیسی، ستاره های معروف بالت شوروی گالینا اولانووه و مایا- پلیستسکایا شامل بودند.

این شناسایی بالرین جوان در بالت حادثه غیر عادی بود، زیرا بالت خود یک جهان مطلق و متضاد است. کدام نکات و مشخصات نادیا را از هنر پیشگان رقص بالت متفاوت میساخت؟ آیا تخنیک بر مهارت؟ نه خیر زیرا در آن

اوقات نادیا هنوز به این نکات چندان وارد نبود. نکته جالب که همه را متوجه او ساخته بود این است که او در رقص به اصطلاح زندگی

میکرد و قابلیت آنرا داشت. بخاطر می آورند و قتیکه نادیا کوچک در مکتب مسلکی بالت در شهر برم مصروف تحصیل بود در یکی از

نمایشات امتحانی پروگرام ذیل ترتیب یافته بود. قهرمان او دختر کوچک با پیراهن نازک سفید بود که میخواست به پدر خود طوری

نشان دهد که رقص بالت را فرا گرفته و میخواهد درین رشته تحصیل نماید. برای این کار خود قیافه ها و ژست های متنوع رابه او تمثیل

و نشان میداد. درین پروگرام بسیار کوتاه نادیا به اندازه حیل و مکارگی طفولیت را تمثیل کرد که صد فیصد به واقعیات زندگی مطابقت داشت. نادیا هنوز چند سال نداشت که در نمایشات

بالت در مکتب مسلکی و حتی در تیاتر شهر برم در مقابل تماشاچیان ظاهر شد. اما نه در مکتب و نه در تیاتر با دختر کوچک محاسبه انجام می گرفت همه می گفتند: هنوز بسیار کوچک است.

بعد از اجرای نمایشات در مسکو نادیا و گردیف



طلکان معصوم نیز مورد استعمار بررجهان مستمگران بوده که نابلو نمایانگر آن است.

آنچه هنر مندان امروز به آن می اندیشند این است که هنر نباید فقط در خدمت هنر قرار گیرد زیرا درین صورت آثار هنری از وراء واقعیت های عینی نشئت کرده سبقت گرفته و فقط در دایره هنر هنر برای هنر و یکنوع تکلف و پیچیده گی های را میسازد می آورد که از زندگی مردم و از واقعیت های عینی کاملاً تجرید میگردد اما هنر برای مردم در خدمت مردم جهت ارتقا و تکامل زیر بنا و رو بنای هستی اجتماعی شده واقعیت های کامل می بسازد.

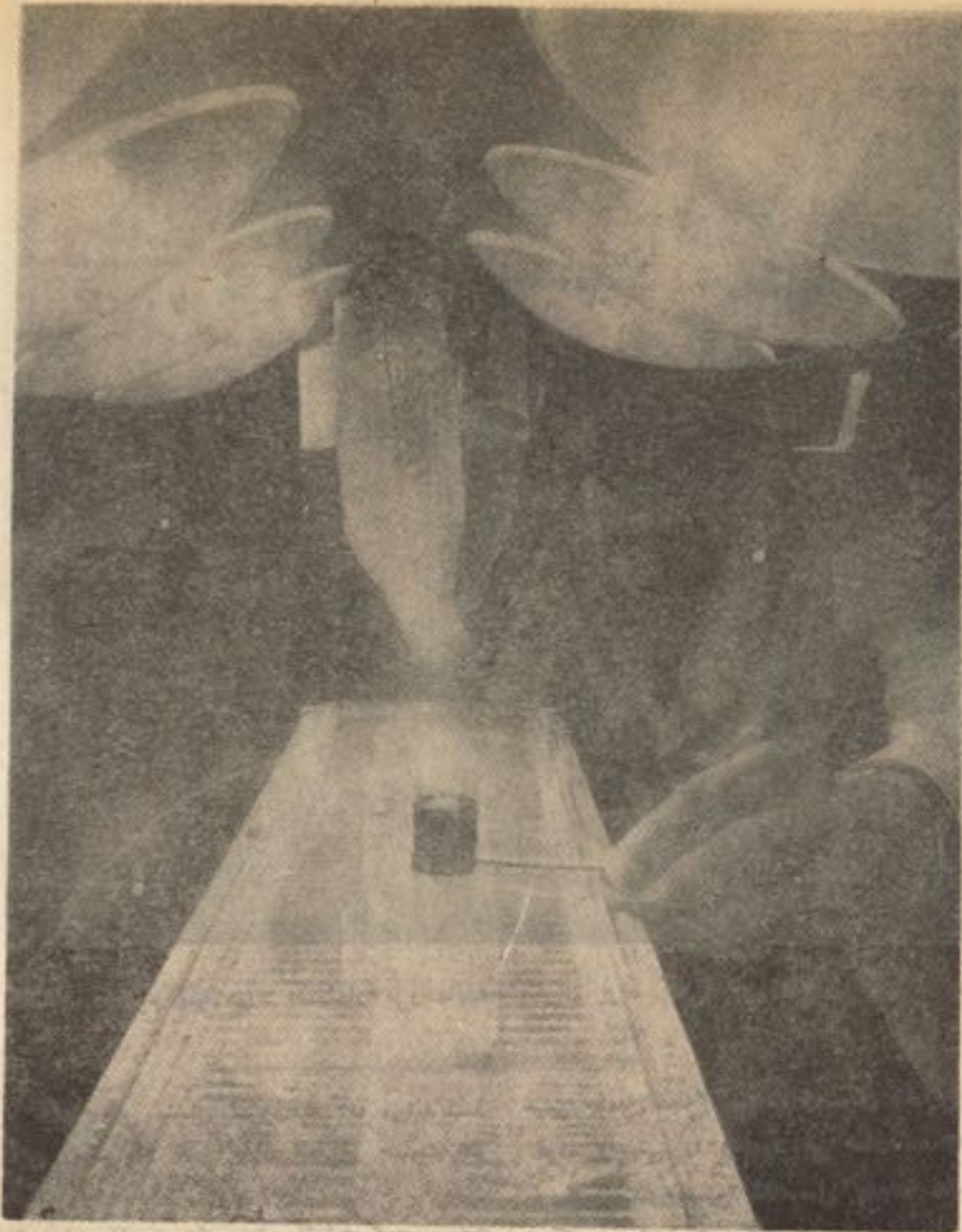
ترجمه: س. ا.

او بدنیآ آمد تا هنر رقص را به اوج آن رساند



پیشگویی هادر قسمت هنر متاسفانه همیشه تحقق نمی یابند. اغلبا اتفاق می افتد که یک استعداد جوان مانند ستاره روشن میدرخشد اما چندی بعد خاموش میشود. به این لحاظ در مورد پیشگویی در قسمت هنر از احتیاط کار گرفته شود. اما نادیا پاولووه این (عجیبه کوچک) هنوز چند سال بیش نداشت که همه ربا مهارت خاص درین قسمت تسخیر کرد و به پیشگویی های مردم جامعه عمل پوشانید. دو سال بعد از نمایش موفقانه خود در مسابقه سر تاسری شوروی دو باره در سال ۱۹۷۴ در مسابقه بین المللی هنر پیشگان بالت که در مسکو دایر گردیده بود اشتراک ورزید. نادیا درین وقت هفده سال بیش نداشت. درینجا برای اولین جوهر نادیا هنر پیشه

چگونه علاجات امراض را میتوان با مواد آرسنیک انجام داد

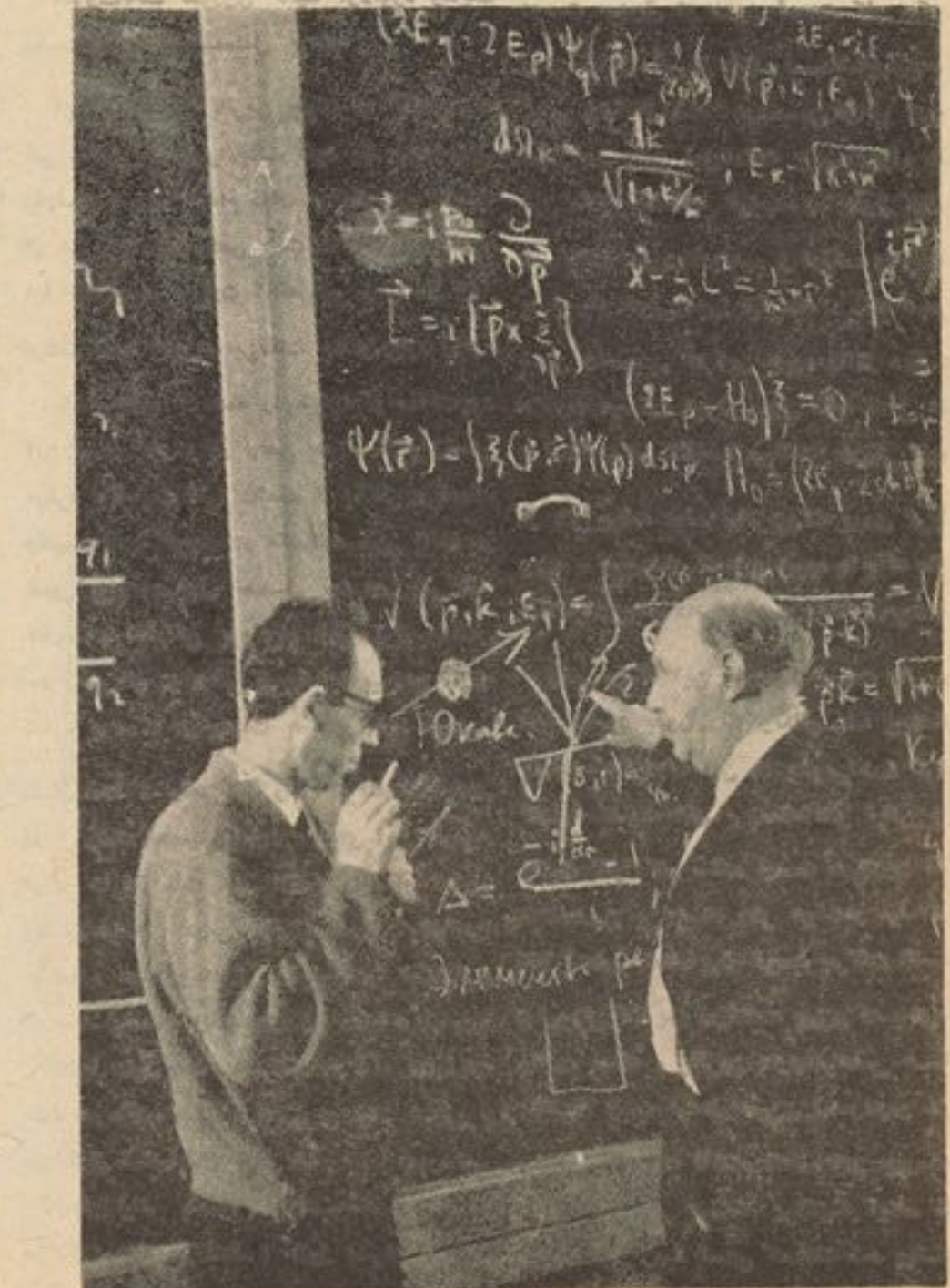


دانشمند کیمیا حین تحقیقات مواد کیمیایی در لابراتوار دیده میشود

در سال ۱۹۱۵ زمانیکه پال ایرلیج دانشمند بزرگ و برجسته آلمان جایزه نوبل را صاحب گردید او به تحقیق راه درمان و نجات آدمیزاد را از مرض تباه کن سفلس کشف نموده بود او بصورت ساده و آسان توانست حق الامتیاز ادویه کشف شده هایدرو کلوریک دای اوکسی مینورسی فوینزول را بدست آورد. اما با وجود کشفیات بزرگش پال موادی را که به دسترس مطبوعات قرار داد خیلی ها ناچیز بود. موادی که دانشمند مذکور روی آن تجربه و تحقیق می نمود ۳۲ فیصد مواد آرسنیک (زهر حیوان کش) را که خیلی ها به حیات زنده جان ها مضر و کشنده است تشکیل میداد اما دانشمند دیگری که با او یکجا تجربه و تحقیق

می نمود از نتایج تحقیق و امتحانات خویش خیلی ها محظوظ و خورسند به نظر می رسید زیرا بعضی تزریق های مواد مذکور در بعضی حالات نتایج خوب داده بود که بالاخره توانستند تداوی موثری را برای امراض سفلس کشف نمایند در گذشته ها قبل از تداوی سفلس با مواد آرسنیک توسط فشار و عکس العمل سیما بصورت می گرفت که این عمل منجر به تخریب عده از ارگانیزم وجود و سلول ها میگردد.

مرض سفلس در ابتدای قرن ۱۶ از ایالات امریکایی توسط کشتی های اسپانوی به قاره اروپا وارد گردید که این مرض مانند کولرا



دانشمندان در حل فورمول های مربوط در لابراتوار مناقشه مینمایند.

طاعون به زودی اثری از خود بجای می گذاشت اما وجود داشت. تعداد زیاد مردم مبتلا به آن پدرود حیات گشتند این مرض بعد ها به اثر رشد و تکاملش ستون فقرات را نیز مورد حمله قرار میداد.

ممکن است علت مبتلا شدن به سفلس را اطبا و پزشکان متجرب در یافته بودند مگر نمیدانستند که چگونه میتوانند با این مرض خانمان سوز مجادله نمایند اما دانشمند پال ایرلیج به اثر زحمات و تلاش های پیگیرش توانست درین راه موفقیت نصیب گردیده و در مان موثر را برای مبارزه و مقابله با آن کشف نماید.

پال در سال ۱۸۵۴ در شهر سلیسیا چشم به دنیا گشود او بعد ازین که تحصیلات خود را به پایان رسانید در رشته طبابت قدم گذاشت او از همان زمان در نگهداری و یاکتی حجرات موفقیت بدست آورد این کار و موفقیت او باعث گردید که راه را برای رابرت کوخ دانشمند شپس دیگر در مورد کشف توپر کلوز هموار سازد. که بعد ها رابرت کوخ در موسسه تحقیقاتی و علمی برلین مصروف کشفیات و تحقیقات علمی گردید. پال ایرلیج با کمک ایمیل بهرینگه توانست تاثیرات ناگوار مرض دیفتری را ثبت و اندازه نماید که این مرض تباه کن باعث نابودی و قتل بسیار اطفال در سنین طفولیت میگردد. سیستمی را که پال برای اندازه

گیری شدت مرض دیفتری کشف نموده است تا امروز حیثیت بین المللی داشته و از آن استفاده مزید به عمل میاید.

پال در سال ۱۸۹۹ در موسسه تجربی شامل کار شد که از آن موسسه پول کافی در یافت می نمود که کلیه مغارح زندگی او را تا مین نموده میتواند و در آنجا به آرامی مصروف کار و تحقیق شده که این امر زیاد تر او را به عظمت و شهرت رسانید. او عقیده داشت که تداوی امراض با تطبیق سیروم آنقدر موثر تمام نمیشود زیرا ثابت شده بود که تطبیق سیروم نمیتواند امراض ساری را از بین ببرد اما تداوی و تطبیق سیروم تنها به امراض که



دانشمند جاپانی حین مطالعه دیده می شود ژوندون

په پرمختیایی هیوادونو کی له قحطی سره مبارزه

سیاست همزیستی ..

باید بخاطر داشت که حتی در شرایط امروز، که با تناسب جدید نیرو های جهانی متصف است، سرمایه داری است که تهاجم، ملتانیزم و استثمار خلق های ممالک خود شان و کشورهای دیگر جهان کار برد جبرانه تنها در داخل کشور مربوطه بلکه در سایر کشور ها خصوصیت ذاتی آنرا تشکیل میدهد، این حقیقت باید به آن علاوه گردد که عقده ها و امور مغلق نظامی، صنعتی کشورهای بزرگ سرمایه داری به عامل بزرگ اقتصادی، سیاسی تبدیل شده که عمل کرد حکومتها، پارلمان و احزاب بورژوازی همه را تحت تاثیر قرار میدهد. نیرو های ارتجاعی بسیار متعصب، منافع سیاسی خود را بالاتر از منافع ملی کشور های شان قرار داده، از جنگ سرد استفاده کرده بعضی از گروپ ها رادیکالمان های ممالک امپریالیستی زیر نفوذ و اثر خود قرار می دهند، احزاب راست افراطی که از دیر بنام احزاب محافظه کار یاد می شوند یا نیرو های ارتجاعی یکجا قدم برمی دارند، و از پشتیبانی نسبی و غیر یاری آنها دبه های گار گری دست راستی بر خوردار می باشند عامل عمده دیگر ایدئولوگ های بورژوازی اند که با تعصب بر ضد ایدئولوژی دورانساز طبقه کارگر دارند سد راه دینانت میگردند.

نیروی چپ افراطی عامل دیگری است که با ارتجاعی ترین نیروهای بین المللی همدست شده دینانت یعنی صلح و آرامش را مانع می گردند و خود را با اصل ترین مدافعین جنگ همتا می سازند.

یکی از راه هاییکه محافل مرجع جهان می خواهند دینانت را رد نمایند این است که آنرا مانند «جاده یکطرفه» جلوه داد، میگویند که تنها کشورهای سوسیالیستی و مملکت های جهان سوم از آن بهره مند میگردند ...

باید نظر داشت این عوامل ودلائل چه میتوان در این مورد گفت؟ آیاتمام کشورهای از خورد تا بزرگ، کشورهای سوسیالیستی و امپریالیستی به صلح علاقه مند نیستند، پس حصول صلح تنها از طریق دینانت می تواند انجام پذیرد وبصراحت می توان گفت که همزیستی مسالمت آمیز و دینانت بر ای امنیت جهانی اهمیت حیاتی دارد وهمه کشورهای هاز خورد تا بزرگ - صرف نظر از نظام سیاسی شان باید به آن علاقه مند بوده و در تعیل وتطبیق آن بکوشند ..

روابط با کشورهای بزرگ سرمایه داری جهان سوسیالیستی علاقه مند بهتر ما ختن روابط با کشورهای کوچک سرمایه داری نیز می باشد.

اروپا از نظر سیاسی واقتصادی و ساحات دیگر در میان ممالک گیتی بصورت کل نقش مهم وفعالی دارد اما خود کشورهای قاره اروپا بین خود پرابلم های بزرگی دارند که تنها از طریق داشتن تماس وروابط حسنه با کشورهای قاره دیگر می تواند حل شود. این حقیقت مسلم است که امنیت بین المللی یکی از مسائل حاد اروپا می باشد و به یک ارزیابی چند جانبه نیاز دارد، این مسئله بیچونکه مسئله تازه، لااقل در یک نیم قرن گذشته بوده و به شکلی از اشکال در اوقات مختلف بیان آمده، دو جنگ جهانی که در این قاره بوقوع پیوست تلاش قبلی را در این مورد بر سر جلوه داده یکی از درس های گذشته می آموزاند که مسئله امنیت اروپا تنها می تواند با جد وجهد مشترک، داوطلبانه، برافراشه وهمه جانبه حل گردد که تمام ممالک را از خورد تا بزرگ دربرخواهد گرفت.

کشور های جهان صلح با، عقیده اند که دو نوع صلح درعالم وجود داشته می تواند، یکی صلح یعنی وقفه موقتی بین دو جنگ، که در این وقت هیچ دولت، نامزد جنگ نمی باشد اما هر یک فعالانه برای جنگ و یکبار آمادگی می گیرند، همین نوع صلح بود که در تاریخ گذشته بشریت بیشتر عمومیت داشت مخصوصا در مرحله سرمایه داری چنانچه دو جنگ جهانی شاهد این ادعاست و هر یک به حیات میلیون ها انسان خاتمه داد.

شکل دیگر صلح عبارت از وجود روابط حسنه است بین دولت های دارای سیستم های مختلف اقتصادی واجتماعی که جنگ را بکلی رد نموده وهمکاری همه جانبه را توسعه می بخشند. منظور از «امنیت» و «امنیت اروپا» موجودیت همین نوع روابط است بین دولت های دارای نظام های مختلف اقتصادی واجتماعی ... اما حقایق نشان میدهد که دینانت بین المللی چیزی نیست که یکبار و برای همیشه وخود بخودی بدست آید. هر قدر هم دینانت ریشه های عمیق داشته باشد بازهم موضوع مبارزه حاد در عرصه بین المللی است. نخست از همه موضوع مبارزه بین نیرو های صلح وامپریالیزم ودر داخل کشورهای سرمایه داری بین محافل حاکم و توده های وسیع دوام دارد.

دلائل آن قرار ذیل اند: نخست از همه

په دی وروستیو وختونو کی دیو کوسلاو یا دزاکریپ په ارغونی بناړکی دنړی د (۵۹) هیوادو دشپرزوه پنځه سوه موسسو اوساژمانونو په گډون داستهلاکی مالونو نړیوال نندارتون پای ته ورسید.

سرکال ددغه نندارتون دگډون کوونکو هیوادو په ویاړ د لومړی ځل دپاره د پرمختیایی هیوادونو یومدور میز جوړشو. په دغه میز کی د پرمختیایی هیوادونو څخه یوزیات شمیر استازونه دگډون کولو چانس پیدا شو. د پرمختیایی هیوادونو مدور میز په څیروکی اصلی موضوع په دغه هیوادونو کی د کرنی دستکوردوی او پراختیا مسله وه. ددغه اصل له مخی په مدور میز کی د برخی اخستونکو هیوادونو استازو د کرنی په برخه کی ددغو هیوادونو ترمنځ د زیاتو همکاريو د تشویق اوراجلبولو دپاره مهمی پریکړی وکړی څرنگه چی ددغه مدور میز اجندا ماهیت او کیفیت له نظره دنورو براعظمونو په نسبت اسیایسی افریقایسی او دغه راز دلاتین امریکی هیوادونو ته متوجه وه نو ځکه د پرمختیایی هیوادو په مدور میز کی داسیا، افریقا او لاتین امریکی څخه دیرشو نمایندگانو ته بلنه ورکړی شوه چی دنورو نړیوالو ارگانونو تر څنگ د کرنی اومالداری په سکتورونو کی پخپلو مربوطو هیوادونو کی د زیاتو مرستو او خوواړخیزو همکاریو له پاره شرایط او په زړه پوری امکانات ولټوی.

په زاگریپ کسی پرمختیایی هیوادو داستازو په وروستی مدور میز کی په دی خبره بانندی زاته رنا واچوله شوه چی په ځان بانندی دمتکی کیدلو اصل په پرمختیایی هیوادونو کی د لوری اوقحطی سره د بریالی مبارزی کولو یوازی لاره ده.

پرمختیایی هیوادونه په ځانگړی ډول مکلفیت لری چی د ځان دپاره دغذایی موادو یوه ستراتیژی وضع کړی او په خپلو مربوطو سیمو کی د لوری قحطی او دغذایی موادو د لټوالی داوستی بحران دله منځه وړلو دپاره یونوی فارمول طرح اوتسر تطبیق لاندی بی ونیسی.

دمدور میز په څیروکی برخی اخستونکو استازو پریکړه وکړه چی دغذایی موادو دیوی ستراتیژی د طرح کولو دپاره باید ټول پرمختیایی هیوادونه سره یو لاس او یو موټی شی او دیوه نوی نړیوال اقتصادی نظم فارمول ته عملی پته ورکړی. دغه راز دا هم ددغو هیوادونو ستره ونه نده اوو ټیټه ده چی دملگرو ملتو د مسی د کړنی او خو را کی مواد و د سازمان په همکاري دغذایی مواد و

دبحران دمخنیوی له پاره دیوه نړیوال کنفرانس دجوړیدوله پاره زمینه برابره کړی.

لکه چی وروستیو راپور ونو اوستراتیژیکی تحولاتو څرگنده کړیده تر اوسه پوری نړیواله ټولنه (دلویدیځی نسری دسیاسی تشویق د نشتوالی او ناوړو سیاسی روشونو او پالیسوپا) په دی نه ده بریالی شوی چی دغذایی مواد و دکمبود دستو نزو دحل دپاره اقدام وکړی. همدارنگه نړیواله ټولنه په دی هم نه ده بریالی شوی چی دنړی دغذایی چارو د غوره انسجام دپاره «امنیت سیستم» جوړاوپه کاري واچوی.

دنړی د کرنی او خوړاکی موادو د سازمان دیوه وروستی راپور له مخی دروانی پیری په پیل کی ددغو کسانو شمیر چی دلوری، فقر او دغذایی مواد و دکمبود له ستونزو سره مخامخ دی (۳۶۰) میلیون ترتره رسیده حال داچی اوس اوس شمیری څه دپاسه نیم بیلون تنوته رسیدی.

له بلی خوا په اقتصادی لحاظ دنړی په وروسته پاتی هیوادونو کی دغذایی موادو د تولید اتو او حاصلاتو اندازه هم په تدریجی توگه مخ په کمیدوده نوځکه په دغو هیوادونو کی دوارداتی حیواناتو نرخونه مخ په لوړیدودی. لکه چی څرگند. سویده یوازی په (۱۹۷۹) کال کی به ددغو هیوادو په تجارتی بازارونو کی دوارداتی حیواناتو اندازه څه دپاسه (۸۰) میلیون ټنو ته ورسیدی. دغه کار داسی معنی ورکوی چی ددغو هیوادو او سینونکی مجبور پیری چی خپل ضرورت وړ حیوانات په لوړو نرخونو کی بانندی تر لاسه کړی اوددغه کار په نتیجه کی دانفلاسیون سره مخا مخ گیری.

په اوسنیو وختونو کی یوزیات ار قام او احصاییوی راپور ونه موجوددی چی ښیسی په پرمختیایی هیوادونو کی دغذایی مواد و دکمبود دله منځه وړلو دپاره زیات پروگرامو نه طرح اوتر اجرا لاندی نیول شویدی خو بیاهم دغه اندازه دغذایی تولیدات په نوموړو سیموکی دلوری اوغذایی موادو دبحران ته خو اب وویلاشی.

لکه چی د پرمختیایی هیوادونو داستازو دمدر میز وروستیو راپورونو کی ویل شویدی په وروسته پاتی او پرمختیایی هیوادونوکی یوازی دغذایی موادو زیاتوالی په نوه وروسیموکی دلوری بحران نشی له منځه ولاړی بلکه دغه کار سره جوخت داهم ضروری ده چی دکلیو دپراختیا او دځمکو ددموکراتیکو اصلاحاتو دوروستی کنفرانس داعلامی له اهدافو سره سم پاتی په ۵۴ مخ کی

معموی پي ژوندی دی

ژان کافایت

د مثال په توګه کله چې دیوی ورځی ذکر- او نه ډک کار څخه وروسته دمه کولو وخت او دډوډی خوړلو وخت رارسیدلې دغه وچ فرمان موندلې لږ ژولی :

(اوزوهر) . یعنی باید سره بیل شو، سپړی ولټوو مياشي وشړو دخوا وږو دوش ونیسو وتلل شو او داسې نور کارونه . پرعینی حال

کې باید خپلې خولې بطلون کمیس نیکرکاشوغه اولوبسې هم وساتو په تیره بیا نه بنایې چې دډوډی کولون یوه شیبه له ځانه لرې کړو

یوه ګری په یخه هوا کې لوخ لېږدول او انتظار باسو او یادا چې په منډه ساړاناستی نه خواو یایو یو دبلوک درنيس په وړاندې تیرېږو،

ددغو ټولو کارو نو په ترڅ کې نه بنایې چې دکالیو اوډوډی غوټه له ځانه لرې کړو . په اولی کې دوه ځلې او ځنې وختونه درې ځلې سپړی لټوو . دیوکټ پر سر لوخ درېږو او

سلمانې راځی یولاسی څراغ سره زموږ تخرګ او د پښو منځ په ډیر څیر سره ګوري

پدې ترڅ کې زموږ کمسیونه او نیکرونه ددښتوب په ناسته له خوا معاینه کېږی بدمرغه به هغه څوک وی چې یوه سپړه

په کالو کې ولیدل شي هرکله چې کومه سپړه پیدا کړو باید هغه ووژ نو او ښه نښانه یې هم له مینځه یوسو . ددی کار لپاره ډیرې

درې چارې شته چې دلته د مثال په توګه به یې یوه نمونه تاسې ته ووايم .

سپړه په یوه معینه درجه تود وځی کسی له مینځه ځی له همدې امله نازیان سپړې د سفر لاندې یخنی کې لوخ لېږدوی وروسته له څو شیبو څخه سپړې ډاډه کېږی چې نورد

سپړې وژې هم له مینځه تللی دی اوسپړې خپله هم که مقاومت ولری ژوند پاتې کېږی

کله چې تفتیش پای ته ورسید بنایې کالی بیرته و او غو ستل شسې او خپل پرستن

په اوږد وواچوی او دڅوب دکای دټولو لپاره بیره وکړی او د بریالیتوب په صورت کې

ددغه ځای دخوندی ساتلو لپاره هڅه وکړی چې ددغه کار په ترڅ کې اڅ اوډب هم واقع کېږی . اوس له دغو کارونو څخه کله چې سپړې خپله وچه ډوډی په لاس کې نیسی نور

دشقاوت واقعیت پدې کې نده چې یو واحد درد پرسیږی باندې دتل دپاره تحمیل کړی، سپړی ورو ورو ددغه درد په زغملو عادت کوی که

دهغه ټپ سر چې لږ ښه شوی وی . بیرته خلاصی کړو درد او کړاوی لا ډیر پری ددی دنازیانو رمز او فن دانسانی حساسو رشتودله

مینځه وپلو په لاره کې . ددغه فن په نتیجه کې او پدې توګه یوه بل پسې له مینځه ځی . کله چې دلته راغلو موږ ته یې ویلی :

(تاسې به هیڅکله څه شی ونه لیکي) . خوموږته دغه فرمان حیرانوونکی نه وځکه چې پوهیدو

دڅه ډول غلیماتو سره مخامخ یوڅویوه ورځ یې دبند یانو ترمنځ کار تونه وویشل چې څه

پکې ولیکی . موږ ویلی چې پدغه موضوع کې به کومه اشتباه پېښه شوی وی . خودوی زموږ په خواب کې وویل :

- لکه دنوروغوندې تاسې هم حق لری چې پنځه ویشت کلمې ولیکی .

اووه زموږ ولیکل، له بساری شور او زوږ سره چې د لیکلو لپاره پښې کلمې موندلې کړو .

یواځې مور، هوکی دغه ګران موجود کولای یوه کارتونوکی ولیکل. څومره زیار وایسته

شواي چې زموږ دلیکو نو په معنی یوه شی . (شریب) کار تونه لټول کړل . موږ موچ کاوه چې :

کار تونه یې یې لیرې وی . باید لیرې وی .

اوس به هرو مرو رسیدلی وی ، داداسې کار تونه ووچې کولای شوای چې فرانسوی کور- نیوکې حتی دیوی ورځی لپاره عشق اوڅوښی ژوندی کړی .

ن سبا به خوابونه را ورسپړی . اوس پوره دوی میاشتی کېږی چې کار تونه مولیرلی

دی . یوه شپه کله چې دنورو ورځو څخه زیات ستړی وواو باران هم اوریدلی دی (شریب) دحاضری په وخت کې موږ ته زیری راکوی چې

زوره یې بېوډی خون پری هماغه کار تونه چې موښپړاوی مخکې لیکلی وو پیرته راکوی دوی اصلا دغه کار تونه ندی لیرلی او یواځې غوښتی

وچې پر موږ باندې ملنوی ووھی . د (موشو) کارگر (لوی بزرګه) پر هغې

تلنکه باندې چې زما تر څنګ اواره ده ناست دی اوهغه کارت چې په هغه کې یې خپل ټولې

هیلې او عشقونه لیکلی وو دخپلو ډنګرو گوټو په منځ کې تاوه وی . زه پوهیږم چې دوه

پنځه اووه کلن ماشومان لری . پر ډنګر مخ باندې یې یوه قطره اوبښکه

لویری . دغه سپړی چې له کوم شکایت څخه پرته یې دبند یخانی ټول رنځونه اوکړ اوونه

زغملی و ددغه روحی صدمې څخه به له پښتونه ولویری .

او، بشرفی نازیانو! سره له دې داسې وخت به راوسی چې تاسو به ونشي کړای چې موږ

رښخند کړی . یعنی هغه شیبې چې تاسې خپله پخپله ورځپاڼو اووینا وکې اقرار کوی چې ماتی

موکړی ده دغه شیبې چې دتاسې دپوره ماتی نښې نښانې دی زموږ ژوند ډیری نښې شیبې دی

دډاډ اوږه ورتیا شیبې دی . (داستراحت کړی) - بیا هم یوبل بریالیتوب .

دکاراونی پای ته رسیدلی ده کار دشنبی ورځی په مازدیګر پای ته رسپړی او بیاد

دوشنبی په سهار پیل کېږی . بنایې بوښته وشي چې دکانو کارگرانو ته ولی دومره اوږده

رخصتی ورکوی . دلیل یې ساده ده . پداسې شرایطو کې چې موږ کار کوو که همدغه

یې بدی سلمانې مون هریوه ته یوه ټوټه ساړون راکوی . سره له دې چې لمر شته خوساړه

ډیر سخت دی او موږ ددی لپاره چې خانونه گرم کړو ټوپ ووهو . هغه دروازه چې موږ په

اغزی لرونکی مزی سره داردوگاه دنورو برخو څخه بیلوی خلاصپړی او قیدیان په خفاسته

دحمام خواته درومی . غښتلی کسان کوم چې دنوروته پوهیږی خانونه حمام ته رسوی نیکمرغه

دی ځکه چې خپل خانوته دټولو نه مخکې له یخنی څخه زغوری . فرانسویان طبیعتاً وروستی

کسان دی . موږ په آزاد ه هوا کې دهغه سمتی اهررو په سپړی کې چې داردوگاه او دکالی

مینځلو دخونی ترمنځ واقع شوی دی دخپل نوبت . په انظار ولاړ یوه نیکه مرغه ټولر-

زیر واوکه نه ډیره دخنداوې صحنه وه . په پراستی لاسونه اووازو پښو دهغه پښدی

له مخې چې زموږ دضد عفونی کولو مسوول دی ، تیرېږو . دضد عفونی کولو دستګاه یوه

اوږد ده لوله ده چې دیوی ډبلی سره تړل شوی ده او په ډبلی کې (سولفاتې) مواد اچول شوی

دی . دضد عفونی کولو مسوول سپړی زموږ په نس او تخرګ باندې مواد شیندی داسې ښکاری

چې دډیر سوږ شاور لاندې ولاړ یو، ساړه موکپړی . څولتر اوسه پوری کار پای ته ندی

رسیدلی کله چې دبند دمخکې برخی ضد عفونی کول پای ته رسپړی یوبل زندانی یو لوی

برس د ضد عفونی کولو مواد په ډبلی کې ننه باسی او زموږ په کسو تاتې کسې موښی

دالومېری ځل ندی چې دغه شان ته ازموینی پر موږ عملی کېږی خو ددغو عملیاتو

بدلیل وجریان دتنوع سبب کېږی پدغه هکله دبلوک قیدیان یوه نه هیریدو نکی

خاطره لری . هغه داچې دیوی اولی په اوږدو کې هره شپه یې په یو خاص شکل سره یې موږ آزاد

ولو . ددغه ازار وروستی پراوداو چې پوره پنځه دقیقې دخواو بوټر شاور لاندې ودریږو

واو وروسته بیاد معتد کواو پوپه یو ه حوص کی داسې کښینو چې اوبه موږ سر واوړی

دبلوک رئیس موږ باندې اوبه اچوی . موږ دغه ورځد (حوص دورځی) په نامه یادوله نوځکه

دا به ډیره عادی خبره وی چې موږ دداسې پېښو څخه حیران نه شو .

دضد عفونی کولو نه وروسته بنایې چسې

دحمام کولو لپاره زیر زمینی ته ننوځو . دغه

دگرمواو یوحمام موږ ته خورا خوند راکوی

دخپل ځان دو چولو لپاره هېڅ شی لرو لنده

خښته دزیر زمینی نه بیرته پورته کېږو

زما څوان دوست (توی) دکالی پری مینځلو

کوتی ذکر کې له لاری یوه قدینه در کوی

زه وروسته له دې چې خپل ځان وچوم قدینه نورو

ملګرو ته ورکوم . توی یو ډیر نجیب څوان

دی عمر یې دښار لوډ عمر په اندازه دی . دی

دوه کاله مخکې دکمونیسټ څوانانو د یسوه

سازمان دچوو ولو په تور نیول شوی دی .

دی دفرانسویانو دلومړی کاروان مسره

اردوگاه ته راغلی دی او ددی لپاره چې په پری

ژبو پوهیږی کولای شوچې په یوه ښه کومانډو-

کې ځانته مناسب ځای ومومي .

زه په اردوگاه کی دنه ملگرو سره دده په وسیله اړیکې ټینګوم . روبرت له یوکاروان سره داروگاه څخه تللی او هیڅ احوال یې نشته . . . (تونی) دهغو کسانو څخه دی چې (تاناو) په گډون داروگاه دپټ سازمان لارښوونه په لاس کی لری .

هغه په ډیر شور او زوږ سره چې دهغه د مهربان طبیعت زین نده دی کارکوی . هغه کله چې قدیغه ماته را کول په غوږکی یې رانه ورو وویل : «کیف» خپلواک شوی خوالمانیانو دغه موضوع رسماً ناپید کسړی نده دغه خبر د اورد چا و نیسی په خیر دفرانسویانو ترمنځ خپریری داسی ښکاری چې وژدونه مو خلاصی شوی وی .

کله چې دشبې ډوډی خوړل پای ته ورسید ، دغولی په یوه څنډه کی سره تولیرو . اندره زما څخه پوښتنه کوی : سوگوره چې درواغ ونه وایی ، بابا؟

ته پوهیری چې زه هیڅ وخت درواغ نه وایم .

نوهر کله چې المانیانو څخه دی ویلی ، ناسی له کومه ځایه خبریاستی .

سدادراز ساتلو اصل دی . خبره دلته ده چې دغه موضوع حقیقت لری . نه بنیایی چې آن ډیر و نږدی دوستانوته ووايو چې په اردوگاه کی دمخبرې یوه پټه دستگه شته چې په هغی باندی یواځی څو تنه خبردی اوبس اوکه زه دغه راز ونشم ساتلی څنگه کولای شم ډاډه وواسم چې هغوی زما دغه خبره نورو ته نه وایی .

مورس پوښتنه کوی : نو پدی اساس دوستان پولی نه نږدی کیری اودی خواته راځی ؟

سمیون ځواب ورکوی : (دکی لیف) خپلواکی هغوی دپولند دپولی دوه سوه کیلو متری ته رسوی . اوس ښایی چې د (ژیتومیر) خواته پرمختگو کړی .

اندره په خوشحالی سره وایی : نو داسی ښکاری چې کار پای ته رسیدلی دی ؟

(سربر) ځواب ورکوی : (نه بابا) لاتر اوسه پوری پای ته نه دی رسیدلی . زه نه پوهیرم چې ته دیوسترسیس څخه دیو ستر پوځ دتیرولو په ستونزو باندی پوهیری که نه ؟ پداسی حال کی چې دغه سین (دنی پو) یو کیلو متر پلن والی لری . برسیره پردی ښایی یوه شی چې روسان دخرابواوو- بچاپ وسمو څخه تیریږی . بایدیدغو سیموکی چې داړیکې ټینګولو وسیلی له مینځه تللی دی دپوځ دخوراک موضوع اودجیبی دسارسره اړیکې ټینګی وساتی .

ددوهی جیبی څخه هم خبر نشته ؟

ژوریاڅنډه دهغه جیبه هم پرانستله شی .

خوظاهر ا تراوسه پوری لاروسان ډیر وژل شوی نه دی ؟

نو موږ به (نول) اختر همدلته تیر کړو ؟

ډیر امکان لری .

(سربر) بی له دی چی وځاندی پوښتنه کوی : څه فرق کوی؟ دادی نه خوښیری؟

کوی : -یعنی مطلب می دانه چی دنوی کال اختر په بل ځای کی را باندی ښه تیریږی .

(سربر) اعتراف کوی : اوکه ددغه ځای نه زه وژغورل شم پس راتلونکی وخت کی به دازما ویاپوی چی دلته می دغه شان ورځی تیری کړی دی .

اندره وایی : زه بر عکس . که موږ ددغه جېنم نه ژوندی ووځو هیڅوک به زموږ په خبرو باورونکې دمثال په توگه موږ ته دلته (مجرمین) وایی زموږ لقب مجرم دی . او موږ ته په همدی نوم ځن کوی ، ته خپله سوچ وکړه کله چی زه وغواړم خپلوملگرو ته دخپل (مجرمیت) ژوند تعریف خپلوملگرو ته دخپل (مجرمیت) ژوند تعریف کړم چی څرنگه مجرم شوم او جرم می څنگه زده کړه زما خبری به ومنی ؟ اوبرسیره پردی دغه ژوند هیڅ تعریف هم نلری .

کله چی دخوب نه باخیری باید ډیر زر خپل سامان په لاس کی واخلي دمتروکو له گدارونو نه تیر شی او خپل ځان په یوکار باندی (هر څه چی وی) بوخت وښیږی تر څو چی له وهلو او ټکولونه خلاص شی . آن مستراح ته (دسارناستی ځای) هم باید خپل سامان او لوبښی له ځانه سره یوسی که نه در څخه غلاکیری .

ددی لپاره چی دحاضری په وخت کی دلقنو او خپیر و څخه ځان وژغوری ښایی چی دټولو څخه مخکی هلته (دحاضری ځای کی) حاضر شی او هلته هم باید کوشش وکړی چی دبلوک درنيس څخه لیری ځای پیدا کړی که نه شیبه دهغه خیره ددسیری یعنی هر وقت دلک دسر او آخر څخه ځان لیری وساتی .

کله چی کارته ځی نه ښایی چی داس ساسد اژادو څنگ کی لاږ شی .

لاسونه ونه ښوړوی . مخصوصا باید خولی وباسی . دژینو څخه دښکته کیدلو په وخت کی باید دلک منځنی برخی کی ځای ونیسی . دحاضری په وخت کی باید خود نمایی ونکړی گومانوکی تر ټولونه مخکی حاضر شی ، دکار دپیل په وخت کی هیڅکله دژبیل ډولسو) داوطلب نشی ، په تیره بیا زیار وباسی چی خارجیانو (بهرنیو) سره یواځی پاتی نشی ، دکار په وخت کښی ښکته پورته ښی او کښ ته ځیرو اوسی ، خپل قدمونه او حرکتونه باید ښه وسنجوی تر څو چی قوت دی بیغایه څرخ نشی . پرته له ډیر ضروری وختونو نه خپل انرژي مصرف نکړی ، هیڅکله خپل ځانونه ښیږی اوتل باید زیار وباسی چی گمنام او پټ پاتی شی . داش دوپشلو په وخت کی باید پداسی نوبت کی ودریږی چی ددیگی لاندنی او وروستی برخه دی په نصیب شی . دډوډی خوړل لونه وروسته (دکاپو) دټلو څخه ځان لری وساتی او یواځی

خان هغه وخت ونیسی چه کارونه او مسو- لیتونه ویشل سوی وی خان داسی عیار کړی چی په آفتابی ورځوکی په سیوری او په سپوږځوکی په لمرکی کارو کړی . دا باید زده کړی چی په ژبیل کی دتیرو ټیرو دځای کولو په وخت کی دی لاسونه او گونی ټیږ نشی ډیر نوجبی له مخی دکار په وخت کی دی باید ځان خون نشی . تل باید داس ساس په خت کی ځای ولری او هیڅکله تش لاسونه او بیکاره دهغه په وړاندی ونه دریږی . دکار دپای ته رسید لونه وروسته دسل کسیزو ډولوپه لمری لری کی ځان نه ځای ونیسی تر څو چی په اسانی سره له زینو څخه پورته شی . دهغولیکونو څخه چی دټیپانو ډولولو لپاره دی لکه طاعون غوندی وتښتی . ددی لپاره چی دمازدریسگر حاضری نه وروسته ډوډی درته لږ ونه رسیږی باید دخپل نوبت خیال وساتی .

اویاد خوب په وخت کی باید داسی یوه تلنکه لاس ته راوړی چی نه لندوی نه نازکوی اونه نری ، او هغه وکړی چی ددوو فرانسویانو منځ کی ځمکی اودخپل ځان لپاره ارت ځسای مینده کړی اوداسی هڅوکی چی زر ویده شی .

دادی په پورتنی تعریف سره گوډی چی زموږ دغه (جریمه یی) یعنی دمجرمیت ؟ اژوند چندانی خوند نلری .

شار لووایی : -اوله دغو ټولو کارونو دسرتو رسولوسره بیا هم دخوب په وخت کی دچوراږو نو دنه ایستلو له امله یوه درونده خپیره خوری .

-چورت دی مه خرابوه (دده) جانه روسانو ځانونه (کی یف) ته رسولی دی .

-هوکی ، دامو نیکمرغی ده .

عمداسی چی غزیدو ، وخت ډیر تیر شوی او دمازدریگر دحاضری وخت را رسیدلی دی . یونیم ساعت په لیک کی او یوساعت دډوډی لپاره دریدل . نن یوه قاشوغه مریا اویوه ټوټه سپین پنیر هم په پروگرام کی شته . موږ خپل وچه ډوډی ښه خیره او خپل پنیر او مریا پر هغه باندی موښو ، چی پدی توگه ښکلی رنگ غوره کوی .

-اوشزین ! (آلمانی کلمی یعنی دکوټی په لور ! ...)

څه پیښه ده چه ؟ طبی کتنه؟ نه هیڅ یویی هم نشته . دسیر و دتلولو لپاره راغلی دی . او موږ پدی توگه دخپل هیلمستیانه دخوند اختلو وخت له لاسه ورکړ . په هره توگه چی وو خپلی دډوډی ټوټی موپه بیسره سره له ستونی نه تیری کړی یوځل بیا موکالی وایستلی او لوڅ لیر ودریدو . دغه پلټنه هم یوساعت اوږد شو . پس له هغه نه دکوټی مسوولین څو ټوټی کاغذ دتلنکو پرځای پرمخکه باندی غوډوی . دادری میاشتی کیری چی دسیر و دډیر والی له کبله په تلنکو باندی نه ځمکو . یواځی آلمانیان او څوگسه خواص دغه امتیاز لری او هغوی له دی امله دکوټی نیمایی برخه

نیسی اودسلو کسوتند یانو څخه اتیا کسه دکوټی په منځنی برخه کی ځمکی زه لکه نورو نیسو غوندی د(سربر) او (شارلو) به منځ کی یم . سره ځن یږ و . پروډاکتور دستر انقلاب دکالیزی جشن و . تصمیم نیسو ددی ورځی په ویاډ چی د(کی یف) دخپلواکه کیدلوسره یوسمون خوړلی ده دخبر و اترو یو مجلس جوړ کړو .

شارلو دلوری له زوره خپل نس په سوکوهی او وایی : -خیره عجیبه ده ، کله چی سری وږی وی ، صحیح سوچ هم نشی کولی .

(سربر) ځواب ورکوی : -عمداسی ده ، دعادی احتیاج په وړاندی هرکار او هر سوچ له مینځه ځی . یوه هسپانوی ماته ویل چی دخپل دیند په لمری کال کسې دخارویو په خیر یواځی پدی سوچ کی وم چی څرنگه کولی شم دخپل ډوډی ورځنی جیرمزیا ته کړم . اوس اوس هغه دکوټی مسوول دی او کولی شی هرڅومره یی چی زده غواړی آسوخوری اوس نور دپروسپرن فکری په سرکسی نشته .

خولا ه بدمرغه شوی دی ځکه چی تل خپله ښځه اودری کوچنیان چی اوه کاله کیری هغوی یی نه دی لیدلی ، یادوی .

شارلو ځواب ورکوی : -دښتیاده ، زه تاسوته اعتراف کوم چی پدغه شیبه کی دهیل مور اوخور په هکله جرت نهوم . دلته انسان دخاروی ښه غوره کوی .

-باید ویده شو شارلو! اوداددلوری په هکله هم سوچ ونکړو .

پدی ترڅ کی (پتی لویی) دسارا ناستی څخه بیرته راستنیری اوغواړی چی بخپل ځسای کی دفرانسویانو په منځ کی ځمکی خوله بده مرغه یو او کرایینی دهغه ځای نیولی دی او هیڅ خبره نه اوری ، هر دلیل چی ورته وایی نه یی منی . (پتی لویی) چی ددغی وضعی زغم نشی کولی خپل ځان په یواځی اچوی او کرایینی هغه بیرته دفرانسو یانو خواته ټیل وهی او فرانسویانو هم زور وهی چی مبادا ځایونه یی تنک شی . په آخر کی پتی لویی ځان ځایوی اونور بند یان غور یری .

-روهه فرانسو زن (آلمانی کلمی یعنی فرانسو- یانو چپ شی) .

پتی لویی ورو وایی : -هر څوک چی ماته لاس نږدی کړی خوله به یی ماته کړم .

(نوریا)

در نمایش های که انجام شده زنان به خوبی نشان دادند که چگونه بصورت خوب میتوانند هنر رقص و ورزش را با هم یکجا بسازند.

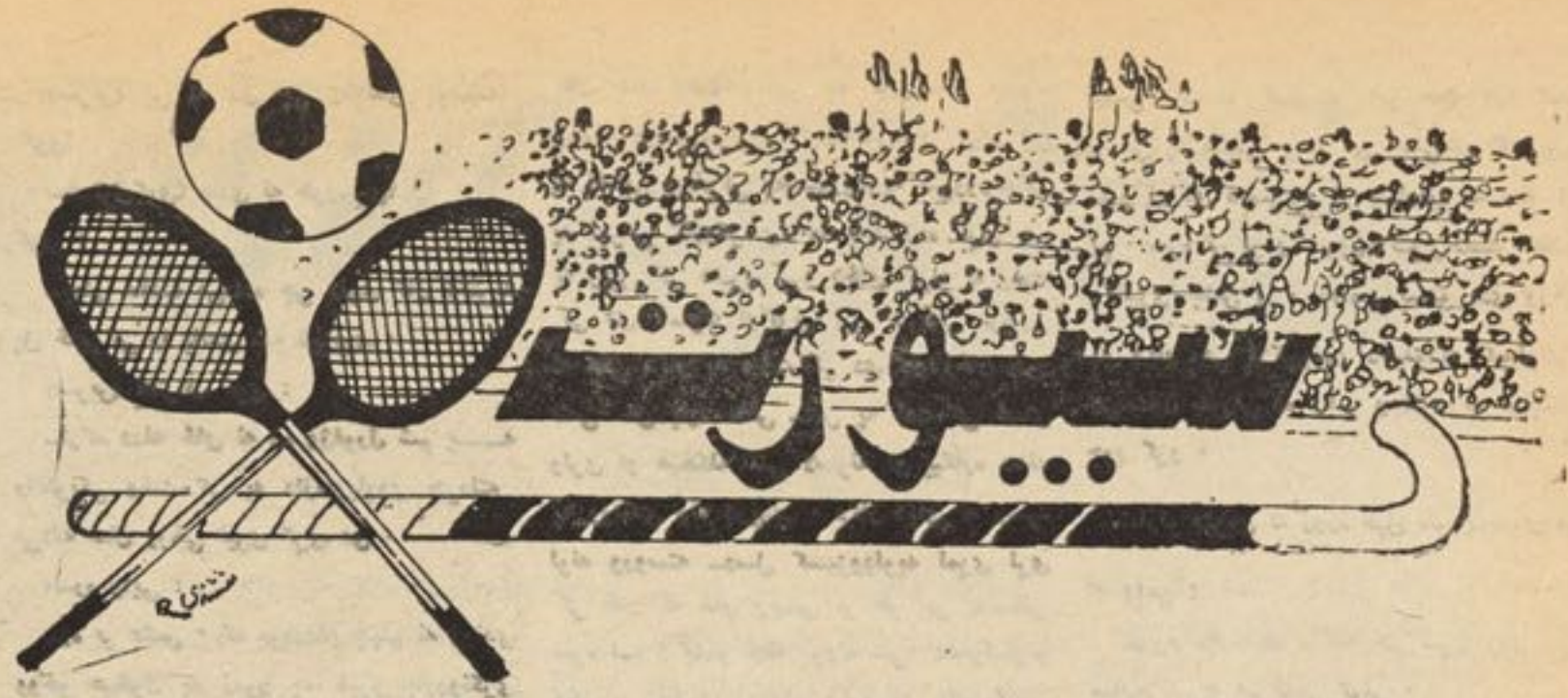
نمایشچیان نشان دهند . بعد ها بعضی از عناصر رقص اکروباتیک جز این ورزش گردید بنابراین گفته میشود که رقص های اکروباتیک نمیتواند با جمناسٹیک اساسات جمناسٹیک مدرن امروزی در تضاد واقع گردد .

متخصصین این فن عقیده دارند که بازی کتان جمناسٹیک مدرن که به تدریج از رقص فاصله می گیرند این امر باعث میگردد که به تدریج با گذشت زمان جنبه های احساساتی و عشقی خود را از دست بدهند . در عوض مهارت و ظرافت دختران تنها در قسمت تمرینات فزیک تکامل خواهد نمود .

هر قدر ورزشکاران این جمناسٹیک را که دختران تشکیل میدهند در تمرین این ورزش دقت به خرج دهند بصورت خوبی می توانند هنر و ورزش شانرا بهبود و تکامل بخشند چنانچه گالیما یک ورزشکار و زبیده این جمناسٹیک است .

او یک ریسمان تازی را با مهارت خاص به پیش انداخته خودش به تعقیب آن حرکت میکند دفعا خیز زده با پا آفرامیزد این عمل او سبب میگردد که ریسمان مذکور شکل بیضوی و حلقه را بخود اختیار نماید با تشکیل این کار او چند این تمرین رقص اکروباتیک را اجرا می نماید .

بازی کنندگان این هنر جمناسٹیک عبارتند از درویشکار اتحاد شوروی گی گرووا در بلغاریه ریسچر در جمهوری فدرالی آلمانستندو در جاپان که با مهارت توانسته اند با انجام این ورزش شهرت بسزایی در جهان کسب نمایند .



مترجم : ح عمادی

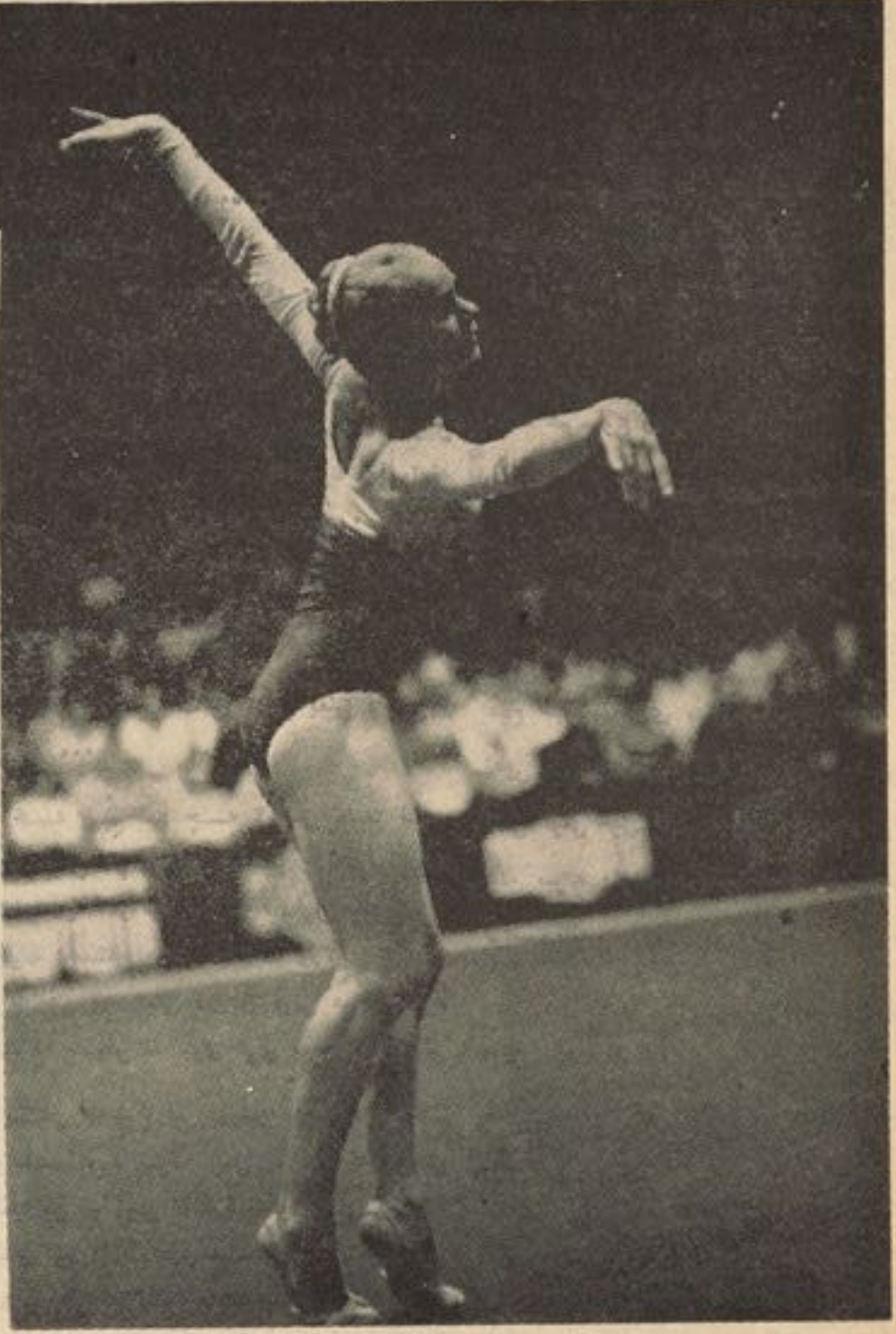
جمناسٹیک مدرن و یا آنچه را که المپیک فاقد آن است

گویند جمناسٹیک مدرن مذکور از مکتب رقص بالت که در سال ۱۹۲۳ تاسیس گردیده الهام و سر چشمه میگیرد این مکتب رقص بالت توسط یک نفر امریکایی نام فونکن در ماسکو افتتاح گردیده بود .

گفته میشود که جمناسٹیک امروزی تا اندازه به رقص شباهت نزدیک پیدا کرده زیرا در این جمناسٹیک زنان با حرکات موزون بدن شان چنان حرکات جمناسٹیکی

است که اشکال ظریف هنری را نیز با خود همراه دارد در مسابقات اولمپیک بین المللی مقام ارجمندی را کسب میکند . نظریات نادرست هم در مورد ریشه و اساس جمناسٹیک مدرن امروزی وجود دارد که می

در مورد جمناسٹیک مدرن امروزی نظریات متعددی وجود دارد اینکه آیا این جمناسٹیک بصورت عمده یک ورزش است یا اینکه نوع از هنر . بنابراین گفته میشود که جمناسٹیک مدرن امروزی یکی از عمده ترین ورزش ها



ورزشکار بازی جمناسٹیک مدرن در حال اجرای این بازی



بازی بانواریکی از خصوصیات عمده این جمناسٹیک را می سازد .

را نمایش و اجرا می نمایند که به رقص شباهت تام را می رساند که گویا موسیقی نیز در آن دخیل است . حقیقت درین است که جمناسٹیک مدرن امروزی در مرحله نخست به رقص دانش توجه نداشت و بعضی حرکات رقص اکروباتیک را اجرا می نمود که بعد ها به حیث یک سیورت مستقل تبارز نمود .

گالیما چنان با مهارت توپ را در دست داشته و ورزش را اجرا میکند که بینندگان تصور میکنند که گویا توپ در دستها ، با ز و و اندام او و کاملا جسیده است و تکیه او توپ را بدور می اندازد بصورت معجزه آسان توپ دوباره به او نزدیک میگردد همه این کارها با نوازی ن اشارات مخصوص موسیقی می تواند صورت گیرد .

ورزشکاران ما باید آراسته

به اخلاق سپورتی باشند



دختران حین اجرای نمایش با مهارت حرکات موزون را اجرامی نمایند.

آوردند ، که در حدود دو هزار ورزش کار در جنامستیک مدرن امروزی درجه ماستری بدست دارند .
تلاش های در جریان است که این ورزش جدید را به حیث یک مضمون درسی در مکاتب نیز هدوش سایر ورزش ها به شاگردان بیاموزند . این ورزش جدید مختص زنان و دختران است و گفته میشود تلاش های متمرکز در جریان است که این ورزش در مسابقات بین المللی نیز مقام های ارجمندی را حاصل و به جهانیان معرفی گردد .

همچنان اجرای این تمرینات با ریسمان نوار نیز عین حقیقت بازی دلچسپ را نشان میدهد . دلچسپی و خارق العاده بودن این ورزش تعداد زیاد مردم را بخود کشانیده است و میلیونها تماشاچی از مسابقات مهم و دلچسپ این ورزش دیدن بعمل می آورند . در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هزاران زن و دختر درین جنامستیک مدرن ثبت نام می نمایند که از جمله ثبت نام کنندگان سیزده نفر شان توانسته اند سرآمد همه گردیده و مدال های بدست

قسمت سوم

نگرشی بر سوابق تربیت بدنی و تحولات ورزشی در اتحاد شوروی

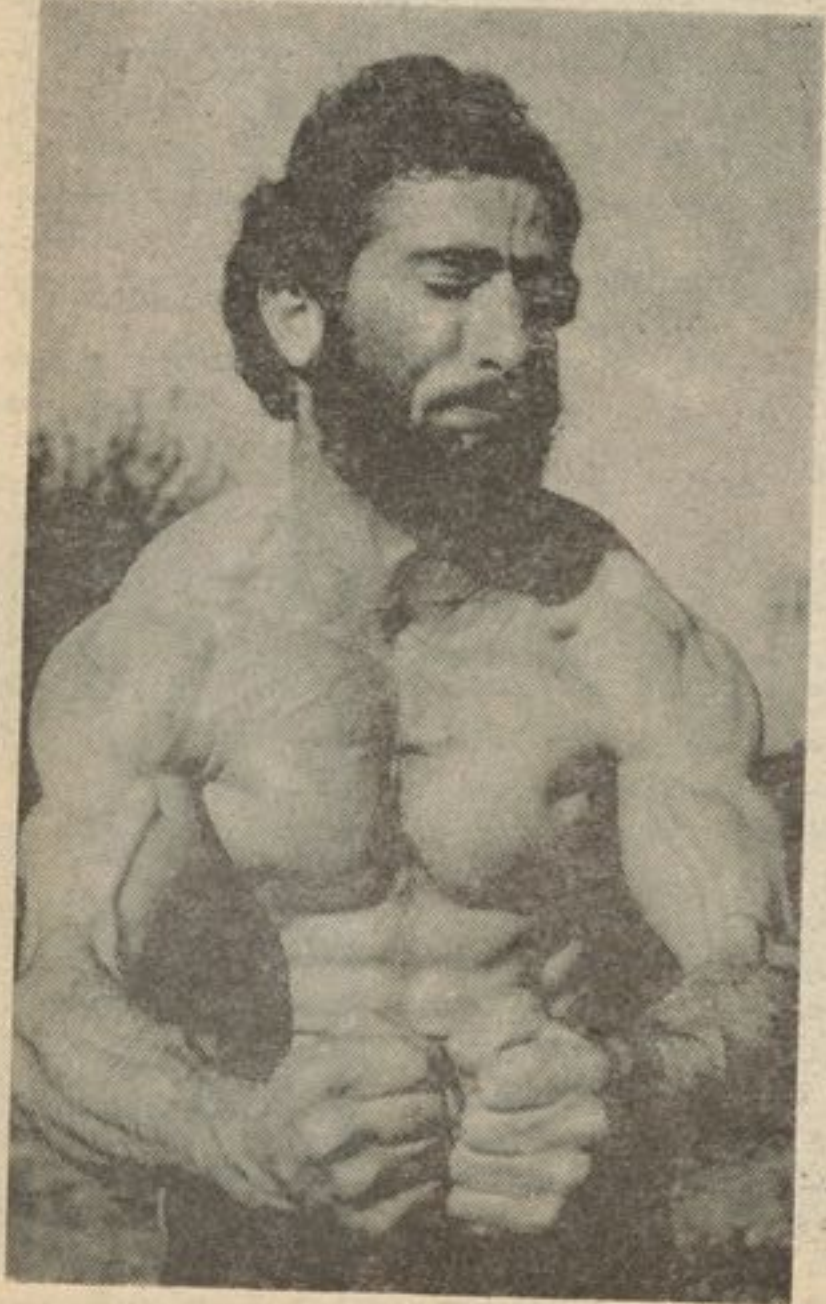
بوریس مایاروف کیتان این تیم به سال ۱۹۵۲ در بازیهای هاکلی قدم گذاشت و با (سپارتنک مسکو) پیوست . تیم یاد شده برای نخستین بار در بازیهای ستاکهولم (سویدخت سویدن) مقام قهرمانی دنیا را حاصل کرد و ولادیمیر کوتس یکی از قهرمانان بازیهای المپیک ملبورن، شامپیون اروپا و قایم کننده ریکارد جدید در روم ریکارد پنجمین متری را قایم کرد که برای مدت هشت سال ثابت ماند و دیسگر و رشکاری آنرا نتوانست بشکنند . وی در اگست سال ۱۹۵۳ طی مسابقه بین المللی بخارست (پایتخت رومانیه) در برابر ایمیل زاتویک دونده تندگام چکوسلواکی و برنده سه مدال طلائی از بازیهای المپیک هلستکی پیشی جست و او را شکست داد . یکسال بعد در مسابقات قهرمانی بون (سوئیس) با زهم ولادیمیر کوتس نسبت به زاتویسک ورزشکار

کاپلونیوف بسال ۱۹۶۳ شامپیون وزنه برداری شد، و یکتور کوز نتسوف و ولادیمیر گولو وانوف در سال ۱۹۶۴ از جمله قهرمانان وزنه برداری اروپا و از زمره قایم کنندگان ریکاردهای جدید این رشته شناخته شدند ، اینان با شرکتشان در بازیهای توکیو یک مدال طلا و دو مدال نقره را از مغان آوردند . الکسی واخونین معدنچی و آموزگار وی رودلیف پلیوفیلدر کارگر برق قهرمانان المپیک توکیو شدند . ایوگنی گریشین دونده ماهر در بازیهای المپیک ۱۹۵۶ و ۱۹۶۰ که مسابقه دویدن پنجمین و یکمبار و پنجمین متری را برنده شد ، دو مدال طلا و بسال ۱۹۶۴ یک مدال نقره را بدست آورد ، اکثر اعضای خانواده اش در بازی روی بیخ عم مهارت بسزایی دارند . از آن جمله (مارینا) خانمش از چهره های قهرمان اتحاد شوروی شناخته شده است تیم ها کی بیخ شوروی طی سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۴ ، ۱۹۶۵ ، ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ برای مدت پنجسال مقام قهرمانی را در جهان داشته است

بقیه در صفحه ۴۴

چند سال می شود ورزش می کنید . دو سال قبل به ورزش زیبا بی اندام با نپاده ام . چند مدتی از فعالیت ورزشی ام نگذشته بود که تکلیف مریشی به سراغم آمد ، بعدا به خارج از کشور جهت سیاحت رفتم که در پهلوی آن به تداوی ام نیز توجه کرده و صحت شدم ، و قتی دو باره به وطن بازگشتم به تمرین سپورت مورد علاقه ام اقدام دادم که تا حال جریان دارد . نام برده افزود : در مسابقات تور نعت خزان و بهاری که از طرف امریت ورزشی ولایت بلخ صورت گرفته حصه داشتیم که در هر دو مسابقه در کلاس متوسط قهرمان شناخته شده و کپ های ورزشی را نصیب شدم که در مسابقات تور خزان رئیس ریاست عالی و ورزش هیات همراه شان نیز از مسابقات ما دیدن کردند .

باید بگویم کلب های کله قلا در آن عضویت داشتیم کلب های آزاد بسو دند که در مسابقات هم حصه نداشتیم بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند شوروی بقیه در صفحه ۴۴



محمد اسمعیل ورزشکار جوان و خوش اندام

قهرمان جهان شطرنج اناتولی کارپوف

داخلی و بین المللی برای کسانیکه به قهرمانی او مشکوک بودند دیگر جای شک و تردید باقی نگذاشت.

یکی از نمونه های بارز موفقیت های او در مسابقات افتخار دریافت پنج مجسمه کوچک نقره ای است که فعلا ترین دهنده خانه او میباشند. این مجسمه ها جوایز «اوسکار» اند که سالانه از طرف اتحادیه زورناتسان مسابقات شطرنج برای بهترین بازیکن شطرنج سال اهدا میگردد. کارپوف بار دوم غرض حفظ لقب قهرمانی خود برای اجرای مسابقات غلظم فلپا بنشد درین وقت شهر باگموتو چه زورناتستان جهان را بخود جلب کرده بودو از همه اطراف واکناف زمین به شهر باگموتو سرازیر شدند. اناتولی کارپوف انسان متواضع وبا همه به بسیار نرمی رفتار می کرد دیری نگذشت که توجه مردم را درین شهر بخود جلب کرد. در مقابل حریم بطور دیگر رفتار می کرد. کور جنوی که در مقابل کارپوف قرار گرفت یکی از بزرگترین استادان شطرنج است اما در پهلوی این صفات خوب خود در وقت مسابقات چارو جنجال های را بر پا می کند که به شطرنج هیچ ارتباطی ندارد و همه خوبی های او را برهم می زند دوسال ۱۹۷۴ وقتیکه کور جنوی در مقابل اناتولی کارپوف مغلوب گردید نمیخواست خود را مغلوب نشان دهد و در مقابل حکم از رفتار های غیر سیورتی کار میگرفت و تاحدی رسید که بالاخره از بازگشت دو باره به وطن خود یعنی اتحاد شوروی ابا ورزید.

روز مسابقه شطرنج غرض کسب لقب قهرمان جهانی که در تاریخ مسابقات شطرنج از نقطه نظر مداومت بی نظیر بود دوام داشت. درین مسابقه هیجان انگیز که بعضی اوقات حالت دراماتیک را بخود میگردانید جوان (۲۷) ساله بنام پیروزی رسیدو لقب قهرمانی را یکبار دیگر حاصل کرد. این جوان اناتولی کارپوف نام دارد.

اولین بازی غرض کسب لقب قهرمان جهانی در سال (۱۸۸۶) صورت گرفت در نتیجه ستینس لقب قهرمانی را بدست آورد. از آنوقت تا حال تقریباً (۹۴) سال میگذرد. درین مدت (۲۹) بازی غرض کسب لقب قهرمانی مسابقات شطرنج بوفورع پیوست و (۱۲) نفر لقب قهرمانی را حاصل کردند. بعد از ستینس لاسکر، کاپابلانکی، الیوخین، ایوی، بوکو-تنیک، سمسلوف، پتروسیان، سماسکی، فیشر و کارپوف بالاترین مسابقات قهرمانی را حاصل کرده اند.

بزرگترین شطرنج باز روسی الکساندر-الیوخین تا دقایق مرگ خود لقب قهرمانی را حفظ کرد. شطرنج باز امریکایی روبرت فیشر بدون کدام عامل اشتراک در مسابقه ابا ورزید و لقب قهرمانی خود را از دست دادودرین شش سال درهیچ یک از مسابقات شطرنج اشتراک نداشت و در مسابقه است و به عوض او جوان (۲۷) ساله از لیننگراد اتحاد شوروی بر مسند قهرمانی شطرنج تکیه زد.

موفقیت های بی هم کارپوف در مسابقات



کارپوف بعد از پیروزی بالای کریسوخود

بر استفاده از بیرغ سو پس رد کرد. حکم های بازی که در جمله آن شطرنج بازان معروف جهان قرار داشت به پیشنهاد های مشابه دیگر او جواب منفی داد. بعد از اینکه حکم جواب منفی خود را درین موارد اعلام داشت کور جنوی حکم بازی را منتهی کرد که گو یا آنها از آناتولی کارپوف و طرفداران او پشتیبانی میکنند.

کور جنوی طبق اعلام قبلی خود سعی میکرد تا به هر ترتیبی باشد فضا بازی را خیره کند و درین قسمت از طرق مختلف استفاده میکرد. این نکته به هنگام معلوم است که در جریان پنج ساعت بازی شطرنج بازان جای قهوه و غمییره نوشیدنی ها مینوشند حتی بعضی اوقات تسکین اشتها میکنند. عجیب است وقتی که کارپوف از طرف یکی از حضار از طریق حکم بازی گلاس ماست را دریافت کرد کور جنوی بیروست خود را درین قسمت نیز اعلام داشت. به فکر او ماست نوعی از اشاره ماست تاکارپوف را کمک کند.

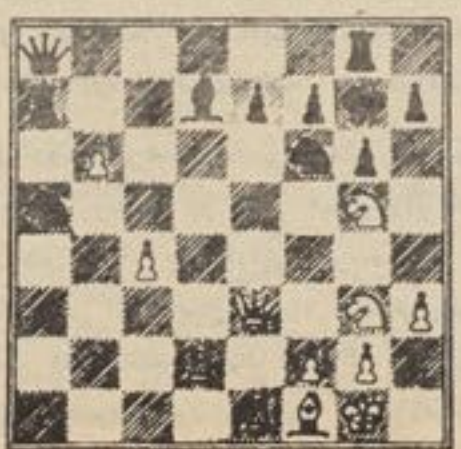
در قسمت دیگر اظهار داشت که یکی از اعضای هیات شوروی او را در اغما میگیرد به این ترتیب هر بازی که بازی را در باخت از رخوت و اغما سخن میگفت



کاخ کنگرس در این جا مسابقات ادامه داشت

بعد از ختم بازی هند هم وقتیکه ویکتور کور جنوی شکست خورد روایت جدید را پیش کش کرد و اظهار داشت که نه تنها او را در اغما می گیرند بلکه کارپوف را نیز درین حالت قرار میدهند و به او کمک میکنند تا خوبتر بازی کند. به این لحاظ حریم پیشنهاد نمود تا پرده آبتوی نصب شود برای اینکه بازیکنان از ناظرین دور تر قرار بگیرند تا دیگران آنها را نبینند. این تقاضای غیرمنطقی او طبعاً رد گردید.

دیری نگذشت که به اعمال جدی تر دست زد. در وقت یکی از بازی ها در نزد یکی کورجنوی



بازی نهایی کارپوف و کورجنوی



یک باشمعها (سه پیروزی به شمع) از طرف

دوم باگمو

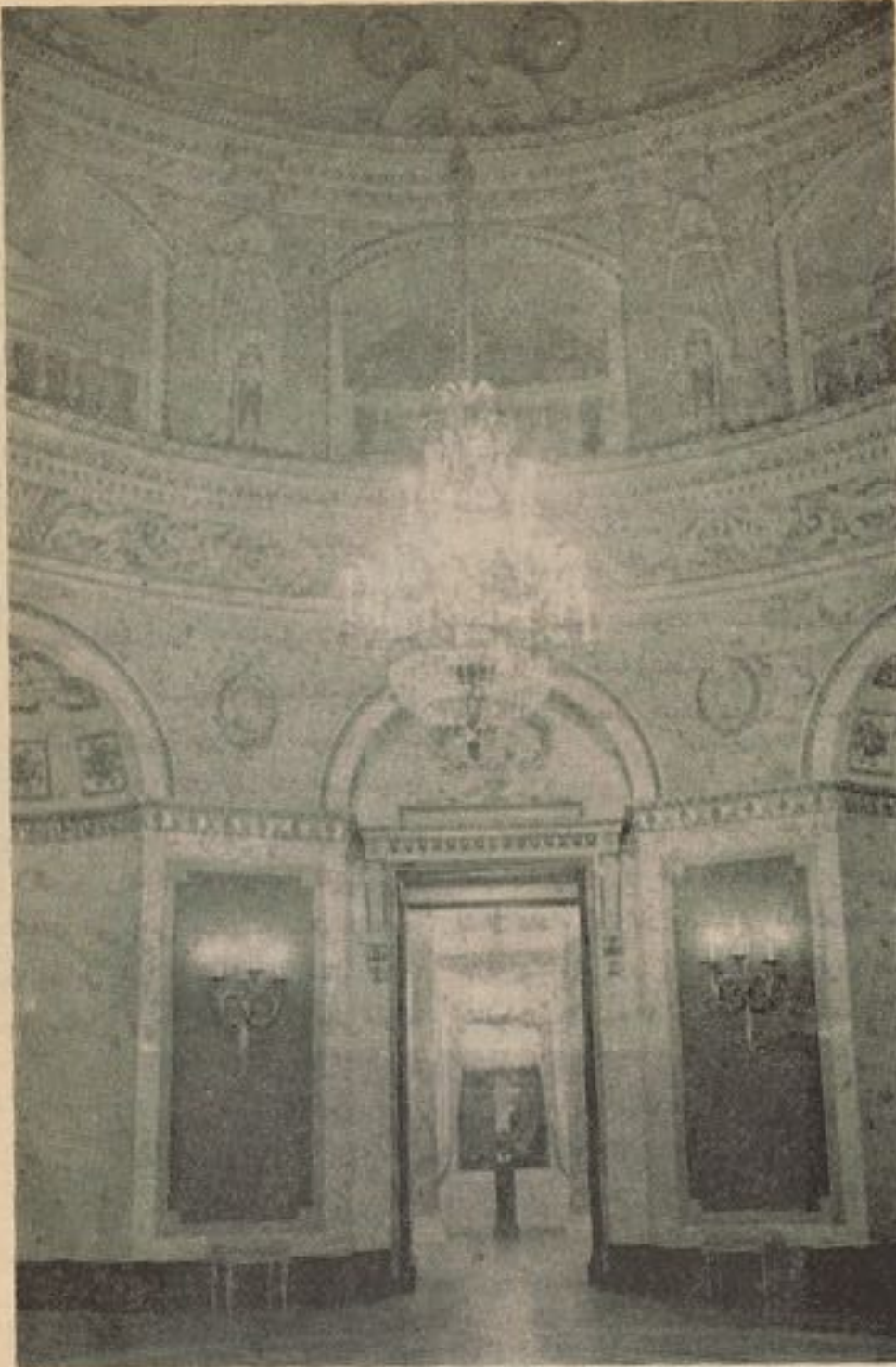
عیات نمایندگی اتحاد شوروی مردوزن جوان بالباس سرخ جا گرفتند. اینها دو تبعه امریکائی از گروه مذہبی «انانده مارگاستیون دوایر وویکتور بیاتپارد بودند که از امر سو قصد و عملیات ترور یستی با لای دیپلومات های هندی در سال ۱۹۷۸ توسط ارگان های دولتی فلپا بن به هفده سال حبس محکوم شده بودند و تحت ضمانت با المان تاغوراستیناف آزاد گذاشته شده بودند. قسمیکه بعد معلوم شد ستیون دو ویکتور یا به شهر باگموتو عوت شده بودند تا منجبت معاویتن کور جنوی فعالیت نمایند و حتی بحیث اعضای رسمی هیات نمایندگی خود کورجنوی آنها را اعلام داشت.

دخول این نوع اشخاص مجرم و ترور-ریست در فضای بازی های جهانی شطرنج بی سابقه میباشد. هدف از دخالت این دو نفر این بود تا بدین وسیله کور جنوی بتواند با لای حریم خود، اعضای حکم بازی فشار و انسی وارد نماید. هیچ کس این را پیشگوئی کرده نمیتوانست که ترور یستی های که به هفده سال حبس محکوم شده اند چه جانی یا بی را بر تکب خواهند شد. این نکته را سازماندهان بازی خوبتر درک کرده بودند نخست از ورود ترور یست ها به صالون بازی و بعد مانع دخول آنها به اطاق های دیگر شدند. اما در مقابل کور جنوی تا ختم مسابقات با این دو نفر ارتباط خود را قائم کرده بود. چندی نگذشت که گامه صبر اعضای

حکم بازی تبریز شد و این اعمال کور جنوی را که جریمان نورمال و مساعدا مسابقات را برهم میزند و به اسامنا به فدا سون جهانی شطرنج مقابرت نام دارد بشدت محکوم کردند و تقاضا کردند تا بدون گفتگو ترور یست ها از شهر باگموتو خارج شوند. کورجنوی از اعمال اعضای حکم انتقاد شدید کرد ارگان های دولتی فلپا بن و سازماندهان بازی را منتهی ساخت که آنها از آناتولی کارپوف جانبداری میکنند.

بقیه در صفحه ۵۳

کاخ موزیم پاولوفسک...



نمایی از داخل کاخ موزیم پاولوفسک

به این ترتیب فیو دور پروژه اشعار مجدد قصر را آغاز کرد. این شخص در وقت کار به همه دو موضوعات مختلف کمک میکرد و هیچ گاه اشتباه نمیکرد. رسامی های واقعی مطالعه میکرد و غرض اشعار مجدد مواد زیاد جمع آوری گردید. بزودی در جلسه اشعار مجدد کاخ های لنینگراد از طریق زینووه سخن گفته شد. هر يك از سالون ها از خود دو سیه مخصوص داشت. همه عکاسی ها جمع آوری میشد و مطالعه میکردید تا کمبوی ها و تقایص آن بر طرف شود و با اگر ضرورت باشد سر از نو ایجاد گردد.

پلان پارک توسط خط های مخصوص که علامت درخت های قطع شده را نشان میداد بر شد. ضرور بود تا اسناد قبل از جنگ دیده شود و نسل درختان قطع شده هویدا گردد زیرا پارک با یک شکل سابقه را بخود میگرفت.

برای اجرای این کار عظیم به نیروی کار زیاد ضرور بود. به این ترتیب در روزهای رخصتی همه به کار های داو طلبانه می پرداختند.

بعد از کار های مقدما تی مجسمه سالان ، تقاشان ، تخته فرش کنندگان و متلاکاران به موزیم سر از بر شد و نود ضایعات را جبران کردند.

زینووه چون دو لسان خارجی را میداد تا او پیشنهاد کردند تا در سازمان یونسکو منحیث مشاور هنر شناس در قسمت بعد از کار های مقدما تی مجسمه سالان ، تقاشان ، تخته فرش کنندگان و متلاکاران به موزیم سر از بر شد و نود ضایعات را جبران کردند.

زینووه چون دو لسان خارجی را میداد تا او پیشنهاد کردند تا در سازمان یونسکو منحیث مشاور هنر شناس در قسمت

هنر چند ن مهابرت ندارند منجیث روز های جشن روز خود را سپری میکنند. اینست که به هر يك کمک شود تا از مهم نیست که کدام اشخاص در نوبت اشیا ی مقبول و دیدنی تماشا کنند.

و عرصه مخالفت شان هر روز وسیعتر گردید و میگردد. علاوه بر این درین اواخر کشور های اروپای غربی این درک واقعینانه را کسب کرده اند ، که به جز از پروسه دینانت کدام اثر تاریخی دیگری وجود ندارد تا تنج را در این قاره گامی دهد. یک چهارم این دول نسبت به آنا زوئی این مسئله را بارها خوب فهمیده اند که به کار انداختن مبالغ هنگفت بمنظور مسابقات تسلیحاتی عمل بوج و نا معقولی است که این خود نقش منفی را در مناسبات بین ما و دول سوسیالیستی که با ما دارای مناسبات مرزی و سرحدی اند میگذارد ، و قاره ما را به عرصه مسابقات تسلیحاتی بیپوده و بوج مبطل ساخته مصونیت و آرامش را برای همه اتباعی این سر زمین از بین خواهد برد.

دینانت در اروپا تا نیرات مفید و قابل ملاحظه در تمام عرصه های زندگی اجتماعی خصوصاً در مناسبات بین الدول گذاشته و بر کشورهای اروپای غربی است که دینانت را هر چه زیادتر در قاره خود

تعقیق و تحقیق دهند ، اکثریت رهبران سیاسی پورژوازی معتقد اند که کنفرانس «۱۹۷۵» اروپا بخاطر پیاده شدن دینانت درین قاره یک واقعه اساسی بین المللی بشمار میرود و اگر به اسامات این واقعه تاریخی احترام گذاشته شود و به منصفه تطبیق قرار گیرد اروپا آینده روشنی خواهد داشت.

امروز همه کسی از سعی و تلاش اتحاد شوروی ، دول برادر سوسیالیستی و تمام نیرو های صلح دوست این تشکر و احترام را بجای می آورند ، که ایشان در پیاده نمودن دینانت مبارزه خستگی ناپذیر نموده و این دینانت است که میاست بلاک بازی را دچار انحطاط و بحران ناتوانی نموده و نیرو های متجاوز را مواجه به ناگامی ، و در عین زمان مخالفت های بین دول امپریالیستی را کمی نرمتر ملامت بخشیده است. و لسی بهر حال نشرات غرب بصورت واضح و روشن یاد آور میشود که حالا آنا زوئی در ارتباطات اقتصادی و سیاسی خود نسبت به قبل ضعیف تر گردیده یعنی آن عسادت بقیه در صفحه ۵۹

تضادهای درونی...

بازی کند که برنده و غالب باشد و تا هنوز در زمره کشورهای امپریالیستی دارای فرصت های متناسب بخاطر کسب ثروت بوده. علاوه بر این در دنیای سرمایه داری ، دارای نیروی اقتصادی و نظامی شایسته است. که در واقعیت امر این ایالات متحده امریکا است ، که مرکز عمده ایدئولوژی سرمایه داری میباشد.

هر چه خشک عظیمی که در پیشرفت و تکنسافی او ضاع بین المللی رخ میدهد ، به همان اندازه در بین کشورهای سرمایه داری رقابت فزونی می یابد ، و این نوع خصومت ها و اختلافات زیاد تر آت وقت بهر حله حاد و شدید خود میرسد که بحرانات در حال تکوین باشد.

ایالات متحده امریکا سعی فرایند و بخرچ میدهد تا ارزشش دالرش را در مناسبات تجاری و بازار های فروش کالا در مارکیت های رقابتی سرمایه داری اش بلند ببرد ، به همین منظور است

که مناسبات اقتصادی و مالی بعضی اوقات در بین دول سرمایه داری به اندازه مغلق و پیچیده میشود ، که به تضادهای طرفین مبدل میگردد ، خصوصاً بین ایالات متحده امریکا ، جاپان و کشورهای اروپای غربی.

درین اواخر یعنی چند سال قبل سه مرکز عمده کشورهای امپریالیستی در بر خورد با پراپلم های جهانی طرحی جداگانه و مجزا از هم داشتند ، که در سطح بین المللی برای همه کسی روشن و میرهن است. هم چنان رقابت های اقتصادی در بین کشورهای متذکره بخاطر کاهش بلاک های متخاصم نظامی درجهان نسبت پیاده شدن پروسه دینانت و شکست فاش امپریالیسم متجاوز آنا زوئی در جنوب شرق آسیا همه و همه پروسه های اند ، که دول سرمایه داری را به نسبت از دست دادن مارکیت ها غرض فروش کالا ها در رقابت های خصومت بار مبتلا ساخته

نگرشی بر سوابق تربیت

چکوسلواکی پیروز شد و در مسابقات پراگ مدت دهسال کپتان تیم خود بود و در یکتعداد بمقابل جریس چاناولی ورزشکار انگلیسی و در زیاد ممالک خارجی افتخار شمول رادر مسابقات مسابقات المپیک ۱۹۵۶ هم پیروزیهای رانصیب شد .

فوتبالبازان اتحاد شوروی در مسابقات المپیک المپیک نیز با کامیابیهای زیادی مواجهه شدند، مخصوصا شطارت های لیو یاشین گولکبیر تیم (دینامو ماسکو) بنفع مسکو، اتحاد شوروی اروپا و جهان افتخاراتی را حاصل کرده یاشین سال ۱۹۶۳ ضمن مسابقات فوتبالیکه بانیمهای معروف یکتعداد کشور های دنیا صورت گرفت در مطبوعات سیپورتی لقب (قهرمان سابقه) را صاحب شد . در سال ۱۹۶۴ بمقابل تیم یوگو سلواویا ریکارد جدیدی را قایم کرد . در مسابقات قهرمانی جهان به سال ۱۹۵۸ در سویدن بمقابل تیم آستریا و در سال ۱۹۶۳ در روم بمقابل تیم ایتالیاکمپ قهرمانی اروپا

گریگوری کریس فوتبالباز معروف که در المپیک توکیو از خود مهارتهای پرمایه را نشان داد ، آموزگار واستادش لیافت واستعداد خلاقه سیپورتی اورا بارها توصیف کرده است، چنانچه در سال ۱۹۵۸ مقام قهرمانی رابدست آورد

سیپورت بین المللی اسم او را در ردیف ورزشکاران ممتاز جهان معاصر مالمقداد کرده است ، وی در سال ۱۹۶۳ ضمن يك تورنمنت از خود کار روابیهای مپیچوشور انگیزرا تبارز دادویکسال بعد شامپیون ماسکو شد و سپس افتخار شمول رادر المپیک توکیو نیز صاحب گردیده و در سال ۱۹۶۵ با حصول مقام قهرمانی ملی در عالم ورزش شهرت پیدا کرد و متعاقبا سال ۱۹۶۶ در بازیهای دور نمودن تمام موقت شایانی گرفت . در سال ۱۹۶۷ میخائیل وروتین وویکتورلیستسکی در مسابقات شامپیونی دنیا واقع (نامیری) فنلیند نیز پیروزیهای رابدست آوردند . در سال ۱۹۶۶ تیم فوتبال خردسالان اتحاد شوروی در بلگراد موفقیتشای را حاصل کردند و بسیاری از آنان بقتا در مسابقات قهرمانی سال ۱۹۷۰ نیز پیروز بدر آمدند . حصول جایزه بزرگ سابقه بین المللی اتحادیه فدراسیون فوتبال اروپا از دستاوردهای

مساعی پیروز مندانه شان است تیم مذکور بانیم خردسالان ایتالیا که در یوگوسلاویا مسابقه دادند ، مقام اول را احراز نمودند .

در اتحاد شوروی پیش از شصت رشته ورزشی المپیک معاصر بین المللی واضافه از یکصد رشته ورزشی ملی و بازیهای محیطی بین مردم رواج دارد . مانند : موترانی واکروباسی، کوهنوردی ، بدنتن ، باسکتبال ، بسوکس بایسکل سواری ، قایقرانی ، اسب سواری وسوار کاری ، چمناسٹیک ، فوتبال ، والیبال، هندبال ، بازی روی یخ ، سکی بازی ، دویدنها، پهلوانی ، هاکی روی یخ ، هاکی روی چمن ، شناوری ، دوومیدانی ، سرسره بازی ، تینس ، شطرنج ، بلیارد ، پنگ پانگ ، یگی دوانی ، کرکت ، چوگان بازی وانواع رشته های دیگر که ذکر همه آن درینجا نمیگنجد . از آنجمله در رشته پهلوانی ، پهلوانان شوروی همیشه در مسابقات بین المللی پیروزیهای رابدست آورده اند .

بقیه صفحه ۴۱

ورزشکاران ما باید

از طرف ریاست عالی ورزش در ولایت ما امریت ورزشی تاسیس وتمام کسب های آزاد هر یو با به آن گردید که فعلا تحت رهنمایی های خوب آن امریت به تمرینات خود ادامه میدهم البته در پهلوی رهنمای های تخنیک و تاکنیک ایسکه از آن امریت بر خور دار هستیم مشکلات دیگر ما هم از نا حیه ندا شتن جای مناسب تمرین و وسایل ورزشی حل گردیده که این خود سبب تشویق و بلند بردن سطح ورزشی در جامعه ما می باشد .

محمد اسمعیل کارگر به ما سخسوالی سخنان خود را چنین ادامه داده گفت: يك ورزشکار وقتی موفق بوده می تواند که تمرینات مداوم را فراوش نکرده در پهلوی تمرین به خصوص زیبایسی اندام که از جمله سیپورت های ثقیله می باشد خوراک درست هم داشته باشد . که به نظر من هر ورزشکار باید از طرف صبح اگر توانا بی داشته باشد يك گیلان شیر و یکدانه تخم بخورد چرا که اگر اثر زی کمال لبا شد توانا بی بلند کردن دمبل راکه نسبتا کم وزن می باشد لخواهد داشت و یا اینکه حرکات ورزشی را به صورت هرست و فنی آن انجام داده لخواهد توانست .

نا مبرده افزود : به نظر من هر بازی سیپورتی و هر حرکت سیپورتی در نگهداری صحت به اندازه يك خر یطه دو او تر می باشد چنانچه از روز یکه خود ورزش می کنیم از چارو چنگال با دو کتوران رها بی یافتن م بخصوص دکتور را لیکه نسبت به مرفی و تشخیص مرفی با پول

زیاد تر علاقه داشتند به هر حال در پهلوی صحت کامل ، ورزش تمام افراد جامعه را نیرو مند تر می سازد و همچنان بین افراد جامعه صمیمیت زیاد تر با ر می آورد که نمیتوان او صاف ورزش را در چند کلمه و یا چند سطر خلاصه کرد و همین انگیزه باعث شد تا يك ورزشکار شو م از روز یکه ورزش می کنیم فکر م آرا م و علاقه ام به کار دو چند ان گردیده امید وارم تمام ورزشکاران جوان ما در کمتر ش هرچه بهتر بازی های سیپورتی تا حد امکان بکوشند .

سخوب عملیکه باعث برد در مسابقه زیبا بی اندام میگردد چه می باشد ؟ در قدم اول ورزش کار زیبا بی اندام باید دارای اندام مناسب به زیبا بی اندام باشد ، عضلات سیپورتی داشته تمرین زیاد کند و مهمتر از همه یگانه چیز یکه در برد مسابقه زیبا بی اندام رول عمد و بسرا دارد (فیگور) می باشد اگر يك ورزشکار زیبا بی اندام حرکت فیگور را درست انجام داده نتواند بنظر من موفق لخواهد بود .

خوب اسمعیل جان اگر به ورزشکاران جوان جامعه ما پیمان داشته باشید بگویند!

بیان من به عموم هو وطنان و ورزشکاران جوان ما اینست که اولتر از همه از انقلاب نظر آفرین نور تا با ی جان دفاع کنند ، و در نگهداری ناموس وطن از هیچ گو نه فدا کاری دریغ نه ورزند ، نایا ورزشکاران ما دا پیمان آراسته به اخلاق سیپورتی باشند و هم چنان در بلند بردن هر چه بستر سطح ورزش در جامعه ما کوشش خستگی نا پذیر



را برنده شد ، موصوف تاسال ۱۹۶۵ در پنجاه و هشت مسابقه شرکت کردو عضویت برجسته را در اداره فدراسیون فوتبال اتحاد شوروی حاصل کرد . همچنان (ایگور نیتو) یکی از چهره های درخشان فوتبال در مسابقات المپیک المپیک از شهرت فراوان برخوردار شد و در بازیهای سکی واتلتیک نیز مهارتهای را از خود نشان داده وبا اشتراکش همراه تیم سیپارتک بسال ۱۹۴۹ در ناروی ، تیم اتحاد شوروی رامعروف ساخت و کب بزرگ سیپورتی را دستیاب کرد . در سال ۱۹۵۲ عضویت تیم المپیک شوروی را کما بی کرد و تاشانزد هم می ۱۹۶۵ برای

یک مدال برنوزرادر قهرمانی تیم خویش حاصل کرد همچنان دارنده يك مدال طلا بی از المپیک توکیو شد . رویهمرفته ورزشکاران شوروی تنهادر سال ۱۹۶۵ طی سی وسه مسابقه تیم قهرمانی اروپا و جهان شرکت کردند و در عجمه مسابقه مقام اول رابدست آوردند ، ورزشکاران اتحاد شوروی از جمله یکصد و شصت و پنج مدال طلا ی مختص مسابقات باخذ یکصد و شانزده مدال نایل گردیدند . بدنبال چهره های معروف ورزشی از میخائیل ورونین برنده چندین مدال طلا وقهرمان سال ۱۹۶۶ چمناسٹیک در (دور- نموند) میتوان یاد آورد که انجمن مطبوعاتی



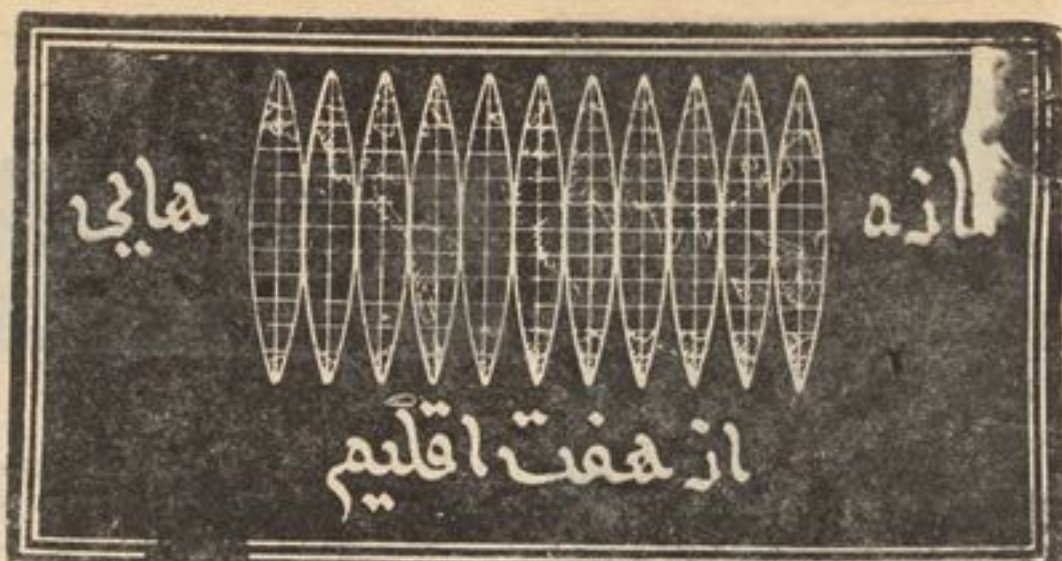
یوگاتشوفا هنرپیشه، صاحب نام تیاتر، تلویزیون، فیلم و آواز خوان موفق.

تا زمانی که در فستیوال فیلم در بلغاریا سهم گرفت و دستیارانش بیحد مبهوت ساخت. موفقیتش بحدی بود که جایزه طلایی را که بنام (افسانه طلایی) موسوم بود به وی دادند. متعاقباً وی در (ژوپوت) یکی از شهرهای پولیند دریک مسابقه آواز خوانی بین المللی سهم گرفت آنجا نیز پیروزی از آن الایوگا تشوفا بود یکی از عواملی که تا اینحد در شهرت (الایوگا تشوفا) یا ری نموده همانا دسترسی او در فهمیدگی و وارد بودن در شعر است. او اشعاری به پختگی اشعار شکسپیر را تحلیل مینماید و میخواند. خاصتا زمانی «الایوگا تشوفا» بر سکوی شهرت تکیه زد که شعر: (من بخود حسرت می خورم، تو هم میخواهی بسا من برایم حسود باشی) شکسپیرا بگویند خوانند که شنوند رادیو انگشت حیرت میان لب گذاشت واز دل و جان خردا را استعداد و هنر او گردید.

الایوگا تشوفا را عقیده برینست که هنریاید دخدمت توده هاوخلق بسا شد باید برای خوشنودی همه مردم در هر کجا بی که اند چه با لای مز رعه چه در کارگاه، باید کوشید.

میخوانند بگویند که شنونده را تحریک و تهنیت می بخشید. او خودش نداشت میان آهنگ ها پیش و فقه ایجاد گردد و خودش به تفریح بپر دازد زیرا او یک هدف داشت که باید برآورده میشد و آن عبارت بود از خورسندی جیولو جست ها و رفع خستگی آنها که برای آسوده خالی مردم عریزی میگردند. این آواز خوان و هنرپیشه صاحب نام باری سوار بسو کشتی کوچک، تا نزدیک لبه های بحر و سواحل کشتی اش را می راند تا به کارگزار حفر معادن منطقه (تیوین) که سخت مصروف کار بودند، بسراغشان بشتا بدو چنان آواز بخواند که او شانرا مسحور نموده توانایی کار بیشتر بدهد و با آهنگهای خویش باعث رفع کسالت شان گردد.

این اتفاق یکسال قبل بود آنوقت (الایوگا تشوفا) هجده سال داشت. موصوف هنرپیشه ایست سخت گریو مشکل پسند کمتر به اشعار و کمپوزهای دیگران قناعت میکند واین بدان ملحوظ که خود یک کمپوزیتور موفق است و در انتخاب استعارید طولی ندارد و خودش از موزیک چیزهایی می فهمد. از تگای او میان لغات و میلودی هاو اشعار یک ارتباط عمیق وجود دارد و همین ارتباط است که در روح و قلب شنوند یا بیننده اثر میگردد «الایوگا تشوفا» معتقد است که جشنگ زدن هنر به قلب دستدار هنر کار سادهای نیست بلکه خارق العادگی می خواند با یستی موثرترین و کوتاه ترین راه را برای تسخیر قلبها و خوشنودی علاقه مندان هنر و تسکین روح در مواقع ناراحتی یا لآخره اتغاز کرد. الایوگا تشوفا گامگامی یا رجه های تریزید نیس میخواند و از عهده ایفای نما یشتات تراژیک نیز پیروز مندانه بدر شده میتواند چون او دیگر تنها یک آواز خوان نیست بلکه هنرپیشه تیاتر و هنرپیشه فیلم نیس است. او هنرپیشه ایست صاحب کرکترهای متعدد. گامی قیافه در دآلود بخود میدهد و سریش بچشم میرسد، دستها بیحد خورسند جلب نظر میکند، بساری شوخی و مزاح را راه انداخته و چه بسی لحظاتیکه شدید به گریستن متوسسل میگردد و بغا طراپنهمه پختگی در کارآواز خوانی و تمثیل است که وی به یسن



یوگاتشوفا هنرپیشه نوعدوست بر سکوی شهرت

دارای سقف سفید تیز بود آواز می خواند در طول راه قبل از آنکه به مهمانخانه «نیگوزین» یا چیزهای جالب و دیدنی بر خوردیم، با قیافه های حسسته و نله کارگران معادن نفت و گاز، با قیافه های آنانیکه تازه از طیاره فرود آمده بسو دست در کانتین جیولو جست ها گرد آمده بودند تا از لود سیبکرها صدای موزیک دل انگیز را که آنسوتر کسرت داده میشد بشنوند. در تالار کسرت جاییکه کارگران و سایر جیولو جست ها برای رفع خستگی آمده بودند یک ویلنی بچشم میخورد و در واقع این «الایوگا تشوفا» هنرپیشه مردم بود که با آواز فریبنده اش و با قیافه خوش ترکیبش نگاهها را بخود میکشید و تا اعماق قلب تماشاگر اثر می بخشید او پیهم آواز میخواند، خیلی ها خوب

در هو تل متعلق به جیولو جست ها که در شهر کوچکی بنام (زالیکارد) در نزدیک دایره قطبی قرار دارد. صدای دل انگیز گیتار آدم رابو جدمی آورد. از میان پنجره شلق قطبی بدون اتاقت نور افشانی مینماید. درین محیط شاعرانه که کارگروان معدن وزمین شناسان اقامت گزیده اند صدای ملیح و پر جاذبه دختر جوانی توجه آدمی را بخود می کشد. ملاحظت و گرمی صدا بحدی است که تا اعماق قلب شنونده مستمع نفوذ میکند مگر این زیاد ارزنده و قابل تقدیر نیست که دریک سرزمین متروک محلیکه نهدرخت، نه بنه و نه آثار چرخهای ارابه ها هیچکدام آنجا دیده نمیشود چه آنجا رفته نمیتواند و فقط در فواصل دور جلگه هایی جلب توجه میکند. زیباروی در وسط سالون که



یوگاتشوفا در حال آوازخوانی دیده میشود



فاروق حریق

دخلكو انقلاب

- دا انقلاب دنوی ژوند انقلاب
- دا انقلاب دنوی خوند انقلاب
- د هیلو دک انقلاب
- دنوی خونده سره
- دنوی ژوند انقلاب
- له ارمغانه سره
- زمونږ هیواد ته راغی
- له عزم اوساله سره
- ښانی همدا انقلاب
- له هر افغانه سره
- دا انقلاب دنوی ژوند انقلاب
- دا انقلاب دنوی خوند انقلاب
- دآبادی انقلاب
- دپرگنو انقلاب
- دادښادی انقلاب
- دهر بزگر انقلاب
- دهر کارگر انقلاب
- دهیواد گوت گوت تمو
- دخوشحالی انقلاب
- دا انقلاب دنوی ژوند انقلاب
- دا انقلاب دنوی خوند انقلاب

احترام

لشکر زحمتکش انسان سلام
 بر همه انسان جهان احترام
 صلح بخلفان جهان آرزو
 کار بانسان زمان آبرو
 مشت شود کار گیتی ما
 پست شود دشمن هستی ما
 لاله سرخ آرزویم چنین
 شاهد پاکم آبرویم همین
 شادتر از این سخنم کی سخن
 سبز تر از این چمنم کی چمن
 شعر از محمد نذیر «زهیر»

وجدان

- همیشه قضایا را قبل از اخذ تصمیم به محکمه وجدان تسلیم نمائید . وجدان رهنمای بی نظیر وقاصی بی طرف است .
 - رضایت وجدان بالاترین مسرت هاست .
 - وجدان یگانه محکمه ایست که احتیاج به قاضی ندارد .
 - کسیکه در هر امری وجدان خود را تابعیت می کند هیچگاه خسته نشده و از زندگی ملول واز روزگار متالم نیست .
 فرستنده : ملک مشرف (باکون)

نامه عاشقانه

عزیزم سلام بر آن چشمانت مانند چراغهای مردس بنز سه صد که فاصله دو صد متری را روشنی مبخشد . هلیکوپتر خیالم در فضای توهر لحظه چون مگس بی پروا باطراف پیاله جای در طبران است و میتر وجودم از فراق آن فیوس میبراند نمی دانم که در سوچورد قلبم چه دست بازی کرده ای گروب چشمانم کم نور و چراغ خطر رخسارم هر لحظه سرخ میشود . دیشب از غمت رینج فراق را گرفته بدفورد خنده را از دهانم کشیدم و به عوض آن بطری اشک و آه را چارج نمودم تا تو بدانی که از هجرت چطور چاقو دسته میکتیم و آن وقتی که تنگیچه نگاهت رابه من نشانه گرفتی و با کارتوس خنده بمن فیر نمودی دیگر یاری سخنرانی بر من حرام شده بود، جز اینکه بسم آه را بر بالینت منفجر سازم . بعد ازین قصد کرده ام که بلك گوشه ای را چارج نمایم تا دیگر هرگز آواز ترا نشنوم .
 دیدیتور وجودم از سرخی عشق تو لعاب دیزل میخورد، کاربیتر سینه ام از جرت صدای آرکستر جاز را گرفته است . به استیشن سرم چنان صد مه وارد کرده ای که اکنون لودسپیکر دهانم از خبر های مهم وجودم جز نالشی چیزی دیگر را پرود کاست نمیکند . افسوس که اشتراک صبر از دستم رفته است و برك تحصیل فیل گردیده و داینمو هم کار نمیکند و پای غضب هر آن بی ناقتی راسلف میزند و مگر نه کلچ رسوایی رازیر با گرفته گیر عشق را تبدیل میگردم .
 خیر بهر صورت از خداوند خواستارم که ویرتنگ وجودت شارت گردیده و گیر بکس اشتیاق را بسوزاند و از غم و پشیمانی هر شب هارن بزنی .

میهن

من عاشق دیسار فروزان میهنم
 قلبم بوصف خاک مقدس همی تپد
 تا جان مراست حب وطن دردلم بود
 به فله های شامخ این مرز بوم قسم
 آزاده ام به یمن سعادت درین دیار
 ای مدعی چشم حقارت مبین گهی
 در بادبان رحمت این مرز «باقری»
 در آرزوی عظمتش از جان و دل (نیاز)
 سروده محمد نیاز و شربت باقری

من بلبل بهار گلستان میهنم
 آری همیشه مرغ غزلخوان میهنم
 من زاده شجاعت مردان میهنم
 دلدادۀ شپامست شیران میهنم
 پرورده مجست احسان میهنم
 من جانفدای کوه و بیابان میهنم
 من قطره سحاب خروشان میهنم
 رخشنده باد اختر تابان میهنم
 سروده محمد نیاز و شربت باقری

کارگر

تو ای کارگر !
 تویی سازنده تاریخ
 تویی روشنگر شبهای تاریک
 تویی شگوفه آفتاب زندگی
 تو ای کارگر !
 فخر دارم به تو
 فخر دارم به توای ضامن فردای روشن
 فخر دارم به نامت ای معمار آزادی و خوشبختی
 فخر دارم که زنجیر ها شکستی
 تو ای کارگر !
 بتو میباید امروز خلق های رنجبر
 بتومی باید امروز روح مزدوران و مظلومان
 بتومی باید امروز قلب محنت بار ز حمتکش
 کز چنگال ددمنشان رهاندید انسان را
 غریب نواز

سپیل خروشان

طوفان موج خلق
 خشم بی امان او
 لانه دشمنان ریخت
 بازوی دهقان
 نعره کارگران
 ظلمت شب را شکست
 سپیل خروشان خلق
 نعره شادمانه اش
 صخره خارا شکست
 بازوی توانای خلق
 موج بی امان او
 گردن اندا شکست
 حشمت ربی



بدون شرح



بدون شرح

زن محتاط

در يك روز قشنگ و آفتابي آقا و خانم در خيابان قدم ميزدند. خانم نوزاد قشنگ و مقبول را نيز در بغل گرفته بود. وقتی پيش يك لبنيات فروشی رسيدند خانم به شوهرش گفت:

- برو دوازده دانه تخم مرغ بخر.

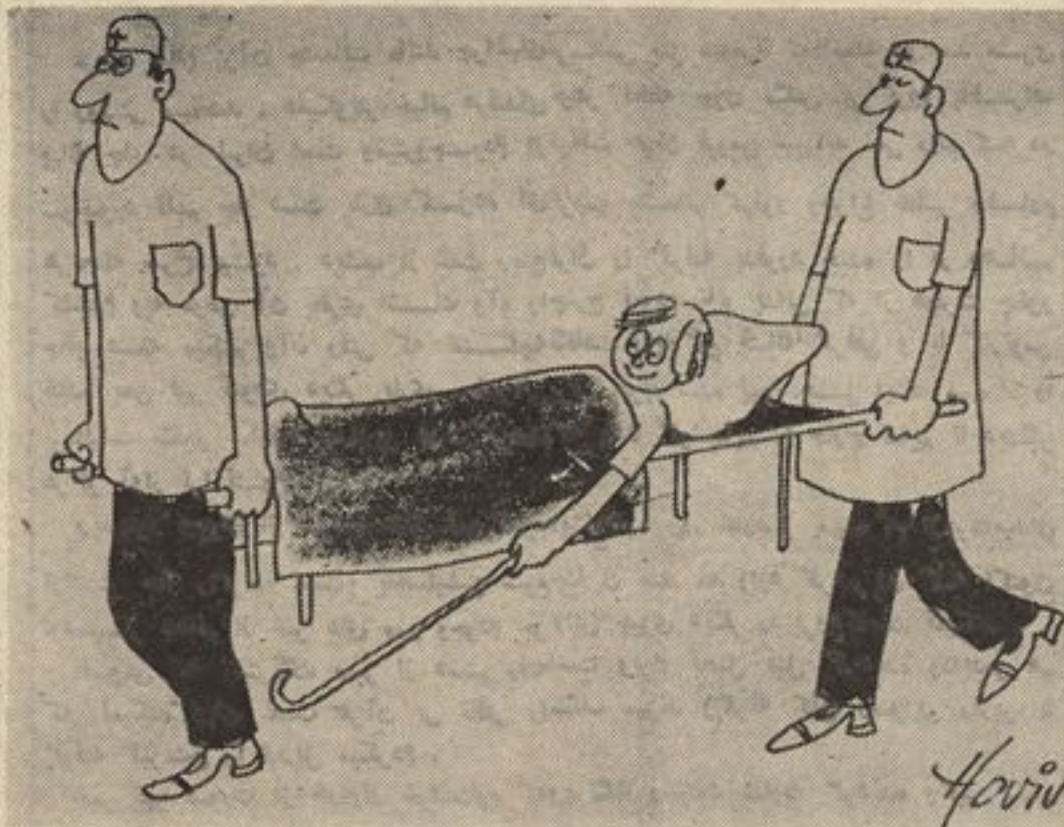
مرد برای اجرای دستور رفت و چند دقيقه بعد با پاكِت تخم مرغ برگشت.

زن گفت:

- بسيار خوب. حالا تخم مرغ هارا به من بده و تو بچه را بغل بگير.

- چرا؟

- چون من ترا خوب می شناسم هر وقت كه مردی از کنار من عبور كند و با من تصادم كند، هرچيزيكه به دستم باشد به ز میزن!



بدون شرح

تكت ديشب است

تازه نمايش شروع شده بود كه آقا و خانمی نفس زنان از راه رسيدند ولی مامور كنترول سالون تگساهی به تكت های آنها اذناخت و گفت:

- متاسفانه با این تكت هائی توائيد به سالون برويد.

چرا: عيب و نقصی دارد؟

- عيب و نقصی ندارد. فقط تكت ديشب است.

مرد بطرفی زنش برگشت و گفت:

- هزار دلقه گفتم قدری عجله كنی تا به موقع برسيم و تو گوش نكردی.

ژوندون

برای پدرم معلوم شود

عاشق دلخسته كه از چنای دلدار به تفتك آمده بود بالاخره تصميم آخر را گرفت و بالحنی چلی به دختر جوان گفت:

- عزيزم! این آخرين حرف من است. اگر حاضر نشوی با من ازدواج كنی با يك گلوله مغزيم رانكه لكه ميكنم.

دختر كه از شنيدن این حرف بسيار خوشش آمده بود خنده ای قشنگی كرد و گفت:

- بسيار دلم ميخواهد چنين كاری را بكنی. این كار جواب دندان شكنی به پدرم خواهد بود. چون او فكر ميكند كه اصلا مغز ندارد.

دستی و راستی

در يك می فروشی شهر لندن بعد از آنكه كله ها تا اندازه ای گرم شد یکی از مشتریان مردی را كنار كتيد و آهسته به او گفت:

- ميخواستم موضوع خصوصی و محرمانه ای را خیلی دوستانه به تو بگويم. يك ساعت پيش كه ميخواستيم به اینجا بیایم اتفاقاً از پيش منزل تو گذشتم پنجره اتاق خوابت روشن بود و پرده های آتزا هم نكتيده بودند.

- خوب، خوب....

- بلی، آنوقت دیدم كه زنی و مردی مشغول معانته اند.

مرد فكري كرد و گفت:

- مردچه شكلی بود؟

قدش کوتاه نبود؟

- چرا؟

عينك نداشت؟

- چرا؟

مرد سری تكان داد و گفت:

- فهميدم، زوز بوده است.

او با هر زنی كه پيش بیاید عشقبازی ميكند.



برای شما انتخاب نموده ایم



از بالا به پائین بدون شرح

به من احتیاجی ندارید

در وسط سرك ایستگاه راه آهن خانم منسی بعد از آنكه مدتی سرانگشته به اطراف نگاه می كرد چشمش به یکی از باربران ایستگاه افتاد. او را صدا زد و گفت:

- آه: آقا، بیزحمت بیاید اینجا. من بكنس و بستره را راگم کرده ام.

باربر شانه هارا بالا اذناخت و جواب داد: - خوب. بنابراین به من احتیاجی ندارید.

از نیوتایمز
ترجمه: خان محمد گوارا *

آی، ال، او: در فضای همکاری

تغییرات مثبتی که طی چند سال گذشته در اروپا رخ داده تا نبر مساعدی بالای فعالیت سازمان های بین المللی این قاره داشته است، بجای اختلافات سیاسی وایدیولوژیک آنها (سا زمانها) حالا به کثرت راه های توسعه تفاهم متقابل واتخاذ تصمیم مشترک را جستجو می کنند.

نیوت تازه این مدعا کنفرانس ناحیوی سازمان بین المللی کار (آی، ال، او) میباشد که اخیرا در جنوا برگزار گردید. درین کنفرانس هیات های نمایندگی بیش از سی کشور اروپایی ونمایندگان شعبات اختصاصی ملل متحد و دیگر سازمان های دولتی و غیر دولتی حضور بهم رسانیده بودند.

بسیاری از هیات های نمایندگی خاطر نشان ساختند که حمایت موثر از منافع کارگران، که یکی از اهداف منشور آی، ال، او می باشد، بدون مبارزه موثر بغاطر صلح، منع مسابقات تسلیحاتی، و گذار به خلق سلاح واقعی، غیر قابل تصور می باشد. تاکید گردید که برای اجرای این اهداف، ابتکارات سیاست خار جی اتحاد شوروی که هنگام سخنرانی لیونید برژنف در برلین پیش کشیده شده است دارای اهمیت بسیار می باشد.

گرتز سازنده این کنفرانس از روی این حقیقت آشکار است که کنفرانس مذکور با آرای موافق نه فیصله نامه را بر خلاف سه فیصله نامه کنفرانس گذشته) به تصویب رسانید. چیزیکه مهم است، تعداد فیصله نامه ها نیست بلکه ماهیت این فیصله نامه هائست که ساحت وسیع از جر یانات کار را، در حدود صلاحیت سازمان بین المللی کار، در بر می گیرد. در میان این ساحت وسیع، بهبود

شرایط کار وماحول تولید، همکاری در ساحت تامین اجتماعی، انکشاف تبادل تجارب ناحیوی در سازمان وتنظیم فابریکه، نتایج استفاده تخنیک جدید، حقوق اتحادیه های کارگری روابط کار، مسایل مربوط به مهاجرت کارگران ومقررات وظایف برای نو جوانان، قرار دارد. البته، هر یک از اسناد، به صورت جداگانه مهم و با ارزش می باشد.

گر چه، عمو ما احساس می شد که احتمالا مهمترین فیصله نامه، سندی که عهد اسناد دیگر را در بر می گرفت، عبارت می باشد از سندی که توسط کشور های سوسیالیستی تضمین گردیده بود و به سهمگیری سازمان بین المللی کار در همکاری اروپا تعلق می گرفت. این سند به دارالانشاء سازمان بین المللی کار

هدایت می دهد که به زود ترین فرصت ممکن نتایج تحقیقاتی مربوط به جوانب اجتماعی و اقتصادی خلق سلاح، و طرح یلان پیشنهادی را در باره سهمگیری ممکن سازمان بین المللی کار جهت مطالعه نتایج اجتماعی و اقتصادی خلق سلاح و ارتباط بین خلق سلاح و انکشاف برای مطالعه متخصصین دولتی ملل متحد، تقدیم نماید.

این حقیقت که نمایندگی های اختصاصی ملل متحد، خصوصا سازمان بین المللی کار، برای حل مساله خلق سلاح اشتراك مسا عی خواهند نمود، دارای اهمیت کمی نمی باشد، اساسا عمو می ملل متحد این سازمان هارا موظف به سهمگیری در این امر مشترک نموده است.

مسابقه تسلیحاتی که از طرف حلقه های معین در غرب براه انداخته شده منابع مادی و قوای بشری عظیمی را می بلعد، می توان آن را برای اهداف تولیدی مورد استعمال قرار داد، که بار سنگینی را بر دوش مردمان کارگر کشور های سرمایه داری می گذارد. نظامی گری روز-الزون اقتصادی رشد سریع بیکاری را تعجیل می بخشد.

گروپ متشکله میسگان درباره تحقیق منافع عامه، بطور مثال، پیشبینی می نماید، که یک میلیون و سه صد و شصت هزار وظیفه (محل کار) امسال در ایالات متحده در نتیجه مصارف فوق العاده نظامی از میان خواهد رفت. عین پروسه در مورد اروپای غربی، جاییکه به استناد سازمان بین المللی کار بیکاری به سطح عظیمی مجموعا هشت عشاریه شش میلیون رسیده است، و در یک عده کشور هابه صعود خود ادامه می دهد، در نظر گرفته شده می تواند.

تصمیمی که از جانب کنفرانس به ابتکار کشور های سوسیالیستی اتخاذ گردید به ضرورت توسعه همکاری اروپایی در مورد تهیه وظیفه وریشه کن ساختن بیکاری اشاره می کند. بعلاوه، قبول اتخاذ اقدامات قانونیکه حد ف

آن دادن اطمینان از حق انتخاب آزادانه کاربردون تبعیض می باشد) به وظیفه درجه اول ارتقاء داده شده است.

این امر می رساند که کنفرانس در مورد تجارت اقتصاد و همکاری های علمی و تخنیک و تاثیر آن بالای سطح استخدام دلچسپی فراوانی نشان داده است. بخصوص، خاطر نشان گردیده است که سفارشات شوروی برای بیش از یک میلیون نفر در اروپای غربی وظیفه تهیه می نماید. کشور های سوسیالیستی بطور تغییرناپذیری به توسعه همکاری با شرکای غربی خود در عرصه های مختلف آمادگی نشان داده اند. لیونید گوستین رئیس هیات شوروی در کنفرانس تاکید به عمل آورد که (بایان مسابقه تسلیحاتی، انکشاف همکاری اقتصادی با امر متقابل، پیوندهای تجارتی و علمی و تخنیک بین شرق و غرب، بین شورای تعاون اقتصادی متقابل و جامعه اقتصادی اروپا، بین ممالک انکشاف یافته و اروپا به انکشاف) می تواند و باید بتواند به ازدیاد در چه رشد اقتصادی، حل مسایل اجتماعی و کار در تمام کشور هاموفقانه کمک نماید.

نظر هیات شوروی فعالانه از جانب دیگر اشتراك کنندگان کنفرانس حمایت گردید و در عین زمان، نیروهای محافظه کار، آنانیکه هنوز تاثیر قابل ملاحظه بالای سازمان بین المللی کار دارند از سازمان می خواهند که محض با جوانب تخنیک جریانات اجتماعی و کار سروکار داشته و از مسایل حاد امروزی بدور باشد. آنها آرزو دارند به بهانه غیر منطقی (دوری از سیاست) سازمان بین المللی کار را به موقف (صلح طبقاتی) و (همکاری طبقاتی) سوق دهند.

گرچه، تجربه نشان می دهد که بهبود شرایط زندگی و کار در اروپا نمی تواند از طریق انزوا بلکه از طریق همکاری دو جانبه و چندین جانبه دول و تمام قوای عامه با عده ف اطمینان بخشیدن از صلح دوامدار و تکمیل دیتانت سیاسی بادیتانت در عرصه نظامی حل شده میتواند.

انسان‌های قدیم

کرد ولی ازینکه چرا سیارات در یک نوع مدار بیضاوی سیر می‌نمایند موضوعی است جدا که نیوتن آنرا تحت مطالعه و تدقیق قرار داده و در نتیجه قانون جاذبیت را اختراع کرد و اظهار داشت که اجسام یکدیگر را به فشار متناسب به حجم کتلّه آن و فاصله آنها از هم دیگر جذب می‌نمایند او این مفکوره را به قانون حرکت ارتباط داد چیزی را که کپلر از لابلای مشاهدات تیوجو کشف نموده بود اکنون نیوتن در باره هر کدام از سیارات توضیح داده و حساب

و ستاره ها را تحت مطالعه قرار داده یک کتاب بزرگی را که نمایندگی از مفکوره و نظریات او میکرد تالیف کرد . کوپرنیک درین کتابش اظهار عقیده کرده بود که آفتاب اداره کننده فاعیل سیارات بوده و تماما به دور او گردش مینمایند به همین قسم گردش زمین بدور محورش و تغییرات شب و روز را توضیح کرد . عالم دیگری که بعضی زاویه های تاریک این پدیده را روشن ساخت و اجسام سماوی را بهتر و روشن تر مشاهده و مطالعه کرد عبارت از گالیله می‌باشد . موصوف بحیث یک فزیک

دست آورد های نیوتن در یک کتاب بنام (پرنسپل های طبیعی ریاضی) بطبع رسیده است . این کتاب قانون حرکت و جاذبیت او را دربر داشت از همین قوه جاذبیت او تاثیر مینماید را برآمد و جلد می‌توان تشخیص کرد . او اولین تلسکوپ انعکاس نور را که تا حال بحیث یک اثر در موزیم حفظ گردیده

دان ایتالوی اولین کسی بود که توسط تلسکوپ کائنات را نظاره کرد و با خوشی زاید الوصفی کوه های سطح میناب ونیس و چهار ستاره نزدیک به جوپیترا کشف نمود او ستاره های بی‌شمار دیگر را که قبلا هیچ دیده و شناخته نشده بود دید او استنباط نمود که آفتاب هم بدور محور خود گردش میکند .

است اختراع نمود . کشفیات قابل ملاحظه او در مورد اینکه میتوان توسط یک منشور روشنی را به اجزای آن (رنگ های مختلف) جدا نمود . سبب پیشرفت معجزه آسای در زمینه مطالعه سیارات گردید .

دانشمند دیگری که توانست در مورد سیر و گردش اجسام فضایی نظر به ترقیات بخش تر بدهد بنام کپلر مسمی بود وی در سال ۱۵۷۱ در جرمنی متولد گردیده است . کپلر شخصا آنقدر به سیارات نظاره نمی‌کرد ولی با ستاره شناس بزرگ دنمارک بنام تیوجو کار میکرد و معلومات و مشاهدات تیوجو را در زمینه سیارات تحت مطالعه و تدقیق قرار میداد . کپلر برای ابدان نظر کوپرنیک را که میگفت سیارات حرکت انتقالی خود را در یک مدار دایروی انجام میدهند از بین برد در عوض او کشف کرد که سیارات برعکس نظر کوپرنیک این حرکت خود را در یک مدار بیضوی انجام میدهند .

عالم برازنده دیگری که درین راه خدمات ارزنده می‌انجام داده است البرت انشتین می‌باشد . در سال ۱۹۱۹ وقتیکه ساینس دانان مصروف مشاهده آفتاب گرفتگی بودند انشتین تیوری عیجان آور را که (جاذبیت روشنی را خم می‌سازد) بوجود آورد به سرعت تمام تیوری نسبی او یک اصطلاح روز گردید .

شخص معروف دیگر در زمینه اینکه چرا سیارات بشکلی که هستند بدور آفتاب گردش میکنند قانون قوه جاذبیت را که اقصا و سیارات را در یک مدار معین نگاه میدارد، بوجود آورد بنام نیوتن یاد می‌شود . همزمان با او کپلر راز سیر و گردش سیارات را که در چه نوع مدار حرکت خود را انجام میدهند، افشاء

انشتین که در آلمان تولد گردیده بود به عمر ۲۶ سالگی کتاب مخصوص تیوری نسبی خود را در ۱۹۰۵ بطبع رسانید او در ۱۹۱۶ کتاب دوم یا کتاب تیوری عمومی جاذبیت را چاپ رسانید در ۱۹۲۱ نسبت کشفیات او بشمول روشنی و برقی فزیک دان موصوف جایزه نوبل را بدست آورد .

خاطرات زندانی

همه افراد خود چه زن چه مرد خدمت می‌خواهد من به حیث یک خواهر از همه دختران و زنان افغان توقع دارم که با روحیه انقلابی و خستگی ناپذیر در راه عمران و شگوفائی هر چه بیشتر افغانستان عزیز خدمت نمایند تا وطن عزیز ما از دسایس شوم دشمنان خلق این دیار پاک گردد .
خوانندگان عزیز مرچه شنیدن صحبت و حکایت خاطرات زندان بلخ را خیلی صالحه جان و سمن جان خیلی دلچسپ و شنیدنیست مگر نگارش همه آنها از حوصله مجله ما بیشتر میباشد که ما به همین اندازه از خاطرات شان اکتفا می‌نماییم .

قربانی در راه نیک بشریت هراس نداشته باشد یک زن مبارز هنگام مقابل شدن با هر کسی بر خود صمیمانه و دوستانه می‌دانشته باشد ، بنظر من صفات یک زن مبارز اجتماعی بودن، برده بار بودن و خوش خلقی او میباشد و همراه با برادران مبارز خود دست همبستگی و اتحاد داده و در راه ساختن یک افغانستان شگوفان و نجات آن از فقر و فاقگی صادقانه خدمت نماید .
حقیقت مسلم و انکار ناپذیر است که وطن از

جمع آوری تکت های پستی



و بد ستروس هم دیگر بگذارند .
(۴) کلکسیونر های تکت های پستی با جمع آوری تکت های مناسب طرف توجه خود میتوانند بطور غیر مستقیم عمل پس انداز را انجام دهند و بدین ترتیب برای مصونیت آینده بخویش يك اندوخته مادی داشته باشند زیرا کسا نیکو تکت های پستی را جمع آوری مینماید .
پند تکتها را نظر بقیمت روی آن تهیه اما در صورتیکه بعد از سبیری شدن چند سال دوباره به فروش برسائند بایک قیمت خوبتر و بلند تر امکان دارد آنرا بفروش برسائند .

انسانها در زندگی اجتماعی نظر به تماسهای ما حول خویش جمع آوری اشیای طرف توجه مثلا جمع آوری آثار هنری ، تابلو ها ، نقاشی ها ، کتب ، مجلات روزنامه ها نسخ خطی و یا بعضی اشیای زینتی کم قیمت و گلیمهای طبیعی پروانه ها و غیره که شما مل هزار هاقلم خواهد گردید میسر دازند .
اما نظر به گذشت زمان برای همه ثابت گردیده که بهترین چیز و سرآمد سایر علایق جمع آوری تکت های پستی میباشد که دارای فواید و مزا یای زیاد میباشد که از جمله نکات چندی آنرا ذیلا جهت مزید معلومات علاقمندان توضیح مید هیم .

(۵) ازینکه در تمام ممالک جهان سالانه به هزار ها مناسبت تکت های پستی طبع و تشر میگردد و جمع کنندگان میتوانند تمام آنها را جمع آوری کنند آنها نظر به ذوق و علاقه خویش تکت های همان مناسبت های بین المللی ، ملی و هنری را تهیه میکنند که طرف تائید و علاقه شان باشد و این تکتها را در يك یا چند جلد البسم پستی با استفاده از انبور (پنس) مخصوص

(۱) جمع آوری تکت های پستی باعث ازدیاد معلومات علمی ، هنری ، نقاشی ، کلتوری تاریخی طبیعی ، جمع کنندگان تکت های پستی میگردد زیرا تصاویر تکت های پستی که آثار هنری نقاشان رسا مان ، عکاسان متبحر جامعه بوده معرف کلتور هنر ، تاریخ و ثقافت اصیل یک مملکت میباشد .

ص تکت های پستی جابجا نموده کلکسیونر خویش را تکمیل مینماید .
(۶) برای رهنمای بهتر علاقمندان متعلمان و جوانان عزیز شعبه رهنمایی موزیم پستی فیلا تیلی وزارت مخابرات حاضر است به سوالات و پرسشهای آنها جواب قناعت بخش ارایه نماید علا و تاسا جهت آشنایی و تامین علاقه جمع کننده گان تکت های پستی افغانی يك موزیم در منزل اول مقابل دروازه ورودی وزارت مخابرات تا سیسیس و به فعالیت خویش ادامه میدهد .

(۲) باعث انکشاف ذهن جوانان و اطفال میشود زیرا تکت های پستی که اثر نقاشان ورزیده و عکاسان ماهر میباشد ذوق هنری جوانان را که آثار لطیف و زیبا طرف تائید شان است بر می انگیزد همچنان آمیزش رنگها ، نفاسات خطوط احساسات اطفال و جوانان را بیدار میسازد .

(۳) باعث معرفی و آشنائی بیشتر علاقمندان تکت های پستی میشود به این معنی که انجمن های فیلا تیلی و کلکسیونر های تکت های پستی حین تبادله تکت های مورد نظر بایکدیگر تماس نزدیک گرفته باهم آشنائی بیشتر پیدا میکنند که این انجمن ها در هر محیط و مملکت متفاوت میباشد علا و تاسا شنا گردان مکتب نیز حین تفریح و در اوقات فراغت میتوانند جهت اكمال کلکسیون های پستی خویش باهم تبادل افکار نموده تکت های مورد ضرورت یکدیگر را تهیه

کمیدین معروف تیا تر...

در ضمن خطرناک ترین وظیفه خلق ما جنگ علیه فاشیسم هتلری بود.

ار کادی رایکین نه تنگ در دست گرفته و نه علیه دشمنان جنگیده و نه تسویعاً با شاهانه های خود از جاسای صعب العور گذشتا ند و نه پل ها را منجر ساخته و نه کدام قهرمانی دیگر درین موارد از خود نشان داده است. اما او از روز

اول تا ختم جنگ (۱۹۴۱-۱۹۴۵) درجه جنگ قرار گرفته بود (به استثنای اوقاتی که تبار به فریه جان و شهرها در مقابل مردم غیر نظامی نما یشتا مه ها اجرا می کرد) از کادی رایکین نیز و ظایف محوله خود را انجام داد در مقابل عساکر خشنک و بحری و قوماندان های جنگ نما یشتا مه ها

اجرا کرد و اغلبا نما یشتا مه ها را طوری عیار می ساخت که مسایل حری و نظایف را در بر می گرفت یعنی عساکر را اضافه تر در مقابل فاشیست های هتلری تحریک می کرد و آنها را به کمک نما یشتا مه خود امید داشت تا اضافه تر به وظایف خود بی برسد و هر چه زود تر فاشیست ها را نابود کنند. هنوز سه روز از آغاز

جنگ نگذشته بود که ار کادی رایکین در پروگرام نما یشتا مه خود قسمت «صحنه شیطان» را جا داد. درین نما یشتا مه صحنه های از عصبانیت هتلر را تمثیل مینمود.

درین چهار سال جنگ ار کادی رایکین فاصله های زیاد را از یک جبهه به جبهه دیگر جنگ طی کرد. عساکر کوشش می کردند تا هر چه خوبتر از ایشان محافظت کنند اما با زهم او قاتی میرسید که از ریسک کار نمی گرفتند.

اغلبا نما یشتا مه های او در جا های اجرا میشد که در پهلوی آن گلوله های توپ و طیاره اصابت میکرد راه های طی میکردند که از طرف هتلری ها هر روز تحت گلوله باری قرار میگرفتند

عساکر در اطراف آنها جمع میشدند اضافه تر از همه رقاصان تبار در شرایط خرابتر قرار میگرفتند زیرا او قاتی میبود که طبق درجه حرارت هوا لباس در تن نمیداشتند یا اشیا را که بالای میز بمقدد پیشبرد نما یشتا مه را میدادند توسط باد به دور برده میشد. نما یشتا مه مشکلات آنها دورا میکردند و یکبار عساکر به آنها کمک میکرد همه را دوباره

به ترتیب با لای میز میگذاشتند. بصورت عموم نما یشتا مه در آن وقت که در شرایط بسیار دشوار نما یشتا مه ها صورت میگرفت از آنها به گرمی استقبال میکردند که کدام خط فاصل

بین اجرا کنندگان نما یشتا مه و تماشاچیان نه کدام پرده و نه کدام دیكور خاص موجود بود اما يك نکته مهم این بود که همه به اینها اعتماد تام داشتند.

در روز نهم ماه می سال ۱۹۴۵ روز پیروزی خلق شوروی با لای فاشیسم هتلری تجلیل میگردد. این روز بدون شك روز تولد مجدد بشریت گفته میشود.

درین روز در همه جا خوشی برپا بود و فکر میشد که زجر شکنجه های راکه مردم شوروی و خلقهای بسیاری از کشورها از اثر اشغالگری ارتش اشغالگر فاشیستی المان متحمل شدند در خواب دیده باشند.

در زندگی و فعالیت هنری ار کادی رایکین یکی از هنرمندان معروف و جهان چارلی چاپلین رول مهم را بازی کرد. است. بدین مناسبت ار کادی رایکین چنین میگوید: «چندی قبل شخصی از جهان چشم پوشید که با او شنا مناسی

شخصی نداشتم اما در مقابل منجبت معلم اساسی در قسمت هنر خود فکر میکردم این شخصی چارلی چاپلین بود. این خنایه بزرگی بود که نه تنها جهان هنر بلکه بشریت از او صدمه دید. مشکل است گفته شود که کدام چیز او را به همه بزرگ نشان میداد اما به فکر ار کادی رایکین چیزی که او را نزد همه محبوب نشان

میداد این بود که چارلی چاپلین به بسیار مهارت چیزهای مضحك و اغراق های هنری را با اسرودگی و غمگینی انسان توأم میساخت.

پدر ار کادی رایکین حافظه جنگلات را بعد از دانشت و معنی میورزیست تا رایکین نیز شغلی را انتخاب کند که پدرش به آن علاقه مند است و همه وقت کوشش میکرد تا ار کادی رایکین از هنر مندی دور نگه داشته شود. پدر رایکین معتقد بود که هنر شغل نیست به فکر او شغل و حرفه او قهر حق و ادانی، داکتری و محافظه جنگل بود.

رایکین با پدرش زبان مشترک پیدا نکردند و به این ترتیب رایکین در لیلیه به زندگی پرداخت و در استیوت تیا تر به تحصیل آغاز کرد. رایکین میگوید «من خود را حق به جانب فکر میکردم و دوستانم از من حمایت کامل میکردند و هر يك از آنها سعی میکردند تا به این و آن ترتیب تنوعات فامیلی را برهم زنند. ما فکر میکردیم که پدران و ما در آن ما افکار عقب مانده را در سر می پرو راندند و به چشم در ست به زندگی نظر نمیکند.

ما میخواستیم بطرز جدید زندگی کنیم. رایکین افکار پدر را وقتی درک کرد که خود پد ر شد و بعد به درجه پدر کلان رسید. او تشو یشتا مه پدرش را فهمید زیرا او فکر میکرد که پسرش اشتباه غیر قابل اصلاح را مرتکب شده است. در نتیجه یگان آرزویش که پسرش نظر به او باید بهتر زندگی کند بر آورده شد.

رایکین درین مورد چنین میگوید: «اگر چه این به اثبات رسید که من در قسمت انتخاب شغل خود حق به جانب بودم و آرزو ها یم بر آورده شد اما با زهم همه

را در مقابل پدر نمیکندم زیرا درین وقت گذشته های خود را بخاطر می آوردم زیرا ضرور است تا از همه نتایج زندگی در س عبرت گرفته شود.

رایکین میگوید: «از انشا دانی که از اطفال میکنند خوشم نمی آید اضافه تر تکانی انسان را غمگین میسازد و قتی گفته شود که همه تقایص در اطفال اثرات بد میگذارد»

این همراهی بزرگ است. اگر اطفال مانظر به ما خوبتر و بهتر زندگی نه کنند زحمات و غمها شخصیت انسان را پرورش میدهد. انسان در موجودیت دیت خود شهنختی پرورش میشود و این وقتی است که هیچ از ما یشتا مه زندگی به او مشکل تمام نمیشود.

درین قسمت به گفتار بعضی اشخاص پیرامونی را نمی بینم که میگویند که جوانان در سابق عاقل و درخت ها سبز تر بود... جوانانی که من با آنها ملاقات کرده ام بسیار جلب توجه میکنند و قابل ستایش اند. و نه تنها این که آینه از آن آنها ست بلکه آنها

کار و زحمت را دوست دارند در مقابل زحمات ما و هستند و سعی میکنند تا نظریات مترقی خود را در عمل پیاده کنند من به جوانان نظر می اندازم و سعی دائمی که همه به جای خود است. ما دارای نسل آینده بسیار قابل ستایش هستیم. اینطور با یاد با شد!

است که در تمام مسایل جهان مشوره جایان و کشورهای اروپای غربی را خواهان میباشند و خود سرانه مانند

سابق عملی را مرتکب نمیکردند. و هم دول امپریالیستی سعی بخرچ میدهند تا اگر میتوانند تضادها و اختلافات درونی خود را حل و فصل نمایند.

واژ طرف دیگر میاوزه نیروهای صلح و سوسیالیسم و دموکراسی و جنبش طبقه کارگر چنان به فعالیت خستگی ناپذیر خود ادامه میدهند که نیروهای متجاوز و امپریالیستیک را لحظه به لحظه به پرتگاه نیستی و نابودی می کشانند، و لی دول سرمایه داری بنظر آنکه دینا نت را مواجه به

شکست نمایند سعی میدارند تا اختلافات درونی خود را با تشدید اختلافات بین المللی مستور و پوشیده دارند، و لسی بهر حال تغییرات بین المللی به تقمع صلح، دموکراسی و سوسیالیسم بوده و شرایط بهتر و بهتر تری را آماده نیروهای صلح دوست میسازد.

تضادهای درونی

بقیه صفحه ۴۳

در کنفرانس برلین احزاب کمونیست و کارگری در سند آخری خویش ایس فاصله را درج و تثبیت کردند که: «در کشورهای سرمایه داری فعالیت طبقه کارگر و دیگر نیروهای سیاسی و اجتماعی آنقدر در حال پیشرفت و انکشاف اند که حامی صلح و همکاری بهای متقابل بین مردم بوده و این خود فکتور فوق العاده مهم و با ارزشی است که در مبارزه بخاطر استحکام و تقویت دینالت نقش قاطع و تعیین کننده را دارا است»

در تحت تاثیر تغییرات بین المللی موجوده اصلاحات قابل ملاحظه ای در روابط بین کشورهای سرمایه داری نیز وجود آمده است، بهر حال در میانست خارجی اما زونی نسبت مشکلات و پرابلم های موجوده جهان این چرخش بوجود آمده

همیشگی خود را که در پی سودجوی زیاد بود از دست داده است.

چیزی دیگر یکه بصورت و صنی در تضاد های کشور های امپریالیستی افزوده میشود همانا مواجه شدن این دول به پرابلم های وسیع جهانی است، که یکی ازین پرابلم ها برای این کشورها همانا جنبش طبقه کارگر و طرفداران این جنبش است. که بورژوازی انحصاری قیلا متوجه این مشکل نبودند، و لسی حالاکه در کشورهای امپریالیستی شکل مالکیت بر و مسایل تولید انحصاری گردیده، جنبش طبقه کارگر در مخالفت با بورژوازی انحصاری عرصه را برای انحصارگرگران تنگتر ساخته است. و این مشکلی است بزرگ که بورژوازی به آن مواجه است.

سگرت پلورونکی

هو! خوار سگریټ پلورونکی هره ورځ سهار وختی له کوره راووت، بازار ته راته، دهمدی مهربانه او زړه سوانده دکاندار، دکان ته یی چی د دوی یوازینی غمخور و او خپله مرسته یی نه تری سپمو له، خان را رساوه دوه دری ډبلیه سگریټ یی دخر خلاو له پاره په پور تری اخیستل، او وروسته له هغه چی سگریټ به یی له دکانداره تر لاسه کړه، نو هغه وخت به دده اصلی کار پیل شو، په منډه به یی په واټونو اوسر کونو کی گرخیدل شروع کړه، دهر هر چا مخی ته به یی سگریټ نیول که گوندی کومه دانه تری و پیری. ترما بنامه به یی همدا کار و او کله چی به ما بنام ستړی ستومان دسگریټو له خر خو لو را خلاص شو، نو غونډی رو پی به یی دسهارنی دکاندار مخی ته کبیبینود لی، لومړی به یی دهغه دسگریټو بیه ور کړه او په ور پاتی رو پیو به یی چی دده دتو لی ورخی دکار او زحمت گټه وه، دوه دری وچی ډوډی وپیرلی او مخا مخ به دخپل کور په خوارمی شو ...

وړو سگریټ پلورونکی په خپلو چور تو نو و کسی و رک و او دوخت تیریدو ته یی هیڅ پام نه ور او نبت. هغه سپرو غونډ کرخت کړی وو اوسر تر پایه د چناردبانی په شان رپر دیده، خو پدی وخت کی هغه ته تر دی ټولو خبرو دی کار ډیر از زبنت در لود چی بیا هم خو شیبی همدی سپرو او یخنی ته طاقت راوړی او خان ور ته کرخت کړی که گوندی چیری یو دوه سگریټه نور هم و پلور لای شی. آخر نشوه کولای چی ژر کور ته لاړشی دا ځکه چی له دری ډبلیه سگریټو څخه داو پوره خوار لس دان سگریټه لا ور ته پاتی وه او تراوسه پوری یی هیله په هیله چی دبیی روپی پوره کړی وی. شپه تیاره وه خو هغه باید چی نور هم معطل شوی وای او سگریټ یی خرڅ کړی وای ترخو چی اقلادو چی ډوډی رو پی خولاس ته ور شی ... ماشوم سگریټ پلورو نکسی همدغسی سپرو او یخنی ته ولاړ و

سر تر پایه رپر دیده، په ډیره امید واری یی غمخپلی سترگی یوی او بلی خوا ته اړ و لی، په مات زړه به یی ساه په ستونی کی سره را غونډه کړه او ناری به یی کړلی: - سگریټ ... سگریټ ... دغه دی سگریټ ... خو څوک پرمخه نه ور ته، او که به چیری کوم لاروی دده له مخی تیر هم شو نو غیر له دی چی کومه دانه سگریټ دی تری و پیری همد غسی به یی خپله لار ونیو له او په خپل کار پسسی به لاړ.

شپه داوه اوس پوره تیاره شوی وه، خوار سگریټ پلورونکی لا په بازار کی ددکان مخی ته ترمنه لاندی و لاړ و او دباران په شدت اورید لو ته یی کتل، چی یو وارله لری دیوه موټر دخراغ رها ترسترگو شوه چی دده په خوارمی سگریټ پلورونکی همد غسی په خپل خای ولاړ و او له سترگو او پزی خخه یی دسپرو له شدت او به بهیدلی، چی موټر دده و حد ته را ورسید او له مخی یی تیر شو ماشوم هلکی په موټر پسسی تر شا و کتل او ویسی لیدل چی موټر ودرید، بیر ته په شا راغی او دده مخی ته ودرید. سگریټ پلورونکی لا همد غسی حیران په خپل خای ولاړ و چی دموټر دکر کی هنداره کببته شوه او په موټر کی ناست خوان چی غټ غو بنینی مخ اوسری سړی پرسیدلی سترگی یی در لودی، ده ته لاس و بنوراوه او ور څخه و یی غوښتل چی نژدی ور شی. سر واخیستی هلکی و غوښتل چی دموټر خوا ته ورشی، خو د باران اوریدلو ته یی پام شوه او دخان او سگر یتودلند. یدلو و پری بیرته په خپل خای ودراره، خو لنډی شیبی لا په همدی تر تیبانه و ی تیری شوی چی په موټر کی ناست خوان په ډیر کبر او غرور ور ناری کړی چی دهغه خوا ته ور شی، سگریټ پلورونکی نوره معطلی ونکړه او په بیره یی دخوان خوا ته ورمڼه کړه، دموټر دکر کی خوا ته ودرید او په رپر دیدلی آواز یی ور ته وویل:

- زه دی په کارو م؟
په موټر کی ناست خوان
دهلکی د دی پو بنینی په اورید لو
او پری پور ته ور غور خولی، بیایی
له خان سره څنگ ته ناستی بنکلی
او بنایسته نجلی ته په معنی داره
نظر وکتل، دواړو په زوره زوره
وخندل او وروسته له هغه په وپینو
جامو کی پټ خوان په ډیره له تکبر
او ریشخنده ډکه لهجه سگریټ
پلورونکی ته وویل:

- هو «پلاره!» ته می په کاروی
خپه خونه شوی ... هاهاما ... او
بیا دواړو په لوړ آواز په سپرو
اخیستی ماشوم باندی وخندل او
وروسته له خو شیبی خندا په موټر
کی ناست خوان په داسی حال کی
چی د ډیری خندا له لاسه یی په
سترگو کی او بنکی راټو لی شوی
وی، هغه یی په خپل چاغ ور غوی
پاکولی، هلکی ته مخ ور واپاوه،
وی ویل:

ژر شه، یو ډبلی سگریټ
راکړه!
ماشوم په خورا معصومیت
خواب ورکړ:

- کاکا جانه یو بشپړ ډ بلی
خو نشته، بس دغه خو دانی پاتی
دی، که یی غواړی چی در یی کړم...
او په موټر کی ناست خوان په
داسی حال کی چی دهلکی دخو لی
پیبینی یی کولی په ډیر قهر ور ته
ووویل:

- خو دانی سگریټ دی
ستاسروخوری ... زما بشپړ ډ بلی
په کار دی او ته وایی چی «خودانی
پاتی دی!» ... هی ...

خو لحظی چپ شو، وروسته
له هغه یی زیاتره کړه:

- ښه څنگه ر ډر ر اته
گوری؟ چی بشپړ ډبلی نشته یوه
دانه خو به وی که یه ... ژر شه
هله چی شپه می همدی ستامتحوس
په څنگ کی تیره شوه ...

دا یی وویل او تر څنگ ناستی
نجلی ته یی سترگی ور واپو لی،
په ډیر شوق یی ور ته وخندل او په
سپینه غاړه کی یی لاس ورواچاوه.
سگریټ پلورونکی، چی
سر تر پایه باران لوند کړی و په
بیره یوه دانه سگریټ له ډبلیه
راویو ست او له اور لگیت سره یی

یو خای خوان ته ونیو.
خوان، سگریټ تری واخیست
وی لکاوه او وروسته له هغه یی
بیر ته په څنگ کی ناسته نجلی په
غیر کی ونیو له.

وړو کی سگریټ پلورونکی
خو لحظی همد غسی چپ په خپل
خای و درید که گوندی خوان یی د
سگریټو رو پی ور کړی، خو چی
وی لیدل چی، هغه لا همدا سسی
بی خیا له په موټر کی له نجلی سره
لکیا دی، نو په بیره او رپر دیدو-
نکی آواز یی ور ته وویل چی

دسگریټو رو پی یی نه دی ور کړی.
او چی خوان بیا هم خواب ورکړ، نو
خپله خبره یی په لوړ آواز دوه دری
واره ور ته تکراره کړه.
پدی وخت کی خوان خپلی
سری سترگی مخا مخ د سگریټ
پلورونکی مظلومو سترگو ته
ونیو لی، سر تر پایه یی ور ته
وکتل، لمړی یی خو شیبی ور باندی
وخندل او وروسته له هغه یی بداسی
حال کی چی قهر او غضب یی له
ورایه په سترگو او خیره کی
بریبینیده په ډیره غضب ناکه او له
سپکاوی څخه ډکه لهجه ور ته
ووویل:

- پیسی غواړی؟ ... دڅه شی
پیسی؟ ... ها؟ ...
بیایی ما شوم د سر لندو -
ویبستانو ونیو د خپل خان خوا ته یی
ور کش کړ او ورته تکرار یی کړه:
- وایه دڅه شی پیسی؟ ...
ها؟ ...

او وړوکی سگریټ پلورونکی
په ډیره ویر جنه او وار خطا لهجه
خواب ور کړ:
د ... س ... سک

سگریټ پیسی ...
او مغرور خوان چی دما شوم
له دی خوابه لا په قهر شو، په ډیر
قهر هلکی بیا دخان وخوا ته ورکش
کړ، ورته و ویل:
واخله! ... ها، ها، ها ...
اوله دی خبری سره سم یی
هغه په ډیر شدت پوری واهه، بی
گناه هلك په لندو ختوکی و لوید،
سر تر پایه په ختو و لړل شو،
دزړه سو خوونکی ژر اړغ یی په
سره هواکی د خوان له مغروری
خندا سره وپېچل شو او په ډیر
شدت دموټر دخو خید لو بڼه دالری
پرکړه.

فهرمان جهانی شطرنج...

بازی ها در با گویو (۹۳) روز طول کشید. در طول این مدت حریفان با هم (۳۲) بازی شطرنج را ادامه دادند که ازین جمله (۱۱) بازی آن با نتیجه خاتمه یافت حریفان (۱۰۲۷) حرکت انجام دادند و در عقب میز شطرنج (۱۷۵) ساعات راسپری کردند. این دور مسابقات کارپوف و کورچنوی نظیر به سه سال گذشته بسیار حاد و هیجان انگیز بود حتی نظیر به مسابقات سال (۱۹۷۲) بین روبرت فیشر و بوریس اسپاسکی در ریکجا و یک مرکز مملکت ایسلند که نتایج مسابقات در بازی ها دهم الی دوازدهم خاتمه یافت. برآیند جالب تر و دیدنی بود.

هفت بازی او لی بین کارپوف و کورچنوی با موفقیت های متغیرو بی نتیجه پایان یافت در دور بازی هشتم کارپوف با قر بانی یکی از «پیاده» های وسطی توانست (شاه) حریف را تحت حمله شد بد قرار بدهد و بازی را به نفع خود خاتمه دهد.

بعد از سه بازی دیگر حریف توانست توازن را برقرار و در بازی سیزدهم ابتکار را در دست گرفت و در لحظه بازی نا تمام به روز آینده موکول میشد کورچنوی در شرایط مسا عد تر قرار داشت در روزی که بازی نا تمام با بد خاتمه می یافت کورچنوی بطور غیر مترقبه رخصتی گرفت.

در روز های که بازی ها بشکل نا تمام باقی ماند لایرا توار سازندگی کارپوف شب و روز کار میکرد. درین لایرا توار معا و نین کارپوف شامل بودند و عبارت بودند از:

- یوری بالاشوف که در قسمت شطرنج دارای فکر و خاطر بسیار عالی میباشد. - ایگور زایتسف شطرنج با زبانتی عالی که در قسمت حل نا گمانی شطرنج از مهارت زیاد برخوردار بود.

- قهرمان جهانی سابق شطرنج میخائیل تال که به گفته خودش از شعبه کنترول تخنیک (لابراتوار) با زرسی می نمود و تقایص را زود تر درک میکرد.

تحلیل مسا یل معولا به شکل جوره نی صورت میگرفت و بعد با همدیگر در مورد مذاکره میکردند. در عین تحلیل موضوع کارپوف نکته ضعف را بطور آنی درک میکرد و مباحثات سر از نو آغاز میشد. رفقای کارپوف به بسیار زحمت او را وادار میساختند تا به خواب برود و برای بازی

تا سه نمره اضافه تر به نفع خود بکشند و ضرور بود تا یک پیروزی دیگر حاصل نمایند و مسابقات را بطور نهایی به نفع خود برسانند. اما تا وقتی که این پیروزی نهائی را حاصل کرد روز های دشوار رو در اما نیک را تحمل نمود.

چون کارپوف درین وقت روحی و جسمی بسیار خسته شده بود در بازی های او اشتباهات دیده میشد. قبل از اینکه کارپوف عازم با گویو شود پنج ماه مسلسل از تخته شطرنج دور نمی شد و روز و شب بطرف دانه های آن میدید و مسایل مغلط آنرا با خود حل میکرد در نتیجه بسیار خسته شده بود. رخصتی های که در خلال مسابقات کارپوف می گرفت اصلاح رخصتی گفته نمیشد زیرا درین روزها هم کارپوف به شدت ادامه می داشت و با رفقای خود در مورد مسایل مغلط شطرنج مذاکره میکرد.

دو نتیجه پیروزی نزدیک با لای کارپوف تاثیر روانی را وارد نمود. زیرا وقتی که فکر شوند کارپوف تقریبا به اتمام رسیده با نیروی مکمل انجام آن بسیار مشکل میباشد و انسان نمیتواند در لحظات اخیر فعالیت مکمل خود را بکار اندازد کارپوف به عین ترتیب این نکات را یاد آوری میکرد و به بسیار تر می اعتراف می کرد. من انتظار تسلیمی را داشتیم به این ترتیب اناتو لی کارپوف در طول سه سال که قهرمان شطرنج جهانی بود از (۱۸۶) بازی فقط (۶) آنرا باخته بود در با گویو نیز فقط دوبار مغلوب شد در عین حال از چار بازی سه بازی آنرا (که دو بازی در نتیجه اشتباهات صریح

پروزی کارپوف بطور نهائی بسیار نزدیک شده بود. درین وقت کورچنوی رخصتی میگرفت و عازم مانیلا شد. در عین حال از چار بازی سه بازی آنرا (که دو بازی در نتیجه اشتباهات صریح

شبهه یی از جنایات ضد بشری...

وزارت خارجه کمپوچیا طی ابلاغیه یی که در جولای ۱۹۷۹ بارتباط به کمک عساکر ویتنام به عساکر کمپوچیا انتشار داد گفت بموجب معاهده دوستی و همکاری بین جمهوری خلق کمپوچیا و جمهوری سوسیالیستی ویتنام، اردوی خلق ویتنام به اقامت خود در کمپوچیا بمنظور کمک بانبروهای مسلح کمپوچیا برای از بین بردن عناصر باقیمانده طرفدار رژیم فاشیستی پو پوت، یتنگساری و سایر عناصر مرتجع ادامه خواهند داد. موجودیت اردوی خلق ویتنام در کمپوچیا کاملاً مربوط به روابط برادرانه دو کشور است و کدام کشور دیگر را تهدید نمی کند، مادامیکه توسعه کلیان منطقه و امپریالیستان طرح های مداخلوی خود را راجع به کمپوچیا ترک داده، استقلال و حاکمیت ملی

جمهوری خلق کمپوچیا را برسمیت بشناسد آنگاه اردوی خلق ویتنام بلافاصله از کمپوچیا خارج خواهد شد. جمهوری خلق کمپوچیا بایروی از سیاست زیست با همی مسالمت آمیز و دوستی با همه ملل بدون هرگونه تبعیض و براساس احترام متقابله وعدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، طور روز افزون حمایت ملل جهان را جلب میکند خلق کمپوچیا با پشتیبانی بین المللی جمع نیروهای طرفدار صلح و موکراسی و ترقی اجتماعی مخصوصا با حمایت دول مترقی و سوسیالیستی بر جمیع طرح های امپریالیستی علیه کشورشان غالب خواهند شد و کار عمران مجدد ملی و اعمار یک جامعه پیشرفته و عاری از هر گونه ظلم و استثمار را طور مطمئن به پیش خواهد برد.

خواره تاسی جو روی...

رشد کی زیات موثر دی دژوندا نه دیپیل نه د بلو غی (خوانی) ترپایه پوری د بدن په وده او نه تکامل کی تعیین کوو نکي نقش لو پوی او دامید واری اوشیدو ور کو لو په وخت کی دوجودا پتیا دی ویتسا مین ته زیاته وی .

داویتا مین دکلسیم او فا سفور جذب دکلمو څخه ممکنوی ددی ویتا مین کموا لی دهیو کی دپا سته کیدواو کپیدو سبب کپیری . ددی ویتامین دکموا لی له کبله دکلسیم او فا سفور دزیات اخیستلو سره سره دهغوی جذب دکو لمو پوا سطره سو رت نه نیسی څرنگه چی دهیو کی پاسته کیدل او کوروا لی به ماشو مانو کی زیات لیدل کپیری لدی کبله دگرانی میندو یا ملر نه دی ټکو نه اړوم .

ویتا مین لازم مقدار دلمر دوپا نکو دمرو ضیدو لیاری وا خلی . باید وویم چی زمون دگران هیواد افغانستان شین اوخلیدونکی آسمان په نړی کی بی ساری دی مون ته لازمه ده چی دهغه نه دکسی اخیستلو لیا ری زده کړو اود طبیعت ددی ارزان نی نه چی زمون هیواد په حق کی لری زیاته انداره استفا ده وکړو .

ویتا مین ای :

څرنگه چی وو یل شو چی دا ویتا مین په غوړو کی دمنخلو ویتسا مینو له ډلی څخه دی او دتو دوخی په مقابله کی مقاوم دهغه کموا لی دعضلو یو ډول التهام منخته راوړی چی د بدن دعضلا تو دکمزور تیاو



مین دی په کموا لی اخته نشی باید هغوی دلمر وپا نکو ته وا چول شی که په ورځ کی ۵-۳۰ دقیقو له پاره ما شوم لوخ لمر ته وا چول شی کافی اندازه ویتا مین دی د هغوی د بدن په بو ستنکی کی جوړ پیری ور یخ دوپری ، کالی شیشه ددی ویتا مین دجوړیدو مانع د بدن په بو ستنکی کی کپیری . ددی ویتامین مقدار په هغو غذا گا نو کی لکه د چرکی هکی ، کوچ ، شیدی ، څکر نظرو بیلو بیلو مو سمو او خای توپیر لری . چی دمحا سبی له نظره د ډاډ وړندی . لدی کبله که دخان اوخیل ما شو ما نوروغیا سلامتی او ښکلا غوا پی نوددی مین دی په کموا لی اخته نشی باید هغوی دلمر وپا نکو ته وا چول شی که په ورځ کی ۵-۳۰ دقیقو له پاره ما شوم لوخ لمر ته وا چول شی کافی اندازه ویتا مین دی د هغوی د بدن په بو ستنکی کی جوړ پیری ور یخ دوپری ، کالی شیشه ددی ویتا مین دجوړیدو مانع د بدن په بو ستنکی کی کپیری . ددی ویتامین مقدار په هغو غذا گا نو کی لکه د چرکی هکی ، کوچ ، شیدی ، څکر نظرو بیلو بیلو مو سمو او خای توپیر لری . چی دمحا سبی له نظره د ډاډ وړندی . لدی کبله که دخان اوخیل ما شو ما نوروغیا سلامتی او ښکلا غوا پی نوددی

چگونه علاج امراض

از طبیعت بوجود آمده باشد میتواند موثر نابت شود .

امروز به انتر زحمات دانشمندان مواد کیمیاوی زیاد کشف گردیده که میتواند با علل دایسه امراض مبارزه نموده آنها را از ازدیاد و تکثیر حدیث تر میتواند جلو گیری نماید . این که چگونه میتوان با مواد کیمیاوی علل امراض مانند سفلس ودفتری را از میان برداشت زحمات زیادی را لازم و ضروری دانست . کشفیات پاک ابریح در مورد مبارزه و محدودیسه های امراض سفلس مانند گلوله بود که فقط ریشه و اساس مرض را مورد حمله قرار داده بود .

پال آدم عجیب بود او از طعن و اتهامات که به اومی بستند هیچگاه دل افسرده و پژمرده نمی شد او با دقت و احتیاط کارش را دنبال میکرد او عقیده راسخ داشت که بر اتهامات ناجوانمردانه آینده پایزم میتواند بابر هان عملی وقوانین عینی تکامل غلبه حاصل کند که کارو فرجام کارش نیز به همینگونه که او عقیده داشت منجر گردید .

دانشمند بزرگ جاپانی سبوچی رو هانا نیز با پال در تحقیق و کشفیات علمی کمک های لازم بعمل آورد دوش به دوش با او با همکاران و شاگردان که در موسسه به آنها کار می نمود در آموزش

بیدایش علل امراض موفقیت های بس دست میامدند .

بوجود آوردند در ابتدای نام ابریح - هانا ۶۰۶ ادویه را که آنها برای تداوی مرض سفلس یاد می شد بعدها این نام به اسم سلفرن مسمی گردید و در سال ۱۹۰۸ موفق به دریافت جایزه نوبل گردید کمپنی هوست برای اولین مرتبه به مقدار ۶۵۰۰۰ این ادویه را تولید نموده طور مجانی به اطب در سراسر جهان تقدیم داشت .

پال در روز ۱۶ ساعت کار میکرد در آن روز کار رهبران متعصب مذهبی او را به یاد تکفیر بستند و جزای برای او تعیین نمودند .

پال در سال ۱۹۱۵ به عمر ۱۶ سالگی چشم از جهان بست . او در زندگی کم نان می خورد کمتر سگرت می کشید اما ۲۴ دانه سیگار را در یک روز کار ترجیح میداد . پال کمتر علاقه به تفریح و خوشگذرانی داشت .

در سال های ۱۹۲۳ و ۱۹۴۵ تلاش های صورت گرفت که مستبدین طرفداری هتلر کلیه دست آورد ها و کشفیات او را نابود سازند . اما با وجود تلاش های مذبحخانه آنها نتوانستند جلو رشد و تکامل علوم را سد سازند بعدها موسسات تحقیقاتی دگری بنام پال در سراسر اروپا باز گردید که در هر جا نام او به افتخار که در موسسه به آنها کار می نمود در آموزش

په پر مختیایمی

په بیلابیلو پرمختیایمی هیژادو نوکی دکار او عمل پروگرام طرح او په کور نیو زیر مو او بشری قواو باندي زیاته قوه واچوله شی .

دزاکریپ په ښارکی دپرمختیایمی هیوادو په ملور میز کی درایوبه قاطع اکثریت موافقه وشوه چی په خان باندي دانکا داصل دیواو تیا او دیوه نوی نړیوال اقتصادی نظم دجوړولو دپاره دپرمختیایمی هیوادو په مینځ کی دصمیمانه همکاریو موضوع دپره مهمه اوبوضروری کار گنل کپیری . همدارنگه دغذایی موادو د تولیداتو دسطحی دلورولو او په اقتصادی او تخنیکسی چاروکی دیوه کلفی بدلون درامنځ ته کولو دپاره دپرمختیایمی هیوادو نو ترمنځ په زړه پوری همکاری یو مهم کار بلل کیدای شی . پرمختیایمی هیوادونه که جبری و غواپی چی دیوه نوی نړیوال اقتصادی نظم دجوړیدو دپاره کار وکړی باید تر یو بلو مینځو شی .

نوی نړیوال اقتصادی نظم دجوړیدو دپاره کاروگری باید تر ټولو دمخه بغیلو مینځو کی سره یوموتی شی او هر ډول کپتالیستی اقتصادی مانور وسره مبارزه وکړی .

په زاگریپ کی دپرمختیایمی هیوادونو استاز وپه دی خبره باندي ټینگار کپیدی چی داجتماعی اصلاحاتو ستر ایزی په پرمختیایمی هیوادو نوکی دلوری دله مینځه وړلوسره لوبه مرسته کولای شی .

دمدور میز په خبر وکی موافقه وشوه چی دځمکو ددموکراتیک اصلاحاتو داصل دپه نظرکی نیولو سره باید گروند گرو او باغ لرونکو دکرنی ضرورت وړ ماشین الات برابر کړل شی او په ضمن کی ورته دکرنی دترویجی او اصلاحی چارو په باب ټولی نوی طریقې او عصری میتودونه و ښودل شی .

امپریالیزم عمده ترین ...

پوشیده نیست. این به اصطلاح مدافع حقوق بشر طی بیست سال تجاوز و جنگ افروزی در ویتنام صد هزار انسان بیگناه و وطن پرست را مقتول و یا معدوم نمود و پست ترین اعمال غیر انسانی و خلاف کرامت انسانی و حقوق بشر را درین سر زمین مرتکب شد. از نا پالم گرفته تا بمب های مکرر بی و کیمیا وی بر خلق ویتنام قهر مان استعمال نمود مزارغ ربه آتش کشید و حتی با استعمال مواد کیمیاوی زمین ها را غیر قابل زرع ساخت.

آری، این است شمه ای از خدمت گذاری های بشر دوستانه و آزادی طلبانه ای؟! امپریالیزم که امروز با برخ کشیدن پرده ی حقوق بشر؟! و آزادی؟! جار و جنجال بزرگی را برای انداخته است. و هر قدر انسان ها آگاه تر می شوند امپریالیزم نیز جامه بدل می کند و تازه ترین شکل تعمیر امپریالیست استعماری خود را علاوه از طریق مستقیم و مداخله مستقیم سرور صورت می دهد بلکه با دست نشانده ساختن و مفاد ساختن و تطبیع ممالک مختلف در مناطق مختلف جهان بهر سو دست اندازی می کند.

امپریالیزم و در راس امپریالیزم امریکایا برای انداختن توطئه ها و دسیسه ها در مناطق مختلف جهان فکر می کند که در هر جا که بخواند مانند چلی پنو چت هارا بر سر قدرت آورد و آنرا محافظه نماید تا خلق را به خاک و خون بکشد ولی این امر در عمل ثابت شده است که ناممکن می باشد چنانچه پنو چت و وطن ما (حفیظ امین جاسوس) را با وجود بکار بردن هر نوع حیله و نیرنگ نتوانست از طوفان خشم خلق برهانند.

جای بسیار تا سف است که در مناطق مختلف جهان مرتجعین بر سر اقتدار کشور های آله ای - دست و پیا ده کننده ای نقشه های

محمیلا نه امپریالیزم می گردد که خلقهای خود آنکشور ها در طول تاریخ مورد دستبرد امپریالیزم قرار گرفته اند. امروز دولت مصر در شرق میانه و پاکستان در منطقه ی جنوب آسیا، پیاده کنندگان نقشه های دسیسه کارا نه ای امپریالیزم امریکای می باشد چنانچه:

دولت فعلی مصر در سر دمداری سادات این معامله گران مدار تاریخ همه اعمال و دسیس و نقشه و دشمنی های امپریالیزم را که در حق خلق عرب و بخصوص مصر نموده بباد فراموشی سپرد و علاوه از آنکه با سازش ننگین کمپ دیوید نام سبیه خود را در تاریخ ثبت نمود اینک بحکم امپریالیزم امریکای دسیس آن دولت و آقای کارتر رادر حاشیه ای سرحدات ماعملی می نماید و از داری خلق تاراج شده ای مصر کمک های حاتم طایی مابا نه ای با به اصطلاح مهاجرین افغانی انجام می دهد.

هكذا جنرال ضياء الحق که زمام امور کشور بسرا در مسلمان و همسایه ای ما را بدست دارد با اعمال عاقبت نه اندیشا نهی خود با صلح و آرا می منطقه بازی میکند. دولت پاکستان تحت قو ما نده جنرال ضیاء کچکول خود را از کمک های ؟ اما لک

مختلف مملو ساخته است و بسا اصرار زیاد به ولی نعمت خود وسعت این کمک هارا طلب است.

چندی قبل هنگامیکه برژینسکی (چون ارواح خبیثه وسرگردان) نغاره به اصطلاح موضوع افغان - نستان را بگردن داشت و ووا زد پاکستان شد. جنرال صا حسب مصرانه از در بار امپریالیزم خود.

اما ن کمک های وسیع تر شد. آیا جنرال صا حسب اعمال دوستانه و غمخوارانه ای امپریالیزم انگلیس (سلف امپریالیزم امریکای) رادر مورد نیم قاره فراموش کرده است که حالا کشور اسلامی و برادر ما را بهزرد خا نه ای امپریالیزم تبدیل می نماید. به همه مرتجعین به صراحت اعلام می گردد که هر نوع تبلیغات و اعمال تحریک آمیز تنها به سود امپریالیزم و استعمار است و منطقه رانا آرام ساختن است. امپریالیزم امریکای که با این فعالیت های خود می خواهد ژاندرم دیگری در منطقه ایجاد نماید (قبلا امپریالیزم امریکای رضاشاه را در ایران با پلان های وسیع پنتاگون بمشابه ژاندرم استعمال می کرد و طوریکه تا ریش شامه است خشم خلق ایران براه انداختن انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی این توطئه ها و نقشه هارا نقش بر آب ساخت که این موضوع برای همه کسانیکه آله ای دست امپریالیزم قرار می گیرند از جمله جنرال صا حسب سخت آمو زنده است) و توسط آن

مختلف مملو ساخته است و بسا اصرار زیاد به ولی نعمت خود وسعت این کمک هارا طلب است. چندی قبل هنگامیکه برژینسکی (چون ارواح خبیثه وسرگردان) نغاره به اصطلاح موضوع افغان - نستان را بگردن داشت و ووا زد پاکستان شد. جنرال صا حسب مصرانه از در بار امپریالیزم خود. اما ن کمک های وسیع تر شد. آیا جنرال صا حسب اعمال دوستانه و غمخوارانه ای امپریالیزم انگلیس (سلف امپریالیزم امریکای) رادر مورد نیم قاره فراموش کرده است که حالا کشور اسلامی و برادر ما را بهزرد خا نه ای امپریالیزم تبدیل می نماید. به همه مرتجعین به صراحت اعلام می گردد که هر نوع تبلیغات و اعمال تحریک آمیز تنها به سود امپریالیزم و استعمار است و منطقه رانا آرام ساختن است. امپریالیزم امریکای که با این فعالیت های خود می خواهد ژاندرم دیگری در منطقه ایجاد نماید (قبلا امپریالیزم امریکای رضاشاه را در ایران با پلان های وسیع پنتاگون بمشابه ژاندرم استعمال می کرد و طوریکه تا ریش شامه است خشم خلق ایران براه انداختن انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی این توطئه ها و نقشه هارا نقش بر آب ساخت که این موضوع برای همه کسانیکه آله ای دست امپریالیزم قرار می گیرند از جمله جنرال صا حسب سخت آمو زنده است) و توسط آن

دیوار های جدید

بدون نقاشی فرق میکند، و شاید نقاش هم در این امر مسوولیتی نداشته و او بیشتر ذوق و نظر فرما یشی دهند مرامرات نموده باشد. بهر صورت این نقاشی های دیواری نظر به دید اشخاص فرق میکند. یکده آنرا ستوده اند و عده دیگر هم از آن انتقاد نموده اند و آنرا فاقد زیبا یی و هنر دانسته اند، تا نظر شما چه باشد.

درد یکو زیشن برای زیبا یی منازل دانست. کسیکه تا انداز در این هنر آشنا یی دارد می داند که این نوع نقاشی ها بیشتر جنبه تفریحی دارد تا هنری بهر حال چه این نقاشی ها بر خوردار از محتوا باشد یا نباشد برای دیوار ها و ساختمان ها بیکه فاقد زیبایی اندیکنوع پوشش بشمار میرود، ولی این پوشش نظر

نقشه های تجار و کارخانه مغرضانه خود را عملی سازد، امپریالیزم امریکای که سخت در جهان تجرید است و همه به ما هیت اصلی آن پی برده است اکنون می گوید که به زعم خود با براه انداختن موضوع نام نهاد افغان نستان ذهنیت جهان نیان را از اعمال شوم خود منحرف سازد. مگر همین حالا خلق آزاد - ده یی ایران برای کشیدن انتقام ازین دشمن بشریت و جهت اعتراف ض علیه دفاع و پناه دادن شاه فراری ایران لانه ی جاسوسی امپریالیزم امریکای را از صد روز به اینطرف در اشغال خود ندادند؟

امپریالیزم امریکای که با از دست دادن اجنت خود در افغانستان نستان (حفیظ الله امین) سخت دستپاچه شده است و صریحا مغرضانه علیه افغان نستان اقدام و تبلیغ می نماید جز رسوایی و ندامت چیزی دیگر بدست نخواهد آورد. چنانچه در مورد موضوع مغرضانه ای امپریالیزم امریکای بعد از پیروزی مرحله دوم و تکاملی انقلاب ثور در مصاحبه ای تا ریخی هجده دلو ۱۳۵۸ نطق وزارت امور خارجه افغان نستان چنین گفته شده است:

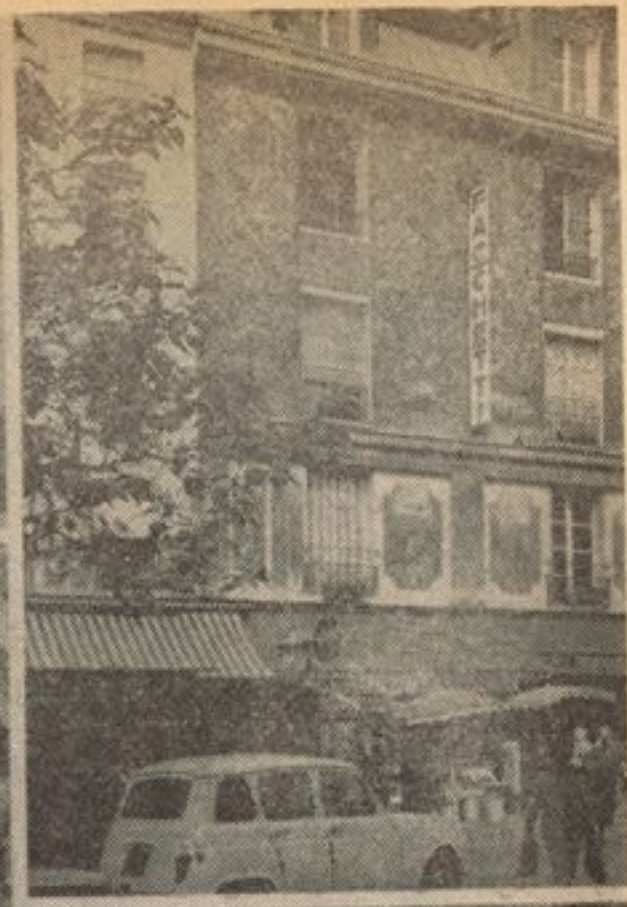
«مسافرت برژینسکی به پاکستان و بعضی کشور های شرق میانه و بطور خاص دیدار وی از آنچمننا بع امپریالیزم کمپ پنا - هگزینان می نماید، ادا مه مو قف مغرضانه ای است که امپریالیزم امریکای در مورد افغان نستان بعد از مرحله ی جدید انقلاب افغان نستان

اتخاذ کرده است...، خلق های مسلمان سرا سر جهان از افغانستان و پاکستان و مصر و غیره هیچگاه فراموش نمی کنند که این امپریالیزم و در راس امپریالیزم امریکایست که باعث سرگردانی آوارگی بیچارگی و فقر آنها شده است و به مقدم تر یسن مقدسات مذهبی آنها خیره سرانه بازی می نماید و اسرا نیل صبیو - نیست را بمشابه او باش تجاوزگر تطبیع و مسلح می سازد.

زنده باد خلق های آزاده جهان روی امپریالیزم مانند همیشه سیاه باد



چند نمونه از دیوارهای رنگت شده



نقاشی های که در بعضی از دیوارها دیده میشود فاقد این تازه گی است زیرا نه با معیارهای قبول شده نقاشی برآورد و نه تو جیب بیننده را جلب میکند .

بعضی از این نقاشی ها علاوه از اینکه فاقد زیبایی اند آزاردهنده نیز است مانند دیوارهای منعکس کننده که از رنگهای تند و درخشان بیشتر کار گرفته شده است .

این نقاشی های دیوارهای بیشتر در ساختمان های بکار رفته که فاقد زیبایی منظره بیرونی اند و صرف بخاطر پوشاندن عیوب این دیوارها است . رهگذر نا بلد و سیاح که این نقاشی ها را مشاهده میکنند باید بدانند آن متاثر میگردد زیرا تصور می نماید که هنر نقاشی چقدر رو به زوال نهاده است . و این هنر زیبا و کهن صرف به همین نقاشی های دیواری محدود مانده است و بسی .

یکعده کسان نیکه این نقاشی ها را دیده اند در مورد چنین ابراز نظر میکنند بعضی آن نقاشی ها مانند سراب است و فریب

مسافر یکه از دور این نقاشی های دیواری را می بینند بتصور اینگونه هر چه است در همین جا است بسوی باغ و بوستان می شتابد ولی هر قدر نزد یک میگردد بیشتر به حقیقت آگاه میگردد و با لایحه جز دیوار رنگ شده چیزی نمی یابد .

باید گفت که این نقاشی های دیواری چیز تازه و بکری نیست . این شیوه هزاران سال قبل از امروز رواج داشته است . با این تفاوت که در آن روز کاری نقاشی های دیواری از وسایل

محدود تری نسبت به امروز برخوردار بود . و نقاشی تازه راه خود را در قطار سابر هنر هاپاز کرده بود .

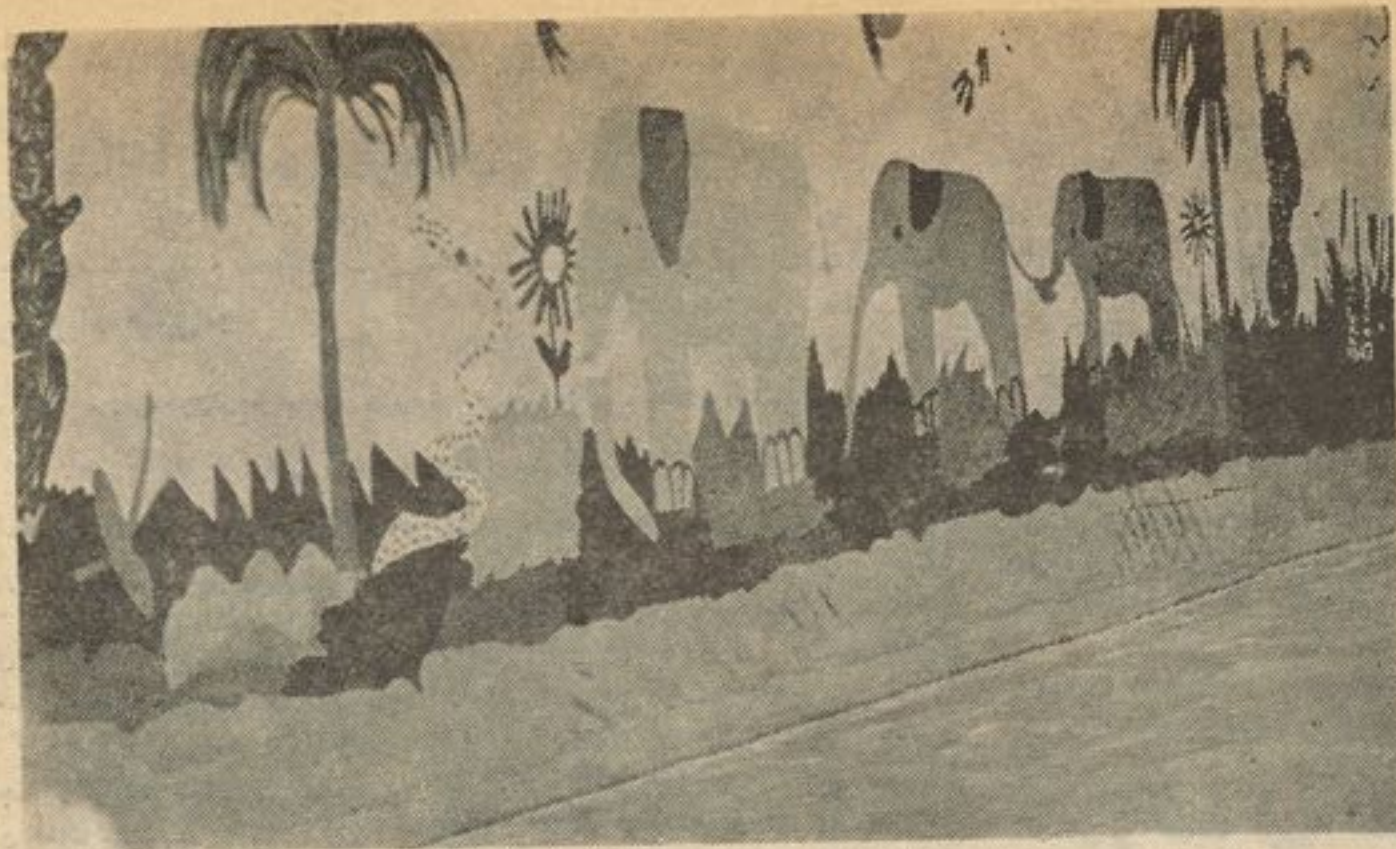


چند نمونه از نقاشی های دیواری که بعضی از آنها قد زیبا بی اندو برخی دیگر آن ... ترجمه : ر. ا

دیوارهای جدید برای شهر

نقاشی روی دیوار یا پدیده یی تازه که راه خود را باز کرده است

از چندی بدین طرف موج نقاشی های روی دیوار در ارو با رواج فراوان یافته است . بعضی از این نقاشی ها طوری است که بیننده و تماشاگر را متاثر میسازد ، زیرا این نقاشی ها جز رنگ آمیزی روی دیوارهای کج و معوج چیزی دیگری نیست ، اما برخی دیگر آن تا اندازه بسیار از هنرهای دیده میشود لکن دارای زیبایی اند که میتوان به آن نقاشی گفت . نوآوری و تازه آفرینی امروز در بسیاری از هنرهای دیده میشود لکن



گاهی این نقاشی‌ها فریبنده است

برای زیبا ساختن دیوارها و ساسا-
ختمانها این چنین نقاشی‌ها امر
لازمی و حتمی نبوده بلکه میتوان از
راه‌های دیگر نیز بر زیبا بی‌آن‌افز-
ود مانند پاک‌نکهدا شدن این ساسا-
ختمانها از دود و بعضی کثافات
دیگر

یک‌کده دیگر با تما شای این-
نقاشی‌های دیوار می‌گویند :
وقتی انسان به این رسمها مینگرد
فاصله و تفاوت که میان آثار نقاشی
شان حر فوی و پرو فیشنل و آما تور
وجود دارد بخوبی مشاهد می‌نماید
یابد هر قدر انسان به این رسمها
دقیق گردد بیشتر این فاصله و تفاوت
وت‌ها را می‌بیند لکن با تمام اینها
این شیوه‌ها و اشکال در ذات خود بی‌نتیجه
و خالی از فایده نیست . مهمترین
اصل که در این نقاشی‌ها مشاهده
میشود کار جمعی را نشان میدهد
و این خود وسیله ارتباط است بین
نقاشان و هنرمندان . بهر صورت این
نقاشی‌های دیوارها را می‌توان تزیین
بقیه در ص ۵۵



بعضی از این نقاشی‌ها به شیوه
خاص ترسیم شده

جوان در برابر سودجویی‌ها بی
شخصی و منفردانه بعضی میلو نسر
ها و صا حبان ثروت این نقاشی‌هایی
دیواری باعث شده که یک‌کده زیادی
از نقاشان و هنرمندان جوان مصر-
وف کار کردند و کار مشترکی برای
آنان ایجاد گردد . یک‌کده هم چنین
عقیده دارند که تغییر دادن دیوارها
و ساسا ختمانها توسط نقاشی یک
مساله مهم و یک پرو بلم عمده نبوده
اگر از جنبه بی‌سبب و لیک این
نقاشی‌ها بگذریم ، باید گفته
شود که این کارها فرود و نزول هنر
نقاشی را نشان میدهد . و تمام
این کارها جز تظاهر چیزی دیگری
نیست .

اما بعضی از این نقاشی‌های
دیواری واقعا زیبا و جالب است
یکی از بینندگان در مورد این نقاشی
ها چنین ابراز نظر میکند : منزل
من نزد یک این ساسا ختمان‌های نقاشی-
شده است . من هر روز مشاهده
میکنم که عده زیادی از این نقاشی
ها دیدن میکنند و این امر باعث
شده که بازار یک عده از دو کاسا-
نداران رونق داشته باشد .

آر تیستا نیکه این نقاشی‌ها را
بوجود آورده اند یک عمل مثبت
را برای اجتماع شان انجام داده
اند... وقتیکه برای نقاشان و هنر-
مندان کاری در آتیله‌ها و کارگاه
های شان وجود نداشته باشد
این مصروفیت‌ها تا اندازه می‌تواند
آنان را راضی نگه‌دارد و این عمل
شان نوعی ارتباط معنوی است
با اجتماع شان .

عده دیگر هم چنین عقیده دارند :

ها جنبه هنری دارد .
مثلا در فرانسه در بعضی ساسا-
ختمانها مخصوصا روی دیوارهای
بیرونی نقاشی‌های وجود دارد که
واقعا از زیبایی زیادی برخوردار
است .

در نقاشی‌های دیواری هدف
عمده دیگری نیز مطرح است و آن
عکس العمل شدن یک عده نقاشان



نمونه‌ای از نقاشی روی دیوار که بیشتر برای زیبا ساختن منظره
بیرونی بکار رفته است .

در نقاشی دیواری که امروزه
اروپا رواج پیدا نموده است علاوه
بر پوشش دیوارها توسط رنگ
و روغن ، احیای هنر قدیم بیشتر
مد نظر است . وقتیکه به ساختمان
ها و معا بعد قدیمی نظر می‌اندازیم
بعضی روی دیوارهای این معا بعد
و ساسا ختمانها نقاشی‌های
های را مشاهده میکنیم که ترسیم
کننده زندگی آن عصر بوده و نشان
دهنده هنر نقاشی آن زمان میباشد
از این رو ترسیم روی دیوارها
و ساختمانها یکی هم حفظ هنر قدیم است
این سخنان را یکی از نقاشان بیان
داشت .

یک موضوع دیگر هم در امر
نقاشی روی دیوارها وجود دارد
آن زیبا ساختن پس منظر این-
دیوارها و پنهان نگه‌داشتن ناز-
یبایی‌های دیوار از چشم‌هاست .
اکثر این نقاشی‌های دیوارهای
فابریکه‌ها و ساسا ختمانها یک-
از طرف بیرون منظره زیبا یسی
ندارند صورت گرفته است .
اما بطور کلی این نقاشی‌ها
صرف برای پوشاندن عیوب دیوار
ها نیست ، بلکه بیشتر این نقاشی‌

درباره سودمندی ...

تصحیح و یاد آوری :

باپوزش و علم خواص فراوان از خواننده گان ارجمند، متذکر میشویم که در مضمون «درباره سودمندی هنر» این شماره کمیختگی رو نما گردیده است که در واپسین دقایق چاپ مجله تلفت گردیدیم. بنا به مذاق سطر «برابر انسان می کشاید» صفحه ۲۲. مطلب ذیل همین جوکات مطالعه شود، و آنگاه به آغاز صفحه (۲۳) مراجعه گردد.

تولستوی که طرفدار جستجوی عاقلانه حقیقت بود سالها بر این سوال مسمی اندیشید که «چرا می نویسم؟» و بالاخر بدان نتیجه رسید که هدف هنر مشابه هدف زبان است. و آن وسیله متحد ساختن مردم میباشد در زیر سایه خداوند و کلمه از تباط نسیز از آن منشاء گرفته است. از این رو هر هنری که این یکپارچگی تیولوژیک مردم را بر هم بزند معیوب است.

بدینصورت به وضاحت دیدیم می شود که تیوری های گوناگون زیبایی شناسی به سودمندی هنری و بدانکه هنر در خدمت اهداف غیر زیبایی شناسی قرار می گیرد باور دارند. و این مطلب صادق است بدون نظر داشت آنکه اهداف مذکور تکامل تاریخی را ممانند یا مغل.

در واقع هنر هم لذت می بخشد و هم می آموزد. هم تنویر میکند و هم بر انگیزند. فعالیت و پیشرفت است در اینجا سخن بر سر هنر پیشرو است هنر ارتجاعی بانکای نغزای بیش از همه لذت می بخشد و مردم را به پستی مسمی کشاند. به بیراهه می برد و تسخیر مینماید. هنر ارتجاعی مانع پیشرفت و تحقق ضرورت تاریخی است چنان هنری منفی، معیوب و دروغین است و اما در دوران معیوب و بلهوس تنها همین هنر ارتجاعی را هنر می شناسند و تنها

توقع سودی از آن ها خوش آیند میباشند یعنی کاملاً بی غرضانه. این گونه تشخیص زیبایی شناسی انکشاف عقیده دیگر فیلسوف مذکور میا شد که عبارت است از «هدف بودن بی هدفی» بدان معنی که «هدف زیبایی خود آن است» یعنی خود غایب خویش است.

پستر سپتر با پژوهش در قوا نیسن تکامل فرهنگ (تغییر ساز ما نهایی مختلف و اهداف و وسایل نیل به اهداف) تأیید کرده: دنیا که آنرا در صفحه ۲۳ بخوانید

۱۴ مخ پاتی

دخمکی دآب او هوا ...

شته که چیزی دار کتیک دسمند رگی دانمی کنگلو نه ویلی شی ددغی سیمی پوزیاترو سیمو کی به بیا دژ می دموسم کنگلو نه تشکیل نشی.

دخمکی د تو دوخی زیا توالی دسمندرونو دسطحی خخه د بخار ونو پورته کیدل هم زیا توی او احصا نیو دا هم جو ته گیری

د توخی به صورت کسی وگوب و عر ضی زیا توالی داوبو د تبخیر اندازه به پوره انداز زیا توی لکه چی پورته ذکر شوی د تو دوخی به صورت کی د لوپ و عر ضی اللبد ونو دسیمو تودوخی د تیپو عر ضی - اللبد و نو دسیمو به پرتله لوپ پری د

داو پوره هم شته چی دمخنیو عر ضی اللبدونو سیمی یعنی د آسیا، ارو پااوشما لی امریکا به سیمو کی داو بو نشتا لی احساس شی. دغه شان حالات به (۱۹۳۰) کال او (۱۹۶۷) او (۱۹۷۲) کلونو کی هم به نو موپو سیمو کی خه نا خه ولیدل شول خو به

خو خه تو که دا سخته بر بیسی چی دراتلونکی جغه دوران دآب او هوا به باب چی کنگل یکی نه وی خه وویل شی. خو به عر صورت ددغه دوران آب او هوا به بیخی دنتی آب او هوا به نسبت بیخی تو بیر ولری. دار کتیک ددایمی کنگلو نو دو ویلی کید و به نتیجه کی به زموون او سنی تری آب او هوا د پلبو سینی دوری نه سباعت پیدا گیری. د خمکی دپا سه د پلبو سین دوره له دوو خخه تر دربو میلیونو کلونو خخه یخوا وه. ددغی دوری اقلیمی حالت د خمکی داتمو سفیر داو سنی حالت سر ه

از مجله ساینس ورلد ترجمه بریالی علی زاد

در صرف نمودن گوشت باید

محتاط بود

ممکن سوالات گوناگون راجع به طرز تغذی انسانها در ادوار مختلف تاریخ نزد هرکس خلق شود و شاید یکی از این سوالات این باشد که آیا مردمان مغاره نشین چه میخوردند؟

اکثر مردم جهان به این عقیده اند که مغاره نشینان ابتدایی ترین واو لین گوشت خواران روی زمین بودند. مگر در اثر کاوشهای خستگی ناپذیر دانشمندان این حقیقت به اثبات رسیده که اجداد ما درازمه های قبل تاریخ گیاه خوار بودند.

داکتر الان واکر آنترولوژیست پوهنتون جانس هویکنس بمنظور اینکه فقط دریابد که اجداد ما در ادوار مختلف تاریخ چه میخوردند دندانهای فوسیلی انسانهای را که در زمانهای ماقبل تاریخ در روی زمین زیست داشتند تحت مطالعه قرار داد. (دندان فوسیلی دندانی را گویند که نظریه گذشت زمان به سنگ تحول نموده باشد.) داکتر

واکر در نتیجه تحقیقات بگیریش در یافت نمود که انواع ذرات سیلیکا (ریگ) موجود در غذا خراشیده گی های میکروسکوپی را بردند آنها تولید مینماید. اینرا هم باید خاطر نشان نمود که واکر میتواند با مشاهده دندان فوسیلی در تحت میکروسکوپ مخصوص معلوم نماید که آیا صاحب اصلی دندان گوشتخوار بوده یا گیاه خوار و یا اینکه از گوشت و گیاه بطور مختلف تغذی مینمود.

باید گنت که داکتر واکر دلدانهای آن انسانهای ماقبل تاریخ را تحت مطالعه قرار داده که در سالیان خیلی قدیم از هوموارکتس (اسلاف قرین مردمان مودرن) میزیستند. و در نتیجه در یافت که اوشان میوه خوار بودند.

همچنان در نتیجه تحقیقاتیکه بالای طرز تغذی انسانیکه همین حالا بشکل ابتدایی زیست مینمایند صورت گرفته چنین نتیجه بدست آمده: غذاییرا که اوشان صرف مینمایند (۸۰-۶۰) فیصد آنرا میوه جات و نباتات تشکیل میدهد. وهم در نتیجه مطالعات صحیح که بالای ایشان بعمل آمده این حقیقت به اثبات رسیده که این مردمان نادرا به امراض فرط فشار خون، چاقی و آفات شرایین اکلیلی قلب مصاب میشوند.

از روزیکه تمامی امراض فوق، راه انکشاف سریع را نزد اشخاصیکه بخش عمده غذای روزمره شان را گوشت تشکیل میدهد در پیش گرفته دانشمندان طب اظهار داشته اند: اشخاصیکه از گوشت کمتر واز سبزیجات و میوه جات استفاده بیشتر مینمایند نسبت به اشخاصیکه گوشت بیشتر بیشتر صرف مینمایند صحتمند تر و دارای عمر طولانی تر اند. همچنان معتقدند که: انسانها میوه جات و سبزیجات را نسبت به گوشت، ماهی و گوشت مرغ زودتر و بهتر هضم مینمایند. از حقایق فوق چنین استنباط میگردد که تغییر دادن طرز تغذی از گوشت خوری به میوه خوری و سبزی خوری منضم صحت کامل و عمر طولانی برای ماست. و هم دانشمندان علم طب اظهار عقیده نموده اند که: در صورت استفاده بیشتر و بهتر از سبزیجات و میوه جات امراض قلبی و عایی، چاقی و دیابت (مرض شکر) را که عامل عمده شان صرف نمودن گوشت و غذاهای ناسا در ست و غیر متنوع قبول گردیده تریا رخت مینماید.



سلام به همکاران عزیز!

بعد از دعای سلامتی، تجدید مطلع میکنیم و میگوییم که در شماره گذشته میبایستی جواب نامه های شما میبرداختیم اما توفیقی نیافتیم و اقبالش را از کف مادر رودند و از سوی چه باید کرد؟ من مامورم و معذورم، و شما هم همینگونه... بهر صورت:

دوست عزیز محمد نذیر (زهیر) مامورنی برق دستگاه پروان!

خوب کار میکنید و هیچ اندیشه بی خود راه ندهید! آفدرهم، این هر دو (شعر و سخن) از هم دور نیست که باهم جوش نخورند، گرچه دریادی امر این کجا و آن کجاست و شعر کجا و نخبک کجا... اگر از جز بیات شعر گفتن و کاد فنی کردن بگذریم، برای پاس داشتن علاقه و سلیقه شما، توجه شمارا به این قسمه جلب میکنیم:

میگویند، و قبحه کجا نورا نوران شوروی در آن سفینه تنگ فضایی خویش، در آن فضای بی انتها و لایتناهی در دل آسمان ره میزدند، با ترم ترانه هوسرود هادلتنگی خود را زمزمه مینمودند و شادمانه به انجام کارهای خود مشغول می شدند...

و گویی اگر شعر و ترانه نمی بود، دل فضا نوردان در آن سفینه بی تنگ و دل آزار از دلنگی به فرکیدن می آمد و آفتاب را از کارشان باز میداشت! بهر تقدیر اینهم گره خوردگی صنعت و سخنک باشعروادب...

دوست عزیز، اشعار شما را از نظر گذراندم و بنا به خواست شما توصیه می نمایم که شعر بسیار بخوانید. اگر نوبه شعر گفتن دست یازیده اید، حرفی نیست و بقول حافظ: همت بدرقه راه کن ای طایر قدس که در ازست ره مقصد و من نوسفرم

در غیر آن در اشعار شما استحکام و بلندی کلام، دید شاعرانه، نحوه بیان، وسعت و قور واژه ها جای ندارد و فقط کلمات در قالب موزون کلام ریخته شده است و دیگر در فکر نبوده اید که کدام کلمات در قالب شعر ریخته شود که شعر پخته شود... عجالتا یک یادو پارچه شعر شما را به رعایت نوبت، در صفحه دوستان به نشر میسپاریم و حرف بقیه را میگذاریم به بعد که چه میفرستید. آهک مورد اینکه گفته اید (این پارچه شعر بعد از چاپ

در مجله ژوندون، بایست توسط رسیده زاله... از طریق تلویزیون نیز قرائت کرد... ما را متعجب ساختید و فکر ما را به قصه بی انداختید که خود هم می فهمید برای برهن از پرگویی، قصه را مختصر میگویم. میگویند: اسب سواری را به ده زام نمیدادند ولی او تقاضا داشت که اسپش را در خانه ملک ببندند به انتظار همکاری تان.

دوست گرامی، س. ج متعلم صنف دوازدهم تکاهی ارسالی تان رسیده، و در یکی از شماره های آینده بجای میرسد و انتظار کجایات پر خنده یی دیگر شما را داریم و راستی نقشه را نمی بینید اگر نه پدر محترمش هم همین چنین کلان کلان نمی گفت. به امان خدا بلا نصرا لرین... دوست مهربان عبدالقدیر بران متعلم صنف یازدهم لسه رحمن بابا!

سلام علیکم پارچه شعریکه به استقبالات صفحه زنان و دختران فرستاده اید، رسید. تشکر از لطف و نظر تان، اینهم گزیده یی از آن:

بساط نام تو در جهان به دختر افغان بانام نامی رابعه ات کافی است همین که از تودر گوشه دنیا سخن آید، عجب خوانده اندر صفت تو ((غرق آزادی)) باخون رنگین ای دخت سرنوشت خود را خود کن تعیین بدست قلم به دست دیگر تفنگک زین به گیتی سر بلند باشی ای دختر افغان جاوید زی باشی به همین رهین

دوست ارجمند میر حبیب الله شفق عضو مهندسی ریاست تعمیرات وزارت دفاع

ماهم سلام هایکه گرمی را از خورشید و شیرینی را از غسل وام گرفته باشد، تقدیم شما دوست عزیز می نمایم و سلامتی آرزوی کنیم از لطف و نظر نیک تان تشکر پارچه شعر (بیتوی) شمارا که خدانگهدی اوشوید، در یکی از شماره های آینده بدون در نظر داشت قربت بچاپ میسپاریم و علتش اینکه نوبت را از ماه هایش گرفته اید و یارد دیگر انصاف نشاند که باز هم بر رعایت نوبت بایستید. خدا حافظ دوست عزیز محمد همایون عزیز عضو انجمن تجارتنی در کویت.

سلام میفرستیم و سلامتی شما همکاران بان را آرزو میبریم. خرسندیم که در یاد ما اید و همکاری خویش را پیوسته دنبال میکنید

مضمونی بایک قطعه عکس و شعر از شما دریافتیم که مضمون تان به صفحه جوانان بچاپ میرسد و پارچه شعر شما در صفحه دوستان، به انتظار همکاری تان، خدا حافظ.

دوست عزیز احمد فواد داعی! یادداشت های سودمندتان که حاوی گریختن از عوش ها از خانه ها، و حفاظت کاهو ها از حشره ها و تشکیک تخم خوب از بد بود به ما رسید و سپردیش به متصدیان صفحه خنده و دوستان که در صورت لزوم به چاپ بسپارند. موفق باشید..

همکار مهربان فاطمه حمیدی متعلم لسه آمنه فدوی!

بپذیر سلام مرانیز، مطلب شما را به متصدی صفحه مسابقات و سر گرمیا تحویل دادیم که در امر نشرش اقدام نماید، خدا حافظ تان.

رفیق ارجمند محمد یاسین محصل پوهنخی انجنیری!

سلام علیکم دوست عزیز، داستان شما رسید و اگر با اسلوب داستان نویسی هماهنگ بود، همزمان باطلبعه بهار داستان شما نیز از صفحات مجله ژوندون ملووع خواهد کرد. ولی در غیر آن چیز های دیگری بفرستید...

برادر بزرگوار محمد شریف پیغام! پارچه شعر، چکیده از ذهن جستجوگر تان به ما رسید، سپردیش به متصدی صفحه دوستان که با در نظر داشت رعایت نوبت به نشرش مبادرت ورزد، کامروا باشید... دوست عزیز فضل هادی وزین متعلم مدرسه عالی دارا لعلوم غربی کابل!

«نگاه گرم» شمارا از بسته رسان گرفتیم کمی هوای سرد اسمال آن نگاه ها را سرد ساخته است. اگر از شوخی بگذریم این پارچه شعر شما از پختگی کلام عاریست که حتما در آینده، با همکاری های دیگر تان جبرانش را میکنید و واقعا «نگاه های گرم» میفرستید موفق باشید.

رفیق مهربان غ. ج. چولی نای! دو پارچه شعر از شما دوست عزیز در یافتیم و عنقریب یکی آن که با مرامنامه نشراتی مجله وفق دارد به حلیه طبع آراسته میگردد. مطالب بیشتری بفرستید و همکاری خویش را پیوسته ادامه دهید.

دوست مهربان ام. س. جنبش! سلام میگویم و خوشوقتیم که همکاری خویش را با مجله ژوندون آغاز یده اید. مطلب بنام «زن در اجتماع» و جواب به پرسش صفحه مسابقات و سرگرمیا را خواندیم. هر دو مطلب رایبه متصدیان «دوستان» و «سرگرمیا» سپردیم که در نشرش توجه بدارند، موفق باشید.

برادر عزیز غلام سخی! متقابلا سلام میگویم. ملی حتما میباید هر چه دل تشنگ تان میخواست بگو یید و ما بفرستید: و بازم عرض کنیم که حتما بجایش اقدام میوزیم مشروط بر اینکه مسا موازین و اصول نشراتی مجله وفق داشته باشد مطمئن باشید، خدا حافظ تان.

رفیق مهربان شیرمحمد هوتکیار محصل اکادمی تربیه معلم! جواب جدول شماره (۳۷) مجله ژوندون را دریافتیم و یادداشت که در ذیل نام خویش نکاشته اید درست و صحیح است. مطلب تانرا به متصدی صفحه سرگرمیا و مسابقات سپردیم که قناعت تانرا فراهم سازد و اسم شمارا در زمره حل کنندگان جدول مسابقات بگردد. موفق باشید.

مطالب دیگری نیز به مجله رسیده است که وفق به ارا به پاسخ نشدیم و در آینده کوشش می نماییم که به جواب پردازیم عجلالتا از آنهاییکه به مانامه فرستاده اند و جواب نگرفته اند، فقط اسم شانرا ذکر می کنیم که نامه های شان بما رسیده است:

- دوست عزیز، فینون وری عین
- دوست عزیز، عبدالقهار امان
- دوست عزیز، سید رحیم متعلم لسه شبرغان
- دوست عزیز، ا. س. جنبش
- دوست عزیز، عزیزه رسولی
- دوست عزیز، نادر
- دوست عزیز، میرمن ماری
- دوست عزیز، بشیر احمد
- دوست عزیز، نعمت الله «نیکین»
- دوست عزیز، عبدالرحی «غروب»
- دوست عزیز، یارپور
- دوست عزیز، ناصر آرین
- دوست عزیز، بسم الله «حریف»
- دوست عزیز، محمد یاسین محصل انجنیری
- دوست عزیز، محمد عاطف عثمانی
- دوست عزیز، سید حسن
- دوست عزیز، احمدالله رهین
- دوست عزیز، سوریان
- دوست عزیز، شیرمحمد هوتکیار



- مدیرمسؤل: شیرمحمد کاوه
- سعاون: محمد زمان نیکرای
- امرچاپ: علی محمد عثمان زاده
- مبتمم: نوریه
- ادرس: انصاری بات

تیشون دفتر: ۲۶۸۴۹

مطبعة دولتی

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**